

نشر نفحات الله

كتاب ششم

مؤسسه روحی

ط ۱۶۱ ب

مجموعه کتب روحی :

- | | |
|------------|---------------------------------------|
| کتاب اول | تأملاتی بر حیات روح انسانی : |
| | «فهم آثار مبارکه بهایی» |
| | «دعا و مناجات» |
| | «حیات و ممات» |
| کتاب دوم | قیام به خدمت : |
| | «لذت و شوق نشر نفحات» |
| | «مباحثی جهت تزئید معلومات» |
| | «معرفی اعتقادات اهل بهاء» |
| کتاب سوم | آموزش کلاسهای اطفال، کلاس اول: |
| | «بعضی از اصول تربیت بهایی» |
| | «دروسی برای کلاسهای اطفال ، کلاس اول» |
| | «اداره کلاسها برای اطفال» |
| کتاب چهارم | دو ظهور بیایی : |
| | «عظمت این یوم» |
| | «حیات حضرت باب» |
| | «حیات حضرت بهاءالله» |
| کتاب پنجم | آموزش کلاسهای اطفال، کلاس دوم و سوم: |
| | «دروسی برای کلاسهای اطفال ، کلاس دوم» |
| | «دروسی برای کلاسهای اطفال ، کلاس سوم» |
| کتاب ششم | نشر نفحات امرالله : |
| | «طبیعت روحانی نشر نفحات» |
| | «خصائص و نگرشهای ناشر نفحات» |
| | «عمل نشر نفحات» |
| کتاب هفتم | با یکدیگر در سبیل خدمت مشی نماییم : |
| | «طریق روحانی» |
| | «راهنما شدن کتب ۱ تا ۶» |
| | «ترویج هنر در جامعه محلی» |

کتاب هشتم

عهد و میثاق :

« میثاق الهی »

« میثاق حضرت بهاء الله »

کتاب نهم

سعادت خانواده :

« حیات عائله بهائی »

« اساس روحانی سعادت »

فهرست مندرجات

- | | |
|----|--------------------------------|
| ۵ | ۱ - خطاب به همکاران |
| ۹ | ۲ - ماهیت روحانی نشر نفحات |
| ۴۵ | ۳ - صفات و ویژگیهای ناشر نفحات |
| ۹۳ | ۴ - عمل نشر نفحات |

کتاب دوم مؤسسه روحی معرفی اولیه‌ای را در باره تبلیغ؛ به همراهان ارائه نمود. تمرکز بر دو چیز بود: یادگیری نحوه ملاقات با مؤمنین تازه تصدیق و بحث در باره موضوعات خاص به منظور تعمیق مطالب و دوم کسب توانایی در به کارگیری نظرات و عقاید بهایی در مباحث خود با استفاده از نحوه بیان حضرت عبدالبهاء در خطابات و الواح مبارکه. اکنون که قدری تجربه عملی در این زمینه کسب گردید، همراهان در این برنامه بدون شک مشتاقند در مورد موضوع تبلیغ غور و غوص بیشتری نمایند.

این کتاب شامل سه بخش می‌باشد. در بخش اول «ماهیت روحانی نشر نفحات» سعی شده است درک همراهان را از معنای روحانی تبلیغ افزایش دهد. بخش دوم، «صفات و ویژگیهای ناشر نفحات» موقعیتی را فراهم می‌آورد تا در باره خصائصی که یک مبلغ امرالله باید در کسب آن بکوشد، تفکر شود. در بخش سوم «عمل نشر نفحات»، طرق مختلف تبلیغ فردی و پروژه‌های جمعی مورد بحث قرار گرفته است.

در میان موضوعات مختلفی که در این بخشها، ارائه شده، دو جریان در کل کتاب وجود دارد و در متون مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد. کسانی که به عنوان راهنمایان دوره فعالیت دارند باید مطمئن شوند که همراهان درک کاملی را از مطالب مربوطه کسب نمایند.

اولین موضوع در باره «بودن» و «عمل کردن» به عنوان دو جنبه جدایی ناپذیر حیات بهایی است. تأکید بر این است که جهت اینکه مبلغین مؤثری شویم، باید روزانه کوشش کنیم حیات درونی خود را تصفیه نماییم و همزمان بطور منظم مشغول امر تبلیغ شده و تجربه کسب کنیم. متأسفانه در جهان امروز، ایجاد دوگانگی و تباین یک عادت فراگیر و گسترده عقول است که می‌تواند به آسانی وارد جامعه بهایی گردد. باید تحصیل کنم یا مهاجرت؟ آیا باید به رفع نیازهای خانواده‌ام توجه کنم یا به امرالله خدمت نمایم؟ آیا باید در تکامل خود متمرکز شوم یا باید دیگران را تبلیغ نمایم؟ قبول این دوگانگی اخیر - که در تحلیل نهایی، غیرواقعی است - فرد مؤمن را از کار می‌اندازد، و امید می‌رود که این دوره به همراهان خود کمک کند از چنین ضعف و ناتوانی دور بمانند. موضوع دوم که به اندازه موضوع اول اهمیت دارد، در باره یادگیری است. اعتقاد بر این است که مؤثر بودن در تبلیغ، چه فردی و چه جمعی، به مرور پیشرفت می‌کند؛ اگر در حالت یادگیری باشیم. تجربه نشان می‌دهد که تشخیص این حقیقت ساده و میل به پذیرفتن خصوصیات که بیانگر چنین حالت یادگیری است، می‌تواند درهای موفقیت را به روی ما بگشاید.

کتاب از جنبه تئوری به جنبه عملی کشیده می‌شود و توجه خود را به مفاهیم، خصوصیات، نگرشها و مهارتهایی که قابلیت شخص را در امر تبلیغ افزایش می‌دهند، متمرکز می‌کند. اولین بخش

بطور وسیعی به مفاهیم می‌پردازد: ماهیت وظیفه‌ای که مظهر امر بر عهده ما نهاده‌اند، حکم تبلیغ به عنوان رمزی از فیض الهی، مشتعل کردن، رابطه میان تبلیغ و آگاهی، تقدس، تبلیغ به عنوان وظیفه مقدس هر فرد بهایی، تبلیغ به عنوان گشودن ابواب مدینه قلب انسان، تبلیغ به عنوان عملی که آغازگر روند تغییر و تحول روحانی است، کلمه الله به عنوان قوه‌ای مؤثر در این تغییر و تحول و نقش عشق و محبت در تبلیغ.

ذکر اینکه بخش اول بطور وسیعی با مفاهیم سروکار دارد، به این معنا نیست که مشورت باید در سطح تنوری باقی بماند. راهنمای گروه باید اطمینان حاصل نماید که اهداف تمرینات مختلف واقعاً حاصل شده، به این معنی که درک همراهان آنقدر عمیق شده که ویژگیهای آنها را تحت تأثیر قرار دهد و آنها را بر آن دارد که خود را به مهارتها و تواناییهای لازمه تجهیز نمایند. خصوصاً در دنیایی که در آن حتی مفهوم تقدس در حال ناپدید شدن است و تقریباً هر چیزی به سطح یک خرید و فروش تنزل یافته، همراهان بایستی با یک آگاهی قوی نسبت به مفهوم «تقدس»، دوره را تمام کنند و هشیار باشند که هنگام تبلیغ در حال تعامل با قلب انسانی و قوای روحانی بیشماری هستند که فرد را به عرفان و سپس به ایقان هدایت می‌کند.

دومین بخش، نگرشها و کیفیات روحانی مبلغ را بررسی می‌کند. قسمتهای اولیه به تفکر در مورد صفاتی مثل: طهارت قلب، محویت، ایمان، شجاعت، حکمت، انقطاع، خضوع و خشوع و شور و شوق اختصاص داده شده است. تکامل صفات روحانی مطلبی است که مکرراً در کتب مؤسسه روحی اما در زمینه‌های مختلف مطرح شده است. در اینجا هدف تشخیص اثراتی است که این صفات در امر تبلیغ دارد؛ بنا بر این مذاکره گروه باید ورای کلی‌گویی باشد و معطوف بر این باشد که چگونه هر صفت تأثیر مبلغ را افزایش می‌دهد.

ویژگیهای ما در مواجهه با اوضاع ظاهر می‌شود و در فرهنگ، تربیت، خاطرات و تجربیات قبلی، و البته، در صفات روحانی ما ریشه دارد. گشاده‌رویی ما در مقابل مردم و همراهی که با آنها در تلاش برای درک حقیقت داریم، نمونه‌هایی از ویژگیهایی است که بر روی تبلیغ اثر می‌گذارد. در این بخش مذاکره در مورد ویژگیها در قسمتهای آخر بر بینشهایی در مورد صفات روحانی که از طریق مطالعه بخشهای اولیه، کسب گردیده استوار شده است. جریان افکار طبیعتاً در رفتار انسان به عنوان یک ضرورت اساسی برای کسب حالت یادگیری ظاهر می‌شود. یک نگرش یادگیری به تبلیغ، که از خضوع و خشوع حقیقی ناشی می‌شود، در قلب همه ویژگیهایی که برای یک مبلغ بسیار ارزشمند است، قرار می‌گیرد.

امید آنکه، نظرات مطرح شده در این قسمتها، همراهان را متقاعد سازد که در مساعی تبلیغی شان نیاز به پیروی از یک الگوی مشورت، عمل و تفکر دارند یعنی بطور منظم درگیر عمل تبلیغی شوند، در باره نتایج مساعی شان به تفکر بپردازند، با همدینانشان در باره تأثیر آنچه که

گفته‌اند، و انجام داده‌اند مشورت کنند، برای پاسخ به سؤالاتی که به وجود آمده به آثار مراجعه نمایند و روشهای خود را در پرتو تجربه و همچنین بینشی که از مطالعه آثار به دست می‌آورند، اصلاح نمایند. اولین ثمره این عمل و تفکر باید در کی باشد از اینکه چگونه اصل اعتدال در امر تبلیغ به کار می‌رود: اینکه درجه پذیرش هر فرد تعیین می‌کند چگونه باید با او روبرو شد، بیابا کانه یا محتاطانه، مستقیم یا غیر مستقیم، مدعیانه یا مسالمت آمیز.

برای پیش رفتن در این بخش با گروه، راهنما باید تشخیص دهد که تکامل صفات روحانی و تغییر هوشیارانه ویژگیها بدون تلاش و کوشش رخ نمی‌دهد. یک مرحله مهم اولیه، البته، درک مفاهیم مربوطه است. برای مثال، درک مفهوم سخاوت و نتایج آن در رفتار، به تقویت این صفت منجر می‌شود. اما و رای درک، شخص باید اراده و اشتیاق خالصانه برای پیشرفت روحانی داشته باشد. اراده و اشتیاق توسط مذاکرات عقلانی صرف به وجود نمی‌آید، بلکه لازم است هر فرد در باره وضع و حالت درونی خود به تفکر و تعمق عمیق بپردازد. پس این وظیفه راهنماست که یک محیط مساعد برای چنین تفکر و تعمقی ایجاد کند - محیطی که به احساس گناه دامن نزنند، مستلزم اعتراف نباشد، سرزنش و ملامت را تشویق ننماید، محیطی که در آن گروهی از دوستان بتوانند بیطرفانه در باره موضوعات نظری و عملی مشورت کنند و هر کس بطور خصوصی در باره آنچه که از او خواسته شده به تفکر بپردازد.

بخش سوم معطوف به خود عمل تبلیغ می‌باشد. مهارتها و تواناییهایی که یک مبلغ امرالله باید کوشش کند آن را ایجاد نماید هم در زمینه نقشه‌های شخصی و هم در زمینه پروژه‌های گروهی بررسی شده است. در اینجا مجدداً، دوگانگی و تباینی کاذب (متضاد دانستن این دو بُعد از ابعاد تبلیغ) گاهی اوقات می‌تواند جامعه بهایی را فلج نماید. عباراتی که در این بخش ارائه شده و تمرینات مربوطه با هدف به وجود آوردن راه حلی برای همراه می‌باشد تا در سراسر حیات بهایی خود به هر دو نوع تبلیغ مشغول گردد.

بعضی از مفاهیم بسیار اساسی که گروه با کمک راهنما بررسی می‌کند بدین شرح است: ابلاغ کلمه یکی از عناصر تبلیغ است، اما به تنهایی تبلیغ نیست، تبلیغ، مستلزم گفتگو میان مؤمنین راسخ با مشتاقان تحری حقیقت امر حضرت بهاءالله می‌باشد؛ در حالی که ما نباید هیچ فرصتی را برای اعلان امر الهی و تبلیغ غیرمستقیم از دست دهیم، در این زمان از تاریخ بشر که پذیرش خیلی زیاد است، نیاز به کسب و بهبود مهارتها و تواناییهای تبلیغ مستقیم داریم؛ که چالش امروزه ما جذب عده زیادی از افراد در ظل امرالله است، با این وجود هدف کوششهای تبلیغی ما نباید فقط ثبت نام افراد جدید باشد؛ تبلیغ با تسجیل و ورود شخص به جامعه تمام نمی‌شود، بلکه بایستی تا زمانی که مصدق جدید به یک حامی راسخ و پرشور امر تبدیل گردد ادامه یابد؛ برای استمرار جریان وسیع توسعه و تحکیم، برنامه‌های مؤسسه لازم و ضروری است تا منابع انسانی افزایش یابد و بتواند تعداد مؤمنین را

که مستمراً رو به افزایش هستند تقویت و تعمیق کند.

در زمینه تبلیغ مستقیم، چند قسمت از بخش سوم متن محتوای پیامی را که باید به متحرزی ارائه شود، تجزیه و تحلیل کرده است. این امر با کمک یک نمونه انجام شده است، در وضعیتی که یک شخص جوان دوست خود را تبلیغ می کند. معرفی امرالله که در اینجا مطرح شده نباید به عنوان یک فرمول فرض شود که بایستی بطور یکسان در همه جا از آن استفاده شود. آنچه که دانستن آن برای همراهان اهمیت دارد، تشخیص این است که آنچه ارائه می دهند نباید مجموعه ای تصادفی از نظریات و اصول باشد بلکه باید توجه و تفکر زیادی برای تدوین یک معرفتی جامع از امر مبذول نمایند.

نهایتاً، از همراهان این دوره خواسته می شود یک نقشه تبلیغی فردی تهیه نمایند و حداقل در یک نقشه تبلیغی ملی، ناحیه ای یا محلی شرکت نمایند. اگر آنها بخواهند بهره کامل از مطالعه کتاب کسب نمایند، این تجربه عملی ضروری است. راهنما، البته آنها را در مساعی شان در این مسیر یاری خواهد نمود و از مؤسسات مربوطه یعنی اعضای هیأت معاونت، محافل و کمیسیونها کمک خواهد طلبید.

ماهیت روحانی نشر نفحات

هدف:

- درک اینکه نشر نفحات، عملی با اهمیت ویژه روحانی است.
- درک اینکه نشر نفحات مؤثر مستلزم «بودن» و «عمل کردن» است.
- توجه به شرایط درونی فرد و به همان اندازه، فعالیت دائمی او.

قسمت اول

در این بخش ما مفهوم تبلیغ امرالله را به عنوان عملی با اهمیت ویژه روحانی بررسی خواهیم نمود. در مطالعات خود در آثار، مباحث مربوط به وجوه و جنبه های مختلف تبلیغ را مورد بحث و مطالعه قرار داده اید و این به همراه مشارکت شما در مشاورات و فعالیت های جامعه به شما کمک کرده است تا عقاید خود را در مورد موضوعی که مورد توجه بسیار بهائیان سراسر عالم است، شکل دهید. برای شروع، پاره ای از عقاید خود را در باره تبلیغ با تکمیل جملات زیر بیان کنید:

- تبلیغ _____ است.
- تبلیغ _____ است.
- تبلیغ _____ است.
- تبلیغ _____ است.
- تبلیغ _____ است.

قسمت دوم

اغلب می شنویم که «تبلیغ وظیفه مقدس هر بهایی است». تبلیغ وظیفه هر فرد مؤمن است به چه معنی است؟ البته سریعترین جواب این است، حکمی است که حضرت بهاءالله به هر یک از پیروانش واجب نموده است. می فرمایند: «قُلْ يَا مَلَاءِ الْبَهَاءِ بَلِّغُوا أَمْرَ اللَّهِ» و خطابشان این است که: «لَإِنَّ اللَّهَ كَتَبَ لِكُلِّ نَفْسٍ تَبْلِيغَ أَمْرِهِ وَجَعَلَهُ أَفْضَلَ الْأَعْمَالِ»^(۱)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: بگو ای اهل بهاء، امر الهی را تبلیغ کنید.

برای اینکه خداوند نوشت بر هر نفسی تبلیغ امرش را و آن را برترین اعمال قرار داد.)

کلمه «وظیفه» در گفتگوها و مکالمات به طرق مختلفی به کار می رود. گاهی مقصود مجموعه مقرراتی است که بدون دلیل مشخصی به ما تحمیل شده است. پاره ای از وظایف را نیز اموری می دانیم که باید انجام دهیم هر چند بسیار لذت بخش تر بود اگر می توانستیم از زیر بار آنها شانه خالی کنیم. سایر وظایف را که مربوط به سعادت خود و آنهایی که دوستشان داریم می شود، با سرور و لذت نسبی انجام می دهیم. در مشورت با گروهتان لیستی از چند وظیفه لذت بخش تهیه نمایید.

بطور کلی ما تمایل داریم وظایفی را که به نظرمان مهم می‌رسد، با سعی و کوشش انجام دهیم. برای مثال یک کشاورز با وظیفه‌شناسی از مزرعه‌اش مراقبت می‌کند زیرا می‌داند هر یک از امور برای رسیدن به هدف نهایی که برداشت محصول فراوان است ضروری است، چیزی که معاش خانواده‌اش به آن بستگی دارد. با توجه به عبارات خود در باره تبلیغ در بخش قبل، بعضی از ثمراتی که فعالیت‌های تبلیغی شما می‌تواند به بار آورد، ذکر نمایید:

وظایفی که توسط مظهر امر الهی بر عهده ما گذاشته شده است، منشاء و سرچشمه بیشترین نیکی‌هاست. اما ارزش آنها منحصرأدر این نیست که ثمرات خوبی به بار می‌آورند. اوامر و احکام الهی صرفاً قوانینی که به ما بگویند چه کاری انجام دهیم و چه کاری را نباید انجام دهیم نیستند بلکه این احکام و قوانین در اصل، بیاناتی در باره حقیقت وجود بشری هستند. یک مثال ساده این نکته را روشن می‌سازد.

می‌دانیم برای اینکه زندگی توأم با سلامتی داشته باشیم، بایستی منظمأ مقدار متناسبی غذا بخوریم، اما خوردن بطور منظم، حکمی اجباری نیست که کسی بر ما تحمیل کرده باشد. این یک عبارتی است در باره واقعیت وجود جسمانی ما. جسم ما طوری ساخته شده است که هر چند ساعتی نیاز به تغذیه دارد و باید به این تقاضا پاسخ مثبت دهیم. غفلت از آن نهایتاً ما را به سوی مرگ سوق می‌دهد.

به همین طریق، وقتی مظهر الهی حکمی را بر ما واجب می کند برای مثال حکمی که از ما می خواهد هر روز دعا بخوانیم به این معنی نیست که حکم، رفتار مستبدانه‌ای را بر ما تحمیل نموده است. حکم او بیانی در باره واقعیت وجودی ما است. این به ما می گوید که روح انسان طوری به وجود آمده که لازم است قلوب و افکارمان را بطور منظم بسوی خداوند معطوف نماییم و با منشاء وجودمان راز و نیاز کنیم. به همین نحو حکم تبلیغ امرش، ورای منافع آشکاری که برای ما و بشریت به ارمغان می آورد، حقایقی در باره ماهیت روح بشر و نیازهایش بیان می کند. در بخشهای بعدی بعضی از این حقایق را مورد مطالعه و تحقیق قرار می دهیم. اما قبل از انجام این امر ممکن است برای شما مفید باشد که جمله‌ای در باره ماهیت هر یک از عبارات زیر بنویسید. یک نمونه برای کمک به شما آورده شده است:

- ۱ - شمع : طبیعت شمع روشنایی دادن است.
- ۲ - شب پره :
- ۳ - شعله :
- ۴ - چشمه :
- ۵ - ابرهای بارنده :
- ۶ - عطر :

آیا شما قبول دارید که طبیعت بشر بخشش بدون وقفه است؟ یعنی دارایی، وقت، انرژی و علم و دانش خود را بخشیدن؟

قسمت سوم

بگذارید تفکر و بررسی خود در مورد تبعات حکم تبلیغ را با زیارت چند فقره از آثار حضرت عبدالبهاء آغاز نماییم:

«ای خادم الهی، از بشارت الهی مسرور شو، از نسائم روائع الهی شادمان گرد، و به ملکوت الهی تمسک نما تا از عالم منقطع شوی و در قلبت نار عشق الهی برافروخته گردد تا آنجا که هر کس به تو نزدیک شود، این گرمی و حرارت را احساس نماید؛ و اگر می خواهی به این مقام نائل شوی، باید کاملاً رو به سوی خداوند آوری، شاید نوری به تو بتابد که به واسطه آن نفحات الهی در آن نواحی و بخشها منتشر شود و تو سراج هدایت آن دیار شوی که نورش در کشورهای دور و سرزمینهای دور ساطع گردد.»^(۲) (ترجمه)

طبق این بیان باید ما از بشارت الهی _____، از نسائم روائح الهی _____
و به ملکوت الهی _____ . باید از این طریق از عالم _____ شویم و در قلوبمان
_____ برافروزیم تا هر کس به ما می‌رسد این _____ و _____ را
احساس نماید. اگر آرزوی این مقام را داریم، باید رو به سوی _____ . پس به فضل الهی
سراج _____ آن دیار شویم که _____ در _____ و
_____ گردد.

قسمت چهارم

حضرت عبدالبهاء کلمات زیر را به یکی از احباء که همواره آرزوی زیارت حضرتشان را
داشت، و سرانجام زیارت کوتاهی نصیبش گشت مرقوم فرموده‌اند:
«اما میدوایم این ملاقات مانند فتیله شمعی باشد و آتشی که به محض تماس
با آن مشتعل می‌گردد. منتظر نتایج این ملاقات هستیم تا مشاهده نمایم که
مانند شمعی مشتعل گشته‌ای و چون پروانه به آتش محبت الله سوخته‌ای از
شدت عشق و انجذاب چون ابر می‌گری چون چمنزار قهقهه می‌زنی و مانند
نهالی از نسائم جنت ابهی به وجد و اهتزاز می‌آیی ...»^(۳) (ترجمه)

بر طبق بیان فوق، حضرت عبدالبهاء دوست دارند ببینند که ما مثل _____ روشن شده‌ایم،
خود را مثل _____ سوزانده‌ایم، مثل _____ می‌گیریم، مثل _____
قهقهه می‌زنیم. ما باید با آتش _____ بسوزیم. از شدت _____ و _____
_____ به گریه در آییم و از نسائم جنت ابهی _____ و _____ .

قسمت پنجم

حضرت عبدالبهاء در لوحی در پاسخ به سؤال یکی از احباء فرموده‌اند:
«کنیزان الهی باید به مقامی بیایند که خود ادراک حقایق و معانی کنند و بر هر
کلمه‌ای بیانی مفصل توانند و چشمه حکمت از حقیقت قلبشان مانند عین
فواره جوشش و نبعان نمایند»^(۴)

حضرت عبدالبهاء آرزو دارند که ما به مقامی در آییم که خود _____ حقایق و معانی کنیم و

بر هر کلمه‌ای _____ توانیم و _____ از
_____ قلبمان مانند _____ و _____ نماید.

قسمت ششم

سه نصی را که از آثار حضرت عبدالبهاء مطالعه نمودیم بیان می‌نماید که حکم حضرت بهاء‌الله در مورد تبلیغ نه تنها مربوط به فعالیت‌هایی است که باید انجام دهیم، بلکه همچنین مربوط به حالتی از بودن است که باید به دست آوریم. مطالب بسیاری در باره این حالت از بودن است که از خلال تشبیهات مندرج در بیانات مبار که می‌توانیم بیاموزیم. این تشبیهات از چیزهایی می‌گویند که وجودشان مستلزم آن است که از خود ببخشند. آیا شعله می‌تواند تصمیم بگیرد نور نبخشد و همچنان شعله نامیده شود؟ آیا چشمه می‌تواند تصمیم بگیرد جاری نشود و همچنان یک چشمه باشد؟ به همین شکل ما هم خلق شده‌ایم که ببخشیم و سخاوتمند باشیم. بخشیدن، سهم و شریک شدن با سایرین در آنچه که مالک آن هستیم، چیزی است که مستلزم وجود روحانی ماست. از همه چیزهایی که داریم، ارزشمندترین چیزی که مالک آن هستیم، شناخت حضرت بهاء‌الله به عنوان مظهر امر الهی برای این یوم است. طبیعی است که معرفتی را که از ظهورش کسب می‌نماییم و عشق و سروری را که ظهورش، جانمان را از آن لبریز می‌سازد با دیگران سهم شویم.

البته در مسیر تلاشمان برای مبلغ شدن موانع زیادی وجود دارد. ممکن است خجالتی باشیم، ممکن است از اقدام یا صحبت کردن با دیگران ترسیم، ممکن است بیان افکار و احساسات برایمان مشکل باشد، اما بر همه اینها می‌توانیم بتدریج فائق آییم به شرط آنکه بدانیم با تبلیغ امر الهی می‌آموزیم که آنچه را که برای ما بسیار عزیز است به رایگان ببخشیم. کلمات زیر از مرقومه‌ای از طرف حضرت ولی عزیز امرالله می‌تواند همواره این وظیفه ما را تذکر دهد که با سایر افراد در پیام حضرت بهاء‌الله سهم شویم:

«دنیا در تلاطم شدیدی است و مشاغل آن روز بروز زیادتر و شدیدتر می‌شود، بنا بر این ما نباید بیکار بنشینیم. به عبارتی ما در حمل وظیفه مقدّسمان نباید سر باز زنیم. حضرت بهاء‌الله تعالیم مبار که را به ما ارائه نداده‌اند که آن را ذخیره نماییم و برای سرور و شادمانی خود آن را پنهان بداریم. آن را به ما اعطاء نموده‌اند که زبان به زبان آن را بیان کنیم تا همه جهانیان به تعالیم الهی آشنا شوند و از برکات و تأثیرات تعالی بخش آنها بهره‌مند گردند.»^(۵) (ترجمه)

قسمت هفتم

یک راه توصیف کردن حالت «بودن» که در حال تلاش برای نیل به آن هستیم، حالت مشتعل شدن است. همان طور که افکار و انرژی خود را به امر تبلیغ متمرکز می کنیم، باید بخاطر آوریم که آتش عشقی که نسبت به حضرت بهاء الله در قلب داریم باید هر روز شعله ورتر گردد. عبارات ذیل از آثار حضرت عبدالبهاء را بخاطر بسپارید و اجازه دهید تا همیشه نیاز به تشدید نار محبت الله در قلوبتان را به شما یادآور شود تا کسانی که با شما تماس دارند آن گرمی را احساس کنند و روشنی آن افکارشان را منور نماید.

«ای سراج مشتعل به نار محبت الله مکتوبی که اخیراً مرقوم داشتی ملحوظ افتاد. حاکی از محبتی عمیق و روی افروخته به آتش عشق خداوند عزیز حمید و رسوخ روح حقیقت در اعضا، جوارح، عروق، شرائین و دم و لحم تو بود، چنان که زمام اختیار از دستت ربوده و آنچنان که اراده فرماید حرکت می دهد و کلامی که بخواهد بر لسانت جاری می سازد و آنچنان که مشیت اوست مجذوب و منجذبت می کند. این شایسته قلبی است که مشحون از روح محبت الهی است. آثار عالیهاش را برای العین مشاهده خواهی کرد و آیات رب عزیز را بالمعانیه خواهی دید.»^(۶)

قسمت هشتم

عبارتی را که اکنون زیارت نمودید حالتی را وصف می کند که در آن مؤمن بی اختیار به خدمت و تبلیغ امر الله می پردازد. روح حقیقت چنان وجودش را دربر می گیرد که عنان قدرت را از او می گیرد و او را به سوی اراده الله می کشاند. حال سعی کنید عواقب مقاومت در قبال چنین انگیزه طبیعی به تبلیغ را تصور نمایید.

۱ - برای چشمه ای که دائماً آب دریافت می کند اما از جاری شدن خودداری می کند چه اتفاقی می افتد؟^{*}

۲ - برای کسی که بطور مداوم از فیوضات الهی برخوردار می گردد اما از سهم کردن دیگران با خود

۳- برای کسی که علم و دانش کسب می‌نماید ولی از آموختن آن به دیگران امتناع می‌ورزد چه اتفاقی می‌افتد؟

قسمت نهم

همان طور که در باره اشتعال بیشتر از نار محبت الله به تفکر می‌پردازید، باید به یاد داشته باشید که «بودن» و «عمل کردن» و جوهی از حیات بهایی هستند که مکمل یکدیگرند. آنها چنان به یکدیگر پیوسته و مرتبط هستند که کوشش برای جدا کردن آنها بی ثمر است. ما نمی‌توانیم در تمام مدت حیات خود صبر کنیم تا کاملاً مشتعل شویم و آن وقت به تبلیغ پردازیم. حتی کوچکترین شعله نیز حرارت و روشنایی می‌دهد. کارهای زیادی است که باید بطور همزمان انجام دهیم. ما باید بطور عمیق به دعا و مناجات پردازیم و در مورد معانی آثاری که هر روز مطالعه می‌کنیم، تفکر و تعمق نماییم. باید بکوشیم تا قلوبمان پاک و مطهر شود و صفات الهی را منعکس نماییم. ما باید چشم بصیرت به جمال حق بگشاییم و عاشق او شویم و باید در خدمت و تبلیغ امر او فعال باشیم. حال با آگاهی از ارتباط میان «بودن» و «عمل کردن» کدام یک از عبارات ذیل را بدون درنگ قبول دارید؟ علامت بزنید.

_____ همه هم خود را باید صرف عشق ورزیدن به حضرت بهاء الله کنم. آن وقت دیگر لازم نیست که کلمه‌ای حرف بزنم. چنان قلبم مشتعل می‌گردد که مردم متحیر می‌شوند که چرا من این گونه‌ام. وقتی متوجه شدند به دلیل بهایی بودن اینگونه هستم، تحزّی می‌کنند و خودشان به خودی خود امر الهی را قبول می‌کنند.

_____ اگر چه کامل نیستم، ولی وظایف خود را نسبت به تبلیغ امر الهی انجام می‌دهم. سهمیم کردن دیگران در پیام حضرت بهاء الله به افزایش عشق من نسبت به حضرت بهاء الله کمک می‌نماید.

_____ اگر به متحزّی مطلب را درست ابلاغ نمایم، دیگر فرقی نمی‌کند که روحم به نار محبت الله مشتعل شده باشد یا نه.

_____ تبلیغ حالتی از بودن است. بطور طبیعی عمل می‌کند. چرا برای تبلیغ سعی و کوشش کنیم!

فهمیده‌ام که مانند همه چیزهای دیگر این زندگی، انجام وظایفم برای تبلیغ امرالله، نیز نیاز به نظم و انضباط دارد. نه تنها برای بهبود شرایط درونی خود نیاز به نظم و انضباط دارم، بلکه برای انجام امور خیری که در نظر دارم و وقت گذاشتن برای فعالیت‌های تبلیغی به آن نیازمندم. تبلیغ حالتی طبیعی از بودن است. نیازی به طرح نقشه‌های منظم ندارد. باید منتظر ماند تا پیش بیاید.

قسمت دهم

ما به این اتفاق نظر رسیدیم که از همان لحظه‌ای که به شناخت حضرت بهاءالله نائل شدیم، می‌توانیم و باید به تبلیغ امرالله پردازیم. تشبیهی که از آن استفاده کردیم، این است که شمع هر چقدر کوچک باشد، باز هم گرمی و روشنایی دارد. همان طور که نباید بگذاریم تلاش‌های تبلیغی ما کند شود، همزمان باید بطور مداوم سعی نماییم تا حیات روحانی خود را نیز غنی و متعالی سازیم، نار محبت الله را در قلوبمان مشتعل سازیم و بر شدت اشتعال آن بیفزاییم. پس بیایید درنگ نماییم و در باره آنچه که اشتعال را افزایش می‌دهد تأمل کنیم.

ذیلاً دو مجموعه از عبارات آمده است، مجموعه اول عباراتی را شامل می‌شود که هرچند حقایقی را دربر دارد، ولی باعث سردرگمی و اشتباه می‌شوند. هر کدام را با عباراتی از مجموعه دوم که به نظر شما مناسبتر است ربط دهید.

_____ علم حجاب است. دانش زیاد، ما را به
غرور می کشاند. زیاد روی مطالعه آثار تأکید
نکنید. کافی است توجه خود را معطوف به عشق
خداوند و بشریت نماییم.

_____ اشتعال آنقدر مهم است که فرد باید از تمام
فعالیت های خود برای مدتی دست بکشد و انحصاراً
به حالت درونی خویش بپردازد.

_____ وقتی کسی به نار محبت الله مشتعل
می گردد، در شادمانی و سرور بسر می برد و درد و
غمی را احساس نمی نماید.

_____ وقتی در اطاعت از قوانین الهی قصور
می ورزیم به این دلیل است که حضرت بهاء الله را
بقدر کافی دوست نداشته ایم.

_____ اشتعال فقط از طریق فضل الهی حاصل
می شود. بنابراین لزومی ندارد که کوششی جهت
افزایش شور و انجذاب خود بنماییم.

_____ وقتی شعله محبت الله در قلبی برافروخته
گردد، هرگز خاموش نمی شود و بخودی خود در
قلب عمل می کند و آن را تصفیه می سازد.

الف - عمل تبلیغ به خودی خود، اشتعال فرد را اضافه
می نماید.

ب - نهایتاً اشتعال فرد از طریق فضل الهی افزایش
می یابد، اما به این معنی نیست که جهد و کوشش
ثمری ندارد. عبادت روزانه به آستان حق، مطالعه آثار
و خدمت فعالانه به درگاهش - ابواب روح را برای
دریافت فضل و مواهب الهی می گشاید.

ج - علم، شعله عشق به حضرت بهاء الله را در قلب فرد
دامن می زند. هر چه فرد از طریق مطالعه آثار حضرت
بهاء الله به شناخت بهتری از ایشان نائل شود، عشقش
نسبت به ایشان عمیق تر می گردد. اگر فرد از
نفس پرستی که منجر به غرور می شود و علم را به
حجاب بدل می کند آزاد باشد، کسب علم می تواند
عامل مهمی در افزایش اشتعال فرد شود.

د - درست همان طور که عبادت و خدمت به امر به
افزایش شعله محبت الله در قلب فرد کمک می کند،
بادهای مخالف نفس پرستی و خودخواهی آن را
خاموش می سازد. پس فرد باید مراقب باشد و شعله
محبت الله را در قلبش محافظه نماید.

ه - ایثار جهت رشد روحانی ضروری است و موجد
درد و رنج است. اما قبول درد و رنج در سبیل الهی
سرور آور است. در حالی که آتش محبت الله
حجیات نفس را می سوزاند شخص باید با سرور از
درد و رنجی که احساس می کند استقبال نماید.

و - با وجود اینکه حضرت بهاء الله را دوست داریم،
ممکن است اشتباهات زیادی مرتکب شویم، چون
ضعیف هستیم و دائماً به فضل و بخشش او نیازمندیم.
سعی در اطاعت از قوانین و احکام او اشتعال ما را
افزایش می بخشد.

حال با بیان خود در یک پاراگراف کوتاه بنویسید که چگونه اشتعال افزایش می یابد.

قسمت یازدهم

با بررسی مفصل مفهوم وظیفه، بیایید برخی از بیانات مبارکه حضرت بهاءالله را که وظیفه تبلیغ امرالله را بر ما فرض و واجب می نماید مطالعه نماییم. برخی از آنها را که می توانید به خاطر بسپارید:

«قُلْ إِن نَّصْرِي هُوَ التَّبْلِيغُ أَمْرِي هَذَا مَا مُلِئْتُ بِهِ أَلْوَاخُ هَذَا حُكْمُ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ بَعْدُ» (۷)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: بگو نصرت من تبلیغ امر من است. این حقیقتی است که الواح از آن مشحون است. این حکم خدا است که از قبل بوده و من بعد نیز خواهد بود.)

«يَا أَهْلَ الْأَرْضِ إِذَا غَرَبَتْ شَمْسُ جَمَالِي وَ سَتَرَتْ سَمَاءُ هَيْكَلِي لَا تَضْطَرُّوا قَوْمُوا عَلَى نُصْرَةِ أَمْرِي وَ أَرْتِفَاعِ كَلِمَتِي بَيْنَ الْعَالَمِينَ. إِنَّا مَعَكُمْ فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ وَ نَنْصُرُكُمْ بِالْحَقِّ» (۸)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: ای اهل ارض آن زمان که خورشید جمال من غروب کرد و آسمان هیکلم پوشیده گشت، مضطرب و پریشان نشوید. به یاری امرم و بلند نمودن کلمه ام بین عالمیان قیام کنید. ما در همه احوال با شما هستیم و شما را به حق یاری می نماییم.)

«قَدْ قَدَّرَ لِكُلِّ نَفْسٍ تَبْلِيغُ هَذَا الْأَمْرِ مِنَ الْقَلَمِ الْأَعْلَى ... إِنَّهُ يُلْهِمُ الَّذِينَ أَنْقَطَعُوا عَمَّا سِوَاهُ وَ يُجْرِي مِنْ قَلْبِهِمْ سَلْسِبِيلَ الْحِكْمَةِ وَ الْبَيَانِ» (۹)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: بر هر نفسی از قلم اعلی تبلیغ این امر مقدر گردیده ... به درستی که او منقطعین را الهام می بخشد و از قلوب آنها چشمه های حکمت و بیان جاری می سازد.)

«قَدْ كَتَبَ اللَّهُ لِكُلِّ نَفْسٍ تَبْلِيغَ أَمْرِهِ وَ الَّذِي أَرَادَ مَا أَمَرَ بِهِ يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَتَّصِفَ بِالصِّفَاتِ الْحَسَنَةِ أَوْ لَا تُؤْتَمُّ يَبْلُغُ النَّاسَ لِيَتَجَذَّبَ بِقَوْلِهِ قُلُوبُ الْمُقْبِلِينَ وَ مِنْ دُونِ

ذَلِكَ لَا يُؤْتِرُ ذِكْرُهُ فِي أَفْنَدَةِ الْعِبَادِ ...» (۱۰)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: خداوند بر هر شخصی واجب کرده که امرش را تبلیغ کند و کسی که اراده کند این مأموریت الهی را انجام دهد، باید خود ابتدا به صفات حسنه متصف باشد و بعد مردم را تبلیغ نماید تا قلوب مقبلین از کلام او منجذب شود و در غیر این صورت کلام او تأثیری نخواهد داشت.)

«أَنْ يَا أَحِبَّاءَ اللَّهِ لَا تَسْتَقِرُّوا عَلَى فِرَاشِ الرَّاحَةِ وَإِذَا عَرَفْتُمْ بَارِئَكُمْ وَ سَمِعْتُمْ مَا وَرَدَ عَلَيْهِ قَوْمُوا عَلَى النَّصْرِ ثُمَّ أَنْطَقُوا وَلَا تَضُمُّوا أَقْلًا مِنْ أَنْ هَذَا خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ كَثُورِ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ لَوَأَنْتُمْ مِنَ الْعَارِفِينَ ...» (۱۱)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: ای احبای الهی بر بستر راحت قرار مگیرید از آن هنگام که به وجود آورنده خود را شناختید و از آنچه بر او رفته آگاه شدید، بر نصرت امرش قیام کنید. سپس زبان بگشایید و برای لحظه‌ای ساکت بنماید و این از تمام گنجینه‌های زمین، از آنچه بوده و هست برای شما با ارزش تر است، اگر بشناسید.)

قسمت دوازدهم

وقتی راجع به جنبه‌های گوناگون وظیفه تبلیغ می‌اندیشیم، نباید فراموش کنیم که حکم الهی نشانه‌ای از فضل او نسبت به ماست. نباید حتی لحظه‌ای فکر کنیم که با اطاعت از احکامش به او لطف می‌کنیم. او می‌تواند با یک کلمه ساده، پیروزی کامل امرش را تأمین نماید. فرصتی که برای انتشار امرش به ما عنایت فرموده از مواهب بیکرانی است که به هر یک از ما اعطاء نموده است. حضرت بهاءالله می‌فرماید:

«قُلْ إِنَّا لَوُثِرِدُ نَنْصُرُ الْأَمْرَ مِنْ عِنْدِنَا إِنَّهُ لَهُوَ الْمُقْتَدِرُ الْغَفَّارُ لَوْ أَرَادَ اللَّهُ لِيُخْرِجَ مِنْ عَرَبِ الْقُوَّةِ غَضَنَفَرِ الْقُدْرَةِ وَيَزَارَ زَيْبَارَ يَحْكِي هَزِيمَ الرُّعُودِ الْقَاصِفَةِ فِي الْجِبَالِ إِنَّهُ لَمَّا سَبَقَتْ رَحْمَتُنَا قَدَرْنَا التَّمَامَ النَّصْرِ فِي الذِّكْرِ وَالْبَيَانِ لِنُفَوِّزَ بِذَلِكَ عِبَادَنَا فِي الْأَرْضِ هَذَا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ ...» (۱۲)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: بگو، ما اگر می‌خواستیم، خودمان این امر را یاری می‌نمودیم. به راستی که او توانا و بخشنده است. اگر خداوند اراده فرماید، از بیشه‌های قدرت شیرهای قوت را نعره‌زنان بیرون می‌آورد، شیرهای تنومندی که نعره آنها یادآور غرش رعدهای پر صدا در کوهها است. در حقیقت به موجب رحمت و اسعاهای که بر همه اشیاء سبقت یافته مقدر فرمودیم که پیروزی این امر تماماً از طریق ذکر و بیان صورت گیرد، تا بندگان ساکن ارض به این فضل و رحمت فائز شوند و این موهبتی از جانب خداوند است که نصیب این خلق شده است.)

در زبان گفتاری و نوشتاری اغلب از استعاراتی برای بیان یک فکر استفاده می‌شود. استعاره کلمه یا عبارتی است که تصویری خاص را برای توضیح و بیان مطلب دیگری به ذهنمان متبادر می‌سازد. در این عبارت حضرت بهاء‌الله تشبیه شیر را به کار برده‌اند. شیر، از بیشه‌های قدرت الهی نمایان می‌شود، و غرش آن مثل صدای رعد در کوهها می‌پیچد. این تصور به ما نظری اجمالی از قدرت خداوند خالق می‌دهد. با یک اشاره، او می‌تواند قدرت خود را بشناساند و تمام مردم کره‌ارض باید در برابر او با فروتنی سر تعظیم فرود آورند. این فقط از لطف و عنایت او می‌باشد که به ما، بند گانش، اجازه می‌دهد وسیله‌ای برای انتشار آئینش باشیم. جملات زیر را با استفاده از کلمات و عبارات و یا بیان مبارک تکمیل نمایید:

- ۱ - اگر خواست الهی باشد، می‌تواند
- ۲ - اگر اراده خداوند باشد،
- ۳ - غرش این شیر مثل
- ۴ - هر چند، فضل بی منتهایش همه ممکنات را احاطه نموده، خداوند مقدر فرموده که
- ۵ - این کار را کرد تا بند گانش
- ۶ - این از

قسمت سیزدهم

اکنون که شما در باره اهمیت تبلیغ به عنوان وظیفه‌ای که خداوند بر ما مقرر فرموده تفکر نمودید، پیشنهاد می‌شود تمرین ذیل را انجام دهید.

این غیر معمول نیست که مردم اعتقاداتی داشته باشند و در عین حال چیزهایی بگویند که اساساً مخالف این اعتقادات باشد. عموماً آسان نیست که انسان ثبات داشته باشد. همه ما عاداتی در سر داریم که در طول زندگیمان شکل گرفته است که موجب می‌شود بدون فکر کردن در باره آنها چیزهایی بگوییم. اگر فکر نکنیم، برای ما روشن می‌شود که حقیقتاً بعضی از گفته‌های خود را باور نداریم. همان طور که بر آگاهی خود می‌افزاییم، مفید است هر از گاهی درنگ نماییم و صحت عباراتی را که بطور معمول به کار می‌بریم در پرتو درک جدیدمان بررسی نماییم. کدام یک از عبارات زیر با درک شما از مفهوم تبلیغ به عنوان یک وظیفه هماهنگی دارد؟ آن را مشخص کنید:

___ البته این وظیفه من است که تبلیغ کنم، اما می‌توانم آن تا کسب آگاهی بیشتر در باره امر کنار بگذارم.

___ می‌دانم که به هیچ وجه کامل نیستم و راه طولانی در پیش دارم تا اینکه صفات یک بهایی

حقیقی در من منعکس گردد. ولی حضرت بهاءالله وعده فرموده‌اند که او کسانی را که قیام به خدمت امرش نمایند، کمک خواهند نمود. بنا بر این نهایت سعی خود را جهت اجرای وظیفه‌ام در تبلیغ امرالله مبذول می‌دارم.

حقیقتاً تبلیغ را دوست ندارم، اما از وظایف من است. بنا بر این آن را انجام می‌دهم. ترجیح می‌دهم که کار دیگری انجام دهم، اما به هر حال کسی باید تبلیغ کند. اگر من انجام ندهم، چه کسی انجام می‌دهد!

هر وقت کنفرانس تبلیغی ملی یا ناحیه‌ای برگزار می‌شود، در آن حضور می‌یابم، و در مشاورات و مذاکرات جامعه‌ام در باره تبلیغ، فعالانه شرکت می‌کنم و پیشنهاداتی در باره چگونگی انجام آن ارائه می‌دهم. این چگونگی انجام وظیفه‌ام در تبلیغ است. هر وقت پروژه تبلیغی در جامعه صورت می‌گیرد، ادعیه ویژه‌ای برای آن تلاوت می‌کنم. این چگونگی انجام وظیفه‌ام در تبلیغ است.

باید منتهای سعی خود را برای ایفاء وظیفه تبلیغی مبذول داریم. اگر ما بهائیان تبلیغ نکنیم، دنیا از هم می‌پاشد.

بعضی اوقات که راجع به زیبایی تعالیم حضرت بهاءالله فکر می‌کنم، بقدری بهجت و سرور به من دست می‌دهد که نمی‌توانم این تعالیم زیبا را با دیگران در میان نگذارم. من امسال امر را به یک نفر ابلاغ نمودم وظیفه‌ام را برای امسال به انجام رسانده‌ام. هر کسی را که ملاقات می‌کنم، خود را یک بهایی معرفی می‌کنم، به این ترتیب وظیفه تبلیغی خود را انجام می‌دهم.

بهترین راهی که می‌توانم وظیفه‌ام را در امر تبلیغ انجام دهم، این است که زندگی نمونه‌ای داشته باشم. نیازی به کلمات نیست.

سعی می‌کنم کلیه احکام حضرت بهاءالله از جمله امر مبارک را در باره تبلیغ اطاعت نمایم. فقط از این طریق می‌توانم حیات نمونه‌ای داشته باشم.

می‌دانم حضرت بهاءالله وظیفه تبلیغ امر مبارکشان را به همه پیروانشان فرض فرموده‌اند. اما در حقیقت منظور ایشان «هر کسی» هم نبوده. مهاجرین، مبلغان ستار، اعضای مؤسسات، مبلغین حقیقی امرالله هستند.

وظیفه تبلیغ امر را انجام می‌دهم زیرا، در این سبیل فضل بی منتهاش شامل حال می‌شود.

وظیفه‌ام را در تبلیغ امر بخاطر عشق به بشریت انجام می‌دهم.

وظیفه‌ام را در تبلیغ امر بخاطر عشق به حضرت بهاءالله انجام می‌دهم.

عبارات زیر را از بیانات مبارک حضرت عبداله‌بهاء بخاطر بسپارید:

«اگر کسی فردی را که دوست دارد تبلیغ کند ... اگر کسی را بخاطر دریافت مواهب وعده داده شده برای خود تبلیغ کند، هیچ یک از این دو موجب رضای خداوند نیست. اگر او را بخاطر خداوند تبلیغ کند و فقط به این دلیل، او به دانش و خرد دست می‌یابد، و کلمات او اثر خواهد داشت مؤید به تأییدات روح القدس می‌گردد و در ارواح کسانی که در شرایط درست برای دریافت آن هستند ریشه می‌یابد. در چنین مواردی، در صد رشد مبلغ نود در صد و رشد مبتدی ده در صد است. زیرا او مثل درختی است که حامل ثمره الهی است.»^(۱۳)

قسمت چهاردهم

در بیانی که در قسمت ششم مطالعه کردیم، حضرت ولی عزیز امرالله به ما امر می‌فرمایند که تبلیغ یک وظیفه «مقدس» است. حال چرا امر تبلیغ مقدس است؟ البته همینکه امر تبلیغ حکم الهی است، آن را مقدس می‌سازد. اما آیا بُعد دیگری از تقدس وجود دارد که باید در رابطه با تبلیغ آن را کشف نماییم؟ حضرت بهاءالله در یکی از الواح خود می‌فرمایند:

«... آنچه از برای خود خواسته مدائن قلوب عباد بوده. احبای حق الیوم به منزله مفاتیح اند. انشاءالله باید کل به قوت اسم اعظم آن ابواب را بگشایند ...»^(۱۴)

در بیان دیگری می‌فرمایند:

«... ارَادَ لِنَفْسِهِ مَدَائِنَ الْقُلُوبِ لِيُطَهِّرَهُمْ عَنْ دَنَسِ الْأَرْضِ يُقَرِّبَهُمْ إِلَى مَقَرِّ الَّذِي كَانَ عَنْ مَسِي الْمُشْرِكِينَ مَحْفُوظًا أَنْ أَفْتَحُوا يَا قَوْمِ مَدَائِنَ الْقُلُوبِ بِمَفَاتِيحِ الْبَيَانِ وَكَذَلِكَ نَزَّلْنَا الْأَمْرَ عَلَى قَدَرٍ مَقْدُورًا ...»^(۱۵)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: مدائن قلوب را برای خود مخصص داشت، تا آنها را از آلودگی زمین پاکیزه گرداند و به جایگاهی که مشرکان را بدان راهی نیست نزدیک نماید. هان ای قوم من، با کلیدهای بیان به فتح مدائن قلوب بپردازید. اینگونه امر را در اندازه‌ای محتوم نازل فرمودیم.)

پاسخ به سؤالات ذیل به شما کمک می‌کند که چگونه این بیانات، تقدیس را با عمل تبلیغ ارتباط می‌دهد

- ۱ ... خداوند چه چیزی را برای خودش می‌خواهد؟
- ۲ - چه کلمه‌ای برای تشریح «آنچه را که به خداوند تعلق دارد» به کار می‌بریم؟
- ۳ - مفاتیح مُدَن قلوب بشر چیست؟

۴ - خداوند می خواهد با این مدائن چه کار کند؟

۵ - خداوند چه مقرری برای این قلوب تخصیص داده است؟

۶ - با چه کلیدی می توانیم مدائن قلوب بشر را بگشاییم؟

۷ - در این بیان چه وظیفه ای برای ما معین گردیده است؟

۸ - اکنون جمله زیر را تکمیل کنید.

تبلیغ

است.

قسمت پانزدهم

وجه دیگری در تقدس وجود دارد که در مساعی خود جهت کشف رابطه اش در تبلیغ به آن نیاز داریم. حضرت بهاء الله در یکی از الواح مبارکه خود با این کلمات اشاره به ظهورشان می فرمایند:

«قُلْ يَا قَوْمِ هَذِهِ لَصَحِيفَةُ الْمَخْتُومَةِ الْمَحْتُومَةِ الَّتِي كَانَتْ مَرْقُومَةً مِنْ إصْبَعِ الْقُدْسِ وَمَسْتُورَةً خَلْفَ حُجُبِ الْغَيْبِ وَقَدْ نَزَلَتْ بِالْفَضْلِ مِنْ لَدُنْ مُقْتَدِرٍ قَدِيمٍ وَفِيهَا قَدَرْنَا مَقَادِيرَ أَهْلِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعِلْمِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ...» (۱۶)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: بگو ای قوم این البته صحیفه مهر شده محتومه ای است که به سرانگشت قدس نوشته شده و در پس پرده های غیب پنهان بوده و به فضل، از جانب مقتدر قدیم نازل شده و در آن حدود و جایگاه اهل آسمانها و زمین و علم اولین و آخرین را مقدر نمودیم.)

در این بیان مبارک، حضرت بهاء الله ظهور خود را به عنوان صحیفه مختومه محتومه توصیف فرموده اند. صحیفه، یک طومار کاغذی است که پیام مهمی در آن نوشته شده است. این صحیفه مختومه محتومه منبع حکم الهی است، حامل این است که خداوند حکمی کرده و غیر قابل تغییر است. تمرین زیر به شما در به دست آوردن بینش و درک این عبارت کمک می کند. کلمات مناسب را در جای خالی بگذارید و سپس جملات را با هم بخوانید.

۱ - ظهور حضرت بهاء الله _____ الهی است که بر ما نازل شده.

۲ - این البته صحیفه _____ است که

پنهان گردیده.

۳ - این صحیفه منبع _____ الهی است.

۴ - در آن خداوند مقدر نموده مقادیر _____ آسمانها و زمین.

۵ - ظهور حضرت بهاء الله شامل _____ و _____

قسمت شانزدهم

اکنون آنچه را که در دو قسمت قبلی مطالعه کردیم مورد بررسی قرار می دهیم. تبلیغ وظیفه مقدس هر فرد بهایی است چون خداوند به ما امر فرموده است. علاوه بر این، وقتی تبلیغ می کنیم، با دو امر بسیار مقدس سروکار داریم. یکی از آنها قلب بشر است که اساساً به خداوند تعلق دارد. تبلیغ در حقیقت می تواند عملی روحانی توصیف شود که باعث گشوده شدن مدائن قلوب بشر به سوی خداوند می شود. مسأله مقدس دیگر که در تبلیغ مورد توجه است، ظهور حضرت بهاءالله است. ما تبلیغ می کنیم برای اینکه قلوب را به ظهور حضرت بهاءالله که بزرگترین عطیه برای بشریت است، مرتبط سازیم.

سعی کنید مواقعی از زندگیتان را بخاطر آورید که حضور این تقدس را احساس کرده اید. اگر شما در مقامات مبارکه حضرت بهاءالله و حضرت اعلی بوده اید، خاطرات مؤثر و قوی از چگونگی احساس نزدیکی و تعظیم و تکریم به آستان مقدسشان دارید. اما حتی اگر این فضل شامل حال شما نشده باشد، موقعیتهای زیادی باید در زندگیتان وجود داشته باشد که در مناجات و راز و نیاز به وجد و شمع دست یافته اید، با قلب و فکر خود بسوی خداوند توجه کرده اید و به وضوح احساس کرده اید که در حضور خداوند ایستاده اید. در این لحظه قلوبتان مملو از چه نوع احساساتی می شود؟ آنها را در لیست زیر مشخص کنید:

- | | | |
|-------------|--------------|-------------------|
| - عشق شدید | - افتخار | - سرور عمیق |
| - شگفتی | - راحت نبودن | - احساس عدم لیاقت |
| - بی تفاوتی | - آزادی | - تکریم |
| - تسلیم | - سپاس | - آرامش |

قسمت هفدهم

این آخرین تمرین، نگرش احترام آمیزی را به یاد ما می آورد که هنگام تقرب به آنچه مقدس است حاصل می شود و عواطفی متعالی را به دل می آورد که در محضر قدس احساس می گردد. در اینجا سؤال مهمی که باید پرسیده شود این است که: چگونه آگاهی تان به ماهیت مقدس امر تبلیغ مؤثر بودن شما را به عنوان مبلغ امرالله افزایش می بخشد؟ برای کمک به شما در پاسخ به این سؤال پیشنهاد می شود تمرین زیر را که از سه طریق مختلف، وجوه عمل تبلیغ را شرح می دهد، انجام دهید و از شما خواسته شده که در باره نتایج هر کدام تفکر کنید. نگران نباشید که موقعیت ارائه شده قدری

تصنعی می باشد. با این حال این تمرین برخی از بینشهای لازم را در اختیار شما می گذارد.

تصور کنید در یک مدت نسبتاً کوتاه موفق شده‌اید کمک کنید ۳۰ نفر توفیق پذیرش امر حضرت بهاء‌الله را بیابند و تسجیل شوند. این سی نفر همه دارای سوابق مشابه و بسیار پذیرای امر مبارک بوده‌اند. بنا بر این ارائه پیام حضرت بهاء‌الله توسط شما به آنها اساساً شبیه هم بوده است. این تبلیغ شامل شرحی با جزئیات مناسب از حقایق اساسیه مقدسه ظهور حضرت بهاء‌الله و کمک به آنان در شناخت آن حضرت به عنوان مظهر امر الهی در این یوم بوده است. همچنین مطمئن شدید که عهد و میثاق را درک می کنند. به علاوه در هر موردی، شما وظیفه خود را در تبلیغ با نهایت خلوص نیت و صرفاً بخاطر عشق حضرت بهاء‌الله انجام داده‌اید.

با این حال درک شما از آنچه انجام می دادید در تمام موارد یکسان نبود. ابتدا خودتان را کم و بیش یک فروشنده فرض نمودید. با خود می گفتید: «تبلیغ مثل خرید و فروش است.» «امر مبارک بهترین ایده‌ها را با خود دارد، مبلغ خوبی هستم اگر بتوانم بطور مؤثر امر مبارک را جمع بندی کنم و این ایده‌های شگفت انگیز را بفروشم.»

زمانی که ده نفر در ظل امر درآمدند، عقیده شما در باره تبلیغ عوض شد. شما به نطقی در باره موقعیت وحشتناک عالم گوش داده‌اید و دانسته‌اید که امرالله داروی امراض عالم بشری است. احساس کردید آنچه مورد نیاز است به کارگیری تعداد هر چه بیشتری از افراد انسانی است، کسانی که برای استقرار وحدت، رفع تعصبات و برقراری عدالت اقدام نمایند. این نظر شما راجع به مساعی تان برای تبلیغ بوده، لذا با علاقه‌مندی شروع به دعوت دیگران در پیوستن به یک حرکت و جنبش با آرمانهای بزرگ و مهم مثل صلح، اتحاد، تساوی رجال و نساء، رفع تعصبات و ریشه کنی فقر و درد و رنج می کنید.

پس از تبلیغ امر به ده نفر جدید به این طریق، شما با بعضی از بیاناتی که ما در این بخش مطالعه کردیم، آشنا شدید. با وجود این، شما هنوز نگران وضعیت عالم هستید و احساس می کنید که ازدیاد نفوسی که تعالیم حضرت بهاء‌الله را اجرا کنند، مهم است تا بتوانند عالم را اصلاح کنند. هر زمان که امر را برای کسی تشریح می کردید، اولین فکر در ذهنتان این بود که شما در حال خطاب به قلب بشری هستید که متعلق به خداست و بنا بر این مقدس است. هر کار که می کردید باید به خودتان می گفتید، استفاده از کلید بیان است که ابواب مدائن قلوب را می گشاید. تحت این شرایط آخرین ده نفر ایمانشان را به امر حضرت بهاء‌الله اعلان کردند.

آنچه از شما خواسته می‌شود این است که در باره هر گروه به عنوان یک کل بیندیشید. شما فکر می‌کنید آیا تفاوت مؤثری میان این سه گروه وجود دارد؟ این سؤال را در جمع خود به مشورت بگذارید و نتایج آن را در زیر بنویسید:

[illegible]

وقتی ابواب به مدائن قلوب بشر گشوده شوند، و قلوب با ظهور حضرت بهاء‌الله مرتبط شوند، جریان عمیق تغییر و تحول حاصل می‌شود. این تغییر و تحول فوراً به وقوع نمی‌پیوندد، بلکه بتدریج در طول حیاتمان رخ می‌دهد. ولكن، اهمیتی که قبول امر حضرت بهاء‌الله برای این جریان تغییر و تحول دارد، نباید دست کم گرفته شود. شناخت شمس حقیقت و اجازه دادن به اینکه اشعه آن به قلب وارد شود و آن را نورانی کند قدم منحصر به فردی است که هر کس می‌تواند در زندگیش بردارد. با

تأمل بر تغییری که پس از شناخت حضرت بهاء‌الله حاصل می‌شود، ما بهتر می‌توانیم بفهمیم که چگونه به دیگران کمک کنیم تا این اولین قدم مهم را بردارند. آیا می‌توانید یک یا دو جمله در باره بعضی از تغییراتی که هنگام پذیرش امر حضرت بهاء‌الله در وجود ما حاصل شد و شروع به اجرای تعالیم مبارکه کردیم، بنویسید:

۱ - قلوبمان: _____

۲ - عقولمان: _____

۳ - افکارمان: _____

۴ - شخصیت‌مان: _____

۵ - روابطمان با سایر افراد بشر: _____

۶ - اهدافمان در زندگی: _____

۷ - دید ما نسبت به دنیا: _____

به عنوان یک مبلغ امرالله، شما نقش مهمی در کمک به فرد دارید که اولین گام را در شناخت حضرت بهاء‌الله بردارد. همچنین او را حداقل در مراحل اولیه تغییر و تحولی، حمایت خواهید کرد. اما چگونه چنین وظیفه فوق العاده‌ای را انجام می‌دهید؟

قسمت نوزدهم

در عالم ماده تغییر به وسیله قدرت حاصل می‌شود. برای اینکه ما از یک نقطه به نقطه‌ای دیگر حرکت کنیم، برای اینکه درخت نمو کند، برای اینکه چراغ خاموشی را به روشنایی تبدیل کند و برای اینکه رود جاری شود و برای حرکت منظم جذر و مد قدرت لازم است، قدرتی که از عضلات انسان تأمین شده، از خورشید، از برق و از نیروی جاذبه تولید شده است. در اینجا مهم است سؤال شود چه قدرتهایی موجب تغییر و تحولی شده‌اند که شما در قسمت قبل توضیح داده‌اید؟ این سؤال برای

فهم ما از طبیعت روحانی تبلیغ اهمیت دارد به همین دلیل سعی می شود در این قسمت بدان پاسخ داده شود. برای شروع، به نظر شما کدام یک از قدرتهای ذیل می تواند به تقلیب روحانی کمک کند:

- _____ قوت دعا
- _____ قوت اعمال طیبه خالصه
- _____ قوت کلمه الله
- _____ قوت انصاف
- _____ قوت شمشیر
- _____ قوت وحدت
- _____ قوت حقیقت
- _____ قوت الگو و مثال بودن
- _____ قوت کلمات محبت آمیز
- _____ قوت بحثهای متقاعد کننده
- _____ قوت پول
- _____ قوت شخصیت یک فرد صالح
- _____ قوت عهد و میثاق
- _____ قوت سلطه سیاسی
- _____ قوت اعتراض
- _____ قوت عشق
- _____ قوت تشویق
- _____ قوت ایمان
- _____ قوت افکار مثبت
- _____ قوت اسلحه
- _____ قوت علم حقیقی
- _____ قوت عقل
- _____ قوت علم
- _____ قوت ارباب و تهدید
- _____ **قسمت بیستم**

از تمام قدرتهایی که منجر به تقلیب روحانی می شود، کدام قدرت بی مثیل است که بقیه قدرتها را نیز دربردارد؟

در قرنهاي متوالي مردم معتقد به وجود ماده‌اي به نام «اکسير» بودند که اگر به مس يا به هر عنصر ديگري بخورد، آن را به طلا تبديل مي‌کند. اين جريان که به فکر بسياري خطور نمود و لکن هيچ وقت پيدان نشد، به تبديل عناصر به يکديگر اشاره مي‌کند. حضرت بهاءالله در يکي از الواح خويش براي بيان عميق ترين حقيقت روحاني به اين تعبير (اکسير) اشاره مي‌فرمايند:

«قوه و بنيه ايمان در اقطار عالم ضعيف شده درياق اعظم لازم، سواد نحاس امم را اخذ نموده اکسير اعظم بايد. يا حکيم آيا اکليل غلبه داراي آن قدرت بوده که اجزاي مختلفه در شئ واحد را تبديل نمايد و به مقام ذهب ابريز رساند؟ اگرچه تبديل آن صعب و مشکل بنظر مي‌آيد و لکن تبديل قوه ناسوتي به قوه ملکوتي ممکن، نزد اين مظلوم آنچه اين قوه را تبديل نمايد اعظم از اکسير است. اين مقام و اين قدرت مخصوص است به کلمه الله ...» (۱۷)

حال که اين بيان را مطالعه نموديد، به نظر شما کدام قدرت بي مثيل است و بقيه قدرتها را در بر دارد؟

قسمت بيست و يکم

در بيان فوق، به ما فرموده‌اند با وجودي که تبديل يک عنصر به ذهب خالص مشکل بنظر مي‌آيد تبديل قوه شيطاني به قوه الهي خيلي دشوارتر است. و لکن کلمه الله و تنها کلمه الله مي‌تواند اين تقليب اساسي را به وجود آورد. اما بايد سؤال کنيم کلمه الله چيست که مي‌تواند اين کار عظيم را انجام دهد؟ حضرت بهاءالله مي‌فرمايند:

«ثُمَّ أَعْلَمَ أَنَّ كَلَامَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَعْلَى وَ أَجَلُّ مِنْ أَنْ يَكُونَ مِمَّا تُدْرِكُهُ الْحَوَاسُّ لِأَنَّهُ لَيْسَ بِطَبِيعَةٍ وَلَا بِجَوْهَرٍ قَدْ كَانَ مُقَدَّسًا عَنِ الْعَنَاصِرِ الْمَعْرُوفَةِ وَ الْأَسْطَقْسَاتِ الْعَوَالِي الْمَذْكُورَةِ وَ إِنَّهُ ظَهَرَ مِنْ غَيْرِ لَفْظٍ وَ صَوْتٍ وَ هُوَ أَمْرُ اللَّهِ الْمُهَيِّمُ عَلَى الْعَالَمِينَ إِنَّهُ مَا أَنْقَطَعَ عَنِ الْعَالَمِ وَ هُوَ الْفَيْضُ الْأَعْظَمُ الَّذِي كَانَ عِلَّةَ الْفَيُوضَاتِ وَ هُوَ الْكَوْنُ الْمُقَدَّسُ عَمَّا كَانَ وَ مَا يَكُونُ» (۱۸)

(مضمون بيان مبارک به فارسي چنين است: بدان که کلام خداوند عز و جل بلندمرتبه‌تر و والاتر از آن است که حواس آن را درک کند. زيرا آن کلام نه طبيعت است و نه جوهر و از تمام مواد شناخته شده و عناصر عاليه که در کتب ذکر شده منزّه است. آن کلام بدون هيچ لفظ و صوتي ظاهر گشته است. امر خداوند است که مهيم بر همه عالميان است. هرگز از عالم منقطع نشده، زيرا آن فيض اعظم خدا است که سبب و علت ظهور همه فيوضات عالم است و همان هستي است که از تمام هستيهاي عالم،

یعنی از آنچه بوده و هست مقدس و مبرا است.»

- ۱ - کلام الله _____ و _____ از آن است که حواس آن را درک کند.
- ۲ - کلام الله _____ و _____ نیست.
- ۳ - کلام الله _____ است از _____.
- ۴ - کلام الله بدون _____ و _____ ظاهر شد.
- ۵ - کلام الله _____ خداوند است.
- ۶ - کلام الله و امر او هیچ وقت از دنیا _____ نشده.
- ۷ - کلام الله بزرگترین _____ است.
- ۸ - کلام الله _____ همه فیوضات است.
- ۹ - کلام الله _____ است از آنچه _____ و _____.

قسمت بیست و دوم

تصویر دیگری که قدرت کلمه الله به ما می دهد پیوستن کلمه «کاف» و «نون» است. در بیانات الهیه خواندیم که خداوند کلمه کاف و نون را به هم پیوند داد و حکم «کن» را صادر نمود. بدین ترتیب تمام مخلوقات در عالم وجود ظاهر شدند. در مناجاتی حضرت بهاء الله می فرمایند:

«...إِنَّ الَّذِي كَانَ شَأْنُهُ ذَلِكَ كَيْفَ يَقْدِرُ أَنْ يَذْكُرَ الَّذِي بِإِشَارَةٍ مِنْ إصْبَعِهِ خُلِقَتْ
الْأَسْمَاءُ وَمَلَكُوتُهَا وَالصِّفَاتُ وَجَبْرُوتُهَا وَإِشَارَةُ أُخْرَى رُكِبَتْ الْكَافُ بِالنُّونِ وَ
ظَهَرَ مِنْهَا مَا عَجَزَ عَنْ عِرْفَانِهِ أَعْلَى أَفِيدَةِ الْمُقَرَّبِينَ مِنْ أَصْفِيَايَكَ وَأَبْهَى
مَشَاعِرِ الْمُخْلِصِينَ مِنْ أَوْدَائِكَ» (۱۹)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: بدرستی کسی که قدر و مقامش چنین است، چگونه از نفسی سخن می گوید که با اشاره ای از انگشتش اسماء و ملکوت آنها و صفات و جبروت آنها آفریده گشت و با اشاره ای دیگر حرف کاف به حرف نون مقرون گردید و (حکم ایجاد صادر شد) و آنچه را که قلوب مقربین اصفیاء در اعلی مقام خود و عقول مخلصین اولیاء در اعظم جلوه خود از فهم آن عاجز بودند، ظاهر گردید.)

شاید دوست داشته باشید این مناجات را حفظ کنید.

قسمت بیست و سوم

حال متوجه شدیم کلمه الله تماماً حکم نافذ و فضل الهی است و از حروف و صداها ساخته نشده است. ولیکن کلماتی وجود دارند که می خوانیم و یا می شنویم و حداقل قوه کلمه الله است، یعنی همان

کلماتی که مظاهر ظهور بیان فرموده‌اند. این کلمات قدرت خلق، احیاء و تقلیب دارند و برای همین به این کلمات، کلمه خلاق می‌گویند. حضرت بهاء‌الله می‌فرماید:

«كَلِّمًا يَخْرُجُ مِنْ فَمِهِ إِنَّهُ لَمُحْيِي الْأَبْدَانِ لَوْ أَنَّكُمْ مِنَ الْعَارِفِينَ»^(۲۰)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: هر آنچه از دهان او خارج می‌شود همان حیات بخش ابدان خواهد بود، اگر بدانید.)

«ای حبیب من کلمه الهی سلطان کلمات است و نفوذ آن لاتحصى. حضرت

موجود می‌فرماید: عالم را کلمه مسخر نموده و می‌نماید، اوست مفتاح اعظم

در عالم چه که ابواب قلوب که فی الحقیقه ابواب سماء است از او مفتوح.»^(۲۱)

در قسمت ذیل سؤالاتی در ارتباط با نصوص فوق و نیز نصوص قبل است. با وجودی که پاسخ

بعضی از این سؤالات «بله» یا «خیر» است. ولیکن این تمرین درک شما را راجع به قدرت کلمه‌الله روشن می‌کند.

۱ - آیا کلمه‌الله از حروف و الفاظ ساخته شده است؟

۲ - آیا کلمه‌الله از ماده معلومی ساخته شده است؟

۳ - آیا می‌توانیم کلمه‌الله را با حواس خود درک کنیم؟

۴ - کلمه‌الله چیست؟

(الف)

(ب)

۵ - اینکه کلمه الهی همه مخلوقات را احاطه نموده به چه معنی است؟

۶ - اگر کلمه «کن» نبود، آیا ممکن بود چیزی در عالم به وجود آید؟

۷ - منظور از اینکه فیض پروردگار شامل کل است چیست؟

۸ - اگر فیوضات الهی از عالم وجود سلب می‌شد چه اتفاقی می‌افتاد؟

۹ - حال که کلام خداوند به وسیله حواس و قابلیات ما درک نمی‌شود، چگونه از آن آگاه می‌شویم؟

۱۰ - «دهان خداوند» کیست که از طریق آن با بندگانش صحبت می‌کند؟

۱۱ - با هر کلمه‌ای که توسط مظهر ظهور بیان می‌شود چه چیزی اعطاء می‌شود؟

۱۲ - بعضی از خصوصیات «حیات جدیدی» که کلمه‌الله در هر انسانی می‌دمد ذکر کنید.

۱۳ - تأثیر کلمه‌الله چقدر عظیم است؟

۱۴ - مفتاح اعظم تمام دنیا چیست؟

۱۵ - کلمه‌الله با قلب مردم چکار می‌کند؟

حال بیان ذیل را حفظ کنید :

«امروز روز بیان است باید اهل بهاء بکمال وفق و مدارا اهل عالم را به افق اعلی هدایت نمایند. اجساد طالب ارواح است باید نفوس ملکوتیه به نفحات کلمه الهیه اجساد را به ارواح تازه زنده نمایند.» (۲۲)

قسمت بیست و چهارم

بیایید ارتباط بین بعضی از نظراتی را که در قسمتهای قبل در مورد آنها بحث کردیم، بررسی نماییم. حضرت بهاء‌الله به ما امر می‌فرماید که مدینه قلب مردم را با کلید گفتار خویش باز کنیم. وقتی که درهای این مدینه باز شد، تغییرات حیرت‌آوری ظاهر می‌شود. در میان قدرتهایی که این تغییر و تقلیب را هدایت می‌کند قدرت کلمه‌الله که به وسیله کلمات مظهر ظهور بیان می‌شود حیاتی‌ترین است. آیا این بدین معنی است که بهتر است از کلمات خود استفاده نکنیم و فقط بیانات حضرت بهاء‌الله را برای دیگران بخوانیم؟

برای پاسخ به این سؤال بیاد آورید رفتار پیشوایان مذهبی را که همیشه نسخه‌ای از کتاب مقدس را با خود حمل نموده و به وسیله آن دائماً مردم را وعظ می‌کردند. البته ما چنین رفتاری را از یک مبلغ بهایی انتظار نداریم. ولکن باید یاد بگیریم که در اقدامات تبلیغی خود به قدرت کلمه‌الله متکی باشیم. حضرت بهاء‌الله ما را نصیحت می‌فرماید:

«باید نفوس مقدسه تفکر و تدبّر نمایند در کیفیت تبلیغ و از کتب بدیعه الهیه در هر مقام آیاتی و کلماتی حفظ نمایند تا در حین بیان در هر مقام که اقتضا نماید به آیات الهی ناطق شوند چه که اوست اکسیر اعظم و طلسم اکبر افخم بشأنی که سامع را مجال توقف نماند.» (۲۳)

۱ - حضرت بهاء‌الله از ما می‌خواهند که _____ و _____ کنیم راجع به

۲ - از _____ بدیعه الهیه در هر مقام _____ و _____ نمایم.

۳ - باید قسمتهایی از کتب مقدسه را حفظ کنیم تا در _____ در هر

- _____ که _____ نماید به _____ الهی ناطق شویم.
- ۴ - باید بیانات الهیه را در نطق و صحبت خود تلاوت کنیم چون این بیانات _____ و _____ است.
- ۵ - بشأنی که _____ را مجال _____ نماند.

قسمت بیست و پنجم

حضرت بهاءالله به ما می فرمایند که قسمتهایی از آثار مبارکه را حفظ کنیم تا بتوانیم در صحبت خود در فرصتهای مناسب استفاده نماییم. واضح است که مقصود در درجه اول بیانات خود آن حضرت است، چون ایشان مظهر ظهور الهی برای این یوم اند و مانند تمام مظاهر ظهور قبل از قبیل حضرت باب، کلمات آن حضرت قوه خلاقه دارد.

اما در مورد کلمات حضرت عبدالبهاء چطور؟ در گروه خودتان راجع به قوت و تأثیر کلمات آن حضرت بر شنونده بحث کنید. اگر چه نمی توان آثار ایشان را آیات نازله از جانب حق دانست، آیا مانند صحبت های هر فرد دیگری است یا مقامی دیگر مخصوص به خود دارد؟ قدرت بیانات حضرت از کجا است؟ آیا مطلوب نیست که از بیانات ایشان در صحبت های خود استفاده کنیم همانطور که از بیانات حضرت بهاءالله استفاده می کنیم؟

حال همین سؤالات را در رابطه با بیانات حضرت ولی امرالله از خود بکنید و سپس همین سؤالات را در رابطه با هدایت های بیت العدل اعظم مطرح کنید.

قسمت بیست و ششم

اهمیت حفظ کردن بیانات الهی و استفاده از آن در صحبت های خود را ملاحظه نمودیم. ولکن می دانیم که در توضیح تعالیم حضرت بهاءالله، نیازمندیم از کلمات خود نیز به خوبی استفاده کنیم، زیرا نمی توانیم جمله به جمله از آثار مبارکه برای مردم بخوانیم. بیانات مبارکه باید به صورت طبیعی در ضمن مکالمات و مذاکرات، ارائه شود. سؤال اینجاست که چطور می توانیم مطمئن باشیم که در قلب شنوندگان تأثیر گذاشته ایم و به آنان کمک کرده ایم تا پیام حضرت بهاءالله را درک نمایند و به شاطی بحر احدیت برسند؟

آشکارا جواب این است، با وجودی که کلمات خود را استفاده می کنیم ولکن هر آنچه می گوئیم باید بر طبق تعالیم الهی باشد. ایده و افکار خود را نباید ارائه دهیم، بلکه پیام حضرت بهاءالله را به خالص ترین وجه ممکن بیان نماییم. البته این کار از ما می طلبد که خود را در بحر بیانات الهی

غوطه‌ور نموده و اطلاعات و فهم خود را مستمراً در باره امر الهی عمیق کنیم. حضرت ولی امرالله می‌فرمایند:

«مطمئناً بهترین طریقه تبلیغ این است که افکار خود را با استناد مستمر به بیانات حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء مبرهن نمایید. این باعث خواهد شد که امرالله از تفسیر اشتباه افراد، محفوظ ماند. چون هر چه در این آیات الهی است حقیقت است و لهذا باید مرجع مستند مطالب ما باشد.

ولکن منظور این نیست که آزادی ما در بیان محدود است. ما همیشه می‌توانیم راههای جدیدی برای رسیدن به حقیقت پیدا کنیم و یا توضیح دهیم که چطور در حیات و زندگی ما تأثیر می‌گذارد. هر چه مطالعه ما عمیق تر باشد، درک ما از اهمیت و تأثیر تعالیم بیشتر خواهد شد.» (۲۴)

«تعمق در امرالله یعنی خواندن آثار حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء به نحوی که بتوانیم به دیگران به صورت صحیح و خالص آن را منتقل کنیم. افراد زیادی هستند که ایده‌های سطحی از امرالله دارند و لذا با افکار شخصی خود آن را معرفی می‌کنند. امرالله هنوز از آنجا که در بدایت ایامش است باید خیلی مواظب بود که مرتکب خطایی نشویم و آسیبی بر حرکت و جنبشی که آنقدر دوستش داریم نرسانیم.

مطالعه امر مبارک حدی ندارد. هر چه آیات الهیه را بیشتر بخوانیم حقایق بیشتری در آن کشف خواهیم کرد و بیشتر متوجه می‌شویم که تصورات قبلی ما اشتباه بوده است.» (۲۵)

اکنون جملات ذیل را بخوانید و تصمیم بگیرید کدام اشتباه و کدام صحیح است. تنها به علامت گذاشتن اکتفا نکنید. تسلسل افکار به شما کمک می‌نماید تا در اهمیت مطالعه سیستماتیک بیانات تفکر کنید.

۱ - مطالعه آیات الهی فقط برای آنهاست که تحصیلات عالی دارند. بقیه فقط
□ □ صحیح اشتباه
نیاز دارند که چکیده مطالب بطور ساده برایشان توضیح داده شود.

۲ - هر فرد بهایی باید آیات الهی را مطالعه کند. حتی افرادی که عادت به
□ □ صحیح اشتباه
مطالعه ندارند می‌توانند با کمک دیگران یک قسمت از بیانات را در فواصل زمانی مناسب مطالعه کنند.

- ۳ - همینطور که بیانات مبار که را مطالعه می کنیم، فهم ما از امر بیشتر می شود و می توانیم بهتر حقایق مقدسه ظهور الهی را توضیح دهیم، بدین ترتیب کلمات ما تأثیر بیشتری در شنونده خواهد داشت.
- ۴ - حتی اگر بیانات مبار که را خیلی خوب مطالعه کنیم و بتوانیم به شکل خالص و حقیقی آن را ارائه دهیم، کلمات ما هیچ وقت جایگزین کلمه خلاقه حق که قدرت خاصی دارد و در قلوب مردم نفوذ می کند نخواهد شد.
- ۵ - هنگام تبلیغ اگر کوشش نماییم به بیانات مبار که وفادار و امین باشیم، آزادی فکر و بیان خود را محدود کرده ایم.
- ۶ - هنگام تبلیغ اگر به بیانات مبار که وفادار و امین باشیم، افکار ما عالی تر خواهد شد. دیگر بنده نظریات افراد و محدود به تنگ نظری نخواهیم بود.
- ۷ - هنگام تبلیغ اگر به بیانات مبار که وفادار و امین باشیم، ملهم می شویم و بصیرت پیدا می کنیم و پاسخ خیلی از سؤالات ما که اصلاً فکرش را نمی کردیم به فکرمان خطور خواهد کرد.
- ۸ - وقتی که شما یک کتاب یا لوح نازله از هیاکل مقدسه امر را خوانده باشید دیگر لازم نیست دوباره آن را بخوانید.
- ۹ - مهم نیست که فرد هر عبارت از آثار را چندین بار مطالعه کند زیرا هر بار به معنا و مفهوم جدیدی دست می یابد و بصیرت تازه ای از آن کسب می کند.
- ۱۰ - یک فرد آثار را فقط برای جمع آوری حجم زیاد اطلاعات امری مطالعه نمی کند. چیزی که مهم است اینکه چقدر در آثار تأمل گردد و سعی در فهم معنای نهفته در آن شود.
- ۱۱ - تعمق یک کار شخصی است و انسان می تواند به تنهایی نیز انجام دهد.
- ۱۲ - تعمق یک کار شخصی است و فقط می توان آن را به تنهایی انجام داد.
- ۱۳ - مطالعه آثار نباید فقط به عنوان یک عادت فردی تلقی شود. بلکه باید یک فعالیت سیستماتیک گروهها و جوامع باشد.
- ۱۴ - وقتی امر را تبلیغ می کنیم مهم است که در ارائه مطلب افکار خود را داخل نکنیم. بنا بر این تا وقتی که همه بیانات را فرا نگرفته ایم نباید تبلیغ کنیم.
- ۱۵ - نمی توانیم صبر کنیم تا کاملاً در بیانات الهی عمیق شویم و سپس به تبلیغ پردازیم. تعمیق معلومات امری ما باید به موازات مجهودات تبلیغی صورت بگیرد. والا هیچ وقت تبلیغ نخواهیم کرد چون هیچ وقت به اندازه کافی عمیق نخواهیم شد.

قسمت بیست و هفتم

مطابقت نمودن کلمات خود با تعالیم حضرت بهاءالله آنطور که حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله تبیین فرموده و نیز بیت العدل اعظم هدایت نموده‌اند، قوت عظیمی به کلمات ما می‌دهد. این قوت مضاعف می‌شود اگر عباراتی از آثار را حفظ کنیم و خیلی طبیعی و با حکمت در فحوای مطالب خود بازگو نماییم. ولی کلمات ما اگر می‌خواهد به قلب آنهایی که تبلیغ می‌کنیم نفوذ کند باید سایر شرایط را نیز داشته باشد. بخصوص باید حامل نیروی عشق باشد، عشقی که حقیقتاً احساس شود نه اینکه فقط تظاهر باشد. حضرت عبدالبهاء در یکی از خطابات مبارک که می‌فرمایند:

«اگر من شما را دوست داشته باشم لازم نیست مرتباً راجع به عشقم صحبت کنم، بدون کلمات خواهی فهمید. و از طرفی دیگر اگر دوستت نداشته باشم، آن را هم خواهی فهمید و باور نخواهی کرد حتی اگر با هزاران کلمات به شما بگویم دوستت دارم.»^(۲۶) (ترجمه)

عشق یک اصل انتزاعی نیست که بخواهیم راجع به آن صحبت کنیم، واقعیتی است که متوجه شخص و یا چیزی می‌شود. عشق وقتی واقعی است که فرد حقیقتاً عاشق دیگری باشد، در این صورت ارتباطی بین قلبها ایجاد می‌شود و از این ارتباط احساسات و افکار متعالی ظاهر می‌گردد. یک روح می‌تواند دیگری را تعالی بخشد و هر دوی آنها را غرق احساس سرور نماید.

میرزا ابوالفضائل یک مبلغ بهایی که حضرت عبدالبهاء خیلی به ایشان اعتماد داشتند، روزی مفهوم عشق به عالم انسانی را برای گروهی از دوستان تحلیل می‌فرمودند. ایشان توضیح می‌دادند چقدر ساده است که شخصی در منزل خود که باغچه قشنگی دارد بنشیند و بگوید «من عاشق عالم انسانی هستم». ولكن بر طبق بیانات میرزا ابوالفضائل عشق وقتی واقعیت پیدا می‌کند که مورد امتحان قرار گیرد. فقط وقتی که بخاطر عشق مبارزه کردیم و استقامت نمودیم و دوباره به خاطر عشق زخمی شدیم می‌توانیم جمله «من عاشقم» را با قدرت و اطمینان بر زبان رانیم. و سپس فرمودند شخصی که می‌خواهد در نفس خود عشق ایجاد کند باید خود را امتحان کند و ببیند آیا تمام شرایط عشق واقعی را دارد.

بعضی از این شرایط چیست؟ واضح است که شامل خلوص نیت، صداقت، بخشش، آزادگی، گذشت و قابل اعتماد بودن می‌باشد. ملاحظه می‌کنید که همه این صفات لازمه وجود عشق است. عشق بدون خلوص نیت بجز دورویی چیست؟ نتیجه عشق چیست وقتی که با حسادت و حکمفرمایی، و نه با بخشش و سعه صدر توأم باشد؟ چه نوع عشقی است که به جای گذشت با انتقام توأم شده است؟ اگر قابل اعتماد نباشیم چطور کسی می‌تواند به عشق ما اعتماد کند؟

با این درک از عشق، بیایید توجه خود را معطوف به عمل تبلیغ کنیم. وقتی تبلیغ امر می‌کنید با «یک نفر» تماس می‌گیرید. شما تبلیغ را فقط به صورت تئوری انجام نمی‌دهید. در باره احساسی که به شخص مورد علاقه خود دارید فکر کنید - دوست عزیز، مادر، پدر، برادر، خواهر، زن یا شوهر، بچه‌هایتان - این احساسات خیلی واقعی هستند. البته بی‌معنی است که معتقد شویم که می‌توانیم یک شخص ناشناس را به همان درجه دوست داشته باشیم که نزدیکان خود را دوست داریم. چیزی که باید درک کنیم این است که هنگام تبلیغ، عشق خود را به جامعه انسانی ابراز می‌کنیم و عشق ما به جامعه انسانی باید به عشق واقعی به تک‌تک انسانها ترجمه شود. این برای ما کافی نیست که فقط یک عشق انتزاعی به یک بشریت ایده‌آلی انتزاعی ابراز نماییم.

به چه دلیل یک مبلغ امرالله نباید فردی - حتی غریبه‌ای - که سرانجام به پیام حضرت بهاءالله گوش می‌سپارد را دوست داشته باشد؟ برای تأمل در این سؤال باید به حضرت عبداله‌بهاء بیندیشید. چگونه مردمان را دوست داشتند؟ آیا به هر فردی که با ایشان تماس داشت عشق و مهربانی اظهار نمی‌نمودند؟

به منظور ازدیاد درک شما راجع به قدرت عشق در تبلیغ امرالله، تصمیم بگیرید کدام یک از این عبارات صحیح و کدام اشتباه است:

- ۱ - کلمات، کلمات است و یک تأثیر را دارد، چه با عشق قلبی اظهار شود چه بدون آن. ☐ ☐
- ۲ - وقتی کلمات با عشق ادا می‌شود تأثیر بیشتری در قلب شنونده دارد. ☐ ☐
- ۳ - ما فقط می‌توانیم شخصی را دوست بداریم که می‌شناسیم مثل مادر، پدر و یا دوست عزیزمان را. ☐ ☐
- ۴ - امکان دارد شخصی را که خوب نمی‌شناسیم دوست بداریم. ☐ ☐
- ۵ - اظهار محبت به هر فردی غیر ممکن است مگر اینکه شما به نوعی یکی از مقدسین باشید. ☐ ☐
- ۶ - عشق به عالم انسانی یعنی عشق یکسان به همه انسانها. ☐ ☐
- ۷ - همینکه شخصی را که نمی‌شناسید وقت می‌گذارد تا به سخنانتان گوش دهد، به خودی خود، عشق او را در قلب شما برمی‌انگیزد. ☐ ☐
- ۸ - این جمله متناقض است که بگوییم: «من عالم انسانی را دوست دارم و لکن اهمیت نمی‌دهم که نفسی را تبلیغ کنم و فضل عظیم الهی را به او تقدیم کنم، مواهبی که نتیجه پذیرش حضرت بهاءالله به عنوان مظهر ظهور الهی برای این یوم است.» ☐ ☐
- ۹ - اگر تبلیغ نمی‌کنیم علتش این است که عشق کافی به عالم انسانی نداریم. ☐ ☐

صحيح اشتباه

- □ ۱۰ - این اشتباه است که بگوییم آنان که تبلیغ نمی کنند عالم انسانی را دوست ندارند. عوامل دیگری مثل ترس، عدم اطمینان و کمرویی وجود دارد که فردی را که سرشار از عشق به تبلیغ است از این عمل باز می دارد.
- □ ۱۱ - فقط باید آنهایی را که دوست داریم تبلیغ کنیم نه آنهایی که نمی شناسیم.
- □ ۱۲ - باید عاشق همه آنهایی باشیم که تبلیغ می کنیم.
- □ ۱۳ - عشق به بشریت علت اصلی تبلیغ نیست. عشق به خدا است که ما را وادار می کند قیام به این وظیفه مقدس کنیم.
- □ ۱۴ - اگر احساس می کنیم به قدر کافی عاشق عالم انسانی نیستیم نباید تبلیغ کنیم.
- □ ۱۵ - عمل تبلیغ عشق ما را به هم نوع خود افزایش می دهد، بنا بر این ما نباید کمبود محبت خود را بهانه ای برای تبلیغ نکردن قرار دهیم.

قسمت بیست و هشتم

طرق زیادی برای اظهار عشق وجود دارد، و گفته ایم وقتی تبلیغ می کنیم، عشق خود به عالم انسانی را به صورت عشق به فرد یا افراد جامعه بیان می کنیم.

حضرت عبدالبهاء به ما می فرماید که قدرت عشق باید شکلی برای ابراز و جهتی برای اظهار داشته باشد. مثل نیروی الکتریسیته که در لامپ ظاهر شده است. بدون این وسیله عشق دیده نخواهد شد، احساس نخواهد شد، شنیده نخواهد شد. روی هم رفته بیان نمی شود ظاهر نمی شود.

اگرچه قدرت عشق وقتی ظاهر می شود که بر شخص یا شیء معینی متمرکز شده باشد، باید بیاد آریم که عشق محدود نیست. عشق نامحدود، بی پایان و لایتناهی است. حضرت عبدالبهاء به ما می فرماید:

«وقتی عضو خانواده و یا هموطن خود را دوست داری، بگذار محبت تو خالص و بی منتهی باشد، بگذار لله باشد و بخاطر خدا. هر موقع صفات الهی را در نفسی مشاهده می کنی آن شخص را دوست داشته باش، چه از خانواده تو باشد چه نباشد. محبت بی حد و حصر داشته باش به هر نفسی که ملاقات می کنی ...» (۲۷) (ترجمه)

این بیان که از آثار حضرت عبدالبهاء است حفظ نمایید :

«ای ابن ملکوت! جمیع اشیاء با محبت الله نافع است و بدون محبت الله مضر و سبب احتجاج از رب ملکوت ولی با محبت الهیه هر تلخی شیرین شود و هر نعمتی گوارا گردد مثلاً نغمات موسیقی نفوس منجذبه را روح حیات بخشد ولی نفوس منهمک در نفس و هوای را آلوده به شهوات کند و جمیع علوم با محبت الهیه مقبول و محبوب و بدون آن بی ثمر بلکه مورت جنون. هر علمی مانند شجر است و چون ثمر محبت الله باشد آن شجره مبارک است والا حطب است و عاقبت طعمه آتش گردد» (۲۸)

قسمت بیست و نهم

برای اتمام این بخش باید حقیقت مهمی را که در زندگی خود آموخته ایم یاد آور شویم: که بدون تأیید الهی هیچ کاری انجام نمی پذیرد. وقتی به تبلیغ مشغولیم، باید از کمک و تأیید الهی آگاه باشیم و از جنود ملاء اعلی قوت بطلبیم. قسمتهایی از بیانات مبارک که راجع به این مطلب ذیلاً درج شده است. اگر تا حال حفظ نکرده اید شاید بخواهید این بیانات را حفظ کنید:

«تَاللّٰهِ الْحَقِّ مَنْ يُّفْتَحِ الْيَوْمَ شَفَتَاهُ فِي ذِكْرِ اَسْمِ رَبِّهِ لَيُنَزَّلُ عَلَيْهِ جُنُودُ الْوَحْيِ عَنْ مَشْرِقِ اَسْمَى الْحَكِيمِ وَيُنَزَّلَنَّ عَلَيْهِ اَهْلُ مَلَأَ الْاَعْلَى بِصَحَائِفٍ مِنَ النُّورِ وَكَذَلِكَ قَدَّرَ فِي جَبْرُوتِ الْاَمْرِ مِنْ لَدُنْ عَزِيزٍ قَدِيرٍ» (۲۹)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: به خدای حق سو گند، کسی که امروز به ذکر نام پروردگار خویش لب بگشاید، لشکریان وحی از مشراسم حکیم و علیم من بر او نازل خواهند شد و اهل ملاء اعلی با صحیفه هایی از نور نزد او خواهند آمد. اینگونه است تقدیرات الهی در عالم جبروت از جانب خداوند عزیز قدیر.)

«اِنَّ الَّذِيْنَ هَاجَرُوا مِنْ اَوْطَانِهِمْ لِتَبْلِيْغِ الْاَمْرِ يُؤَيَّدُهُمُ الرُّوحُ الْاَمِيْنُ وَيَخْرُجُ مَعَهُمْ قَبِيْلٌ مِنَ الْمَلٰٓئِكَةِ مِنْ لَدُنْ عَزِيزٍ عَلِيْمٍ. طُوبٰى لِمَنْ فَاَزَ بِخِدْمَةِ اللّٰهِ لَعَمْرِي لَا يُقَابِلُهُ عَمَلٌ مِنْ الْاَعْمَالِ اِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ الْمُقْتَدِرُ الْقَدِيْرُ» (۳۰)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: آنان که از وطنهایشان برای تبلیغ امر هجرت می نمایند، در ظل تأییدات روح الامین اند و از جانب پروردگار گروهی از ملائکه آنها را همراهی خواهند نمود. خوشا به حال کسانی که به خدمت پروردگار موفق شوند. قسم به جانم هیچ عملی از اعمال، بجز آنچه خدا اراده فرماید، با این عمل مقابله نخواهد نمود.)

«اِنَّهُ يَنْصُرُ مَنْ نَصَرَهُ وَيَذْكُرُ مَنْ ذَكَرَهُ يَشْهَدُ بِذٰلِكَ هٰذَا اللّٰوْحُ الَّذِيْ لَاحَ مِنْ اُفُقِ عِنَايَةِ رَبِّكُمْ الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ ...» (۳۱)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: او یاری می‌نماید هر که او را یاری نموده و یاد می‌کند از هر کس که او را یاد کرده. گواه این امر لوح مبارکی است که از افق عنایت پروردگار عزیز جبار ظاهر گشته است.)

«بگو: ای اهل بهاء مبادا سطوت اقویا قوت شما را سلب نماید و یا شوکت امرای ارض شما را خائف و هراسان سازد. به حق توکل کنید و امور را به حفظ او سپارید. خداوند به نیروی حقیقت شما را مظفر و منصور خواهد ساخت. إِنَّهُ هُوَ الْمُقْتَدِرُ عَلَى مَا يَشَاءُ وَفِي قَبْضَتِهِ زِمَامُ الْقُدْرَةِ وَالْإِقْتِدَارِ...» (۳۲)

«قَوْلَ اللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَوْ يَقُومُ وَاحِدٌ مِنْكُمْ عَلَى نُصْرَةِ أَمْرِنَا لَيُغْلِبَهُ اللَّهُ عَلَى مِائَةِ أَلْفٍ وَلَوْ أَرَادَ فِي حُبِّهِ لَيُغْلِبَهُ اللَّهُ عَلَى مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ» (۳۳)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: قسم به آن خدایی که هیچ خدایی جز او نیست، اگر یکی از شما به یاری امر ما بپاخیزد، خداوند او را بر صد هزار نفر غلبه خواهد داد و اگر بر محبت خود بیفزاید، خداوند او را بر کل اهل آسمانها و زمین غالب خواهد نمود.)

«سَيُؤَيِّدُكُمْ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَيُنْجِدْكُمْ بِجُيُوشٍ إِلَّالهَامٍ مِنَ الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَ يُرْسِلُ إِلَيْكُمْ نَفْحَاتِ جَنَّتِهِ الْعُلْيَا وَيُعْطِرُ مَشَامَكُمْ بِأَنْفَاسِ طَيْبٍ تَعْبَقُ مِنْ رِيَاضِ الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَيُنْفِخُ فِي قَلْبِكُمْ رُوحَ الْحَيَاةِ وَيُدْخِلُكُمْ سَفِينَةَ النِّجَاتِ وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ الْبَيِّنَاتِ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ» (۳۴)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: بزودی خداوند با لشکریانی که آنها را نمی‌بینید، شما را تأیید می‌نماید و با سپاه الهام گرفته از ملاء اعلی شما را پیروز خواهد کرد. بوی خوش بهشت را بر شما می‌فرستد و مشامتان را با نسیمهای خوشبویی که از گلستان ملاء اعلی می‌وزد، معطر خواهد نمود. در دلهایتان روح حیات می‌دمد و شما را بر کشتی نجات خواهد نشاند و آیات بیناتش را به شما نشان خواهد داد. برآستی که این همان سعادت آشکار است.)

«ای بندگان آستان مقدس جنود ملاء اعلی در اوج علا صف بسته و مهیا و منتظر و مترصد مرد میدان و فارس عرفان که به محض جولان نصرت نمایند و تأیید کنند و قوت الظاهر گردند. پس خوشا به حال فارسی که اسب جولان دهد و طوبی از برای دلیری که به قوت عرفان در میدان برهان بتازد و صف جهل بدرد و سپاه ضلالت شکست دهد و علم هدی بلند کند و کوس غلبه بنوازد تَأَلَّهِ الْحَقِّ إِنَّهُ لَفِي فَوْزٍ عَظِيمٍ وَ ظَفَرٍ مُبِينٍ» (۳۵)

منابع

- ۱ - منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌الله، شماره ۱۲۸
- ۲ - الواح حضرت عبدالبهاء در شیکاگو (لجنه مطبوعات امری، ۱۹۳۰)، جلد ۱، ص ۱۱۴
- ۳ - الواح حضرت عبدالبهاء در شیکاگو (لجنه مطبوعات امری، ۱۹۳۰)، جلد ۲، ص ۴۷۳
- ۴ - منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء (ویلیمت: مطبوعات امری، ۱۹۹۷)، شماره ۱۴۲، صص ۱۷۵ - ۱۷۶
- ۵ - از رقیمه موزخه ۲۷ مارچ ۱۹۳۳ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به محفل روحانی محلی صادر شده، در اخبار امری چاپ شده است، شماره ۷۳، می ۱۹۳۳، ص ۲
- ۶ - الواح حضرت عبدالبهاء در شیکاگو (لجنه مطبوعات امری، ۱۹۳۰)، جلد ۳، صص ۷۱۶ - ۷۱۷
- ۷ - لوح سید مهدی دهجی از مجموعه الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده است، ص ۱۲۱ (لجنه نشر آثار امری لانگنهاین - آلمان. نشر اول، ۱۳۷ بدیع)
- ۸ - حضرت بهاء‌الله - کتاب اقدس، ص ۳۵
- ۹ - منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌الله، شماره ۱۴۴، ص ۳۱۴
- ۱۰ - منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌الله، شماره ۱۵۸
- ۱۱ - منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌الله، شماره ۱۵۴
- ۱۲ - لوح سید مهدی دهجی از مجموعه الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده است، ص ۱۲۲ (لجنه نشر آثار امری لانگنهاین - آلمان. نشر اول، ۱۳۷ بدیع)
- ۱۳ - حضرت عبدالبهاء - درج در نجم باختر "Star of the West"، جلد ۳، شماره ۱۹ (۲ مارچ ۱۹۱۳)، ص ۱
- ۱۴ - منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌الله، شماره ۱۱۵
- ۱۵ - منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌الله، شماره ۱۳۹
- ۱۶ - منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌الله، شماره ۱۲۹
- ۱۷ - منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌الله، شماره ۹۹
- ۱۸ - لوح حکمت از مجموعه الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده است، ص ۸۳ (لجنه نشر آثار امری لانگنهاین - آلمان. نشر اول، ۱۳۷ بدیع)
- ۱۹ - حضرت بهاء‌الله - کتاب مناجات، ص ۲۰۲ من منشورات البرازیل، ۱۳۹ بدیع
- ۲۰ - منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌الله، شماره ۷۴
- ۲۱ - لوح مقصود از مجموعه الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده است، ص ۱۰۷ (لجنه نشر آثار امری لانگنهاین - آلمان. نشر اول، ۱۳۷ بدیع)

- ۲۲ - حضرت بهاء الله - کتاب ظهور عدل الهی، ص ۱۶۹
- ۲۳ - لوح سید مهدی دهجی از مجموعه الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده است، ص ۱۲۳ (لجنه نشر آثار امری لانگنهاین - آلمان. نشر اول، ۱۳۷ بدیع)
- ۲۴ - رقیمه موزخه ۱۶ فوریه ۱۹۳۲ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احباء در

The Importance of Deepening Our Knowledge and Understanding of the Faith

- (ویلمت: مطبوعات امری، ۱۹۸۳)، ص ۳۲
- ۲۵ - رقیمه موزخه ۲۵ آپریل ۱۹۲۶ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احباء در

The Importance of Deepening Our Knowledge and Understanding of the Faith

- (ویلمت: مطبوعات امری، ۱۹۸۳)، صص ۲۸-۲۹
- ۲۶ - خطابات حضرت عبدالبهاء در پاریس ۱۹۱۲ - ۱۹۱۱ (مطبوعات امری لندن، ۱۹۹۵)، ص ۳
- ۲۷ - خطابات حضرت عبدالبهاء در پاریس ۱۹۱۲ - ۱۹۱۱ (مطبوعات امری لندن، ۱۹۹۵)، ص ۲۸
- ۲۸ - منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شماره ۱۵۴ (ویلمت - امریکا، چاپ ۱۹۷۹)
- ۲۹ - منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، شماره ۱۲۹
- ۳۰ - منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، شماره ۱۵۷
- ۳۱ - حضرت بهاء الله - کتاب ظهور عدل الهی، ص ۱۵۹
- ۳۲ - حضرت بهاء الله - کتاب ظهور عدل الهی، ص ۱۶۸
- ۳۳ - حضرت بهاء الله - کتاب دور بهایی، ص ۱۹
- ۳۴ - منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شماره ۱۵۷
- ۳۵ - منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شماره ۲۰۸

صفات و ویژگیهای ناشر نفحات

هدف:

- تأمل در صفات و ویژگیهای یک ناشر امرالله
- درک این مطلب که مؤثر بودن در نشر نفحات می‌تواند
پیشرفت کند اگر از موضع یادگیری به آن بنگریم. مشغول
فعالیت شدن، تأمل در آنچه گفته‌ایم و انجام داده‌ایم و
بازگشت منظم به آثار برای کسب بینش و هدایت.

قسمت اول

وظیفه مقدس تبلیغ را که حضرت بهاء الله بر عهده ما گذاشته اند، حداقل می توانیم به دو طریق ایفاء کنیم: یکی به وسیله تبلیغ افرادی که خود آنها را انتخاب می کنیم یا کسانی که در مسیر زندگی روزانه با آنان برخورد می کنیم، و دیگری با مشارکت در پروژه های تبلیغی جامعه خود. در هر دو طریق باید متوجه حقیقتی باشیم که در بخش اول کتاب بدان اشاره شد، یعنی «بودن» و «انجام دادن» که دو جنبه مکمل و جدانشدنی حیات روحانی است. فقط اگر سعی مان در تبلیغ خود و دیگران همزمان انجام گیرد نتیجه خیلی خوبی خواهیم گرفت. در مسیر تبلیغ نیاز داریم وقت کافی برای کسب ویژگیها و صفات یک مبلغ صرف کنیم.

وقتی که مشغول به تبلیغ سیستماتیک و مستمر هستید، کدام صفات روحانی است که شما باید دائماً سعی کنید در خود پرورش دهید؟ در قسمتهای بعدی، بیانات کوتاهی راجع به صفات روحانی یک مبلغ به شما ارائه خواهد شد. سؤالات و تمرینات در هر قسمت برای این است که به شما کمک کند تا تحلیل کنید که چگونه پیشرفت در هر صفت، تأثیر شما را به عنوان یک مبلغ امرالله افزایش می دهد. هدف این قسمتها مطالعه کلی صفات روحانی نیست بلکه بررسی آنها در موقعیتهای ویژه تبلیغ است. به عنوان قدم اول، صفاتی را که احساس می کنید لازمه موفقیت در تبلیغ است ذکر کنید:

تشخیص و درک این نکته خیلی مهم است که بحث ما در این قسمتها راجع به حصول کمال نیست بلکه راجع به سعی به سوی کمال است. بدون درک این نکته ممکن است شما احساس ناامیدی و ناتوانی کنید و هر گونه تلاشی برای تبلیغ را کنار بگذارید. برای مثال در قسمت بعدی می خوانیم که چطور باکی قلب می تواند عامل مؤثری در تبلیغ باشد. این بدین معنی نیست که تا وقتی که انسان جوهر پاکی نباشد نمی تواند تبلیغ کند. طبیعتاً بیانات مبارکه ما را به طرف کمال هدایت می کنند، چون اگر از هدف آگاه نباشیم چگونه می توانیم در به دست آوردن آن بکوشیم؟

قسمت دوم

در فرامین تبلیغی، حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

«مقصود اینست که باید نیت خالص باشد و قلب مستغنی و روح منجذب و فکر مستریح و عزم و اراده شدید و همت بلند و در محبت الله شعله افروخته باشد.»
(۱)

و نیز در همین لوح می فرمایند:

«... از این جهان و جهانیان منزّه و مقدّس شوید. نیت را خیر نمایید و تعلق به این عالم را قطع کنید و چون جوهر روح لطیف و خفیف گردید و با عزمی ثابت و قلبی طاهر و روحی مستبشر و لسانی ناطق به ترویج تعالیم الهی پردازید ...»
(۲)

چرا فکر می کنید خلوص نیت و طهارت قلب به موفقیت در تبلیغ خیلی کمک می کند؟
چطور می شود اگر نیت ما خالص نباشد و لکن تظاهر به خوبی نماییم و دیگران را هم در مورد خوب بودن خود قانع کنیم؟ بعضی از افکار غیر خالص که در ارتباط با تبلیغ براحتی به فکر ما می آید، آرزوی معروفیت و علو مقام و برتر بودن نسبت به آنهایی که تبلیغشان می کنیم است. آیا می توانید توضیح دهید که هر کدام از اینها چطور در تبلیغ تأثیر می گذارد؟

۱ - احساس برتری:

۲ - آرزوی شهرت:

۳ - جاه طلبی:

در توقیعی که از طرف حضرت ولی امرالله مرقوم گردیده است می‌فرمایند:

«حضرت عبدالبهاء به ما اطمینان داده‌اند وقتی که خود را فراموش می‌کنیم و با تمام قوای خود سعی می‌کنیم که خدمت و تبلیغ امرالله کنیم، تأییدات الهی شامل حالمان می‌شود. این ما نیستیم که آن کار را انجام می‌دهیم بلکه تنها وسایلی هستیم که در آن زمان برای هدف تبلیغ به کار گرفته شده‌ایم.»^(۳)
(ترجمه)

و در توقیعی دیگر توضیح می‌فرمایند:

«حتی یک نفس بالغ با درک روحانی و آگاهی عمیق از امر می‌تواند یک کشور را مشتعل سازد. چقدر عظیم است قوت امرالله که می‌تواند به وسیله نفوس خالص و منقطع از خود عمل کند.»^(۴) (ترجمه)

به عنوان یک فرد بهایی هر کدام از ما سعی می‌کنیم خود را از حب نفس آزاد کنیم و منقطع از خود باشیم. در این راه، باید بدانیم که حتی اگر نیت ما خالص باشد ممکن است در دام خودمحوری بیفتیم. یک نفر می‌تواند با خلوص نیت، مشتاق پیشرفت و خوب بودن دیگران باشد ولیکن در عین حال به ورطه‌ای کشیده شود که آرزو کند خودش محور همه چیز قرار گیرد و فکر کند «من به دیگران عمل می‌کنم»، فردی که به این گرفتار می‌شود تاکید بر «من» دارد و نه «دیگران» و یا عمل «کمک کردن». سعی کنید خودتان را در حال تبلیغ یک دوست تصور کنید. اگر شما آگاهانه سعی می‌کردید که خود را محور قرار ندهید کدام یک از این جملات نمایانگر افکار و احساسات شما است؟ بیاد داشته باشید که عدم خودمحوری بدین معنی نیست که اصلاً «خود» وجود ندارد، فقط اینکه «خود» مرکز و محور همه چیز نیست.

- _____ شاید خداوند قلبش را باز کند و فهم حقیقی به او عطا کند.
- _____ امیدوارم نقصهای من او را از شناخت حقیقت امر باز ندارد.
- _____ تبلیغ کردن احساس خوبی دارد. وقتی شخصی را راجع به حقیقت امر متقاعد می‌کنم احساس خوبی به من دست می‌دهد.
- _____ بعد از اینکه هر کاری برایش کردم، همه چیز را با دقت به او توضیح دادم، بهتر است بهایی شود.
- _____ امیدوارم دوست من حضرت بهاءالله را بشناسد و همان احساس سروری را که در حین خدمت به امر الهی به من دست داده است، به او هم دست دهد.

_____ پروردگار افکر صحیح را در مغز من و کلمات صحیح را در زبان من بگذار تا بتوانم او را درست تبلیغ کنم.

قسمت چهارم

حضرت عبدالبهاء می فرمایند :

« قلوب خود را از تعلق به شؤون امروزه مبرا نمایند و به آینده به دیده ایمان بنگرید. امروز بذر کاشته شده، اما آگاه باشید یومی خواهد رسید که شجری مبارک با شاخه‌هایی مملو از میوه می‌روید، مسرور و خرسند باشید که یوم الهی طالع گشته، سعی کنید به قوه آن پی برید چون در حقیقت اعجاب انگیز است. خداوند شما را به اکیلل افتخار مزین نموده و در قلوبتان ستاره‌های درخشان روشن فرموده است به تحقیق که آن نور تمام عالم را روشن خواهد فرمود.»^(۵)
(ترجمه)

توصیه حضرت ولی امرالله به ما این است :

« بنا بر این باید شما حداکثر سعی خود را در برافروختن شعله ایمان در درون خود بنمایید چون به وسیله آن حتماً هدایت و قدرت و موفقیت نهایی را به دست خواهید آورد.»^(۶)
(ترجمه)

مطمئنأً شما موافقید که دلیل ورود یک فرد به جامعه بهایی این است که جرقه ایمان در قلبش روشن شده باشد. همچنین شما موافقید که مبلغ باید وسیله‌ای باشد که به واسطه او این جرقه روشن شود. اما چه می‌شود اگر شعله ایمان در قلب خود مبلغ افروخته نباشد؟ با چه چیزی می‌خواهد قلب شنونده خود را روشن کند؟ ما می‌توانیم بیشترین دلایل قانع کننده را به کار ببریم و بیشترین عبارات متقاعد کننده را ارائه دهیم اما بدون ایمان، اینها کمترین اثر را خواهند داشت، چون شنونده می‌تواند احساس کند به آنچه که می‌گوییم حقیقتاً معتقدیم یا خیر. هر چه بیشتر شعله ایمان در قلبمان بیافروزد امکان کمک به دیگران برای شناخت حضرت بهاءالله خیلی بیشتر خواهد شد. اما مبلغ امرالله باید به چه چیزی ایمان داشته باشد؟ آیا می‌توانید بعضی از این نکات را ذکر کنید؟ تعدادی مثال برای کمک به شما بیان می‌شود:

۱ - ایمان به قوه تأییدات الهیه.

۲ - ایمان به اینکه تعالیم حضرت بهاءالله آن چیزی است که جامعه انسانی واقعاً محتاج آن است.

۳ - ایمان به اینکه هر نفسی استعداد شناسایی حضرت بهاءالله را دارد.

_____ ۴

۵ -

۶ -

۷ -

۸ -

۹ -

۱۰ -

قسمت پنجم

حضرت عبدالبهاء به ما می فرمایند :

«پس زبان بگشایید و بکمال شجاعت در هر محفلی صحبت بدارید. در وقت خطاب اول توجه به بهاء الله نمایید و تأییدات روح القدس بخواهید و زبان بگشایید و آنچه بر قلب شما القا می شود بیان نمایید ولی در نهایت شجاعت و متانت و وقار»^(۷)

و در توقیعی که از طرف حضرت ولی امر الله مرقوم گردیده می خوانیم :

«حتی اگر تنها هستی و هر چقدر مردم مخالفت کنند، باید ایمان داشته باشی که جنود ملاء اعلی با تو هستند و با کمک آنها مطمئناً بر لشکر ظلمت که مقاومت امر الله می کند، غلبه خواهی کرد. بنا بر این جهد کن، خوشحال باش و اطمینان داشته باش»^(۸) (ترجمه)

مواجهه با موقعیتهای جدید، رفتن به مکانهای نا آشنا، صحبت با مردمی که آنها را به سختی می شناسیم، سهم کردن دیگران در چیزی گرانبها، در عین حالی که می دانیم ممکن است مورد اعتراض قرار گیریم، شجاعت می خواهد. البته سرچشمه شجاعت اعتماد به خداوند و توکل به او است. دانستن اینکه او ما را هدایت خواهد کرد و تأیید خواهد نمود، به ما نیروی انجام اموری را خواهد داد که در غیر این صورت از انجام آنها می ترسیدیم. اگر در هنگام تبلیغ امر الله شجاع نباشیم چه اتفاقی می افتد؟ آیا فرصتها را از دست خواهیم داد؟ مثالهایی بزنید که چگونه شجاعت لازمه تبلیغ است.

قسمت ششم

حضرت عبدالبهاء به ما می فرمایند :

« بساط تبلیغ باید در جمیع احیان ممدود گردد زیرا تأیید الهی موکول بر آن اگر نفسی به جان و دل در نهایت همت کمر بر تبلیغ امرالله نبندد البته از تأیید ملکوت ابهی محروم ماند ولی باید که به حکمت باشد و حکمت این است که به مدارای الهی و محبت و مهربانی و صبر و بردباری و اخلاق رحمانی و اعمال و افعال ربّانی تبلیغ نماید نه اینکه به صمت و سکوت پردازد و بکلی فراموش نماید.»^(۹)

و در جای دیگر می فرمایند :

« لَا كُلُّ مَا يُعْلَمُ يُقَالُ وَلَا كُلُّ مَا يُقَالُ حَانَ وَقْتُهُ وَلَا كُلُّ مَا حَانَ وَقْتُهُ خَضَرَ أَفْلُهُ. إِنَّ ذَلِكَ مِنَ الْحِكْمَةِ الْبَالِغَةِ فِي الْأُمُورِ فَلَا تَغْفُلْ عَنْهَا إِنْ كُنْتَ مِنْ أَهْلِ الْعَزْمِ فِي جَمِيعِ الشُّؤُونِ بَلْ شَخِّصِ الْعِلَلَ وَالْأَمْرَاضَ وَالْعِيَاءَ وَالْأَعْرَاضَ ثُمَّ الْعِلَاجَ وَهَذَا مِنْهَا جُ الْمَهْرَةُ مِنْ حُذَاقِ الْأَطِبَّاءِ »^(۱۰)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است : نه هر چه دانستنی است، قابل گفتن است و نه هر چه گفتنی است، زمانش فرا رسیده و نه هر چه زمان گفتنش فرا رسیده، اهلش حضور دارند، این از حکمت‌های بالغه الهی در امور است. اگر بخواهی در همه شؤون زندگیت از اهل عزم و اراده باشی، این حقیقت را بیاد داشته باش و از آن غافل مباش. ابتدا باید علل و امراض و ناتوانیها و بیماریها را تشخیص دهی بعد به معالجه پردازی. این است راه و روش طبیبان حاذق.)

شجاعت باید با حکمت توأم باشد. این بدین معنی نیست که حکمت مانع شجاعت شود. هر دو باید با هم باشد. وقتی مبلغ امرالله شجاعت و حکمت داشته باشد، شجاعانه وارد عرصه عمل می شود و با قضاوت صحیح و فکر روشن پیش می رود. چه بگوید و چه نگوید، بهترین طریقه برای مواجهه با افراد در یک وضعیت خاص چیست و چطور به سؤالات آنها پاسخ دهد، همه این امور باید با حکمت

انجام شود. البته حکمت نباید عذر و بهانه‌ای برای عدم فعالیت باشد. نباید به این عادت مبتلا شویم که مرتباً بگوییم: «این بی حکمتی است این کار را بکنم. این بی حکمتی است آن کار را بکنم.» در قسمت ذیل چندین موقعیت که ممکن است برای مبلغ امرالله پیش بیاید نوشته شده. به نظر شما حکیمانه‌ترین روش برای رفتار با دیگران چیست؟

۱ - شما در اجتماعی یک نفر را ملاقات می‌کنید و در بحث امری وارد می‌شوید. و سپس او به امر مبارک حمله می‌کند و حرفهای آزاردهنده‌ای راجع به جامعه بهایی بازگو می‌کند. عکس العمل شما چیست؟

۲ - شخصی که ظاهراً علاقه زیادی به امر نشان می‌دهد شما را به منزل خود دعوت می‌کند تا بیشتر راجع به امر بدانند. شما جوانب مختلفه تعالیم را با او در میان می‌گذارید و ملاقات شما ظاهراً خوب پیش می‌رود. او به شما می‌گوید که از آنچه که شنیده خیلی خوشش آمده و فکر می‌کند که امرالله جواب مشاکل جامعه انسانی است. سپس از شما می‌خواهد که تعداد زیادی جزوه در باره امر به او بدهید که در راهپیمایی سیاسی که فردا شرکت می‌کند پخش کند. عکس العمل شما چیست؟

۳ - در حال بحث امری با دو نفر هستید. همینطور که صحبت ادامه پیدا می‌کند متوجه می‌شوید یکی از آن دو نفر علاقه به امرالله دارد و دیگری ندارد. عکس العمل شما چیست؟

۴ - شما در پروژه تبلیغی که در یکی از دهات به وسیله لجنه منطقه‌ای تبلیغ و محفل روحانی محلی تنظیم شده است شرکت کرده‌اید. هدف این پروژه افزایش تعداد بهائیان به وسیله تبلیغ کلیه خانواده‌های ده و تحکیم جامعه است. در طی روز مبلغین به منازل می‌روند و شبها جلسات عمومی دائر است که همه اهل دهکده می‌توانند شرکت کنند و راجع به جوانب مختلفه حیات جامعه بحث می‌شود. به منظور افزایش درک دوستان هر شب، یک نمایش کوتاه و شاد راجع به مواضعی مانند ضیافت نوزده روزه، کلاسهای درس اخلاق، مراسم ازدواج بهایی و تدفین بهایی اجرا می‌شود. عصر یک روز طی مشورت راجع به ازدواج بهایی، یک نفر از حضار از شما سؤال می‌کند. شما به او جواب می‌دهید. اما او توضیح شما را قبول نمی‌کند و به تشریح نقطه نظرات خود ادامه می‌دهد. سپس دوستان دیگر سؤال او را پاسخ می‌دهند، اما پس از مدتی برای همه معلوم می‌شود که او سعی دارد احکام ازدواج بهایی را در مقابل حضار بی اعتبار کند. شما چه می‌کنید؟

۵ - شما با گروهی از دوستان خود به شهر کوچکی می‌روید تا در پروژه تبلیغی شرکت کنید. پس از چند روز بیشتر مردم شهر اطلاع پیدا می‌کنند که گروه شما آنجا است، خیلی از آنان مشتاق شنیدن مطالبی راجع به دیانت بهایی می‌شوند. یک روز شما با تعدادی از دوستان در خیابان اصلی شهر قدم می‌زنید تعدادی از مردان مست که جلوی بار ایستاده‌اند از شما دعوت می‌کنند که داخل بروید و راجع به امر با آنها صحبت کنید. شما چه می‌کنید؟

قسمت هفتم

حضرت بهاء الله به ما می‌فرمایند:

«و اگر نفسی از ادراک بعضی مراتب عاجز باشد یا نرسیده باشد بکمال لطف و شفقت با او تکلم نمایند و او را متذکر کنند من دون آنکه در خود فضلی و علوی

مشاهده نمایند» (۱۱)

در بیانی دیگر ما را تشویق می‌فرماید:

«ای اهل بهاء با جمیع اهل عالم به روح و ریحان معاشرت نمایند. اگر نزد شما کلمه و یا جوهری است که دون شما از آن محروم به لسان محبت و شفقت القا نمایند و بنمایند اگر قبول شد و اثر نمود مقصد حاصل و الا او را به او گذارید و در باره او دعا نمایند نه جفا لسان شفقت جذاب قلوب است و مانده روح و بمثابه معانی است از برای الفاظ و مانند افق است از برای اشراق آفتاب حکمت و دانایی ...» (۱۲)

به عنوان فرد بهایی در مواجهه با دیگران سعی می‌کنیم محبت و مهربانی و صبر نشان دهیم. اما نباید مهربانی را با چیزهای دیگر اشتباه کنیم. برای مثال بعضی اوقات آنچه که به صورت مهربانی ظاهر می‌شود در حقیقت می‌تواند پدر مابانه باشد. شخصی که برایش مشکل است ظرفیت افراد را بشناسد و معمولاً با آنها مهربان است، ولیکن در حقیقت مثل اطفال با آنها رفتار می‌کند، این رفتاری پدر مابانه است. ریا نیز گاهی به صورت مهربانی ظاهر می‌شود. یک نفر می‌تواند نهایت مهربانی را به شخصی نشان دهد ولیکن در حقیقت در فکر فایده شخصی خود باشد. از صبر هم مانند مهربانی گاهی سوء استفاده می‌شود. مثلاً صبر می‌تواند بهانه‌ای باشد برای غفلت. برای اینکه راجع به این نکات باز هم فکر کنیم تمرین ذیل را انجام دهید:

۱ - شما امر الهی را به یک نفر با مهربانی فراوان معرفی می‌نمایید. اما در انتها وقتی که نظر مخالفی نسبت به امر می‌دهد، شما عصبانی می‌شوید. آیا محبت شما خالصانه بوده است؟

۲ - وقتی امر را به افرادی که تحصیلات رسمی آنها از شما کمتر است معرفی می‌کنید بین صحبت‌های خود مرتب مکث می‌کنید و می‌پرسید: «عزیزم آیا متوجه می‌شوی؟» آیا این مهربانی است یا پدر مابانه؟

۳ - شما مشغول تبلیغ یک نفر بیسواد هستید. به اعتقاد شما درک بیشتر مطالب امری برای او مشکل است، بنا بر این دیانت بهایی را به چند نکته خیلی ساده خلاصه می‌کنید. آیا این مهربانی است یا پدر مابانه؟

۴ - شما مشغول تبلیغ یک نفر بیسواد هستید. با وجودی که خیلی وقت شما را می‌گیرد، شما کاملاً مطالب امری را برایش توضیح می‌دهید. قسمتهایی از بیانات مبارک که را با او می‌خوانید و توضیح

می‌دهید. آیا این صبر است یا پدر مابانه؟

۵ - یکی از همسایگان شما بنظر می‌آید استعداد قبول امر الله را دارد، بنا بر این تصمیم می‌گیرید تبلیغش کنید. با بحثهای امری مستمر و محبت وافر، شما به او کمک می‌کنید تا تعالیم الهی را درک کند و به تقویت درک او می‌پردازید تا حضرت بهاء الله را بشناسد. پس از ایمان، شما به کار خود ادامه می‌دهید تا اینکه خود به تنهایی قیام می‌کند و به تبلیغ امر الله می‌پردازد. آیا این پدر مابانه است؟

۶ - شما در دهکده‌ای نزدیک مشغول به تبلیغ هستید. بعد از چند ساعت صحبت امری با یک نفر، او به شما می‌گوید که به تعالیم بهایی علاقه پیدا کرده است و از شما چند کتاب برای مطالعه می‌خواهد. شما یک جزوه کوچک معرفی امر به او می‌دهید. فکر می‌کنید او کم سواد است، تصمیم می‌گیرید تا چند ماه آینده به ملاقاتش بروید تا بتواند جزوه را تمام کند. آیا این صبر است یا غفلت؟

قسمت هشتم

حضرت بهاء الله اعلان فرموده‌اند:

«اگر به تبلیغ مشغول شوند باید به توجه خالص و کمال انقطاع و استغناء و علو همّت و تقدیس فطرت توجه به اَشْطَار، به نفحات مختار نمایند یَنْبَغِي لَهُؤْلَاءِ أَنْ يَكُونَ زَادُهُمُ التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ وَلِبَاسُهُمْ حُبُّ رَبِّهِمُ الْعَلِيِّ الْأَنْبِيِّ تا کلمات آن نفوس مؤثر شود»^(۱۳)

حضرت عبدالبهاء فرموده‌اند:

«نفوسی مبعوث گردند ... این نفوس شب و روز آرام نگیرند و آرام نبینند و فراغت نجویند در مضجع راحت نیارمند آسوده ننشینند آلوده نگردند اوقات را صرف نشر نفحات الله کنند و ازمان را وقف اعلاء کلمة الله ...»^(۱۴)

ما می‌دانیم که انقطاع لازمه تبلیغ مسرت بخش است. اما ما باید در حین تبلیغ «منقطع» باشیم، به چه معنی است؟ تکمیل جملات ذیل به شما کمک می‌کند تا راجع به این سؤال تفکر و تأمل نمایید.

- ۱ - وقتی به تبلیغ مشغول می‌شویم باید توجهمان _____ باشد.
- ۲ - وقتی به تبلیغ مشغول می‌شویم باید انقطاعمان _____ باشد.
- ۳ - وقتی به تبلیغ مشغول می‌شویم باید استغنائمان _____ باشد.

- ۴ - وقتی به تبلیغ مشغول می شویم باید همتان _____ باشد.
- ۵ - وقتی به تبلیغ مشغول می شویم باید فطرتان _____ باشد.
- ۶ - وقتی به تبلیغ مشغول می شویم باید توجه به اشطار _____ مختار نماییم.
- ۷ - سزاوار است که در این سفر توشه مان _____ باشد.
- ۸ - سزاوار است که در این سفر لباسمان _____ باشد.
- ۹ - وقتی وارد میدان خدمت شدیم، سزاوار است _____ و _____ آرام نگیریم.
- ۱۰ - نباید _____ بینیم و _____ بجوئیم و در مضجع _____ بیاریم و _____ بنشینیم و _____ گردیم.
- ۱۱ - ما باید اوقات را صرف _____ نفحات الله کنیم و ازمان را وقف _____ کلمه الله.

قسمت نهم

حضرت بهاء الله می فرمایند :

« بنویس و بگو و بخوان ناس را به شطر پروردگار عالمیان به حرارت و جذبی که
 جمیع را مشتعل نماید. » (۱۵)

حضرت ولی امر الله می فرمایند :

« بیایید قیام کنیم و با تخلق به اخلاق حسنه و ایقان و درک و شجاعت به تبلیغ
 امرش پردازیم. بگذارید این مهمترین و ضروری ترین وظیفه هر شخص
 بهایی باشد. بگذارید این را غالبترین شور و شوق زندگی خود قرار دهیم. » (۱۶)
 (ترجمه)

اگر بخواهیم در تلاش خود برای متقاعد کردن تعداد زیادی از مردم به امر موفق شویم
 می بایست با شور و شوق به تبلیغ امر الله پردازیم. قلوب ما باید از شدت شوق مشتعل باشد زیرا در غیر
 این صورت چطور می خواهیم سرور بهایی بودن را به دیگران منتقل کنیم اگر خودمان مسرور و
 پرشوق و شور نباشیم؟ اما در علاقه زیاد ما به در میان گذاشتن پیام حضرت بهاء الله با دیگران باید
 مواظب باشیم از حد و مرز مناسب (حکمت) پافرا تر نگذاریم و باعث نشویم مردم از ما روگردان
 شوند. کلمه ای که معمولاً در این راه به کار می رود « به کیش خود فرا خواندن » (proselytization)
 است. به معنی اینکه دیگران را برای تغییر عقیده خود تحت فشار قرار دهیم. بهائیان از این کار اکیداً
 منع شده اند اما این بدین معنی نیست که در تبلیغ خیلی بی اعتنائی کنیم و با ادله و براهین مطلب خود
 را بیان نکنیم و در نتیجه مساعی ما در تبلیغ هیچ تأثیری نداشته باشد.

برای اینکه به شما کمک کنیم که بین «شور و شوق» در تبلیغ و «به کیش خود فرا خواندن» بتوانید فرق بگذارید، جملات ذیل را بخوانید و تصمیم بگیرید که در کدام مورد از حد و مرز مناسب فراتر رفته‌اید. آنها را با حرف «ف» نشان دهید. و کدام جمله نشان دهنده عدم شور و شوق شماست که باعث می‌شود شما مؤثر نباشید؟ آنها را با حرف «ع» نشان دهید. در کدام موارد رفتار شما با ذوق و شوق است و در عین حال بی حکمتی نیست؟ آنها را با حرف «ش» نشان دهید.

شما بقدری به امر علاقه‌مند هستید و شور و شوق دارید که در هر فرصتی که دست می‌دهد با حکمت و به صورت طبیعی راجع به تعالیم و مبادی امری صحبت می‌کنید. و در وقت مناسب منشأ صحبت‌ها و افکار خود را تعالیم حضرت بهاءالله معرفی می‌نمایید.

شما بقدری به امر علاقه‌مند هستید که حتی اگر مردم نخواهند به صحبت‌های شما راجع به امر گوش دهند، آنان را مجبور به استماع می‌کنید.

شما بقدری به امر علاقه‌مند هستید که هر موقع با مردم صحبت می‌کنید موضوع صحبت را تغییر می‌دهید و راجع به حضرت بهاءالله و تعالیشان صحبت می‌کنید.

شما نمی‌خواهید مردم تصور کنند که به دیانت خود تعصب دارید لهذا حتی اگر راجع به دیانت از شما پرسیدند سعی می‌کنید جواب خیلی کوتاه بدهید. اگر اصرار کردند و دوباره سؤال کردند یک کتاب به آنها می‌دهید و به آنها می‌گویید که خودشان مطالعه کنند.

دلتان می‌خواهد شهرک نزدیک شهرتان فتح روحانی شود و یک روز بعد از ظهر را در آنجا می‌گذرانید. شما می‌دانید که بنا بر فرهنگ آن منطقه مناسب نیست که یک شخص غریبه در خانه مردم را بزند و راجع به دین صحبت کند. اما شما تصمیم می‌گیرید که باید ایمان داشته باشید. یک مناجات می‌خوانید و خانه به خانه می‌روید.

دلتان می‌خواهد شهرک نزدیک شهرتان فتح روحانی شود و یک روز بعد از ظهر را در آنجا می‌گذرانید. شما می‌دانید که بنا بر فرهنگ آن منطقه مناسب نیست که یک شخص غریبه در خانه مردم را بزند و راجع به دین صحبت کند. لذا شما تصمیم می‌گیرید که تنها کاری که می‌توانید بکنید این است که بنشینید و چند مناجات بخوانید و سپس به خانه خود باز گردید.

شما به دهی می‌روید که مردم آن ده به تحصیلات رسمی و خدمات بهداشتی دسترسی زیادی ندارند. بنا بر این تصمیم می‌گیرید بهترین کار این است که بر چیزهایی که امر بهایی می‌تواند برای آنها انجام دهد تأکید کنید. و به آنها قول می‌دهید که اگر بهایی شدند کلاس درس اخلاق برای بچه‌هایشان و پروژه بهداشتی در ده دایر می‌کنید.

شما همه جلساتی را که مخصوص علاقه‌مندان دیانت بهایی است با پخش کارتهای تسجیلی شروع می‌کنید و آنان را دعوت می‌کنید که اگر به هیجان آمدند می‌توانند عضو جامعه بهایی شوند.

شما همه جلساتی را که مخصوص علاقه‌مندان دیانت بهایی است اینطور شروع می‌کنید که باعث خوشوقتی شما است که می‌توانید پیام حضرت بهاء‌الله را با آنها در میان بگذارید. شما به آنها می‌گویید درست است که بهائیان چنین جلساتی می‌گیرند به امید اینکه بقیه مردم نیز بهایی شوند و لکن هدف از این جلسات این نیست که مردم را تحت فشار قرار دهند تا بهایی شوند.

شما جلسات تبلیغی را اینطور شروع می‌کنید که هدف تغییر دادن عقیده آنها نیست. شما فقط می‌خواهید برخی ایده‌ها را با آنان در میان بگذارید. مهم آن است که خودشان وقت کافی بگذارند و راجع به حقیقت تحقیق کنند و با جدیت راجع به آنچه دیانت بهایی می‌گوید قبل از اینکه عضو جامعه بهایی شوند فکر کنند.

شما مدتی است که یکی از دوستانتان را تبلیغ می‌کنید و اکنون ملاحظه می‌کنید که جرعه ایمان در قلبش روشن شده است، یک روز تصمیم می‌گیرید دعوتش کنید که به جامعه بهایی ملحق شود.

شما مدتی است که یکی از دوستانتان را تبلیغ می‌کنید و اکنون ملاحظه می‌کنید که جرعه ایمان در قلبش روشن شده است، بنا بر این به فعالیت‌های امری دعوتش می‌کنید به امید اینکه یک روزی بهایی خواهد شد.

شما عضو گروه تبلیغی هستید که لجنه منطقه‌ای تبلیغ برای فتح روحانی یکی از مناطق فرستاده است. شما کیفی پر از جزوه و بروشور دارید و به هر که می‌رسید می‌دهید. وقتی کیفتان خالی شد به خانه باز می‌گردید.

شما عضو گروه تبلیغی هستید که لجنه منطقه‌ای تبلیغ برای فتح یکی از مناطق فرستاده است. گروه شما به یک محل تجمع عمومی می‌رود. و شما هر عابری را متوقف می‌کنید و به او می‌گویید: «آیا راجع به حضرت بهاء‌الله شنیده‌ای؟»

شما با گروهی از احباء در پروژه تبلیغی شرکت کرده‌اید تا شهر همجوار را فتح روحانی کنید. طرح شما این است که به پارک عمومی بروید و ساعت‌های متوالی دعا بخوانید، به امید اینکه مردم به سوی شما جذب شوند و به طرف شما بیایند و بتوانید تبلیغشان کنید.

شما با گروهی از احباء در پروژه تبلیغی شرکت کرده‌اید تا شهر همجوار را فتح روحانی کنید. وقتی به شهر وارد می‌شوید پس از اخذ اجازه از مسئولین امور، شما و دوستانتان یک نمایشگاه کوچک کتاب و عکس نزدیک بازار دائر می‌کنید. و تصمیم می‌گیرید که هر یک به نوبت در نمایشگاه بنشینند. مردم رد خواهند شد و نگاهی به کتابها و عکسها خواهند کرد. اگر با سؤال کردن و یا با بیان نکته‌ای علاقه نشان دادند شما با آنها صحبت می‌کنید.

شما با گروهی از احباء در پروژه تبلیغی شرکت کرده‌اید تا شهر مجاوری که کوششهای قبلی

برای تبلیغ در آنجا مؤثر نبوده را فتح روحانی کنید. در مرحله اول شما و دوستانتان در باره شهر مطالعه کرده و با مؤسسات مختلفه فرهنگی و اجتماعی و آموزشی و برنامه‌های توسعه اجتماعی آشنا می‌شوید. شما اسامی تعدادی از افرادی که شاید مستعد قبول امرالله باشند را از احباء گرفته‌اید. بنا بر همه این اطلاعاتی که دارید، گروه شما نقشه‌ای تنظیم می‌کند با فعالیتهای مختلفه مانند مصاحبه رادیویی و نمایشگاه در مناطق مختلفه عمومی شهر و ملاقات با مدارس و مسئولین امور و مؤسسات مختلفه. فی‌المثل از طریق یکی از آشنایانتان برنامه‌ای برایتان ترتیب داده شده است که دیانت بهایی را در یکی از مدارس راهنمایی و در گروههای زنان معرفی نماید. همینطور که با مردم ملاقات می‌کنید لیستی از افرادی که به صرف چای و یا شام در شبها دعوت خواهید نمود را تنظیم می‌کنید، و همچنین شما کارگاهی تحت عنوان «مفاهیم روحانی برای بشر امروز» در آخر هفته ترتیب داده‌اید و افراد علاقه‌مند را دعوت می‌کنید. چون یکی از افراد گروهتان در ملاقات با افراد در محلهای عمومی مهارت دارد (طوری رفتار می‌کند که خیلی طبیعی است و باعث ناراحتی کسی نمی‌شود) او بیشتر وقتش را صرف دعوت از مردم به فعالیتهای مختلفه‌ای که شما ترتیب داده‌اید می‌کند.

لجنة تبلیغ منطقه‌ای شما پروژه‌ای برای تبلیغ در چند دهکده که مردم آن خیلی گشاده‌رو و پذیرا هستند تنظیم نموده است. گروه شما تصمیم می‌گیرد که منزل به منزل بروند و دیانت بهایی را معرفی کنند، در حقیقت بیشتر مردم ناراحت خواهند شد اگر شما به ملاقات همسایه بروید و به آنها سرزنش کنید.

قسمت دهم

همانطور که قبلاً ذکر شد منظور از تاکیدی که راجع به صفات روحانی در مبحث تبلیغ شد این نبود که توقع داشته باشیم مبلغ امرالله شخص کاملی باشد. چیزی که مهم است اینکه هدف تعیین گردد و با دقت بسوی آن هدف اقدام شود. مهم نیست شخصی ظاهراً چقدر از هدف نهایی دور باشد او باید بخواهد که در مسیر کمال قدم بردارد. ضروری است بیاد آوریم که طی طریق مستلزم دارا بودن تواضع است. چون بدون تواضع، موفقیت سیر نزولی می‌پیماید. و بذری که انسان در قلوب دیگران انبات کرده است آلوده می‌شود. حضرت عبدالبهاء به ما می‌فرمایند:

«خود مبلغ باید در وقت تبلیغ بی نهایت متأثر باشد تا بیانش مانند شعله آتش تأثیر کند و پرده حجب‌ات نه‌س و هوئی بسوزاند و باید در نهایت خضوع و خشوع باشد تا دیگران متنبه گردند. و باید در نهایت محویت و فنا باشد تا به آهنگ ملاء اعلی تبلیغ کند والا تأثیر ننماید.» (۱۷)

و در بیانی دیگر ما را هدایت می‌فرمایند :

« تعالیم الهیه در این دور نورانی چنین است که نباید نفوس را توهین نمود و به جهالت نسبت داد که تو ندانی و من دانم بلکه باید به جمیع نفوس به نظر احترام نظر کرد و در بیان و دلالت بطرز تحرّی حقیقت مکالمه نمود که بیایید مسائلی چند در میان است تا تحرّی حقیقت نماییم و ببینیم چگونه و چه سان است. مبلّغ نباید خویش را دانا و دیگران را نادان شمرد. این فکر سبب تکبر گردد و تکبر سبب عدم تأثیر بلکه باید امتیازی در خود نبیند و با دیگران به نهایت مهربانی و خضوع و خشوع صحبت بدارد. این نوع بیان تأثیر کند و سبب تربیت نفوس شود.» (۱۸)

۱ - فرق بین هوی (شور و شوق نفسانی) ذکر شده در بیان فوق و شور و شوق ذکر شده در قسمت قبل چیست؟

۲ - آیا می‌توانید چند مثال بزنید که تواضع چطور می‌تواند تأثیر صحبت‌های ما را افزایش دهد؟

قسمت یازدهم

وقتی در سؤالات راجع به تبلیغ دقت می‌کنیم یک نکته دیگر نیز راجع به تواضع نظر ما را جلب می‌کند. این درست است که اگر می‌خواهیم مبلّغ مؤثرتری برای امرالله شویم باید مستمراً سعی کنیم تا حالت درونی خود را تقویت کنیم و صفاتی را در خود پرورش دهیم. در حالی که می‌کوشیم

خصائص خود را کامل کنیم، مبدا هر گز بگذاریم افکاری در ذهن ما خطور کند که موفقیت ما در زمینه تبلیغ نتیجه شایستگی و لیاقت ما است. دارا بودن صفت تواضع ما را از اینکه احساس کنیم مهم هستیم حفظ می کند.

باید همیشه موفقیت تبلیغی خود را از خودمان ندانیم. اینکه در هر مرحله ای به فردی کمک می کنیم تا حضرت بهاء الله را بشناسد، هدیه ای است که از جانب خداوند به ما عطا شده است. خداوند انتخاب می کند به وسیله چه نفوسی می خواهد کار کند. ما فقط می توانیم امید داشته باشیم که به ما کمک می کند تا وسیله او شویم. بیان ذیل از یکی از توابع حضرت ولی امر الله است که ما را انداز می نمایند:

« شاید علت عدم موفقیتتان در میدان تبلیغ همان است که بیشتر ناچار به ضعف و عدم لیاقت خود برای اعلاء کلمة الله می باشید حضرت بهاء اله و حضرت عبدالبهاء کراماً تأکید فرموده اند که نظر به عجز خود ننموده بکه جمیع توکل و اعتمادمان را به خدا واگذاریم به محض اینکه قیام نمودیم و واسطه فعال فیض و نزول رحمت الهی گشتیم، عون و عنایت حق شام حال می گردد. آیا تصور می کنید که مبلغین قادرند که عقاید را تغییر داده و یا قلوب را تقلیب نمایند کلاً و حاشا آنها فقط نفوس مجزده ای هستند که خود را تسلیم نموده تا روح حضرت بهاء الله به هر نحو که اراده فرماید ایشان را به برکت انداخته، مورد استفاده قرار دهد. اگر نفوسی از آنها ولو برای یک ثانیه فکر و یا تصور کند که خدمات او در نتیجه لیاقت شخصی او بوده کارش تمام و سقوطش شروع می گردد. این است منتهی علتی که عده ای از اشخاص لایقه مقتدره با وجود خدمات جلیله بگفتاً خود را بکلی عاجز یافتند و چه بسا به روح دافع امر آنها را چون نفوس عاطله متروک ساخت میزان موفقیت حدّ است که خود را تسلیم نموده تا اراده حق به وسیله ما عمل نماید.

نگذار ضعفتان بر شما غلبه کند، توکل کامل به خدا کن، بگذار قلبت از شعله عشق به خدمت و تبلیغ امر او مشتعل شود، و خواهی دید که چطور قوّی که بتواند قلوب را تقلیب نماید ظاهر می شود.

اگر قیام به تبلیغ کنی مطمئناً حضرت شوقی افندی برای موفقیت شمع دعا خواهند نمود. در حقیقت نفس قیام به تنهایی مشمول نصرت و تأییدات حق است.» (۱۹) (ترجمه)

۱ - آیا می توانید چند مثال بزنید که چطور غرور و تکبر باعث می شود یک مبلغ موفق امر الله بی تأثیر

شود؟

۲ - اهمیت تواضع فقط در تبلیغ نیست. وقتی غرور با فعالیت ما توأم می‌شود، همه خدمات ما را بی‌اثر می‌سازد. بیایید در رابطه با تبلیغ، راجع به انواع مختلفی که غرور خود را نشان می‌دهد فکر کنیم. این تمرین را حل کنید:

* پروژه تبلیغی در یکی از مناطق کشور با روش بسیار موفقی در حال انجام است. اما یکی از دوستان احساس می‌کند که این پروژه از استعدادات ذی‌قیمتی که وی فکر می‌کند دارا است استفاده نمی‌کند. کدام یک از این عکس‌العملها نشانه عدم غرور اوست:

___ از مشارکت در پروژه خودداری می‌کند چون به او اجازه داده نمی‌شود که آنطور که می‌خواهد از استعدادهایش استفاده شود.

___ با شوق و شور در پروژه مشارکت می‌کند و با بقیه احتیاء به هر نحوی که لازم است کار می‌کند و از استعدادهای خود نیز استفاده می‌کند.

___ سعی می‌کند نقصهای پروژه را پیدا کند، و بگوید واقعاً این پروژه خوبی نیست چون تمام استعدادات و تواناییهای افراد در آن استفاده نشده است.

* به منظور رشد سریع امرالله جامعه بهایی در حال یافتن روشهای مختلف تبلیغی می‌باشد. بعضی از اعضاء جامعه می‌شنوند روشهایی در مناطق دیگر اجرا شده است که نتایج عالی داشته است. کدام یک از این روشها مناسبترین عکس‌العمل را نشان می‌دهد که نه غرور را منعکس می‌کند و نه بی‌حکمتی است؟

___ بدون بررسی روش تبلیغی، نتیجه گرفته شود که امکان ندارد این پروژه در منطقه آنها فایده داشته باشد چون در جایی دیگر تهیه شده است.

___ نتیجه گرفته شود که اگر در جایی دیگر عملی بوده و نتیجه داده حتماً اینجا هم عملی است و بدون هیچ تغییری می‌توان آن را انجام داد.

___ روش با دقت بررسی شود، که آیا همه نکات روش یا قسمتی از آن را می توان در آن منطقه عملی نمود. بر اساس آن، روش مزبور اتخاذ شده و هر نوع تغییری که لازم شد بنا بر تجربیات جدید انجام گردد.

* یک مبلغ سیار به جامعه ای می رود که آنان را نمی شناسد، و جلسه ای برای گروهی از احباء ترتیب داده می شود که صحبت کند. کدام یک از اقدامهای ذیل عدم غرور مبلغ را نشان می دهد؟

___ یک معرفی مختصر راجع به امر می کند با تصور اینکه احباء معلوماتشان خیلی کم است.
___ از محفل روحانی محل و یا لجنة مسؤول هدایت می طلبد تا سطح معلومات و تجربیات احتبایی که برایشان صحبت خواهد کرد را بدانند. و بر اساس آن مطلب مناسبی برای جلسه انتخاب می کند.

___ تصمیم می گیرد که چون احباء احتیاج به تشویق دارند، نطقی پر حرارت برای تشویق آنان به از خود گذشتگی بیشتر ادا کند. در حالی که او چون آنان را نمی شناسد، نمی داند که حضار در امر بسیار فعال هستند.

* از یکی از احباء از طرف لجنة ملی تبلیغ خواسته شد که به ملاقات یک گروه تبلیغی در یکی از مناطق کشور مجاور برود. در حقیقت این گروه خیلی خوب کار می کنند، و کوشش آنها در کمک به توسعه و تحکیم جوامع محلی مثمر ثمر واقع شده است. کدام یک از این مطالب احساس تواضع آن فردی که می خواهد به آن منطقه برود را منعکس می کند؟

___ با استماع آنچه گروه راجع به تجربیاتشان می خواهند بگویند، در فعالیتشان با آنان مشارکت می کند، وقتی نیاز است پیشنهاد می دهد، و سعی می کند ببیند چطور لجنة می تواند به آنها کمک کند. و گزارش کامل را با خود به لجنة می برد تا اینکه دیگران هم در این تجارب سهیم شوند.

___ دقیقاً به آنها می فهماند که از طرف لجنة آمده است، بنا بر این لیست طولانی از کارهایی که باید انجام دهند را به آنان ارائه می دهد.

___ از فرصت استفاده می کند تا صفت رهبری خود را تمرین کند و نطقی راجع به فعالیت قهرمانانه ایراد می کند.

* پروژه تبلیغ منطقه ای قرار است بزودی شروع شود و کلیه شرکت کنندگان به گروههایی تقسیم شده اند، هر گروه با یک هماهنگ کننده. وقتی که گروه برای مذاکره راجع به نقشه های خود جمع می شوند، یکی از دوستان متوجه می شود که هماهنگ کننده گروه او شخصی است که خود او

- تبلیغش کرده است. کدام یک از این عکس‌العملها نشانه عدم غرور او است؟
- _____ سعی در به دست گرفتن کنترل گروه از طریق نادیده گرفتن هماهنگ کننده می نماید و مرتب جلوی همه به او می گوید که چکار کند.
- _____ امتناع از پیوستن به گروه مگر اینکه شخص با تجربه تری مثل خودش هماهنگ کننده شود.
- _____ احساس مسرت و خوشحالی از ملاحظه پیشرفت هماهنگ کننده، و مشارکت در گروه بالذت فراوان و فعالیت زیاد تا بتواند نقشی در موفقیت پروژه داشته باشد.

قسمت دوازدهم

در قسمت‌های قبل تواضع را از دو جنبه مورد بررسی قرار دادیم، یکی به عنوان ویژگی که صحبت‌های ما را مؤثر می کند و به عنوان محافظی در مقابل خطراتی که در راه پیشرفت روحانی قرار دارد. تأثیر مهم دیگری نیز تواضع در زندگی ما می گذارد که ارتباط ویژه‌ای با تبلیغ دارد. تواضع به ما امکان می دهد که زندگی را با حالت یادگیری دنبال کنیم. عدم چنین حالتی موجب گرایش ما به ندیدن غفلت‌های خود می شود و اعتقاد پیدا می کنیم که چیزهایی را می دانیم که در حقیقت نمی دانیم. بهترین صفت قابل تحسین افرادی که متواضعانه در راه خدا کار می کنند آرزوی یادگیری است.

ممکن است از خود سؤال کنیم چرا داشتن حالت مثبت به یادگیری برای گروهی از ما که می خواهیم مبلغ مؤثر امرالله شویم خیلی مهم است؟ برای جواب این سؤال، در آنچه که راجع به تبلیغ می دانید تأمل کنید. آیا همیشه می دانید مناسب ترین روش تبلیغ چیست؟ آیا می دانید در هر موقعیتی که با آن مواجه می شوید چه بگویید و چگونه صحبت کنید؟ آیا فکر می کنید می توانید با طی کردن یک یا دو دوره هر آنچه در تبلیغ لازم است یاد بگیرید؟ آیا فرمولی هست که بتوان به شما ارائه نمود؟ مطمئناً شما می دانید که جواب این سؤالات «خیر» است و تنها راه حل معقول برای بهبود روش تبلیغی فرد این است که حالت یادگیری داشته باشد.

همینطور که شما سعی می کنید مبلغ خوبتر و خوبتری شوید، باید مواظب باشید در دام مجادله با بقیه اجتناب در باره روشهای تبلیغ نیفتید. اگر مواظب نباشیم براحتی در گیر این مجادله ها می شویم، زیرا هر کدام از ما فکر می کنیم فرمول صحیح تبلیغ را پیدا کرده است و اگر تبلیغ به روش ما انجام نشود موفقیت محال است.

وقتی تصمیم بگیریم مبلغ مؤثر امرالله باشیم باید از چنین رفتاری بپرهیزیم، در این حالت چیزهایی است که باید یاد گرفته شوند. وقتی که ما نفس خود را از محدودیتهای خود خواسته آزاد می کنیم در هر فعالیت تبلیغی فرصتهایی برای کسب بینشها به دست می آوریم و رویکردها و روشهایمان بهتر می شود. در گفتگو با اجتناب وقتی که افکار و ایده ها رد و بدل می شود نتایج حاصله

مثمر‌تر خواهد بود، تجربیات تبلیغی را با هم در میان می‌گذاریم و علت موفقیت‌ها را بررسی می‌کنیم.

حالت‌هایی که در قسمت ذیل درج گردیده است را بخوانید. اگر مصمم باشید که در هر کوشش تبلیغی فرصتی برای یادگیری ببینید پاسخ شما چطور خواهد بود؟

۱ - در یک تابستان شما به سفر تبلیغی به منطقه‌ای که فرهنگشان با فرهنگ شما خیلی فرق می‌کند، می‌روید به همان روشی که در شهر خود با موفقیت امر مبارک را ارائه می‌دادید آنجا هم ارائه می‌دهید. اما اینجا هیچ نتیجه‌ای نمی‌دهد. شما نتیجه می‌گیرید:

___ مردم آماده نیستند و باید جای دیگر بروید.

___ می‌بایست طوری دیگر مطلب خود را ارائه دهید که مردم محل بهتر درک کنند و بر قلبشان تأثیر گذارد.

___ شما باید به روش ارائه خود همان طور که قبلاً می‌کردید، ادامه دهید. چون استقامت از مهمترین صفات یک مبلغ است.

___ شما بخاطر قصورتان مورد مجازات خدا قرار گرفته‌اید و می‌بایست قبل از قیام به سفر تبلیغی راجع به پیشرفت و ترقی روحانی خود کار می‌کردید.

۲ - به عنوان قسمتی از نقشه تبلیغی فردی شما تصمیم می‌گیرید که هفته‌ای یکبار در منزل خود جلسه‌ای برای بحث در مطالب امری تشکیل دهید. از ده نفری که در موقعیت‌های مختلفه علاقه به امر نشان داده‌اند دعوت می‌کنید. برای هر جلسه تعدادی موضوع انتخاب، آن را آماده و نطق کوتاهی ارائه می‌دهید و سپس از دوستان می‌خواهید که اگر سؤالی دارند بپرسند. و بعد از آن قسمت پذیرایی و خواندن اشعار است. بعد از چند هفته فقط دو نفر به آمدن ادامه می‌دهند. شما نتیجه می‌گیرید:

___ نیاز دارید جلسات خود را سرگرم‌کننده‌تر و اجتماعی‌تر برگزار کنید.

___ باید جلسات هفتگی را از نقشه تبلیغی خود حذف کنید. چون ایده خوبی نبوده است.

___ باید ترتیب متفاوتی را در جلسات بعدی دنبال کنید، مثلاً قسمتی از بیانات مبارک را با دوستان خود مطالعه کنید تا با بیانات الهیه آشنا شوند و این تجربه را بیاموزند.

___ می‌بایست با تمام افرادی که دیگر نمی‌آیند تماس بگیرید و پرسید چرا دیگر شرکت نمی‌کنند.

۳ - وقتی که راجع به امر مبارک مطالعه می‌نمودید، بعضی از تعالیم برای شما جالبتر بود، مانند: وحدت عالم انسانی، ترک تعصبات، تعلیم عمومی. لهذا فکر می‌کنید بهترین روش تبلیغ این است بنا بر این همین تعالیم را به آنها ارائه دهید. با وجودی که عموماً با هر شخصی صحبت می‌کنید موافق با

این افکاری است که شما ارائه می‌دهید، هیچ کس علاقه خاصی به امرالله نشان نمی‌دهد. شما نتیجه می‌گیرید:

- _____ برای ارائه تعالیم الهی احتیاج به تجربه بیشتری دارید.
- _____ می‌بایست دنبال افرادی مثل خودتان بگردید و فقط آنان را تبلیغ کنید.
- _____ شما ذاتاً مبلغ به دنیا نیامده‌اید و باید به خدمت دیگری قیام کنید.
- _____ باید تجربه خود را با احتیای دیگر در میان بگذارید و راه دیگری برای معزفی امر پیدا کنید.

۴ - شما بهایی تازه تصدیق هستید و از وقتی که به جامعه بهایی پیوسته‌اید راجع به اهمیت تبلیغ خیلی شنیده‌اید. یک روز تصمیم می‌گیرید نقشه تبلیغی فردی برای خود بریزید. چون قبلاً هیچ وقت این کار را نکرده‌اید، با تعدادی از احتیاء که تجربه بیشتری دارند مشورت می‌کنید و آنان افکار و ایده‌های مختلفی به شما ارائه می‌دهند که چطور تبلیغ کنید. شما تصمیم می‌گیرید:

- _____ لیستی از این ایده‌ها تهیه کنید و از اول تا آخر یک به یک تجربه کنید.
- _____ یکی از ایده‌های فردی از احتیاء را به کار می‌برید که احساس می‌کنید نتیجه‌اش لذت بخش و پرهیجان است.

_____ طرق زیادی برای تبلیغ وجود دارد، بهتر است نقشه نریزید و همانطور که روح شما القا می‌کند تبلیغ کنید.

_____ شما راجع به همه ایده‌های مختلفه فکر می‌کنید، و بر اساس آنچه که با وضع خودتان مناسب تر است تصمیم می‌گیرید چه اقداماتی می‌خواهید بکنید و سپس اقدام می‌کنید. همینطور که در فعالیتهای خود تأمل می‌کنید، سؤالاتی در ذهنتان پیش می‌آید و به بیانات مبار که برمی‌گردید و جوابها را پیدا می‌کنید. در پرتو بینشهایی که شما از تجربه و مطالعه بیانات مبار که به دست می‌آورید تصمیم می‌گیرید که قدمهای پعدي را چگونه بردارید. شما این الگو را بارها و بارها تکرار می‌کنید.

۵ - به عنوان قسمتی از نقشه تبلیغی خود تصمیم می‌گیرید که تمرکز فعالیتها بر یک گروه معین از مردم به منظور ارائه پیام حضرت بهاءالله باشد. پس از مدتی از سؤالاتی که می‌کنند احساس می‌کنید که برایشان مشکل است وجود خدا را قبول کنند. شما تصمیم می‌گیرید:

_____ بهتر است راجع به این موضوع صحبت نکنید. اگر در موقع بحث اشاره نمودند، شما بسرعت به مطلبی دیگر می‌پردازید.

_____ این غیر ممکن است که مردمی را تبلیغ نمود که با مفهوم خدا مشکل دارند. پس بنا بر این شما گروه جدیدی را انتخاب و انرژی خود را صرف آنها می‌کنید.

___ از مبلغ باتجربه تری می خواهید که با شما همراه شود و نطقی راجع به وجود خدا برایشان بکند. و اگر باز هم موفق نشدید آنها را ترک کرده و دیگر اصرار نمی کنید.

___ پس از مطالعه بعضی از بیانات مبار که مربوط به موضوع، شما متن کوتاهی آماده می کنید و توضیح می دهید که حضرت بهاء الله راجع به خدا چه می فرمایند. شما به عکس العمل آنها گوش می دهید، در باره نتایج تأمل می کنید، به بیانات مبار که بر می گردید تا جواب سؤالی را که کرده بودند پیدا کنید، و سپس متن خود را در پرتو بینش جدیدی که از تجربه و بیانات گرفته اید تغییر می دهید. به این روش ادامه می دهید تا اینکه نتایج مطلوبه حاصل شود.

۶ - این سعادت شامل حالتان شده بود که در یکی از پروژه های تبلیغی یک ماهه خیلی موفق در ده مجاور شرکت کنید. با در نظر گرفتن اهمیت تزئید معلومات مؤمنین جدید، لجنه منطقه ای تبلیغ برای شما برنامه ای می گذارد که مستمراً با چند خانواده ملاقات کنید. در اولین ملاقات شما هیچ برنامه ای تهیه نمی کنید، چون فکر می کنید هر چه را به نظر تان رسید خواهید گفت. و اما این کار باعث می شود همان مطالب معرفی امر را که در ابتداء ایمان با آنها صحبت شده بود تکرار کنید. با درک اینکه اگر مکرراً چنین عمل کنید به هیچ نتیجه ای نخواهید رسید، تصمیم می گیرید:

___ لیستی راجع به مطالب مختلف و جامع از ۳۰ سخنرانی تهیه کنید و در هر ملاقات موضوع جدیدی به آنان ارائه دهید. و تصمیم می گیرید لیست خود را تا آخر ادامه دهید تا اینکه مطمئناً همه مطالبی را که انتخاب نموده اید تکمیل کنید.

___ به هر یک از خانواده ها یک جزوه کوچک در باره امر هدیه می دهید و از آنها می خواهید در فاصله هر ملاقات قسمتی از کتاب را مطالعه کنند. و در وقت ملاقات سؤالاتی که از مطالعه کتاب برایشان پیش آمده بود را بحث می کنید.

___ این روش یعنی ملاقات هر خانواده به صورت مستمر غیر عملی است و خیلی وقت می گیرد. بجای اینکه به ملاقات هر خانواده جدا گانه بروید، از همه خانواده ها هفته ای یکبار در یکی از منازل دعوت می کنید تا راجع به امر صحبت کنید. به خود می گویید: آنان که واقعاً به فراگیری علاقه دارند می آیند.

___ شما موضوعی را در نظر می گیرید که فکر می کنید به یادگیری آنها کمک می کند، و مواضع مربوطه را از بیانات مبار که پیدا نموده و با آنان در میان می گذارید. شما به ملاقات یکی از خانواده ها رفته و بیانات را با آن خانواده در میان گذاشته و به بحث خواهید پرداخت. شما در باره نتایج این جلسه تأمل خواهید نمود، به آثار انتخاب شده بر می گردید، بیانات دیگری را انتخاب می کنید و برای خانواده بعدی، خود را آماده می کنید. در پرتو گفتگوهایی که در طی ملاقات با اولین خانواده داشته اید، مواضع دیگری انتخاب نموده و در جلسه بعدی با آنان در میان

خواهید گذاشت. همین جریان را ادامه می‌دهید تا اینکه یک الگوی ملاقات همراه با یک موضوع با هر خانواده داشته باشید.

قسمت سیزدهم

یکی از چالش‌هایی که بهاییان امروز با آن روبرو هستند یادگیری چگونگی بسط و تحکیم جوامع خودشان می‌باشد. چند وقت پیش بین سالیان ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ تعداد زیادی پروژه‌های تبلیغی با شور و شوق فراوان در اطراف جهان تشکیل شد و باعث شد هزاران هزار مردم به دین بهایی اقبال کنند. و اما چون در جهت تعمیق آنان نتوانستیم کاری انجام دهیم سرعت توسعه امر آهسته گردید و در بعضی مناطق متوقف شد.

در سال ۱۹۹۶ بیت العدل اعظم الهی با طرح نقشه چهار ساله جامعه بهایی را در جمیع اطراف عالم ندا فرمودند که اقدام به عمل عظیمی جهت پیشرفت در جریان دخول افواج مقبلین بنمایند. در حال حاضر مجدداً بهائیان در تمام نقاط دنیا فعالیت‌های خود را متمرکز توسعه و تحکیم در سطح وسیع نموده‌اند و با تأسیس تعداد رو به رشدی از مؤسسات آموزشی به منظور تربیت گروه دائم‌التزایدی از افواج مؤمنین جهت قیام به خدمت، در حال نزدیک شدن به حالت یادگیری هستند. واضح است که این چالشی است که عالم بهایی تا دهه‌های آینده با آن روبرو خواهد بود.

برای تفکر در باره اینکه چگونه می‌خواهیم این هدف توسعه و تحکیم را با روحیه یادگیری تحقق بخشیم، خود را در موقعیت زیر تصور کنید، با وجود اینکه این موقعیت تا حدی تخیلی است ولی در حقیقت برگرفته از تجربیات قبل است.

شما عضو گروهی از احباء هستید که در منطقه بسیار مستعدی از کشور مشغول تبلیغ هستید. شما از استقبال زیاد مردم و اینکه چطور به آسانی به حضرت بهاء‌الله مؤمن شده و ثبت نام می‌نمایند متحیرید. لذا نتیجه می‌گیرید که زمان فرارسیده است و باید تمام سعی و کوشش خود را بر بهایی شدن تعداد زیادی از مردم متمرکز کنید. مسأله تحکیم را به بعد می‌توانید موکول نمایید. به همین منظور از دهی به ده دیگر می‌روید و در مدت چند ماه هزار نفر تسجیل می‌شوند. گروهتان غرق در سرور است. و اما بعد از چند ماه که برای ملاقات مؤمنین جدید می‌روید ملاحظه می‌کنید که آن شور و حال اولیه از بین رفته، و پاسخ کمی به مساعی شما برای پرورش حیات جامعه بهایی وجود دارد.

گروه شما در باره اینکه در آینده چه کار کنید با هم مشورت می‌کنند. با مطالعه و مراجعه به هدایات بیت العدل اعظم ملاحظه می‌کنید که توسعه و تحکیم جامعه «دو جریان توأم است که باید دست به دست یکدیگر حرکت کنند» پس از تفکر و تعمق زیاد به این نتیجه می‌رسید که چون توسعه سرعتش بیش از تحکیم بوده، بنا بر این الان باید جمیع سعی و کوششتان متمرکز تزئید معلومات

مؤمنین تازه ثبت شده شود. شما احساس می کنید که این فعالیت نیز باید در سطح وسیعی انجام گیرد و به این نتیجه می رسید که نمایش اسلاید جوابگو است. به همین منظور گروه شما مجموعه ای از نمایشهای اسلاید را برنامه ریزی نموده و از دهی به دهی رفته، جلسات بزرگی برای اجتناء ترتیب می دهید و ماهها می گذرد و این جلسات همیشه جلب نظر تعداد زیادی از مردم مشتاق را می کند. و اما وقتی که برنامه نمایش اسلایدها تمام می شود و شما بدون اسلاید به این دهات می روید، ملاحظه می نمایید که همه ناامید شده اند. شما می فهمید که در حقیقت مصدقین جدید فقط مختصری از حقایق امر بهایی را به وسیله اسلایدها یاد گرفته و تعداد شرکت کنندگان در جلسات جامعه بهایی بتدریج کم می شود. وقت انتخابات محفل روحانی محلی در رضوان فقط تعداد کمی در هر ده شرکت می کنند.

از این نمونه های ذکر شده در همه جا اتفاق می افتد. ولکن در یک ده، خانواده ای است که هویت قوی بهایی خود را پرورشی داده است و به خاطر وجود آنها بنظر می رسد که جامعه بهایی در این ده موفق تر از جوامع دیگر باشد. جلساتی که در منزل این خانواده برگزار می شود مؤثر و با شور و حال است. دختر این خانواده که ۱۴ ساله است خیلی شور و نشاط دارد، جزء یک گروه تبلیغی شده است و شروع به تشکیل کلاس درس اطفال نموده است. گروه شما با لجنه تبلیغی منطقه مشورت کرده و تصمیم گرفته که شما باید تلاش کنید تا در هر دهکده یک خانواده قوی مستقر نمایید.

گروه به دسته های دو نفری تقسیم می شود و هر کدام مسؤول خانواده ای در یک دهکده می شود که برای تزئید معلومات آنها در امر در دوره های مستمر چند ماهه به ملاقاتشان بروند. این خانواده ها همیشه منتظر دیدار شما هستند، و شما ساعتهای خوشی با این خانواده ها صرف می کنید. ولی بطور کلی، امور آنطور که انتظار می رفت پیش نمی رود. شما متوجه می شوید که تمرکز جمیع کوششها بر یک خانواده مشکلات زیادی در بر دارد. بجای اینکه این خانواده ها مشوقی برای فعالیتهای بهایی شوند اکثراً خود مانعی برای پیشرفت شده اند. باز دید شما از آنها احساس خاصی به آنها داده است و از این ملاقات برای فخر فروختن به همسایگان استفاده می کنند. و در واقع همین خانواده ها بسیاری را از نزدیک شدن به شما مانع می شوند زیرا نمی خواهند باب دوستی شما با آنها باز شود. شما از خود می پرسید اقدام بعدی چه باید باشد.

گروه شما مجدداً با لجنه منطقه ای تبلیغ مشورت می کند و جهت پاسخ به سؤالات زیادی که برایتان پیش آمده است به آثار مبارکه مراجعه می کنید. توسعه در آن منطقه تقریباً متوقف شده و کوششهای شما برای تحکیم جوامع و تزئید معلومات مؤمنین جدید موفقیت کمی داشته است. وقت زیادی برای تعمق و تأمل صرف می کنید و به این نتیجه می رسید که تنها راه حل، تقویت و رشد و نمو محافل روحانی محلی است. به هر حال بیت العدل اعظم فرموده اند که «موفقیت در این یک هدف بشدت باعث تقویت کیفیت حیات بهایی می شود و استعداد امر را در دخول افواج مقبلین

افزایش می‌بخشد»^(۲۱) (ترجمه) گروه‌ها بار دیگر به دهات برمی‌گردند ولی این بار برای تعمیق نه نفر اعضای محافل محلی، با اطمینانی که اگر این نه نفر هویت بهایی قوی یابند، محفل روحانی عملکرد مناسبی را آغاز می‌نماید و جمیع مشاغل تحکیم در محل حل می‌شود.

اما بعد از گذشت یکسال فعالیت مستمر ملاحظه می‌کنید که استراتژی شما عمل نمی‌کند. حیات جامعه وجود ندارد و محافل روحانی محل هم امور را انجام نمی‌دهد. در واقع در این مرحله از پیشرفت ملاحظه می‌شود که تعداد زیادی از اعضای محافل روحانیه محلیه پر شور و حال ترین افراد آن جامعه نیستند و متأسفانه بعضی از آنها علاقه‌ای به یاد گرفتن مطالب امری ندارند. شما متوجه می‌شوید که فقط با تمرکز بر این نه نفر، از تعداد زیادی از مؤمنین قابل که می‌توانند به کوششهای تحکیمی شما پاسخ دهند غافل گشته‌اید. در رضوان بیشتر اعضای محافل عوض می‌شوند و شما مطمئن نیستید که آیا ارزش دارد به بهای محروم کردن دیگران دوباره تمام سعی و کوشش خود را متوجه این نه نفر جدید کنید.

در عین حال کوششهای شما در طول این مدت بی نتیجه نبوده است. افرادی قوی و مخلص در هر جامعه‌ای قیام نموده‌اند. و بعضی از جوامع هم به مرحله‌ای رسیده‌اند که خود گاهی بعضی از فعالیتها را انجام می‌دهند و بعضی از محافل روحانیه تشکیل جلسه می‌دهند، اما فقط وقتی شخصی از خارج به ملاقاتشان می‌آید.

حال تصمیم بگیرید کدام یک از جملات ذیل می‌بایست در این مرحله اتفاق بیفتد:

___ اعضای گروه شما، یکی یکی ناامید می‌شوند و از رفتن به روستاها منصرف می‌شوید بدون اینکه در این مورد صحبتی بکنید.

___ بار دیگر به اول نقشه که تبلیغ تعداد زیادی از مردم بود برمی‌گردید، نگران مسأله تحکیم نیستید، با ایمان به اینکه کارها به خودی خودش پیش خواهند رفت.

___ به افرادی که در مرحله اول تبلیغشان کردید، رجوع می‌کنید مجدداً آنها را تبلیغ می‌کنید ولیکن این بار اوقات طولانی تری را صرف هر یک از آنها می‌کنید.

___ با ملاحظه اینکه اطفال مشتاق ترین افراد در روستاها هستند، تمام سعی و کوشش خود را صرف دروس اطفال می‌کنید.

___ با توجه به اینکه محفل روحانی به تنهایی و بدون حیات جامعه نمی‌تواند فعالیت داشته باشد، بنا بر این جمیع کوششهای خود را متمرکز تشکیل ضیافات نوزده روزه می‌کنید.

___ از آنجایی که اجتهاد احتیاج دارند که کلام الهی را خود به تنهایی مطالعه کنند. بنا بر این یک برنامه سوادآموزی ترتیب می‌دهید و تمام نیروی خود را صرف موفقیت این برنامه می‌کنید.

شاید شما دقت کرده باشید که هیچ کدام از عملکردهایی که ذکر شد به تنهایی مناسب

نمی‌باشد. فرض کنید که لجنه منطقه‌ای تبلیغ فعالترین احتبای منطقه را به جلسه‌ای دعوت می‌کند که در این جلسه تعدادی از اهالی روستاها حضور دارند و چند روز راجع به نقشه عملی در مورد رشد فزاینده و مستمر در منطقه با هم مشورت می‌کنند. این موضوع را با گروه خود در میان گذارید. با وجودی که شما نمی‌توانید نقشه‌ای طرح کنید بدون اینکه در موقعیت واقعی قرار داشته باشید، اما سعی کنید عوامل مهمی که می‌تواند باعث مؤثر بودن «نقشه عملی» باشد را بنویسید.

قسمت چهاردهم

از دو طریق می‌توانیم یاد بگیریم که چگونه به طرز مؤثر تبلیغ کنیم. یکی الواح و آثار مبارکه و دیگری تجربه، تجربه خود و دیگر مؤمنین. طریقی که برای یادگیری می‌پیماییم باید مشتمل بر مطالعه الواح و آثار و جمع آوری تجربیات باشد. ما باید برنامه منظم نقشه تبلیغی فردی داشته باشیم و آن را دنبال کنیم. و همچنین باید در برنامه‌ها و پروژه‌هایی که تشکیلات امری جهت توسعه و تحکیم سیستماتیک برای گروه مستعد معینی طرح می‌کنند همکاری کنیم.

در احوالی که تبلیغ می‌کنیم باید در باره آنچه انجام داده‌ایم، تأثیر آنچه گفته‌ایم و اینکه چگونه بیان کرده‌ایم، تفکر کنیم. عمل و تأمل مستمر باعث ایجاد سؤالات مهمی می‌شود که باید سعی کنیم با مطالعه بیانات مبارکه پاسخ دهیم. این مطالعه آثار الهیه را لازم نیست به تنهایی انجام دهیم. می‌توانیم جلسه مشورتی با بقیه دوستان تشکیل دهیم و با یکدیگر در آثار تفحص کنیم و در بینشهایی که از تجربه، تفکر و مطالعه به دست می‌آوریم سهیم شویم. وقتی که می‌خواهیم گروهی با هم یک پروژه تبلیغی تنظیم کنیم، مطمئناً پیروی کردن از یک نمونه عمل و تأمل بر طبق آثار حضرت بهاءالله ضرورتی قطعی است. اگر این کار را انجام ندهیم در خطر مجادله راجع به روشهای تبلیغی مختلف می‌افتیم، و پس از بحثهای طولانی هر کدام از ما از روشی که فکر می‌کنیم بهترین روش است دفاع کرده، تصمیم می‌گیریم یکی از روشها را با عدم رضایت قلبی پیروی کنیم. متأسفانه اگر این اتفاق

ببافتد، اغلب احساس اشتیاق خود را برای تبلیغ از دست می‌دهیم.

قسمت پانزدهم

وقتی که از الگوی فوق‌الذکر یعنی (مشورت، عمل، تأمل) پیروی می‌کنیم، یک سری سؤالات مرتباً بر ایمان پیش می‌آید که در رابطه با رویکرد تبلیغی ما و نیز نگرش و رفتاری که در تبلیغ استفاده می‌کنیم و نحوه ایفای این وظیفه مقدس است. آیا می‌بایست خیلی جسور باشیم؟ آیا باید خیلی مواظب و محتاط باشیم؟ آیا باید این پیام را فوراً با هر شخصی که روبرو می‌شویم ابلاغ کنیم یا اینکه اشخاص معینی را انتخاب کنیم؟ آیا باید مستقیماً در باره امر، به عنوان دیانتی برای امروز صحبت کنیم یا صحبت خود را محدود کنیم به بحثهای کلی از تعالیم بهایی که به آسانی مورد قبول مردم است؟ آیا باید جنبه‌هایی از تعالیم را ذکر کنیم که می‌دانیم باعث ایجاد چالش در شنونده خواهد شد، یا اینکه باید این مواضع را به وقت دیگر موکول کرد تا زمانی که فرد تصدیق امر کند؟ برای اینکه صحبت‌های ما قانع‌کننده باشد آیا باید محکم و کوبنده صحبت کنیم، یا تا می‌توانیم با ملایمت و عطف به بیان مطلب پردازیم؟

حضرت ولی امرالله در بیان مبارک زیر در این مورد هدایت ارزشمندی عنایت می‌فرمایند. شاید معنی دقیق بعضی از این کلمات را ندانید، پس بهتر است قبل از زیارت بیان مبارک این کلمات را تعریف کنیم:

تحریک آمیز	سبب خشم و مخالفت شدید شدن
سهل انگار	به سادگی و سستی با امور برخورد کردن
متعصب	مملو از شور افراطی یا آمیخته به اشتباه
افراطی	فرارفتن از هنجارهای طبیعی و احوال شایسته
آسانگیر	وسیع‌النظر - عدم محدودیت توسط سنت یا قاعده
تشریح	توضیح معنا یا مقصد - ارائه یک مطلب
محتاط	بیش از حد مراقب
مسالمت آمیز	آشتی جویانه
فرد عادی	فردی که کشیش نیست
تحقیر کردن	بی احترامی نشان دادن
ذره‌ای کاستن	از ارزش آن بتدریج کم کردن
تقدیم	عرضه برای قبول - پیشنهاد
خلل ناپذیر	محکم - تزلزل ناپذیر

حال بیان مبارک حضرت ولی امرالله را بخوانید :

«آنان باید در تشریح جنبه‌های اساسی و برجسته دیانت خویش نه تحریک آمیز باشند و نه سهل انگار، نه متعصب باشند نه بطور افراطی آسیب‌گیر. می‌توانند پبیاک باشند یا محتاط؛ سریع عمل کنند یا به کندی، روش مستقیم به کار برند یا غیر مستقیم، مدعی شوند یا مسالمت آمیز باشند. باید مطابق با پذیرش روحانی نفسی عمل نمایند که با او در تماس هستند، خواه ضعیف باشد خواه شریف، شمالی یا جنوبی، فردی عادی یا کشیش، کاپیتالیست یا سوسیالیست، مقام دولتی یا شاهزاده، صنعتگر یا فقیر. در معرفی پیام حضرت بهاءالله نه تردید کنند و نه تزلزل یابند. نه فقیر را تحقیر کنند و نه مرعوب بزرگان شوند. در تشریح حقایق نه بیش از حد اصرار ورزند و نه از حقیقتی که دفاع می‌کنند ذره‌ای بکاهند، خواه شنونده از دستگاه سلطنت باشد یا از ارباب کلیسا، اهل سیاست باشد یا تجارت و یا فردی عادی، به تمام آنها، از عالی یا دانی، غنی یا فقیر، باید با دستهای باز، با قلب نورانی، به زبانی فصیح، با صبر بسیار، با صداقتی خلل ناپذیر، با کمال حکمت، با شجاعتی تزلزل ناپذیر، کأس نجات را در این ساعات بحرانی تقدیم نمایند ...» (۲۲)

۱ - حضرت ولی امرالله به ما می‌فرماید که در حین تبلیغ و در _____ جنبه‌های _____ و _____ دیانت خویش ما نباید _____ و _____ باشیم.

۲ - در تشریحمان نباید _____ باشیم و نه _____.

۳ - ما می‌توانیم _____ باشیم یا _____، می‌توانیم _____ عمل کنیم یا _____، ما می‌توانیم روش _____ به کار ببریم یا _____ می‌توانیم _____ شویم یا _____ باشیم، باید مطابق با _____ نفسی عمل نماییم که با او در تماس هستیم.

۴ - وقتی که امر را تبلیغ می‌کنیم باید _____ با _____ نفسی عمل نماییم که با او در تماس هستیم، خواه _____ باشد خواه شریف، شمالی یا _____، فرد عادی یا _____، کاپیتالیست یا _____، مقام دولتی یا _____، صنعتگر یا _____.

۵ - ما باید نه فقیر را _____ کنیم و نه _____ بزرگان شویم.

۶ - در تشریح حقایق دیانت ما باید نه _____ ورزیم و نه از حقیقتی که دفاع می‌کنیم _____، خواه شنونده از _____ باشد یا از _____، _____ باشد یا _____.

و یا
 ۷- به تمام آنها از یا ، یا ، باید با
 دستهای ، با قلب ، به زبانی ، با صبر ، با
 صداقت ، با نکست ، با شجاعتی ، کأس نجات را در
 این ساعات بحرانی تقدیم نماییم.

قسمت شانزدهم

حال بیایید بیان مبارک فوق را از نزدیک بررسی نماییم و سعی کنیم بعضی از مضامین عملی
 آن را کشف نماییم:

۱- بیان مبارک به ما می فرماید که در حین تبلیغ ما نباید در معرفی امر تحریک آمیز عمل کنیم. در
 زیر چند موقعیت آمده است، مواردی را که تحریک آمیز می باشند با حرف «ت» مشخص نمایید.

_____ شما با یک شخص مؤمن و مخلص معتقد به دین دیگر صحبت می کنید که عالم انسانی احتیاج
 به پیامبر جدید دارد، مطلب خود را با جلب توجه وی به چیزهای اشتباهی که در دیانتش اتفاق
 افتاده شروع می کنید.

_____ شما برای شخص مؤمن مخلص معتقد به دین دیگر توضیح می دهید که پیامبران مثل آئینه
 هستند که نور خورشید را منعکس می کنند. آنها صفات خداوند را منعکس - خصائص الهیه را
 آشکار می کنند. هر چند این آئینه ها متفاوتند ولی تمام آنها نور یک خورشید را منعکس
 می نمایند. شما با این روش طرف مقابل را کمک می کنید که به این نتیجه برسد که قبول
 حضرت بهاءالله به معنی آن نیست که پیامبران قبل را رد کند.

_____ شما شخصی را تبلیغ می کنید که مطمئن نیستید به خدا ایمان دارد و مطلب خود را اینطور
 شروع می کنید که حضرت بهاءالله مظهر ظهور الهی هستند.

_____ گروه کوچکی در منزل شما جمع شده اند. بیشتر آنها علاقه زیادی به امر نشان نداده اند و شما
 فقط می کوشید که تعالیم الهی را به آنان معرفی نمایید. در بین صحبت، شما تاکید می کنید که
 در آینده همه مردم بهایی خواهند شد.

_____ شما با شخصی صحبت می کنید که در رفاه زندگی می کند. و صحبت شما در باره این است که
 غنا حجابی است بین خدا و بند گانش.

_____ شما با کشیشی ملاقات می کنید که صادقانه علاقه دارد مطالبی را جمع به دیانت بهایی بداند و از
 شما می خواهد که بعضی از تعالیم حضرت بهاءالله را برای او توضیح دهید. و اول چیزی که
 شما به او می گوید آنکه خداوند در این عصر مقام کشیشی را لغو کرده است.

۲ - موقع تبلیغ نباید سهل انگار باشیم، در کدام یک از این موقعیتها شما به سادگی و سستی با امور برخورد نموده‌اید؟ آنها را با حرف «س» مشخص کنید.

_____ شخصی از شما سؤال می‌کند وجه متمیزه دیانت بهایی چیست جواب می‌دهید دیانت بهایی مثل جمیع ادیان دیگر است. جوهر آن این است که ما مهربان باشیم و همدیگر را دوست بداریم.

_____ روش تبلیغی شما این است که سعی کنید به دیگران نشان دهید که دیانت بهایی عبارت از مجموعه‌ای است از اصول متعالی که برای هر کس قابل قبول است. برای مثال می‌گویید: «تأسیس صلح» چه کسی به آن ایمان ندارد؟ و وقتی که به دیانت بهایی منجذب شدند، آنها را به حال خود گذاشته و در بعضی مواقع به آنها می‌گویید که اگر مایل باشند می‌توانید کتاب در اختیارشان قرار دهید. این حداکثر اقدام شماست.

_____ شخصی که در حال ایمان آوردن است در باره امور مالی و تبرعات سؤال می‌کند تنها جواب شما این است که مطمئناً مثل هر چیزی در زندگی برای اینکه کاری را انجام دهیم احتیاج به پول داریم. ولیکن شما فقط اگر دلتان بخواهد می‌توانید تبرع بدهید.

_____ شخصی که در حال ایمان آوردن است در باره امور مالی و تبرعات سؤال می‌کند و شما جواب می‌دهید که تبرع به صندوق امر برای هر بهایی وظیفه مقدّسی است و اهمیت روحانی اینار را توضیح می‌دهید و منظورتان این است که انسان برای وصول به چیزی بهتر باید از هر چیزی که در حدّ پایین تری است بگذرد و می‌گویید «تقدیم تبرعات جزء لایتجزایی است برای ساختن دنیای بهتر».

_____ دوستی که مدّتی است در باره امر مطالعه می‌کند از شما مفهوم و معنی عهد و میثاق الهی را می‌خواهد و شما می‌گویید که این خیلی آسان است «این عهدی بین انسان و خدا است. در هر دوری خداوند پیامبران را می‌فرستد و ما باید به آنها ایمان بیاوریم و سعی کنیم به احکامشان عمل کنیم».

۳ - در هنگام تبلیغ در معرفی امر نباید متعصب باشیم. در کدام یک از این موقعیتها شما در صحبت‌های خود تعصب نشان داده‌اید؟ آنها را با حرف «م» مشخص کنید.

_____ شخصی که در حال تحقیق در مورد دیانت بهایی است از شما سؤال می‌کند چطور می‌توان بهایی بود؟ و شما توضیح می‌دهید که بهایی شدن چیز کوچکی نیست. «باید همه چیز خود را فدای امر کنی» توضیح می‌دهید: «یا همه چیز یا هیچ چیز».

_____ گروهی که برای اولین بار می‌خواهند در مورد دیانت بهایی اطلاع پیدا کنند را به منزل خود دعوت کرده‌اید و برای شروع جلسه از آنها می‌خواهید که دست همدیگر را گرفته به صورت

یک دایره بایستند و سرود الله ابهی را بخوانند.

برای اینکه یکی از پیروان متمسک به دین دیگر را تبلیغ کنید اولین چیزی که به او می گوئید این است که دیانت او دوره اش تمام شده و باید آن را ترک کند و می گوئید که حضرت بهاء الله پیامبری است از جانب خداوند برای این عصر، و او باید از گذشته دست بکشد.

به منظور صحبت در مورد امر، گروهی را به منزل خود دعوت کرده اید. در ابتدا که وارد می شوند، آنها مشغول شوخی و خنده هستند. شما ناراحت می شوید ولی اظهار نمی کنید. و اما وقتی جلسه را شروع می کنید اولین چیزی که بیان می کنید این است که برای تحقیق در مسائل امری باید جدی بود.

به منظور صحبت در مورد امر گروهی را به منزل خود دعوت کرده اید و متوجه می شوید که همگی آنها عصبی هستند. بنا بر این جلسه را با بیان حکایتی کوتاه و شادی بخش شروع می کنید. در پایان آن حکایت همه می خندند و آرام به نظر می رسند. آن وقت شروع به صحبت در باره امر می کنید.

شما با شخصی در باره دیانت بهایی صحبت می کنید. او در یکی از مسائل با شما موافق نیست. با او شروع به بحث و جدل می کنید و می گوئید که من اشتباه بودن افکارت را به وسیله کتاب مقدس ثابت می کنم.

با شخصی در باره دیانت بهایی صحبت می کنید. او در یکی از مسائل با شما موافق نیست. متوجه می شوید که او علاقه زیادی به این مسأله دارد. شما از علاقه و اهمیتی که قائل است تشکر می کنید و می گوئید: «می توانیم بحث راجع به این نکته را در صورت تمایل به وقت دیگر موکول کنیم. اما مسائل زیادی است که ما در آن متفق هستیم. پس بگذارید این مسائل را امروز با هم بررسی کنیم.»

شما برای یکی از دوستانان احکام دیانت بهایی را توضیح می دهید و به او می گوئید «اطاعت احکام الهی جوهر دین است.» و «سبب مشاكل دنیای کنونی اطاعت نکردن از احکام حضرت بهاء الله است. اگر کسی این احکام را اطاعت نکند در عالم بعد مورد مؤاخذه قرار می گیرد.»

شما برای یکی از دوستانان احکام دیانت بهایی را شرح می دهید که «حضرت بهاء الله به ما می فرماید که احکامشان چراغهای هدایت الهیه است، احکامشان روشنی بخش طریقمان می باشد و ما را به سعادت حقیقی می رساند. ما هنوز کامل نیستیم و در بعضی مواقع مرتکب اشتباهاتی می شویم ولی وقتی اقرار به امر حضرت بهاء الله نمودیم و ادعیه مبارکه را تلاوت کردیم خداوند ما را برای غلبه کردن بر ضعفمان مساعدت می کند و به ما قوتی برای اطاعت از احکام خود عنایت می نماید.»

شما با خانمی برای اولین بار روبرو می شوید و به او می گوئید: «با وجودی که همدیگر را

نمی‌شناسیم، شما مثل خواهر من هستید. آیا می‌خواهید بدانید چرا؟ برای اینکه من بهایی هستم و حضرت بهاء‌الله که مظهر الهی این یوم هستند به ما فرموده‌اند که جمیع مخلوقات را دوست داشته باشیم. من در هر انسانی صورت خالق مقتدر را می‌بینم.»

۴ - در موقع تبلیغ امر ما نباید بیش از حد آسانگیر باشیم، در کدام یک از موقعیتها شما بیش از حد آسانگیر هستید، لطفاً با حرف «آ» علامت بگذارید.

_____ شخصی که در مورد دیانت بهایی تحقیق می‌کند از شما سؤال می‌کند آیا در جامعه بهایی رهبرانی وجود دارند. جواب می‌دهید: «ما کشیش یا پیشوایان داریم که واسطه بین ما و خداوند باشند. ما به حکم وجدان عمل می‌کنیم. کسی به ما نمی‌گوید چه کنیم.»

_____ شخصی که در مورد دیانت بهایی تحقیق می‌کند از شما سؤال می‌کند آیا در جامعه بهایی رهبرانی وجود دارند توضیح می‌دهید: «جامعه بهایی مصالح خود را با سیستم نظم اداری جهانی اداره می‌کند که شامل شوراهای انتخابی در سطح محلی و ملی می‌باشند و به آنها محافل روحانیه محلیه و ملیه اطلاق می‌گردد. و همچنین مجموعه‌ای از احتیای مطلق به عنوان مشاور محافل منصوب می‌شوند که به تشویق سایر افراد می‌پردازند. جمیع این مؤسسات تحت هدایت یک هیأت حاکمه بین المللی دیانت بهایی است که به آن بیت العدل اعظم اطلاق می‌شود.»

_____ شما در حال تبلیغ کردن شخصی هستید، او تمام مسائل مربوط به دیانت را می‌پذیرد مگر مسأله تناسخ را. شما می‌گویید: «این اصلاً اشکالی ندارد زیرا بهائیان به وحدت در کثرت معتقدند و این به معنی این است که آراء نیز می‌تواند مختلف باشد.»

_____ شخصی از شما سؤال می‌کند که بهائیان چگونه دیانت خود را منتشر می‌کنند؟ شما به سادگی جواب می‌دهید بهائیان دیانت خود را ترویج نمی‌کنند. «ما فقط بر طبق حیات بهایی زندگی می‌کنیم و اگر کسی از ما سؤال کرد به آنها در این باره پاسخ می‌دهیم.»

_____ شخصی که در مورد بعضی از موارد دیانت بهایی مطالعه کرده و علاقه نشان داده است از شما می‌خواهد که برای او توضیح دهید دین چیست. شما جواب می‌دهید: «دین امری شخصی است. و یک روش زندگی است. چیزی است که می‌توانی فقط در قلبت آن را احساس کنی. البته در دیانت بهایی احکامی هست و اما فقط وقتی باید اطاعت کنی که وجدانت به تو می‌گوید.»

_____ شخصی که در مورد بعضی از موارد دیانت بهایی مطالعه کرده و علاقه نشان داده است، از شما می‌خواهد که برای او توضیح دهید دین چیست. شما جواب می‌دهید: «جوهر دین آن است که خداوند را از طریق پیامبران بشناسیم و تعالیمشان را اطاعت کنیم.»

شخصی که دارید تبلیغ می کنید از شما سؤال می کند اداره جامعه بهایی چگونه است. شما جواب می دهید: «همانطور که می دانی دیانت بهایی طرحی برای اداره خود دارد، بنا بر این ما محافل روحانیه داریم. این محافل هیأت های حاکمه ای هستند که به طور دموکراتیک انتخاب شده اند و مرکب از نه نفر می باشند. این هیأت ها مسئول اداره امور جامعه بهایی در سطح محلی و ملی می باشند و لکن فقط وقتی باید از آنها اطاعت کنی که وجدانت به تو می گوید.»

با بعضی از دوستان خود در باره مفهوم تربیت اطفال در دیانت بهایی صحبت می کنید. سپس شما می گوئید: «دیانت بهایی به ما یاد می دهد که اطفال خوب آفریده شده اند و اگر شما آنها را دوست داشته باشید و به ایشان کمک کنید استعداد های خداداده آنها رشد کند، خوش رفتار می شوند.»

با بعضی از دوستان در باره مفهوم تربیت در دیانت بهایی صحبت می کنید سپس شما می گوئید: «دیانت بهایی به ما می گوید که اطفال استعداد آن را دارند که خوب باشند، ولی در عین حال تمایلاتی دارند که باید کنترل گردد. آنها احتیاج به تربیت دارند که در طریق صحیح قدم گذارند تا استعدادات عالیه ای را که در آنها به ودیعه گذارده شده پرورش دهند.»

۵ - معین کنید کدام یک از این عکس العملها مناسب موقعیتهای تبلیغی ذیل است. ممکن است هر موقعیتی بیش از یک یا دو جواب داشته باشد.

- | | |
|---------------------------|-------------------------------|
| (۱) محتاط بودن | (۲) بیباکی |
| (۳) سرعت عمل | (۴) به کندی عمل کردن |
| (۵) استفاده از روش مستقیم | (۶) استفاده از روش غیر مستقیم |
| (۷) مدعی بودن | (۸) مسالمت آمیز |

دختری با هیجان بسیار به مرکز محلی بهایی می آید. او می گوید پک جزوه راجع به امر خوانده است و می خواهد راجع به حضرت بهاء الله بیشتر بداند. توضیح می دهد که همیشه در قلب خود احساس عمیقی می کرده که هیچ وقت خداوند بندگانش را ترک نخواهد نمود و پیامبر جدیدی خواهد فرستاد.

شما و خانواده تان به دهکده ای منتقل شده اید که هیچ کس را در آنجا نمی شناسید. یک روز بعد از مدتی کوتاه اقامت در آنجا، همسایه تان برای خوشامدگویی و معرفی خود به منزل شما می آید. و در این میان به شما توضیح می دهد که اهالی ده در امور دینی با هم متحد هستند و خوششان نمی آید که ادیان «دیگر» بیایند و بین آنها تفرقه بیاندازند.

شما و خانواده تان به دهکده ای منتقل شده اید که هیچ کس را در آنجا نمی شناسید. یک روز بعد از مدتی کوتاه اقامت در آنجا، همسایه تان برای خوشامدگویی و معرفی خود به منزل شما

می آید. او متوجه شمایل حضرت عبدالبهاء که در منزل جدیدتان قرار داده‌اید می شود و سؤال می کند: «این شخص کیست؟»

شما به گروهی از مردم علاقه مند به ترویج صلح پیوسته‌اید. یکی از افراد به مطالبی که شما در آن اجتماع مطرح نموده‌اید جذب می شود. او قویاً معتقد است تنها راه برای ایجاد تغییر حقیقی در جامعه حرکت سیاسی زیرزمینی است. هر وقت جلسه‌ای تشکیل می شود او در این مورد با شما صحبت می کند.

یکی از اشخاصی که با شما کار می کند چندین بار به شما گفته است که به خدا ایمان ندارد. ولی به خیلی از افکار اجتماعی شما جذب شده است، به عنوان مثال تساوی حقوق نساء و رجال و مسأله تعلیم و تربیت عمومی.

در یکی از جلسات در دهکده‌ای در حضور رئیس یکی از احزاب سیاسی منطقه، شما ایده‌هایی در باره تعلیم اطفال را مطرح می کنید. سپس رئیس حزب می آید که با شما صحبت کند. او می گوید، می داند که شما بهایی هستید و خیلی از پیشنهادات شما خوشش آمده است. و مشتاق است که اطلاعاتی بیشتر در باره امر بداند.

یکی از خانمهای تازه تصدیق، شما را به منزل خود برده تا خانواده‌اش را ملاقات کنید. آنها مخالف بهایی شدن او هستند و دارند سعی می کنند او جامعه بهایی را ترک کند.

یکی از خانمهای تازه تصدیق، شما را به منزل خود برده تا خانواده‌اش را ملاقات کنید و به شما می گوید که خانواده‌اش خیلی علاقه به امر دارند و بی صبرانه منتظرند بیشتر راجع به امر بشنوند.

شما در کشوری زندگی می کنید که حکومت تشکیلات رسمی بهائیان و جلسات بزرگ را منع نموده است.

۶ - یک مثال برای هر یک از موارد زیر بنویسید:

تحقیر فقراء:

مرعوب بزرگان بودن:

تأکید بیش از حد بر حقیقت:

قسمت هفدهم

هدایت ذیل از حضرت ولی امرالله به ما یادآوری می کند که، مثل همه موارد، در هر موقعیتی برای انتخاب مناسب ترین روش تبلیغ به حضرت عبدالبهاء توجه کنیم:

«در کلیه احیان محبوب خود حضرت عبدالبهاء و طریقه تبشیر و تبلیغ او را بخاطر آوریم او با حکمت تام و مهارت کامل با فرق مختلفه تماس حاصل می کرد. در ملاقاتهای اولیه با نهایت دقت و بردباری و حضور ذهن بیان مطلب می فرمود. در جمیع خطابات خود وسیع النظر بود و با علو فکر تعالیم و اصول محکمه امریه را تشریح و تبیین می نمود. با صبر و سکون و دقت و تدریج پرده از وجه حقایق منیره این آیین مقدس بر می داشت. با عاطفه و احساس شدیدی خلق را دعوت به ملکوت الهی می فرمود و با عشق و ایمان مطالب و حقایق عالیه را به مستمعین القا می نمود. با وجود چنین شعله و حرارت و انجذابی وقار و سکون را در مباحثات خود از دست نمی داد و با لحنی مطمئن به صحبت بر می خاست در عقاید و آراء خویش چون جبل آهنین محکم و متین بود و در طرق حیاتی بسیار وقور و سنگین مشی می فرمود. آن مولای عالمیان با چنین خصائص برجسته ای به تبلیغ و انتشار امر حضرت بهاءالله قیام فرمود.» (۲۳)

(ترجمه)

۱ - وقتی که سعی می کنید به حضرت عبدالبهاء اقتدا کنید، برخورد شما با تبلیغ چگونه خواهد بود؟

۲ - وقتی برای اولین بار با فردی مرتبط می شوید، سعی می کنید رفتارتان چگونه باشد؟

۳ - خطابه های عمومی شما چه مشخصاتی خواهد داشت؟

۴ - مردم را چگونه متوجه حقیقت امر الهی می نمایید؟

۵ - در تلاش برای دعوت مردم سعی می کنید چگونه باشید؟

۶- در مباحثات خود؟

۷- در لحن خود؟

۸- در عقاید و آراء خود؟

۹- در رفتار تان؟

بیان فوق را حفظ کنید.

قسمت هجدهم

ما این قسمت را با یادآوری اینکه «بودن» و «عمل کردن» مکمل یکدیگرند و بُعد جدایی ناپذیر زندگی روحانی فرد است آغاز نمودیم. سپس قسمتهایی را به بررسی خصوصیات روحانی اختصاص دادیم، که در انجام فعالیت‌های منظم و مستمر تبلیغی، باید پرورش دهیم. بحث ما در مورد تواضع باعث شد توجه ما به یادگیری معطوف شود. سپس در باره برخی از رفتارهای مهمی که یک مبلغ امرالله باید داشته باشد بحث کردیم. بیایید یک قدم پیش برویم و ماهیت رابطه مان را با کسانی که می‌خواهیم تبلیغشان کنیم بررسی کنیم. این روابط چگونه باید باشد؟ بیانات مبار که راجع به این روابط به ما چه می‌گوید؟

اولین مفهوم که به فکر ما می‌آید ارتباط دوستانه است. بدیهی است در نقشه تبلیغی فردی، توانایی ایجاد رابطه دوستی با مردم ضروری است. این قابلیت در بعضی پروژه‌ها، مثلاً وقتی داریم افرادی را تبلیغ می‌کنیم که اصلاً نمی‌شناسیم، خیلی مهم است چون مشخص می‌کند چطور به آنها نزدیک شویم، با آنها ارتباط برقرار کنیم، و در به دست آوردن قلب آنها چقدر موفقیم.

سؤالی که باید از خود بکنیم اینکه چگونه قابلیت برقراری روابط گرم با مردم را افزایش دهیم. البته خلق و خوی ما متفاوت است. بعضی بخاطر نحوه تربیتمان و یا استعداد ذاتی خود خیلی راحت دوست پیدا می‌کنند. بعضی می‌توانند باب صحبت را بطور تصادفی با افراد کاملاً غریبه باز کنند. بعضی خجالتی هستند و این کار برایشان بسیار مشکل است. ولیکن مهم نیست خصوصیات شخصی ما چیست، باید بدانیم که با سعی و کوشش آگاهانه می‌توانیم یاد بگیریم که چطور با مردم با روح و ریحان معاشرت کنیم. بیانات مبار که حاوی راهنمایی‌های متعدد و ذیقیمتی در این خصوص می‌باشد، فقط چند مثال در اینجا درج گردیده است. جملاتی که در گیومه آمده از نصوص اخذ شده است. پیشنهاد می‌شود مطالب ذیل را چندین بار مطالعه نمایید و در گروه خود بحث کنید.

— به ما گفته شده است که «حجاب بیگانگی» را خرق کنیم و «همه را دوست بشماریم». از ما توقع دارند که «تمام ملل و جوامع دنیا را دوست بداریم». نظر به «خسونت و جبر و امیال شیطانی و آزار و اذیت و تنفر» نیافکنیم و ناظر به افق ابهی باشیم و همه مخلوقات خداوند را «آیات باهره الهی» دانیم.

- از ما خواسته شده است که با «دوست و دشمن معاشرت و ملاطفت کنیم» «با محبت و مهربانی بی حد» معامله کنیم و نظر به «استحقاق و قابلیت» دیگران نماییم.
- اگر نفسی «در پی نزاع و جدال» است ما باید خواستار «مصالحه» باشیم. اگر ما را سرزنش کند، باید او را تحسین کنیم. اگر به ما «زهر دهند» ما باید «شهد بخشیم»، اگر «جان طلبند»، «حیات جاودان» عنایت کنیم، اگر «خار مگیلان» شوند به «گل و ریاحین» تبدیل شویم.
- باید سعی کنیم تا «همه ملل و قبائل عالم حتی دشمنان اعتماد، اطمینان و امید خویش را به ما از دست ندهند». اگر نفسی «صدها هزار بار خطا کند» باز هم بتواند «به ما روی آورد» به این امید که او را خواهیم بخشید، چون او نباید «ناامید و ناراحت و مأیوس» شود.
- می‌بایست با «تمام قدرت به یکدیگر کمک کنیم و برای هم زندگی ابدی طلبیم». و «رحمت الهی و عنایت حق شویم» که از طرف خدا فرستاده شده است.
- به ما گفته شده است که با دیگران «همدردی» کنیم. با «عواطف زیاد» «روح حیات بخشیم» و آنها را به سوی خدا «بخوانیم». می‌بایست «محبت و اتحاد را بهشت مطلوب بدانیم»، و «کدورت و خصومت را نار جحیم شماریم».
- باید مواظب باشیم «هیچ نفسی را اذیت نکنیم و هیچ قلبی را محزون ننماییم» نباید خاطری را بیازاریم «حتی اگر گناهکار باشد». ما تشویق شده‌ایم که به «خلق ناظر نباشیم»، بلکه به «خالق آنها» ناظر باشیم.
- از ما دعوت شده است که خود را «فدا» کنیم برای «رفاه مردم» و «سبب راحتی اهل ارض باشیم». باید «بر مصیبات خلق» خدا بگرییم و در غم فرزندان خدا «غمخوار» باشیم. باید «به جمیع مهربان باشیم و داروی دردمندان عالم» گردیم.
- از ما دعوت شده است که «پدر مهربان یتیمان باشیم و ملجأ بی پناهان و کنز فقراء و شفای علیلان». باید «معین هر مظلومی و حامی هر بیچاره‌ای باشیم». باید فکر کنیم «در همه اوقات به هر یک از افراد عالم انسانی خدمتی نماییم».
- باید «جهد» کنیم تا حدی که می‌توانیم «قلوبمان را خالص» کنیم و «در تسریر خاطر این نفوس بکوشیم» و ما باید با هر کسی که در راهمان قرار می‌گیرد به خوبی رفتار نماییم و «فایده‌ای به او برسانیم». باید جهد «در تحسین اخلاق و تنویر افکار» کنیم. هدف ما این است که مردم را به سوی خدا بخوانیم و عالم بشری را «به متابعت مثل اعلای خود در ملکوت ابهی، دعوت کنیم».
- اگر آرزوی «لطفات قلوب» را داریم و اینکه دوستان خود را در «ظل شجره حیات در آوریم» می‌بایست «استقامت و صداقت» داشته باشیم. «خلوص و جدیت» ما باید «روز بروز زیاد شود» تا «با قوت حقیقت» «قلوب را لطافت بخشیم» و «نفوس را بیدار» کنیم. باید این قوت را «ظاهر سازیم» بحدی که باعث تعجب ناظرین شود.

– از ما دعوت شده است که «به مردگان حیات بخشیم، و خفتگان را بیدار کنیم». در «ظلمات عالم» باید «مشعلهای فروزان باشیم». در «صحراهای مهلک» باید «چشمه‌های آب زندگی و سلسبیل هدایت الهی» باشیم.

شاید مایل باشید این بیان مبارک حضرت عبدالبهاء را حفظ کنید:

«وَأَنْتُمْ يَا أَحِبَّاءَ اللَّهِ تَبْتُوا أَقْدَامَكُمْ عَلَى أَمْرِ اللَّهِ ثُبُوتًا لَا يَزُلُّ لَهُ أَعْظَمُ خَوَادِثٍ فِي الدُّنْيَا لَا تَضْطَرُّوْا مِنْ شَيْءٍ فِي حَالٍ مِنَ الْأَحْوَالِ كُونُوا كَأَنْجِبَالِ الْأَرَاْسِيَّاتِ وَ نُجُومًا بَارِغَةً مِنْ أَفْقِ الْكَائِنَاتِ وَ سُرُجًا لَامِعَةً فِي مَجَامِعِ التَّوْحِيدِ وَ نُفُوسًا خَاضِعَةً لِاحِبَاءِ اللَّهِ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ. كُونُوا آيَاتِ الْهُدَى وَ أَنْوَارِ التَّقَى مُنْقَطِعِينَ عَنِ الدُّنْيَا مُتَشَبِّهِينَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى نَاشِرِينَ لِرُوحِ الْحَيَاةِ رَاكِبِينَ عَلَى سَفِينَةِ النِّجَاةِ مَظَاهِرِ الْجُودِ مَطَالِجِ اسْرَارِ الْوُجُودِ مَهَابِطِ الْإِلَهَامِ وَ مَشَارِقِ الْأَنْوَارِ مُؤَيِّدِينَ بِرُوحِ الْقُدُسِ مُنْجَذِبِينَ إِلَى الْحَقِّ مُنْزَهِينَ عَنِ كُلِّ الشُّؤْنِ مُقَدَّسِينَ عَنِ أَوْصَافِ الْبَشَرِ مُتَخَلِّقِينَ بِأَخْلَاقِ مَلَائِكَةِ السَّمَاءِ حَتَّى تَفُوزُوا بِالْمَوْهَبَةِ الْكُبْرَى فِي هَذَا الْقَرْنِ الْعَظِيمِ وَالْعَصْرِ الْجَدِيدِ» (۲۴)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: و شما ای احتبای الهی، قدمهایتان را برابر امر پروردگار ثابت و استوار بدارید، تا جایی که حتی بزرگترین پیشامدهای عالم تزلزلی در شما ایجاد ننماید. در هیچ موقعیتی از هیچ چیز اضطراب و پریشانی به خود راه مدهید، همانند کوه پابرجا باشید، همچون ستاره‌های درخشان از کرانه‌های عالم هستی طلوع نمایید و چون سراج منیر در مجامع توحید پرتو افکنید و بادل صاف و پاک در برابر احتبای خدا فروتنی نمایید. آیات هدی شوید و انوار تقی گردید. از دنیا و مافیها منقطع شده به ریسمان محکم الهی چنگ زنید. ناشر روح حیات و راکب سفینه نجات باشید. مظهر سخاوت و بخشش ایزدی شده، بیانگر اسرار آفرینش شوید. مهبط الهام و مشرق انوار گردید. مؤید به تأییدات روح القدس شوید. خود را مفتون و مجذوب حق نمایید. از همه شئون عالم پاک شوید. از اوصاف بشر مقدس گردید و به اخلاق و صفات ملائکه آسمان متخلق و آراسته شوید تا از موهبت بزرگی که برای این قرن عظیم و عصر جدید مقدر شده نصیب برید.)

قسمت نوزدهم

همینطور که با همه مردم با روح دوستی معاشرت می‌کنیم، و با کوششهایمان برای زندگی طبق حیات بهایی دیگران را به امر مبارک جذب می‌نماییم، از ما توقع نمی‌رود که کامل باشیم و هیچ وقت نیز ادعا نمی‌کنیم که از هر عیبی مبرا هستیم. ولیکن همان اندازه که صفات یک بهایی را از

خود نشان می‌دهیم، ممتاز می‌شویم و بر اطرافیان خود تأثیر می‌گذاریم. منظور از تبلیغ به عمل همین است. ولیکن باید مواظب باشیم که «تبلیغ به عمل» بهانه‌ای برای تبلیغ نکردن نشود. این درست است که باید اهمیت زیادی به حالت درونی و صفات و درستی اعمال خود بدهیم. اما این نباید باعث شود از این واقعیت چشم پوشیم که مفتاح مدائن قلوب مردم «بیان ما» است. برای واضح کردن این نکته بیایید این دو مجموعه از بیانات مبارک را بدقت مطالعه کنیم و مفهوم هر دو مجموعه را در کنار یکدیگر درک کنیم، اول این قسمت از بیانات مبارک را مطالعه کنید:

«وَمِنْكُمْ مَنْ أَرَادَ أَنْ يُبَلِّغَ أَمْرَ مَوْلَاهُ فَلْيَنْبَغِ لَهُ بِأَنْ يُبَلِّغَ أَوَّلًا نَفْسَهُ ثُمَّ يُبَلِّغَ النَّاسَ لِيَجْذِبَ قَوْلُهُ قُلُوبَ السَّامِعِينَ وَمِنْ ذَلِكَ لَنْ يُوَثِّرَ قَوْلُهُ فِي أَقْيَدَةِ الطَّالِبِينَ»
(۲۵)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: کسانی از شما که قصد تبلیغ امر مولای خود را دارند، شایسته است که قبل از هر چیز ابتدا به تبلیغ خویش پردازند، سپس مردم را تبلیغ کنند، تا کلام آنها جاذب قلوب سامعین گردد و در غیر این صورت، کلام آنها در دلهای طالبان تأثیری نخواهد گذاشت.)

«فقط و فقط یک موضوع می‌تواند بالاتر دید و به تنهایی مظفریت بیچون و چرای این امر مقدس را تأمین کند و آن این است که ببینیم حیات و وضع و صفات و سجایای خصوصی ما تا چه درجه لمعان اصول جاودانی شریعت حضرت بهاءالله را در جلوه‌های گوناگون آن منعکس می‌سازد.»^(۲۶) (ترجمه)

«هر نفسی الیوم به جنود اخلاق و تقوی نصرت نماید و لله و فی سبیل الله بر خدمت قیام کند البته آثارش در اشطار ظاهر و هویدا گردد.»^(۲۷)

«بگذارید رفتار شما به دنیا فریاد زند که شما بهایی هستید. چون این عمل است که با دنیا صحبت می‌کند و سبب پیشرفت عالم انسانی است. اگر ما بهایی حقیقی باشیم بیان لازم نیست. عمل ما در دنیا کمک می‌کند، مدنیت جهانی منتشر می‌کند، به پیشرفت علوم کمک می‌کند، و فنون ترقی می‌کند. بدون عمل هیچ چیز در عالم مادی انجام نمی‌شود، و حتی بیان بدون عمل در ترقی انسان در عالم ملکوت کمک نمی‌کند. فقط از طریق خدمات لسانی، منتخبین حق مقدس نشدند، ولیکن با صبر و استقامت توأم با خدمت و فعالیت روشنی به جهان بخشیدند.»^(۲۸) (ترجمه)

اکنون به مطالعه بیانات ذیل پردازید:

«چنین اوقات یاران الهی فرصتی یابند و وقت را غنیمت شمرند و جولان کنند و از این میدان گویی بربایند و اگر کار ایشان منحصر به حسن سلوک و موعظه حسنه باشد کاری از پیش نرود باید لسان به بیان برهان گشود و اقامه ادله واضحه و حجت قاطعه بر ظهور شمس حقیقت نمود.» (۲۹)

«پس نظر به استعداد خود نکن. نظر به فضل بی منتهای جمال ابهی نما که فیضش شامل است و فضلش کامل.» (۳۰)

«توجه به ملکوت الهی کن و استفاضه از فیض روح القدس و زبان بگشا تأییدات روح می رسد.» (۳۱)

«أَنْ يَا أَحِبَّاءَ اللَّهِ لَا تَسْتَقِرُّوا عَلَى فِرَاشِ الرَّاحَةِ إِذَا عَرَفْتُمْ بَارِئَكُمْ وَ سَمِعْتُمْ مَا وَرَدَ عَلَيْهِ قَوْمُوا عَلَى النَّصْرِ ثُمَّ أَنْطِقُوا وَلَا تَصْنُمُوا أَقْلًا مِنْ أَنْ هَذَا خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ كُنُوزِ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ لَوْ أَنْتُمْ مِنَ الْعَارِفِينَ» (۳۲)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: ای احبای الهی بر بستر راحت قرار نگیرید از آن هنگام که به وجود آورنده خود را شناختید و از آنچه بر او رفته آگاه شدید، بی درنگ بر نصرت امر او قیام کنید. زبان بگشایید و برای لحظه ای ساکت نشینید. این از تمام گنجینه هایی که از قبل بوده و من بعد خواهد بود برای شما با ارزش تر است، اگر بشناسید.)

«اگر احباء همیشه منتظر می شدند تا کاملاً شایسته انجام کار خاصی شوند، کار امر تقریباً دچار وقفه می گردید. اما همین کوشش برای خدمت، با وجود احساس عدم شایستگی و لیاقت، تأییدات الهی را جذب می کند و فرد را قادر می سازد تا برای انجام وظایف آماده گردد.»

امروز نیاز بشریت به شنیدن پیام الهی آنچنان شدید است که احباء باید کاملاً در این وظیفه غرق شوند، هر کجا و هر طور که بتوانند، بدون در نظر گرفتن ضعفهای خاص خود و با در نظر گرفتن نیاز به شنیدن تعالیم الهی که توسط همنوعان شان در تاریکترین ساعت مصیبت عالم انسانی فریاد زده می شود.» (۳۳)

اگر اولین مجموعه بیانات مبارک که را از بقیه مطالب در مورد تبلیغ (که فقط چند نمونه از آنها در مجموعه دوم آمده است) جدا کنیم و فقط بر آنها تکیه کنیم، شاید به این نتیجه برسیم که بهانه خوبی است برای تبلیغ نکردن. وقتی اشتباهاً به این نتیجه برسیم، در این دام می افتیم که وظیفه ما بهبود

شرایط درونیمان است تا مردمان بهتری شویم و به حدی از کمال برسیم که برای تبلیغ نیاز به کلمات نداشته باشیم، چون دیگران جذب ما خواهند شد و سپس خودشان می‌روند، تحزری حقیقت می‌کنند. در حالی که می‌دانیم حضرت عبدالبهاء که بیش از هر یک از ما به حیات بهایی عامل بودند، از قدرت بیان مبارک بهره‌جسته و در هر فرصت مناسبی در باره امر مبارک صحبت می‌کردند.

چیزی که اهمیت دارد در ک کنیم این است که موضوع اصلی این مجموعه از بیانات مبارک که راجع به روش تبلیغ نیست. این مجموعه حقایق عمیق تر روحانیه‌ای را در مورد تأثیر ناشی از حالات درونی، قدرت اعمال حسنه و رفتار نیک آشکار می‌سازد. به ما یادآوری می‌کند که اعمال ما نباید با اقوال ما مخالف باشد. مثلاً اگر نفسی می‌خواهد امانتداری را تعلیم دهد باید با خلوص نیت سعی کند که خود امانتدار باشد.

عموماً حکیمانه نیست که در باره یک موضوع عمیق و وسیعی مثل تبلیغ فقط با مطالعه یکی دو بیان در آن مورد نتیجه‌گیری نماییم.

با در نظر گرفتن این افکار بیا باید برگردیم و در بیانات فوق تفکر کنیم. جملات را با کلماتی مناسب پر کنید:

۱- و از شما کسی که اراده کند که امر مولایش را تبلیغ نماید پس برای او شایسته است که،

۲- و در غیر این صورت

۳- فقط و فقط یک موضوع می‌تواند بلا تردید و به تنهایی مظفریت بی‌چون و چرای این امر مقدس را تأمین کند و آن

۴- هر نفسی‌الیوم _____ نصرت نماید و _____ وفی _____ بر خدمت قیام کند البته آثارش در _____ گردد.

۵- این عمل است که _____ و سبب _____

۶- اگر ما بهایی حقیقی باشیم بیان _____ عمل ما در دنیا فریاد می‌زند که

۷- عمل ما باید _____، باید _____، باید _____،

۸- بدون عمل _____، و حتی بیان _____ در

_____ در عالم ملکوت کمک نمی‌کند.

۹- فقط از طریق خدمات لسانی منتخبین حق مقدس نشدند، و لکن با _____

۱۰ - اگر کار ایشان منحصر به حُسن سلوک و موعظه حُسنه
باید _____ گشود و اقامه ادله _____ بر ظهور شمس حقیقت
نمود.

۱۱ - پس نباید نظر به استعداد خود کنیم، ولکن نظر _____ نماییم.
۱۲ - توجه به ملکوت الهی کنیم _____ و زبان بگشاییم _____

۱۳ - نباید بر بستر راحت قرار گیریم و به محض اینکه پروردگارمان را شناختیم و آنچه بر او وارد شد
را شنیدیم _____

۱۴ - باید زبان بگشاییم و _____ این برای ما از
_____ بهتر است.

۱۵ - اگر همیشه صبر می کردیم تا کاملاً شایسته انجام کار خاصی شویم _____

۱۶ - و اما همین کوشش برای خدمت، با وجود احساس عدم شایستگی و لیاقت، _____

۱۷ - امروز نیاز بشریت به شنیدن پیام الهی آنچنان شدید است که ما باید _____
هر کجا و هر طور که می توانیم، _____ و با در نظر گرفتن _____
_____ در تاریکترین ساعت مصیبت عالم انسانی _____

قسمت بیستم

بیاید این بخش را با صفات و طرز رفتار مبلّغ از جنبه دیگر به اتمام برسانیم. در بخش قبل
گفتیم وقتی که شخصی را تبلیغ می کنیم، با یک موجود انتزاعی به نام «بشریت» صحبت نمی کنیم.
مردم ظرفهای خالی نیستند که منتظر باشند که با اطلاعات پُر شوند. آنان امیدها و آرزوها، ترسها و
مشکلات خودشان را دارند. به عنوان یک مبلّغ امرالله باید روح آنها را مورد خطاب قرار دهیم. روحی
که خلق شده است تا خدا را بشناسد و دوستش بدارد. ما باید قلب و فکر آنان را مورد توجه قرار دهیم تا
بتوانیم شعله ایمان را در آنها برافروزیم و به آنها کمک کنیم تا به ساحل فهم حقیقی برسند. در این
قسمت یادداشتهای یکی از مؤمنین اولیه غرب را جمع به روش حضرت عبدالبهاء هنگام ابلاغ پیام پدر
بزرگوارشان با آنهایی که ملاقات می نمودند ذکر می شود تا ما را برای بخش بعدی که عمل تبلیغ را
برایمان دقیقاً توضیح می دهد آماده کند.

«در اثر تشویق هیکل مبارک زائر آنچه داشت ابراز می داشت و هر چه در بطون روح و قلبش برای مدت‌ها پنهان مانده بود ظاهر می ساخت و همین که از کلمات خالی می گردید حضرت عبدالبهاء فوراً به جواب بر نمی خاستند، سکوت می فرمودند، وعظ نمی کردند، نصیحت نمی نمودند، کسی چشمهای مبارک را می بستند گویی که از جهانهای پنهان الهی منتظر تأیید و هدایت ربانی می شدند و سپس در اعماق روح گوینده تفحص می فرمودند و بالبخندی که قلب را آب می کرد به چهره سائل می نگریستند.» (۳۴)

«هرگز مجادله نمی فرمودند و ابداً بر سر یک کلمه نمی ایستادند، طرف را آزاد می گذاشتند. ابداً با غرور و تسلط تکلم نمی فرمودند بلکه بالعکس دائماً در جمیع حالات و شؤون تجسم عبودیت محضه بودند. تعلیم می دادند اما چون کسی که هدیه‌ای نزد سلطانی می برد. هیچ وقت به من نفرمودند من چه باید بکنم فقط گاه گاهی تحسین از اعمال من می نمودند. و ابداً به من نفرمودند من به چه چیز بایستی عقیده و ایمان داشته باشم. حضرتش حقیقت و محبت را بقدری شکبیا و الهی می ساختند که قلب به خودی خود متوجه آن می شد و احترام می گذاشت. با صورت مبارک خود با آداب و حالات خویش و بالبخند به من نشان می دادند و می فهماندند که من باید چگونه باشم. ایشان می دانستند که از اراضی جتیده وجود قطعاً روزی اثمار طیبه اعمال و کلمات سرسبز و خرم برون خواهد آمد. در جزیی ترین کلمه‌ای که تفوه می فرمودند و کوچکترین عملی که انجام می دادند امتزاج عجیبی در هیبت و سیطره و جلال و خضوع و اطمینان و قدرت مشاهده می شد. چقدر آرزو می کردم که به سرچشمه این مناقب عظیم پی برده باشیم. آیا چه عواملی در وجودشان موجود بود که اینقدر ایشان را با دیگران فرق می داد و الی غیرالنهایه در جمیع نفوسی که ملاقات کرده بودم ایشان را افضل و اعلی می ساخت.» (۳۵)

«غالباً از محبت کامل و جامع ایشان و اثرات عمیق‌اش در خودم بیان کرده‌ام. چقدر حتی از نفوسی که اطرافمان هستند آثار مهر و عطوفت حقیقی را دریافت نمی کنیم و چه بسا که از نزدیکترین و عزیزترین نفوس خود نیز لمعه واقعی جهان محبت را مشاهده نمی نماییم. محبت را بر اساس نفس خود استوار می سازیم و اثرات آن بسیار محدود و معدود است، یعنی می توان شمرد و از یک یا دو تجاوز نمی کند ولی انوار محبتی که از حضرت عبدالبهاء تجلی می کرد چنین نبود. تابش ایشان چون خورشید بر جمیع یکسان بود. هر کسی که در سرخی آن تابش قرار می گرفت

حرارت و حیات تازه‌ای می‌یافت.» (۳۶)

«هر موضوعی را که پیش آوردند حضرت عبدالبهاء با مهارتی بی حد در آن بحث فرمودند و در جمیع اوقات خضوع به نفوس و احترام به افکار و عقاید دیگران را در نظر داشتند. قبلاً راجع به شدت ادب هیکل مبارک بیان کرده‌ام ولی آنچه ایشان به کار می‌بردند خیلی بیش از کلمه و مفهومی است که بین غربیان متداول است و شامل ادب و مراعات و ملاحظه می‌باشد. حضرتش جمال آب آسمانی را در هر وجهی می‌دیدند و روح انسانی را احترام شدید می‌گذاشتند. محقق است که اگر انسان نفوس دیگران را تا این حد عالی و متعالی داند به طراز ادب و حلیه احترام مزین خواهد بود.» (۳۷)

«در تمام فرصتهای عزیزی که به زیارت حضرت عبدالبهاء مشرف می‌شدم و به بیانات مبارک گوش می‌دادم و یا با هیکل مبارک صحبت می‌کردم روز بروز بیشتر و عمیق‌تر تحت تأثیر طریقه تعلیم ایشان قرار می‌گرفتم. ایشان دائماً روح را زنده می‌فرمودند. تنها نمی‌خواستند مطالبی را به مغز طرف فرو کنند، بلکه همه گاه در حین مفاوضه و تماس در جستجوی روح بودند و می‌خواستند جوهر و حقیقت هر نفسی را بیرون آرند و به خود بنسازند. البته می‌توانستند به قوه علم و منطق مباحث خود را ادامه دهند و این قوه را چه در خطابات مبارک که خود شنیده‌ام به کار برده‌اند و چه در آنهایی که خوانده‌ام. ولی نه منطق ایشان منطق معلم مدرسه بود و نه علمشان علم مجامع درسی، بلکه کوچکترین حرکت و مختصرترین بیان و کلام ایشان و کمترین تماس و معاشرتشان تا اعماق روح اثر می‌کرد و دائماً روان مستمعین را از عالم پست ماده به جهانهای بلند و فهم و ادراکی اعلی صعود می‌بخشیدند. وقتی تکلم می‌فرمودند قلوب جمیع در سینه‌هاشان مملو از اشتعال بود.» (۳۸)

پس از اینکه چند بار مطالب فوق را مطالعه کردید، چند جمله راجع به رفتار متمایز حضرت عبدالبهاء با مردم و نیز روشی که در مکالمات امری با دیگران استفاده می‌نمودند بنویسید. به عنوان مثال: «یک حالت تواضع توأم با عظمت در هر کلمه ایشان مندمج بود.»

۱ -

۲ -

۳ -

۴ -

۵ -

۶ -

----- 7
----- 8
----- 9
----- 10

منابع

- ۱ - فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء، مطبوعات امری ویلمت، ۱۹۹۳، ص ۵۴ انگلیسی
- ۲ - فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء، مطبوعات امری ویلمت، ۱۹۹۳، ص ۷۲ انگلیسی
- ۳ - رقیمه مورخه ۸ نوامبر ۱۹۵۶ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احباء چاپ در **Teaching The Baha'i Faith** مجموعه‌ای که بیت العدل اعظم تهیه نموده‌اند (موناویل - مطبوعات امری استرالیا، ۱۹۹۵) شماره ۱۵۶، صص ۸۵ - ۸۴
- ۴ - رقیمه مورخه ۶ نوامبر ۱۹۴۹ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احباء چاپ در **Teaching The Baha'i Faith** مجموعه‌ای که بیت العدل اعظم تهیه نموده‌اند (موناویل - مطبوعات امری استرالیا، ۱۹۹۵) شماره ۱۲۴، ص ۷۶
- ۵ - خطابات حضرت عبدالبهاء در پاریس ۱۹۱۲ - ۱۹۱۱، لندن، ص ۶۴
- ۶ - رقیمه مورخه ۱ سپتامبر ۱۹۳۳ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احباء چاپ در **Teaching The Baha'i Faith** مجموعه‌ای که بیت العدل اعظم تهیه نموده‌اند (موناویل - مطبوعات امری استرالیا، ۱۹۹۵) شماره ۹۲، ص ۶۹
- ۷ - منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شماره ۲۱۶
- ۸ - رقیمه مورخه ۳۰ ژوئن ۱۹۳۷ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احباء چاپ در **Teaching The Baha'i Faith**، شماره ۱۰۰، ص ۷۱
- ۹ - منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شماره ۲۱۳
- ۱۰ - منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شماره ۲۱۴
- ۱۱ - منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۵ (ویلمت: مطبوعات امری، ۱۹۸۳)
- ۱۲ - منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۱۳۲
- ۱۳ - منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۱۰۰
- ۱۴ - منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شماره ۴۰۴
- ۱۵ - منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۱۴۲
- ۱۶ - حضرت ولی امرالله در نظم اذاری، ۱۹۳۲ - ۱۹۲۲، مطبوعات امری: ویلمت، ص ۶۹
- ۱۷ - منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شماره ۲۱۷
- ۱۸ - منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شماره ۱۵
- ۱۹ - رقیمه مورخه ۸ نوامبر ۱۹۵۶ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احباء چاپ در **Teaching The Baha'i Faith**، شماره ۹۱، صص ۶۹ - ۶۸. (ترجمه) از رساله راهنمای تبلیغ، ص

- ۲۰ - پیامهای بیت العدل اعظم الهی ۱۹۶۸ - ۱۹۶۳، **Wellspring of Guidance** مطبوعات امری، ۱۹۹۶، ص ۳۳
- ۲۱ - از پیام نوروز ۱۹۷۴ بیت العدل اعظم به احباء عالم، در بیانیه ترویج دخول افواج مؤمنین، شماره ۳۲، ص ۳۳
- ۲۲ - توقیع حضرت ولی امرالله در پیامی به امریکا - **Citadel of Faith** - ۱۹۵۷ - ۱۹۴۷ (مطبوعات امری ویلمت، ۱۹۶۵)، صص ۲۶ - ۲۵
- ۲۳ - در کتاب نظم اداری، منتخبی از توقیع مبارکه ۱۹۳۲ - ۱۹۲۲، ص ۷۰
- ۲۴ - منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شماره ۱۹۹
- ۲۵ - منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۱۲۸
- ۲۶ - در کتاب نظم اداری، منتخبی از توقیع مبارکه ۱۹۳۲ - ۱۹۲۲، ص ۶۶
- ۲۷ - منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۱۳۱
- ۲۸ - خطابات حضرت عبدالبهاء در پاریس ۱۹۱۲ - ۱۹۱۱، صص ۷۸ - ۷۷
- ۲۹ - منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شماره ۲۱۲، ص ۲۸۰
- ۳۰ - منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شماره ۱۵۳
- ۳۱ - منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شماره ۱۵۳
- ۳۲ - منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۱۵۴
- ۳۳ - رقیمه موزخه ۴ می ۱۹۴۲ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احباء چاپ در **Teaching The Baha'i Faith**، شماره ۱۰۴، ص ۷۲
- ۳۴ - هوارد کلبی آیواز (**Portals of Freedom**)، طهران، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ص ۲۶۲
- ۳۵ - مأخذ قبل، صص ۴۹ - ۵۰
- ۳۶ - مأخذ قبل، ص ۵۹
- ۳۷ - مأخذ قبل، صص ۱۵۷ - ۱۵۶
- ۳۸ - مأخذ قبل، ص ۴۹

عمل نشر نفحات الله

هدف:

آشنایی با بعضی از نگرشها و شیوه‌های فعالیت‌های نشر
نفحات فردی و پروژه‌های نشر نفحات جمعی.

تمرین:

طراحی و اجرای نقشه نشر نفحات فردی خویش و شرکت
در حداقل یک پروژه نشر نفحاتی.

قسمت اول

پس از تحقق در طبیعت روحانی تبلیغ در بخش اول و همچنین ویژگیها و صفات مبلغ در بخش دوم، حال نظر خود را به نفس عمل تبلیغ متوجه می کنیم. باید دقت کنیم که تبلیغ را تنها اعلان امرالله تعریف نکنیم. اعلان امرالله یک فعالیت بسیار مفید و ضروری است که توسط افراد و جامعه انجام می شود. اما فتح مدائن قلوب مردم به سوی حضرت بهاءالله عموماً از طریق اعلان امرالله صورت نمی گیرد، هرچقدر هم طراحی ماهرانه و اجرای آن بر طبق اصول باشد. تبلیغ شامل اعلان امر می باشد، اما هدف اصلی تبلیغ آن است که به دیگران کمک کند تا حضرت بهاءالله را به عنوان مظهر ظهور الهی در این زمان بشناسند، در درک خود عمیق شوند و در دین جدیدشان ثابت و راسخ گردند. بیت العدل اعظم الهی این وجه تمایز بسیار مهم را در بیان ذیل توضیح می دهند:

«اعلان امرالله پس از تنظیم نقشه ها و استفاده از روشهای مختلفه وسایل ارتباط جمعی باید سریعاً پیگیری شود. باید بیاد آورد که هدف از اعلان امرالله آن است که مردم از حقیقت و مقصد عمومی ظهور جدید آگاهی یابند، در حالی که برنامه های تبلیغی می بایست به نحوی طراحی شود تا افراد از هر قشر اجتماع در امرالله ثابت و راسخ شوند.»^(۱) (ترجمه)

از پیام منیع فوق واضح است که فعالیتهای اعلان امر باید به گونه ای سازمان یابد تا مردم را با اهداف شریف و افکار عالیّه امرالله آشنا سازد و کمک کند تا در آنان یک نگرش مثبت راجع به امر ایجاد شود. البته در این مرحله ممکن است نفس مستعدی تحت تأثیر امر قرار گیرند و پس از تحقیق تصمیم بگیرند عضو جامعه شود. اما، حداقل در این مرحله از تاریخ بشری، نباید توقع داشته باشیم که اعلان امر به تنهایی باعث اقبال تعداد زیادی از مردم به امر شود. با دادن اطلاعات به مردم و رها کردن آنان به حال خود هدف تبلیغ به دست نمی آید. لازمه تبلیغ «گفتگوی دوطرفه» است، مذاکرات بین مؤمنان ثابت و نفوسی که علاقه دارند گوش دهند و حقیقت ظهور حضرت بهاءالله را تحقیق کنند. برای درک بیشتر این مطلب تمرین ذیل را انجام دهید:

۱ - یکی از بهترین روشهای تبلیغ امر تشکیل جلسات بیوت تبلیغی در منزل است. بیوت تبلیغی جلساتی گرم و صمیمی هستند که در منزل یک نفر با دعوت از دوستان علاقه مند به امرالله تشکیل می شوند. در این جلسات، فرصتهای عالی برای تبادل افکار و نظریات و مذاکرات پربار به وجود می آید که می تواند مردم را به پذیرش حضرت بهاءالله راهنمایی کند. اما اگر مواظب نباشیم بیت تبلیغی می تواند خیلی راحت به یک واقعه اعلان امر تبدیل شود.

الف - فرض کنید شما بیت تبلیغی هفتگی در منزلتان تشکیل داده اید. هر جلسه را با خوشامد به

مهمانان شروع می کنند و از یکی از اجتهاد می خواهید مناجاتی تلاوت کند. سپس ناطق جلسه نطقی به مدت ۳۰ الی ۴۵ دقیقه راجع به موضوع مشخصی مانند تعلیم و تربیت بهایی، حیات خانواده بهایی، وحدت عالم انسانی و یا وحدت ادیان بیان می کند. در خاتمه شما از حضار می پرسید اگر کسی سؤالی دارد بفرماید و معمولاً یک الی دو سؤال بازگو می شود. سپس پذیرایی صورت می گیرد و مهمانان شما می روند. آیا قبول دارید که یک جلسه به این شکل که بنفسه خیلی ارزشمند است بیشتر خصوصیات اعلان امر را دارد؟

ب - فرض کنید پس از مدتی تصمیم می گیرید روند جلسات را تغییر دهید. بنا بر این برای هر بیت تبلیغی یک یا دو نفر از دوستان هنرمند را دعوت می کنید تا بعد از نطق برنامه موسیقی اجرا کنند به این امید که اجرای موسیقی روحانیت جلسه را زیاد کند. آیا فکر می کنید با این کار «اعلان امر» را به «تبلیغ» تغییر داده اید؟

ج - بعضی از روشهایی که به وسیله آنها می توانید بیت تبلیغ را بیشتر یک فعالیت تبلیغی کنید کدامند؟

قسمت دوم

یکی از اهداف اعلان امر پیدا کردن نفوس مستعدی است که بتوان با آنان پیام حضرت بهاء الله را کاملتر و جامع تر در میان نهاد. قابلیت شناسایی افراد مستعد برای موفقیت در تبلیغ خیلی مهم است، هم در زمانی که نقشه های تبلیغی فردی خود را پیگیری می کنیم و هم هنگام شرکت در پروژه هایی که مؤسسات امری تنظیم نموده اند. البته به عنوان مبلغ امر الله لازم است مستمر ادعا کنیم تا خداوند ما را به طرف نفوسی هدایت کند که آماده شنیدن پیام خویش نموده است. اما بعد وقتی ملاقاتشان می کنیم باید بتوانیم آنها را بشناسیم. این کار همیشه آسان نیست. حتی در ارتباط با پروژه های تبلیغی که در بین نفوسی بسیار مستعد برگزار می شود، همه افراد علاقه ندارند پیام الهی را

بشنوند و حقیقت آن را قبول کنند، این بر عهده مبلّغ است تا نفوسی را پیدا کند که آماده پاسخ به ندای حضرت بهاء الله هستند.

فرد مستعد ممکن است الزاماً جستجوی خود برای امر مبارک را آشکار نکند و یا حتی به نحو خاصی علاقه نسبت به دین داشته باشد. در حقیقت درک این نکته مهم است که استعداد و روحانیت یکسان نیستند. چیزی که مهم است حالتی است که یک فرد مشتاق شنیدن تعالیم الهی و کشف حقایق آنها با وسعت نظر باشد. همینطور که در تبلیغ تجربه کسب می کنیم و قوای روحانی ما حساس تر و قوی تر می شود توانایی ما در درک این حالت افزایش می یابد.

اگرچه غیرممکن است قانون سفت و سختی قرار دهیم که چه چیز یک فرد را مستعد می نماید، می توان برخی از عوامل مؤثر را مشخص نمود. این عوامل غالباً مردم را در اوضاع مشخصی در زندگیشان و برای مدت معینی مستعدتر می سازد. این امر هم در مورد افراد و هم جوامع صدق می کند. این موضوع را در گروه خود بحث کنید و عواملی که فکر می کنید برای افزایش استعداد مردم مؤثر واقع می شود را بنویسید. مانند مثال ذیل:

۱ - آگاه شدن از شیوع بی عدالتی در دنیا.

۲ -

۳ -

۴ -

۵ -

۶ -

۷ -

۸ -

۹ -

۱۰ -

پیشنهاد می شود قبل از مطالعه قسمت بعدی، توقیع مبارک حضرت ولی امر الله را حفظ کنید. این توقیع راجع به ارتباط مشاغل امروزه دنیا و استعداد مردم برای قبول امر الله است. بعضی کلمات آن مشکل است، بنا بر این خیلی مناسب است اگر در باره معنای توقیع مبارک، در گروه خود بحث کنید. همینطور که توقیع مبارک را حفظ می کنید راجع به مطابقت آن در کوششهای تبلیغی خویش فکر کنید.

«و نیز باید فرصتهای گرانبھایی که انقلاب و التهاب عصر حاضر در دسترس یاران الهی می گذارد مع جمیع احزان و آلام و شدائد و اسقام و خوف و دهشت و

انزجار و نفرت و عصیان و طغیان و اسف و حسرت و تلاش در راه آزادی؛ خلاص مورد استفاده واقع گردد و به همان قرار در سبیل اعلام و اشاعهٔ قوهٔ ناجیه امر حضرت بهاءالله در جمیع اقطار و استظلال مقبلین جدید در ظل شریعة الله و دخولشان در صفوف دائم الاتساع امر الله به کار افتد فی الحقیقه برای ابلاغ کلمه الهی و نشر نفحات سبحانی چنین فرصت جلیل و موقع مساعد و فخیم هرگز رخ نخواهد گشود.» (۲)

قسمت سوم

وقتی که دوستان مستعد را پیدا می‌کنیم با آنان وارد مذاکره می‌شویم، گاهی نسبتاً کوتاه و گاهی ادامه‌دار، که هدف از آن کمک به ایشان برای درک مقام حضرت بهاءالله است. اما محتوای این مذاکرات چه باید باشد؟ به نفوسی که تبلیغ می‌کنیم چه باید بگوییم؟

البته شما از قبل می‌دانید که جواب این سؤال به هیچ وجه آسان نیست. فرمول خاصی نیست که یاد بگیریم و بتوانیم برای هر فردی در هر موقعیتی تکرار کنیم. افرادی که با آنان وارد این چنین مذاکراتی می‌شویم هر کدام در وضع روحانی خاصی و با احتیاجات و سؤالات مختلفی می‌باشند. به عنوان مبلغین امر باید پیوسته بیندیشیم که چطور مواضع مختلفه امری را می‌توان برای هر طالب حقیقتی توضیح داد. چه باید گفت، و افکار خود را به چه ترتیبی تنظیم نمود و اظهار داشت.

با وجودی که باید متوجه تفاوت‌های فردی باشیم، اما نباید اشتباه کنیم و تأکید زیاد بر فرقه‌های افراد بگذاریم به نحوی که دیدگاه وحدت اساسی وجود بشری را از دست بدهیم. شیوهٔ پاسخ مردم به پیام حضرت بهاءالله، از الگوهای خاصی تبعیت می‌کند و این الگوها در میان مردمی که دارای فرهنگ و پیشینه یکسانی هستند به صورت خاصی چشمگیرند. به عنوان مثال، اگر شما دانشجو هستید و به تبلیغ همسالهای خود اقدام می‌کنید، بتدریج یک توضیح مقدماتی پیدا خواهید کرد که مشخص می‌شود با بیشتر دوستان شما مؤثر خواهد بود. جزئیات این معرفی تغییر خواهد کرد، بسته به هر موقعیتی، سؤالات مختلفی که پرسیده می‌شود و علاقه‌های متفاوتی که ابراز خواهند شد. اما الگوی اصلی یکسان باقی می‌ماند.

همانطور که شروع به تفکر منظم در بارهٔ روش توضیح امر مبارک برای دیگران می‌کنید، ممکن است توجه به دو جنبه از پیام الهی را مفید بیابید. اولین جنبه اطلاعات است. طبیعتاً شنونده می‌خواهد تعدادی از حقایق امری را بداند. دیانت بهایی کی شروع شد؟ جامعه بهایی چقدر بزرگ است؟ چقدر امر بهایی انتشار پیدا کرده است؟ آیا بهائیان به حیات پس از مرگ معتقدند؟ تعالیم اصلی دیانت بهایی چیست؟ همینطور که می‌توانید تصور نمایید حقایق امری بسیار زیاد است.

اطلاعاتی که شما به فرد متحرزی حقیقت می‌دهید بستگی به ماهیت مذاکراتان دارد. اما برخی موارد وجود دارد که طالب حقیقت معمولاً لازم است در مراحل اولیه تحقیقش در باره آنها اطلاعاتی کسب نماید و اندیشیدن در مورد آنها بسیار آموزنده است. در جای خالی ذیل، برخی از اطلاعاتی که به نظر تان مفید است را بنویسید، در تهیه لیست خود خیلی موشکافی نکنید. پس از بحث راجع به دیگر نکات تبلیغی در قسمتهای بعدی، از شما خواسته خواهد شد که دوباره به لیست خود، مراجعه کنید و آن را اصلاح نمایید.

اکنون لیست خود را با لیست دوستان خود مقایسه کنید.

قسمت چهارم

در قسمت قبل یکی از جوانب پیامی که به مردم در تلاشهای تبلیغی خود راجع به امر ارائه می‌دهیم یعنی «اطلاعات» را بررسی کردیم. ولی آیا تبلیغ همان دادن اطلاعات است؟ به عنوان مثال این حقیقت را که اصلی‌ترین اعتقاد بهائیان است در نظر بگیرید که حضرت بهاءالله مظهر ظهور الهی برای امروز هستند. عبارت «حضرت بهاءالله مظهر ظهور الهی برای امروز هستند» به خودی خود یک مورد از اطلاعات است، مسلماً مهمترین مورد اطلاع در جهان امروز است. ولیکن در عین حال آیا فقط اظهار این حقیقت کافی است تا به مردم کمک کند مقام حضرت بهاءالله را بشناسند؟

حال مطلبی را در نظر بگیرید که هر چند مربوط به این حقیقت است اما فقط اطلاعات نیست یعنی این مفهوم که «حضرت بهاءالله مظهر ظهور الهی برای امروز هستند». در حالی که بخشی از اطلاعات دادنی و گرفتنی است، جذب یک مفهوم مستلزم درک آن است. منظور حضرت بهاءالله از «خداوند» و «مظهر ظهور» چیست و ماهیت ادعای آن حضرت که مظهر ظهور خداوند برای امروز هستند چیست؟

مثال دیگر عبارت «بهائیان احکامی را که حضرت بهاءالله آورده‌اند اطاعت می‌کنند» است. این عبارت واضحاً یک مورد از اطلاعات است که خیلی مهم می‌باشد. اما فقط دادن این اطلاع به مردم یک جزء خیلی کوچک از توضیح این نکته به فرد است که با قبول دیانت بهایی باید احکام معینی را اطاعت کند. برای این کار لازم است به فرد کمک کنیم تا حداقل بعضی از افکار مربوط به اطاعت احکام را درک کند، مثلاً مفهوم فوق العاده زیبایی «حکم» را آنطور که حضرت بهاءالله توصیف فرموده‌اند:

«إِنَّ أَوَامِرِي سُرُجُ عِنَايَتِي بَيْنَ عِبَادِي وَمَفَاتِيحُ رَحْمَتِي لِبَرِيَّتِي» (۲)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: بدرستی که احکام من چراغهای عنایت من بین بندگانم و کلیدهای رحمت من برای خلق من هستند.)

وقتی بین «اطلاعات» و «مفاهیم» تمایز قائل شوید، در تشخیص برخی از مفاهیم مهم، که به متحزبان کمک می‌کند حضرت بهاءالله را بشناسند و به صف پیروان آن حضرت بپیوندند مشکلی نخواهید داشت. سعی کنید چنین لیستی درست کنید. دوباره تمام مفاهیمی که به نظر تان می‌آید بنویسید بدون آنکه نگران طول فهرست و ترتیب آن باشید. دوباره برگشته و آن را مرور خواهید کرد.

حال لیست خود را با لیست دوستان خود مقایسه کنید.

قسمت پنجم

با در نظر گرفتن افکار فوق، بیایید نظر خود را به ارائه یک معرفی مقدماتی به شخصی که خیلی کم از امرالله می داند متمرکز کنیم. بیاد آورید که هدف شما کمک به متحرزی حقیقت است تا ابواب مدینه قلب خود را به روی حضرت بهاءالله باز کند. در ارائه مطالب خود برخی از اطلاعات معین را به شخص می دهید و به او کمک می کنید تا چند مفهوم از مفاهیم اساسی امرالله را درک کند. روشن است که مفهوم اصلی مورد نظر برای انتقال به دیگران این است که حضرت بهاءالله مظهر ظهور الهی برای این ایام هستند. چون بر اساس درک این مفهوم است که او تصمیم خواهد گرفت که به جامعه بهایی بپیوندد. با در نظر گرفتن این مفهوم اصلی، شما باید مطالب را به نحوی باز گو کنید که تمامی آنها به روشن شدن این مفهوم کمک کند و طالب حقیقت را به شناخت مقام حضرت بهاءالله هدایت نماید.

در انتخاب مفاهیم و اطلاعات و ترتیبی که آنها را ارائه خواهید داد، شما باید به پیام ذیل از

بیت العدل اعظم توجه دقیق نمایند تا بدانید در چه مرحله‌ای شخص متحرزی حقیقت را می‌توان بهایی دانست.

« نفوسی که خود را بهایی می‌دانند باید مجذوب زیبایی تعالیم الهی و مهتر به عشق حضرت بهاء الله شوند. لازم نیست شخص مقابل تمام ادله و براهین و تاریخ و احکام و اصول امری را بداند اما در مراحل اقبال باید اضافه بر ایمان راجع به حضرت بهاء الله و حضرت باب و حضرت عبدالبهاء، از وجود قوانین و احکامی که باید تبعیت کند و نظم اداری که باید اطاعت کند اطلاع داشته باشد.»^(۴) (ترجمه)

مفاهيم:

قسمت ششم

به منظور کمک به شما در تفکر بیشتر راجع به اطلاعات و مفاهیمی که می‌خواهید برای اولین بار به شخص طالب حقیقت ارائه دهید، یک موقعیت فرضی در نظر خواهیم گرفت و آنچه را که گفته شد تجزیه و تحلیل خواهیم کرد.

آنا دختر جوان هفده ساله‌ای است که با خانواده خود در روستای کوچکی زندگی می‌کند و در شهر مجاور به مدرسه می‌رود. آنا در خانواده کاتولیک دنیا آمده است و پنج سال پیش پس از آشنایی با امر الهی از طریق برادر خود بهایی شده است. از آن موقع به عنوان عضو فعال جامعه بهایی در پروژه‌های تبلیغی منطقه‌ای و ملی و در دوره‌های مستمر مؤسسه آموزشی شرکت می‌کند. او با کمک یکی از جوانان دیگر در روستای خودش هفته‌ای یکبار کلاس اطفال تشکیل می‌دهد.

امیلیا هم به همان مدرسه آنا می‌رود. او هم در خانواده کاتولیک دنیا آمده است. او قبلاً راجع به امر بهایی شنیده است اما اطلاعات خیلی کمی در این باره دارد. مدت مدیدی است که کنجکاو است بداند بهایی بودن برای دوستش آنا چه معنایی دارد. در ارتباط با عقیده خودش، دین برایش اهمیت چندانی ندارد اما عشق حضرت مسیح را در قلبش دارد و شخص خوبی است.

از موقعی که آنا و امیلیا دوست شدند، اغلب راجع به اوضاع و احوال دنیا و امیدهایشان به آینده صحبت می‌کنند. از مطالبی که امیلیا می‌گوید، آنا احساس می‌کند او مستعد قبول امر است.

در قسمت بعدی، صحبت‌های آنا را در معرفی امر خواهید خواند، که چطور شروع به تبلیغ دوستش می‌کند. شما باید آنها را دقیقاً مطالعه نمایید و تمرین‌های آن را با دقت جواب دهید. این تمرین‌ها طوری طراحی شده‌اند که به شما کمک می‌کنند تا به نتایجی در باره چگونگی توضیح راجع به امر مبارک به گروه‌های مختلف دست یابید. قبل از شروع این بخش بعضی از گروه‌های مردم را که بیشتر ممکن است تبلیغ کنید بنویسید.

قسمت هفتم

در این قسمت شرحی است که چطور آنا توضیحات خود را در باره امر برای امیلیا شروع می‌کند: از صحبت‌های قبل متوجه شدی که دیانت بهایی یک دیانت جهانی است و

هدفش اتحاد جمیع نژادها و ملیتها در یک آرمان بین المللی و دیانت واحد می باشد. بهائیان پیروان حضرت بهاء الله هستند، که به اعتقاد آنها ایشان موعود جمیع اعصار می باشند. همانطور که می دانی، طبق روایات تقریباً همه ملل به آینده ای وعده داده شده اند که صلح و هماهنگی در روی کره ارض تأسیس گردد و نوع بشر در رفاه زندگی نمایند. ما معتقدیم که ساعت موعود فرا رسیده و حضرت بهاء الله شخصیت عظیمی هستند که تعالیمشان بشریت را قادر بر ساختن عالمی جدید می سازد. در یکی از آثارشان می فرمایند:

«وَالَّذِي جَعَلَهُ اللَّهُ الذَّرِيَّاقَ الْأَعْظَمَ وَالسَّبَبَ الْأَتَمَّ لِصِحَّتِهِ هُوَ اتِّحَادُ مَنْ عَلَى الْأَرْضِ عَلَى أَمْرٍ وَاحِدٍ وَشَرِيعَةٍ وَاحِدَةٍ هَذَا لَا يُمَكِّنُ أَبَدًا إِلَّا بِطَبِيبٍ حَازِقٍ كَامِلٍ مُؤَيَّدٍ لَعَمْرِي هَذَا لَهُوَ الْحَقُّ وَمَا بَعْدَهُ إِلَّا الضَّلَالُ الْمُبِينُ» (۵)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: آنچه که خداوند آن را به عنوان داروی اعظم (پادزهر) و وسیله اتم برای بهبودی عالم مقرر فرموده، اتحاد اهل ارض بر امر واحد و شریعت واحد است و این امر میسر نخواهد بود جز از طریق طبیبی حاذق و کامل که به تأییدات روح القدس مؤید است. سوگند به جانم که این حق واقع است و غیر از این جز گمراهی چیز دیگری نیست.)

اگر موافق باشی، اولین تعلیم حضرت بهاء الله را برایت شرح می دهم که راجع به خداوند و رابطه ما با اوست. حضرت بهاء الله می فرمایند که ذات خداوند غیر قابل درک است. این بدان معنی است که ما نباید در ذهنمان از خداوند تصویری، مثلاً به صورت یک انسان مجسم کنیم. بطور کلی، مخلوق قادر به درک خالقش نیست. برای مثال، میز نمی تواند به وجود نجاری که او را ساخته است پی ببرد. وجود نجار برای هر چه که می سازد کاملاً غیر قابل درک است.

خداوند خالق همه چیزهاست. او آسمانها و زمین را و آنچه در او است از کوهها و دزه ها، صحراها و دریاها، رودخانه ها، سبزه زارها و درختان خلق کرده است. خداوند حیوانات را هم خلق کرده و همچنین خالق نوع بشر است. حضرت بهاء الله به ما فرموده اند، که علت و سبب خلق ما حب بوده. ایشان می فرمایند:

«يَا أَبْنَى الْإِنْسَانِ! أَحْبَبْتُ خَلْقَكَ فَخَلَقْتُكَ فَأَحْبِبْنِي كَمَا أَذْكُرُكَ وَفِي رُوحِ الْحَيَاةِ أُثَبِّتُكَ» (۶)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: ای پسر انسان، دوست داشتم تو را خلق کنم، پس تو را آفریدم. مرا دوست بدار تا یادت کنم و تو را به روح حیات پاینده سازم.)

لذا با وجود اینکه ذات خداوندی بسیار دور از ادراک ماست، ولی حبش زندگی و وجود ما را دائماً تحت تأثیر خود قرار داده. حب او از طریق عهد و میثاق ابدی در وجود ما جاری می شود. به موجب این عهد و میثاق ابدی، خداوند هیچ وقت ما را تنها و بدون هدایت رهانسی کند. هر وقت که بشر از خداوند دوری کند و تعالیش را فراموش نماید یک مظهر ظهور الهی ظاهر شده و اراده و مقصد او را به ما می شناساند. کلمه «ظهور» به معنی آشکار شدن است، یا نشان دادن چیزی که پنهان بود. مظاهر ظهور الهی همان وجودات مقدسی هستند که برای نوع بشر کلام و مشیت الهی را آشکار می نمایند. بدین ترتیب وقتی به کلام آنها گوش دهیم، ما ندای الهی را اجابت کرده ایم.

مثالی از عالم مادی وجود دارد که به ما کمک می نماید تا مفهوم «مظهر ظهور» را آن گونه که حضرت بهاء الله آموزش دادند درک کنیم. در این عالم، خورشید منبع تمام حرارت و روشنایی است، بدون آن زندگی بر روی کره ارض غیر ممکن می باشد. با این حال خورشید بنفسه هیچگاه به زمین نزول نمی کند، و اگر ما سعی کنیم به آن نزدیک شویم، بکلی از بین خواهیم رفت.

ولی فرض کن که یک آئینه پاک برداریم و آن را مقابل خورشید قرار دهیم. در آئینه تصویر خورشید را می بینیم، و هر قدر آئینه شفاف تر باشد تصویر خورشید در آن واضح تر خواهد بود. مظاهر الهیه مانند همان آئینه های شفاف هستند که انوار الهی را با تمام عظمتش برای بشر منعکس می کنند. و تمام این آئینه ها منعکس کننده یک نور هستند. در حالی که دسترسی به خداوند برای ما ممکن نیست، این وجودات مقدسه بتدریج برای ما ظاهر می شوند، بین ما زندگی می کنند، ما را هدایت می کنند، و ما را سرشار از قوای لازمه برای پیشرفت مادی و روحانی می سازند.

شما این شانس را داشته اید که طبق تعالیم حضرت مسیح پرورش یابید که حدود دو هزار سال پیش از طرف خداوند برای هدایت بشر مبعوث گردیدند و مقام ایشان ابن الله است. اکنون می توانی از طریق مظهر ظهور جدیدی به نام حضرت بهاء الله که به معنای شکوه و جلال خداوند است تعالیم الهی را به دست بیاوری. تعالیم حضرت بهاء الله هماهنگی زیادی با تعالیم حضرت مسیح دارد، لیکن منطبق با شرایط امروزه بشر است. اگر یک لحظه به وضع اسفناک بشر امروز توجه کنی، درمی یابی که زمان ظهور پیامبر جدیدی رسیده است. اجازه بده قسمتی از بیانات حضرت بهاء الله را در مورد روزی که مادر آن زندگی می کنیم برای تلاوت کنیم:

«امروز روز فضل اعظم و فیض اکبر است باید کل بکمال اتحاد و اتفاق در ظل

سدرهٔ عنایت الهی ساکن و مستریح باشند و تمسک نمایند بر آنچه الیوم سبب عزت و ارتفاع است» (۷)

قبل از ادامه مطلب، شاید بهتر باشد قدری صبر کنیم و در صورتی که سؤالاتی
باشد آنها را مورد بحث قرار دهیم. نظرت در مورد آنچه که تا کنون گفتم چیست؟

قسمت هشتم

اکنون بیایید آنچه را که آنا تا به حال گفته است بررسی کنیم. در تمرین ذیل می توان پنج جنبه
از مطالب او را تجزیه و تحلیل کرد. با هر مطلب که موافق هستید علامت بزنید. این تمرینات به مذاکره
بیشتری احتیاج ندارد. شما باید هر مطلب را بخوانید، بررسی کنید و تصمیم بگیرید که چرا موافق و یا
مخالفید. آنچه اهمیت دارد به خاطر سپردن این است که به تبلیغ باید با رفتار توأم با یادگیری برخورد
شود.

۱ - آنا حرفش را با این مطلب شروع کرد که دیانت بهایی یک دیانت جهانی و هدفش اتحاد جمیع
نژادها و ملیتها است. او فوراً حضرت بهاءالله را به عنوان موعود جمیع اعصار معرفی نمود.
_____ معرفی فوری حضرت بهاءالله به عنوان موعود، به مردم از جمیع ادیان (مسیحیان، مسلمانان،
هندوها، بوداییها و غیره) روشی بسیار عالی است، زیرا مفهوم موعود در همه ادیان به عناوین
مختلف وجود دارد.

_____ خیلی از مردم امروز نسبت به دین کششی ندارند، حتی اگر به یکی از آنها متعلق باشند، برای
همین بهتر است شخصیت حضرت بهاءالله را فوراً معرفی نکنیم. مؤثرتر است که ابتدا راجع به
اعتقادات بهایی صحبت کنیم و تعالیم گوناگون چون تساوی حقوق زن و مرد، تربیت عمومی
و صلح جهانی را به تفصیل بیان کنیم.

_____ اگر کسی را تبلیغ می کنید که در اعتقاد به خدا مشکل دارد، می توان مقام حضرت بهاءالله را
فوراً برایش معرفی کرد. در آن صورت، شما می توانید در ابتدا ایشان را به عنوان یکی از مرییان
عالم که هر از گاهی برای بشریت ظاهر می شوند معرفی نمایید و بعداً مفهوم «مظهر الهی» را
بیان نمایید.

_____ مطالب ارائه شده آنا مؤثرتر می بود اگر، مقدمتاً حضرت بهاءالله را به عنوان موعود کل اعصار
معرفی می کرد و برخی از نبوات ادیان گوناگون در اثبات این موضوع را برای امیلیا یکی پس
از دیگری مطرح می نمود.

_____ در بیشتر موارد، استفاده از نبوات برای قانع نمودن مردم به صحت مقام حضرت بهاءالله مواجه
با اشکالاتی خواهد گردید. بجای آنکه آنها را به تفکر وادارد موجب گرایش به جزو بحث

بیشتر می شود. آنا اهمیت این عقیده را که حضرت بهاء الله موعود جمیع اعصار هستند بیان داشت، و این روش در صورتی که وارد جزئیات نشود مناسب است.

۲ - بعد از مختصر شرحی از مقام حضرت بهاء الله، آنا در مورد خداوند و رابطه بشر با او صحبت کرد. بالاخص طریقه ای که این مطالب را اظهار کرد مهم است. او با جمله «بهایان اعتقاد دارند که ...» و یا «من معتقدم که ...» کلامش را شروع نکرد، بلکه تعالیم حضرت بهاء الله را توضیح داد تا مرکز توجه کلامش را به آن حضرت معطوف دارد.

___ در جهان امروز، صحبت در مورد خدا و رابطه بشر با او در مرحله اول موجب دوری مردم می شود. بیشتر مردم علاقه مند به مسائل اجتماعی هستند تا روحانیات. بهتر بود که آنا در این خصوص صحبتی نمی کرد.

___ ذکر تعالیم مبارک که در مورد خداوند که غیب منیع لایدرک است برای جویندگان حقیقت از هر پیشینه دینی و حتی برای کسانی که اعتقاد به خداوند ندارند بسیار مفید است. این گفتار بلافاصله دیانت بهایی را از همه انواع خرافات و عقاید غیر منطقی دور می سازد. در عین حال جوابگوی خواسته شخص متحزی حقیقت است که منبع وجود خود را بشناسد.

۳ - آنا هنگام صحبت هایش در استفاده از کلمه «مظهر ظهور» که به حضرت بهاء الله و حضرت عیسی نسبت می داد محتاط بود. مثال آئینه برای توضیح این مفهوم به امیلیا به او کمک کرد.

___ کلمه «مظهر ظهور» کلمه بسیار سختی است. آنا باید از کلمه «نبی» استفاده می نمود چون هم ساده تر است و هم درکش آسانتر.

___ شخصی با پیشینه کاتولیک ممکن است اطلاق کلمه «نبی» به حضرت مسیح را بی احترامی به آن حضرت تلقی کند. به همان نحو، اگر آنا کلمه «نبی» را در مورد حضرت بهاء الله به کار می برد، برای امیلیا اینطور تصور می شد که مقام حضرت بهاء الله از حضرت مسیح پایین تر است.

___ اگر مبتدی مسلمان باشد، کلمه «رسول» می تواند مؤثرتر واقع شود، زیرا مسلمانان حضرت محمّد را رسول الله خطاب می کنند.

___ اینکه آنا با صراحت حضرت بهاء الله را رجعت مسیح معرفی نکرد، عمل درستی بود. زیرا موضوع «رجعت» برای امیلیا نیز، مثل مردمی که این مفهوم در ذهنشان آشفته و درهم است، قابل درک نیست. با استفاده از تشبیه آئینه، آنا این مفهوم را بدون آشفتگی بیان کرد.

___ آنا با روشی حکیمانه از مفهوم «حضرت مسیح به عنوان پسر خدا» گذشت. او بسادگی از این مطلب گذشت و بعد متذکر شد که حضرت بهاء الله شکوه و جلال خداوندی است.

بدین ترتیب، آنا حقیقت معینی را بدون آنکه از مسیر اصلی خارج شود عنوان کرد. اگر مبتدی از پیشینه هندو باشد، شما هنوز می‌توانید از مثال آئینه برای توصیف معنی «مظهر ظهور» استفاده کنید. ولی بجای ذکر نام حضرت مسیح، بیان حضرت کریشنا را عنوان نمایید: «ای بهارات هر وقت عدالت و حق، انحطاط پیدا کرد و بی دینی شیوع یافت، آن وقت روح خود را می‌فرسم. برای برانگیختن خوبیها و از بین بردن اعمال شیطانی و به منظور تأسیس عدالت در هر عصر خود را ظاهر می‌کنم.»^(۸)

۴ - در معرفی، آنا چند مرتبه بیانات حضرت بهاء‌الله را مستقیماً ذکر نمود. کلمات بیانات حضرت بهاء‌الله بسیار مشکل است. بهتر بود آنا، مخصوصاً در اوایل صحبت‌هایش از نقل قول مستقیم آنها خودداری می‌کرد، و ایده‌ها را با کلمات خود بیان می‌نمود. علاوه بر آن احتمال اینکه مثل یک واعظ یا کشیش بنظر برسد را زیاد می‌کرد. آنا با روشی عادی بیانات مبارکه را، بر طبق توصیه‌های حضرت بهاء‌الله، با کلام خود آمیخت. هر چند دوستش امیلیا کاملاً معنی بیانات را نفهمید، لیکن کلمات در قلبش مؤثر واقع شد.

۵ - آنا از دو تشبیه استفاده کرد تا مفاهیم مشکل را توضیح دهد. همان طور که قبلاً ذکر شد تشبیه «خورشید و آئینه» کمک کرد که آنا اصطلاح «مظهر ظهور الهی» را شرح دهد. و از تشبیه «نجار و میز» برای توضیح اینکه خداوند فوق ادراک بشر است استفاده نمود. اگر شما از تشبیهات برای اینکه دیانت بهایی را به مردم توضیح دهید استفاده کنید، مخاطبین تصور می‌کنند که شما در سطح پایینی با آنها صحبت می‌کنید. مردم دوست ندارند با آنها مثل بچه‌ها رفتار شود.

استفاده از تشبیهات برای تبلیغ همه گروه‌ها اعم از - کوچک یا بزرگ، بیسواد یا تحصیل‌کرده - مؤثر است. در واقع بدون تشبیهات، فهماندن بعضی از اندیشه‌های عمیق و انتزاعی که در تعلیم امری وجود دارد مشکل می‌باشد.

قسمت نهم

در مراحل اولیه مکالمات، با آنکه آنا کمی مکث نمود تا به دوستش فرصت دهد احساس خود را بیان نماید و اگر سؤالی دارد مطرح کند، ولی امیلیا صحبت زیادی نکرد. او فقط به آنا گفت که از آنچه تاکنون شنیده‌ام راضی است، مخصوصاً از نحوه تشریح منطقی دیانت بهایی از مسائل، زیرا مثل

گروه‌هایی نیست که مطالب را به صورت گیج کننده مطرح می کنند. آنها بعد تصمیم می گیرند که به صحبت ادامه دهد:

یکی دیگر از تعالیم حضرت بهاء الله که مایلیم برایت توضیح دهم و از اهداف دیانت بهایی است، همان وحدت عالم انسانی می باشد. در تعالیم بهایی به ما گفته شده است که ما میوه های یک درختیم و برگ های یک شاخه. با اینکه ما از نظر جسمانی و احساسی متفاوتیم، و استعداد و تواناییهای مختلفی داریم، ولی از یک ریشه به وجود آمده ایم، همه متعلق به خانواده بشریم.

بشریت را می توان تشبیه به گلستان وسیعی نمود که در آن گل‌هایی با شکلهای، رنگها و عطرهاى مختلف در کنار هم روئیده اند. جذابیت و زیبایی گلستان به تنوع آن است. ما نباید اجازه دهیم که اختلافات (مانند قیافه ظاهری، خلق و خو، پیشینه، آراء و افکارمان) سبب مجادله و کشمکش گردد. باید افراد نوع بشر را گل‌های زیبای ببینیم که در گلستان بشریت روئیده اند و از تعلق به این گلستان مسرور باشیم. با اینکه وحدت نوع بشر حقیقتی غیر قابل انکار است، ولی مردم آنقدر از این حقیقت دور هستند که وحدت بخشیدنشان کار ساده ای نیست. اگر تصمیم گرفتی به جامعه بهایی بپیوندى (که باعث خوشحالی من می شود اگر چنین کاری بکنی) تو نیز با ما در تلاشها برای ایجاد وحدت و حفظ آن شرکت خواهی کرد. ما همه در این تلاشیم که افکار و اعمالمان را با اعتقادمان به وحدت عالم انسانی در یک مسیر سوق دهیم. به ما گفته شده، زمانی که فکر جنگ در ذهنمان خطور می کند، باید فوراً آن را به فکر صلح تبدیل کنیم. زمانی که احساس نفرت در قلبمان نقش می بندد، آن را به احساس عشق تبدیل نماییم. ما باید تا آنجا که می توانیم بر تعصباتمان غلبه کنیم. تعصبات نژاد، رنگ، ملیت، فرهنگ، دین و جنس همه جزء بزرگترین موانع در ساختن جهانی بهتر هستند. بسیاری از تعالیم بهایی به ما می آموزد که چگونه راه وحدت پوییم و به دیگران کمک کنیم تا در این راه گام بردارند. عبارت زیبایی از یکی از بیانات حضرت عبداله‌ء، شخصی که بعداً در مورد ایشان صحبت خواهم کرد از حفظ دارم، که می فرمایند:

« حضرت بهاء الله دایره وحدت را ترسیم فرموده اند و طرحی برای وحدت مردمان و اجتماع ایشان در ظل سر پرده وحدت ارائه نموده اند و این از عنایات الهی است. همه ما باید با جان و دل بکوشیم تا حقیقت وحدت در بین ما جلوه نماید و هر چه بکوشیم، قوت بیشتری نصیب ما خواهد شد.»^(۹)

قسمت دهم

تمرینات ذیل به شما کمک می‌کند تا صحبت‌های آنرا از دو جنبه تجزیه و تحلیل کنید:

۱ - در این مورد بخصوص، آنا تصمیم گرفت که ابتدا در باره خدا و مظاهر ظهور، سپس راجع به اصل وحدت صحبت کند. او همچنین می‌توانست درست برعکس، با وحدت شروع کرده و با بحث راجع به خدا و مظهر ظهور او ادامه دهد. احتمالاً، او ترتیب اول را انتخاب می‌کند زیرا امیلیا را می‌شناسد و می‌داند که این ترتیب مواضع برای او مناسب تر است. آیا شما هیچ برتری در یکی از این دو ترتیب می‌بینید؟ آیا روشی را که برای معزفی امر انتخاب می‌کنید بستگی به کسی که تبلیغ می‌کنید دارد؟ چگونه؟ می‌توانید چند مثال بزنید؟

۲ - یک جنبه از مذاکرات آنا نشان دهنده آرزوی او جهت بهایی شدن امیلیا بود و این عقیده را ابراز داشت که امیلیا به عنوان یک بهایی باید برای تأسیس وحدت کوشش کند. با کدام یک از عبارات زیر موافق هستید؟ علامت بزنید.

_____ کاری احمقانه است اگر کسی را که اطلاعات کمی از موازین امری دارد برای عضویت در جامعه بهایی دعوت کنیم. احتمالاً امیلیا از این حقیقت رنجید که دوستش سعی دارد عقیده او را تغییر دهد.

_____ با ابراز این آرزو که امیلیا بهایی خواهد شد، آنا از حد اعتدال تجاوز کرد که او را به دین بهایی فراخواند.

_____ با ابراز این آرزو که امیلیا بهایی خواهد شد، آنا فوراً نشان داد که از عضویت امیلیا در جامعه

بهایبی در هر زمان استقبال می گردد. اما آنا این را به طریقه‌ای بیان کرد که امیلیا احساس فشار بیش از حد نکند.

اگر ما می‌خواهیم مردم را به امر مبارک دعوت کنیم، نباید در مورد وظایفشان تا قبل از نزدیکی آنها به امر مطلبی بگوییم، بلکه بهتر آن است که صبر نماییم تا آنها تصدیق امر نمایند.

گفتن این کلام باعث تأسف است، که بیشتر مردم فقط به مطالبی علاقه‌مندند که به نفع آنها می‌باشد. آنها توجهی ندارند که برای کمک به دنیای پیرامون خود چه کاری می‌توانند انجام دهند. بهتر بود به جای صحبت با امیلیا در باره اینکه اگر بهایی شود برای تأسیس وحدت چگونه تلاش خواهد کرد، در مورد جالب بودن عضویت در جامعه بهایی و اینکه یک بهایی تا چه اندازه احساس محبت و صمیمیت می‌کند، صحبت می‌کرد.

آنا خوب توانست این احساس را در دوستش به وجود بیاورد که بهایی بودن در عمل به چه معناست. او چالشی منطقی ایجاد کرد و نه یک سردرگمی. نصوصی که آنا انتخاب نمود برای امیلیا خیلی مؤثر بود تا بداند برای کوشش در راه تحقق بخشیدن به وحدت یاری خواهد شد. وقتی امیلیا به عضویت جامعه بهایی در آید، به هر حال تماشاگر منفعلی نخواهد بود، بلکه برای امر مبارک فردی فعال خواهد بود.

قسمت یازدهم

مانند بسیاری از مردم امروز، امیلیا تا حدی جذب تعالیم بهایی در مورد وحدت شده است. او با شنیدن این عقاید به شوق آمده و با آنا وارد گفتگویی مختصر ولی سازنده در مورد اینکه تعصبات گوناگون چه زیانهایی به نوع بشر می‌رسانند شدند. بعد آنا به صحبت‌هایش ادامه داد:

حضرت بهاءالله در سال ۱۸۱۷ در طهران پایتخت ایران متولد شدند. از اوان طفولیت آثار عظمت در آن حضرت ظاهر بود. ایشان در منزل آموزش مختصری دیدند، اما احتیاج نداشتند که در مدرسه‌ای وارد شوند زیرا از طرف خداوند دارای علم لدنی بودند. حضرت بهاءالله از خانواده‌ای اصیل و شریف بودند و در جوانی مشاغل عالی‌ای در دربار شاه به حضرتشان پیشنهاد شد، لیکن نپذیرفتند. ایشان مایل بودند که بیشتر اوقاتشان را صرف کمک به ستم‌دیدگان، بیماران و مستمندان نمایند، و از حق و عدالت دفاع کنند.

دو جنبه از زندگی حضرت بهاءالله هست که من دوست دارم هر یک را جداگانه ذکر نمایم. یکی مشقاتی که تحمل کردند و دیگری تأثیر فوق‌العاده‌ای که بر قلوب و افکار مردم داشتند. این دو جنبه در واقع ویژگی زندگی تمام انبیای الهی

است.

مشقات حضرت بهاء الله از لحظه‌ای شروع شد که برای اعلان امر الهی قیام فرمودند. زندگی ایشان شامل تبعید، حبس و شکنجه بود. حضرتشان در زیر سلاسل در سیاهچال تنگ و تاریک در طهران مسجون شدند. چهار مرتبه از محلی به محلی دیگر تبعید شدند، و بالاخره به زندان عکا در امپراطوری عثمانی منتقل گردیدند. در آنجا آنقدر مصائب ایشان شدید بود که به عکا لقب «سجن اعظم» را دادند. در یکی از الواح مبارکه ایشان می‌خوانیم:

«ذَكَرَ أَيَّامِي فِي أَيَّامِكَ ثُمَّ كُرْبَتِي وَغُرْبَتِي فِي هَذَا السِّجْنِ الْبَعِيدِ وَكُنْ مُسْتَقِيمًا فِي حُبِّي بِحَيْثُ لَنْ يُحَوَّلَ قَلْبُكَ وَلَوْ تَضْرَبُ بِسُيُوفِ الْأَعْدَاءِ وَيَمْنَعُكَ كُلُّ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ» (۱۰)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: روزهای زندگی مرا در روزگارانت بیاد آر و مشقاتی که بر من وارد گشته و غربتم را در این زندان دور به خاطر آور و در محبت من مستقیم و ثابت باش، تا جایی که قلبت ادنی تحولی نپذیرد، اگرچه با شمشیرهای اعداء مضروب گردی و تمام اهل عالم بر منعت قیام کنند.)

من همیشه در کیفم دفتر یادداشت کوچکی دارم که در آن مطالب مورد علاقه‌ام را از آثار بهایی می‌نویسم. بگذار برای از بیانات حضرت بهاء الله در باره بلایای وارده به ایشان به‌خوانم:

«قَدْ قِيدَ جَمَالُ الْقَدَمِ لِإِطْلَاقِ الْعَالِمِ وَحُبْسِ فِي الْحِصْنِ الْأَعْظَمِ لِعِتْقِ الْعَالَمِينَ وَاخْتَارَ لِنَفْسِهِ الْإِخْرَانَ لِسُرُورٍ مَنْ فِي الْأَكْوَانِ. هَذَا مِنْ رَحْمَةِ رَبِّكَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. قَدْ قَبِلْنَا الدَّلِيلَ لِعِزِّكُمْ وَالشَّدَائِدَ لِرِخَائِكُمْ يَا مَلَأَ الْمُؤَحِّدِينَ. إِنَّ الَّذِي جَاءَ لِتَغْمِيرِ الْعَالَمِ قَدْ أَسْكَنَهُ الْمُشْرِكَونَ فِي أَخْرَابِ الْبِلَادِ» (۱۱)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: جمال قدم در بند گرفتار گشت تا جهان را آزاد سازد، در سجن اعظم مسجون گردید تا عالمیان را از قید بندگی رهایی دهد، حزن و اندوه برای خود اختیار نمود تا مردمان را شادی و سرور بخشد، این از رحمت پروردگار رحمن و رحیم بود که ما ذلت را قبول نمودیم تا شما عزیز گردید، ما سختی را پذیرفتیم برای راحتی و آسودگی شما، ای گروه خداپرستان. کسی که برای آبادانی عالم آمده، مشرکان او را در ویرانه‌ترین بلاد منزل دادند.)

دو دربار نیرومند (سلطان ایران و امپراطور عثمانی) تمام کوشش خویش را برای مخالفت با حضرت بهاء الله و تعالیم ایشان به کار بردند. ولی نور حقیقت به آسانی خاموش شدنی نیست. آب فراوانی که بر این آتش ریخته می‌شد تا شعله آن را

خاموش نماید تبدیل به روغن شده آتش را با شدت بیشتری شعله‌ور می‌ساخت. هیچ چیز نمی‌توانست تأثیر روزافزون حضرت بهاء‌الله را متوقف کند. هر قدر مقامات حکومتی ایشان را تبعید می‌کردند، تعداد نفوسی که به تعالیم مبارک جذب می‌شدند و به عظمت و اقتدارشان پی می‌بردند بیشتر می‌شد. علی‌رغم اذیت و آزار مداوم حضرت بهاء‌الله بیش از چهل سال به نزول آیات الهی ادامه دادند و آنقدر عشق و نیروی روحانی برای این عالم به ارمغان آوردند که پیروزی نهانی امرشان حتمی گردید.

حضرت بهاء‌الله در سال ۱۸۹۲ صعود فرمودند. مرقد مطهرشان، که برای ما مقدس‌ترین نقطه روی زمین است، در نزدیکی شهر عکاست. این کارت پستالها که من دارم از درب ورودی مرقد مقدس و باغهای اطراف آن است. نمی‌دانی که چقدر دوست دارم برای زیارت به ارض اقدس بروم. آرزو می‌کنم که یک روز تو هم موفق به زیارت شوی.

قسمت دوازدهم

تمرینهای زیر، توضیحات آنها در مورد حیات حضرت بهاء‌الله را از جنبه‌های مختلف بررسی می‌کند:

۱ - در بیان داستان حیات حضرت بهاء‌الله، آنها دو مفهوم اصلی را که می‌خواست منتقل نماید انتخاب کرد. در این جریان چند واقعیت را در مورد حیات حضرت بهاء‌الله بیان نمود، ولی واضح بود که قصدش دادن مقدار زیادی اطلاعات نبود. آنها می‌دانست که اگر طبق آرزوی او امیلیا بهایی شود، شرح حیات حضرت بهاء‌الله را با جزئیات بیشتری خواهد خواند. آن دو مفهوم که آنها می‌کوشید منتقل نماید کدامند؟

(الف)

(ب)

۲ - به نظر شما چرا او این دو مفهوم را انتخاب کرد؟

۳ - آیا شما با او موافق هستید که این مفاهیم ضروری‌ترین مفاهیمی است که امیلیا در این مرحله باید

بداند؟ اگر نه، آیا نظر دیگری دارید؟

۴ - فهرستی از عناوین اطلاعاتی که آنها را جمع به حیات حضرت بهاء‌الله ارائه نمود را تهیه کنید.

۵ - آیا به نظر شما حقایق دیگری وجود دارد که در این مرحله ارائه آنها ضروری باشد؟

۶- علاوه بر سعی در رساندن دو مفهوم اصلی و برخی اطلاعات ضروری، آنا واضحاً امیدوار بود احساسات بخصوصی را به امیلیا منتقل نماید. آن احساسات چه بود؟ آیا او موفق شد؟

۷- اکنون که مطالب آنا را در مورد حیات حضرت بهاء‌الله بررسی کردید، آیا به نظر شما اگر با شخص دیگری با پیشینه مذهبی متفاوتی صحبت نمایید در این متن تغییری خواهید داد؟ اگر چنین است، آیا می‌توانید چند مثال از تغییرات مورد نظرتان بیان کنید؟

قسمت سیزدهم

خواندن بیانات حضرت بهاء‌الله در مورد مشقات وارده بر حضرتشان آشکارا در امیلیا اثر گذاشت. او حتماً به یاد حضرت مسیح افتاد که تمام زندگیشان را در راه رستگاری بشریت نهادند.

سپس آنا و دوستش مقداری در مورد اهمیت بلایای وارده به مظاهر مقدسه الهیه، کسانی که دارای قدرتی فوق العاده هستند، و طبق اراده خودشان این بلایا را برای آزادی ما تحقل می کنند، صحبت کردند. آنا پرسید اگر ادامه بحث امکان داشته باشد، او مایل است در باره شخصیت دیگری در امر به نام حضرت باب صحبت کند. او سپس به این ترتیب ادامه داد:

چند سال قبل از اظهار امر حضرت بهاء الله، خداوند پیامبری برای بشارت به ظهور ایشان فرستاد. این پیامبر عظیم ملقب به «حضرت باب» بود که به معنای «دروازه» است. آن حضرت در حقیقت دروازه‌ای بودند برای معرفت خداوند و عصر جدیدی بودند در عالم وجود. ایشان شش سال بدون وقفه به مردم آموختند که ظهور مظهر الهی نزدیک است و راه را برای آمدن او آماده کردند. به مردم گفتند که آنها شاهد عصر جدید خواهند بود و ظهور موعود جمیع اعصار را خواهند دید. از آنان خواستند که قلوب خود را از تعلقات دنیوی طاهر کنند تا بتوانند مظهر ظهور الهی را که ظاهر خواهد شد بشناسند.

هزاران هزار مردم پیام حضرت باب را پذیرفتند و از تعالیم آن حضرت پیروی کردند. لیکن حکومت ایران و علما که بر توده مردم سلطه داشتند بر ضد آن حضرت قیام نمودند. پیروان آن حضرت تحت شکنجه و صدمات واقع شدند و تعداد کثیری از آنها شهید شدند. حضرت باب را در سن ۳۱ سالگی به دستور دولت به وسیله فوجی از سربازان در میدان عمومی شهر آویخته و رگبار آتش بر ایشان گشودند و شهیدشان نمودند.

به خاطر اینکه بدانی بیانات حضرت باب چقدر مؤثر است، دو تا از بیانات آن حضرت را برایت تلاوت می کنم:

«هَلْ مِنْ مُفْرِجٍ غَيْرُ اللَّهِ قُلْ سُبْحَانَ اللَّهِ هُوَ اللَّهُ كُلُّ عِبَادٍ لَهُ وَكُلٌّ بِأَمْرِهِ قَائِمُونَ»
(۱۲)

«قُلِ اللَّهُ يَكْفِي عَنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِي عَنِ اللَّهِ رَبِّكَ مِنْ شَيْءٍ لَا فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا مَا بَيْنَهُمَا إِنَّهُ كَانَ عَلَماً كَافِياً قَدِيراً»^(۱۳)

بیشتر بهائیان مخصوصاً بیان اول را حفظند و گاهی با صدای بلند و گاهی در قلب خود در هنگام سختی ها بارها تلاوت می کنند. اگر بخواهی می توانیم کمی مکث کنیم و تو این بیان را حفظ کنی. واقعاً کار آسانی است.

پس از حفظ کردن بیان فوق، آنا ادامه می دهد:

پس از شهادت حضرت باب، جسد مطهرشان به وسیله پیروانشان از جایی به

قسمت چہار دہم

اطلاعات :

۲ - چرا مهم است که در مراحل اولیه تبلیغ، شخصیت حضرت اعلی در امر الهی را شبیه به آنچه آنها انجام داد معرفی نماییم.

قسمت پانزدهم

بعد از اكمال صحبت در باره آن دو مظهر ظهور، آنا سخنش را در باره حضرت عبدالبهاء و عهد و میثاق حضرت بهاء الله ادامه می دهد:

محور اصلی زندگی ما بهائیان این است که ما عهدهی با حضرت بهاء الله بسته ایم. همانطور که می دانی، در همه ادیان دیگر، بعد از صعود مظهر امر، پیروانشان هزاران اختلاف نظر با همدیگر پیدا کرده، باعث تقسیم دیانت به شعب و مذاهب مختلفه می گردیدند. بعضی اوقات علت عدم اتحاد به خاطر میل به رهبری بعضی افراد جاه طلب بود. اما وقتی که بین مؤمنین مخلص در باره معنی کلمات مظهر ظهور اختلاف عقیده به وجود می آمد، چون به هیچ کس از طرف مظهر ظهور اختیاری برای حل و فصل اختلاف نظرها داده نشده بود، همین در بروز اختلاف و تفرقه مؤثر

است. هر قسم تفسیر و توضیح موجب به وجود آمدن فرقه‌های مختلف می‌شود. حضرت بهاء‌الله برای حفظ امر خود از تفرقه، آن را از قوایی بی نظیر بهره‌مند کردند، که آن قوه عهد و میثاق است. قبل از صعود مبارک، ایشان به صراحت مرقوم فرمودند که پس از ایشان، همه بهائیان توجه به حضرت عبدالبهاء نمایند. حضرت عبدالبهاء فرزندان ارشدشان بودند و به عنوان تنها مبتین آیات و مرکز عهد و میثاق الهی منصوب شدند. حضرت عبدالبهاء که توسط خود حضرت بهاء‌الله تربیت شدند، حتی از کودکی به مقام پدر بزرگوارشان پی بردند، و شریک رنجهای آب بزرگوار بودند. حضرت عبدالبهاء گرانبهاترین هدیه به عالم بشری و مثل اعلای تعالیم مبارک‌ه‌اند.

حضرت عبدالبهاء به مدت ۷۷ سال در این عالم زندگی نمودند. ایشان در سال ۱۸۴۴ همان شبی که حضرت باب اظهار امر فرمودند تولد یافتند و در نوامبر ۱۹۲۱ به ملکوت ابهی صعود فرمودند. حیات آن حضرت مملو از مصائب و محن بود اما به همه نفوسی که به حضورشان مشرف می‌شدند، بالاترین شادی و سعادت را عنایت می‌فرمودند. بعد از صعود پدر بزرگوارشان، مسئولیت جامعه بهایی بر روی دوش ایشان قرار گرفت، و ایشان شبانه‌روز برای انتشار امر اعظم در شرق و غرب عالم تلاش می‌نمودند. هزاران لوح به افراد و گروه‌ها در نقاط مختلفه عالم نازل فرمودند و تعالیم مبارک پدر بزرگوارشان را روشن و واضح نمودند. تبیینات مبارک ایشان هم اکنون از اساسی‌ترین آثار امر بهایی است.

با تمرکز در مقام حضرت عبدالبهاء به عنوان مرکز عهد و میثاق حضرت بهاء‌الله، اهل بهاء در کوششهای خویش برای دارا شدن حیات بهایی و ایجاد تمدنی بدیع در عالم متحد مانند ما به یاد می‌آوریم که به عنوان بخشی از عهد ما با حضرت بهاء‌الله باید یکدیگر را دوست بداریم و در وجود حضرت عبدالبهاء نمونه کامل کسی را می‌یابیم که عشق می‌ورزد. به یاد می‌آوریم که باید عادل باشیم، کریم باشیم، اشتباهات دیگران را چشم پوشیم، و ما از حضرت عبدالبهاء می‌توانیم عدالت، کرم و بخشش را بیاموزیم. بیش از هر چیز دیگر با تمرکز بر حضرت عبدالبهاء، ما همیشه متوجه عهدمان با حضرت بهاء‌الله هستیم و آن این است که اجازه نخواهیم داد وحدت پیروان او گسسته گردد، و اینکه به عنوان یک جامعه جهانی متحد شویم و به جان بکوشیم تا وحدت عالم انسانی در کره ارض استقرار یابد.

در الواح وصایا حضرت عبدالبهاء نوه ارشدشان را به عنوان ولی امرالله منصوب

فرمودند و پس از صعودشان حضرت شوقی افندی مبتین منصوص تعالیم الهی شدند. به مدت ۳۶ سال وظایف پدر بزرگشان را ادامه دادند، آیات مظهر ظهور را تبیین نمودند و امرالله را در اکناف عالم مستقر ساختند. پنج سال و نیم پس از صعود مبارک، بهائیان عالم بیت العدل اعظم الهی را به همان صورتی که حضرت بهاءالله وعده فرموده بودند و حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله شرح داده بودند، انتخاب کردند. بیت العدل اعظم عالی ترین مؤسسه امر بهایی است که مرکز توجه همه بهائیان عالم است.

قسمت شانزدهم

شاید شما توجه کرده‌اید که توضیح آنها در این قسمت قدری سنگین بود، چون در جملاتی کوتاه سعی می‌کرد مفاهیم مهم و عمیقی را توضیح دهد. تمرین ذیل به شما کمک می‌کند مطالب آنها را مفصل تر مورد بررسی قرار دهید.

۱ - تا اینجا، آنها بر طبق پیام بیت العدل اعظم راجع به مقام مبشر دیانت بهایی، حضرت اعلی و شارع آن، حضرت بهاءالله با امیلیا صحبت کرده است. اکنون او می‌خواهد به امیلیا کمک کند تا مقام حضرت عبدالبهاء را بشناسد. به منظور انجام این کار آنها مفهوم عهد و میثاق حضرت بهاءالله را توضیح می‌دهد. آنها تعدادی از حقایق امری را برای کمک به امیلیا توضیح می‌دهد که او تا حدی این دو مفهوم مربوط به هم را بفهمد.

در قسمت ذیل لیستی از این حقایق است. هر یک از این جملات به منظور کمک به درک امیلیا از یکی یا هر دو با هم است. آن جملاتی که عمدتاً مفهوم مقام حضرت عبدالبهاء را نشان می‌دهد با شماره ۱ و آن جملاتی که مستقیم تر مفهوم عهد و میثاق حضرت بهاءالله را نشان می‌دهد با شماره ۲ علامت گذارید و اگر شما احساس می‌کنید که جمله بطور مساوی به فهم هر دو مفهوم کمک می‌کند، با شماره ۱ و ۲ نشان دهید.

___ همه ادیان دیگر به مذاهب گوناگون تقسیم شدند بخاطر فقدان مبتین منصوص.

___ حضرت عبدالبهاء مرکز میثاق حضرت بهاءالله می‌باشند.

___ حضرت عبدالبهاء مبتین آیات حضرت بهاءالله می‌باشند.

___ تأسیس بیت العدل اعظم الهی را حضرت بهاءالله بشارت داده بودند.

___ حضرت عبدالبهاء نوه ارشدشان را در کتاب الواح وصایا، ولی امرالله تعیین فرمودند.

___ حضرت عبدالبهاء هزاران لوح در توضیح تعالیم امر الهی نوشتند.

___ حضرت بهاءالله به وسیله قوت عهد و میثاق، امر خود را از انشقاق حفظ فرمودند.

- _____ حضرت عبدالبهاء مثل اعلاى تعالیم حضرت بهاء الله می باشند.
- _____ حضرت عبدالبهاء به هر کس که به حضورشان مشرف می شد شادی و سعادت عنایت می فرمودند.
- _____ حضرت بهاء الله به صریح بیان در آثار خویش فرمودند که پس از صعود، همه احتیاء به حضرت عبدالبهاء توجه کنند.
- _____ میل به رهبری می تواند علت عدم اتحاد در دین شود.
- _____ حضرت عبدالبهاء روز و شب سعی نمودند تا دیانت بهایی در شرق و غرب عالم منتشر شود.
- _____ بهائیان عالم بیت العدل اعظم الهی را پس از مدتی کوتاه از صعود حضرت ولی امر الله انتخاب نمودند.
- _____ فقدان مبتین منصوص در یک دین باب اختلاف و تفرقه را باز می کند.

قسمت هفدهم

در ضمن توضیح عهد و میثاق حضرت بهاء الله و مقام حضرت عبدالبهاء، آنا احساس کرد که امیلیا تا اندازه ای گیج شده است. به سرعت در فکر خود دو انتخابی را که پیش رو داشت سنجید: آیا وقت بیشتری صرف این موضوع کند و عمیق تر وارد بحث شود یا اینکه صحبت های خود را به همان منوال ادامه داده، اطمینان دهد بعداً بطور مفصل راجع به عهد و میثاق صحبت خواهد کرد؟ آنا قرار دوم را انتخاب کرد و صحبت های خود را ادامه داد:

بسیاری از ایده هایی که در آخرین مطلب توضیح دادم، احتیاج به تفکر بسیار زیادی دارد. اگر موافق باشی بحث عمیق تر راجع به این مطلب را به وقت دیگر موکول می کنیم. به منظور بحث در این مطلب قسمتهایی از لوح کتاب عهدی حضرت بهاء الله و الواح و صایای حضرت عبدالبهاء را خواهم آورد تا با هم مطالعه کنیم. اما اجازه بده ادامه بدهیم و به برخی دیگر از ایده های دیانت بهایی که تو به دانستن آنها از ابتدای کار علاقه مند بودی بپردازیم.

امیلیا موافقت می کند و با مهربانی می گوید که در واقع از این توضیحات استفاده نموده و تصویری از اهمیت عهد و میثاق حضرت بهاء الله پیدا کرده است و بی صبرانه منتظر است تا بزودی این مطالب را مطالعه کنند. آنا خوشحال و با آرامش به صحبت های خود ادامه می دهد:

مهمترین قسمت هر دیانت احکام و قوانینی است که مظاهر ظهور برای هدایت بشر به راه راست با خود می آورند. بعضی از احکام و قوانین ابدی است و برخی دیگر با پیشرفت و تکامل بشریت تغییر می کنند. در امر بهایی به ما یاد داده اند که نباید

احکام بهایی را به عنوان مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها در نظر گیریم. حضرت بهاء الله می‌فرماید که احکام ایشان: «إِنَّ أَوَامِرِي سُرُجُ عِنَايَتِي بَيْنَ عِبَادِي وَمَفَاتِيحُ رَحْمَتِي لِبَرِيَّتِي» (بدرستی که احکام من چراغهای عنایت من بین بندگانم و کلیدهای رحمت من برای خلق من هستند.) و نباید اطاعت این احکام بخاطر ترس از مجازات باشد. در کتاب مستطاب اقدس به وضوح می‌فرماید: «أَنْ أَعْمَلُوا حُدُودِي حُبًّا لِّجَمَالِي»^(۱۴) (احکام مرا بخاطر محبت به جمالم عامل گردید.)

این ایده‌ها واضح تر خواهد شد اگر چند نمونه از احکام بهایی را برایت ذکر کنم. در عالم جسمانی، بشر محتاج به خوراک روزانه است. این یکی از احتیاجات جسم انسان است. اگر آن را انجام ندهیم مریض شده و بزودی خواهیم مرد، پس می‌توانیم بگوییم، که خوردن روزانه، یک قانون زندگی جسمانی است که باید اطاعت شود. به همین ترتیب یکی از احکام حضرت بهاء الله است که باید هر روز دعا و مناجات بخوانیم. مانند جسم ما روحمان نیز احتیاج به تغذیه مستمر دارد و دعا غذای لازم برای پیشرفت روحانی ما را تأمین می‌کند. مناجاتهای زیبایی توسط حضرت باب، حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء نازل شده که می‌توانیم در تنهایی و یا در جلسات بخوانیم. بعضی از دعاها مخصوص و برخی هم واجب هستند. یک دعای واجب که بهائیان هر روز بین ظهر تا غروب آفتاب تلاوت می‌کنند چنین است:

«أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِأَنَّكَ خَلَقْتَنِي لِعِرْفَانِكَ وَعِبَادَتِكَ أَشْهَدُ فِي هَذَا الْحَيِّ بِعَجْزِي وَقُوَّتِكَ وَضَعْفِي وَاقْتِدَارِكَ وَفَقْرِي وَغَنَائِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمُهِمِّنُ الْقَيُّومُ»^(۱۵)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: ای خدای من، گواهی می‌دهم که تو مرا برای شناسایی و بندگیت خلق فرمودی، در این هنگام من به عجز خود و قوت تو و ضعف خود و اقتدار تو و فقر خود و بی‌نیازی تو گواهی می‌دهم. هیچ خدایی جز تو مهیمن قیوم نیست.)

این دعای کوتاه و زیبایی است و به نظر می‌رسد که حفظ کردن آن برای شما آسان است، مطمئنم بعد از چند بار تکرار از حفظ خواهی شد.

در حکم دیگری حضرت بهاء الله غیبت و افترا را منع می‌فرمایند. این خیلی مهم است چون اگر به آن فکر کنی می‌بینی یکی از بزرگترین دشمنان وحدت غیبت است. و متأسفانه این یک عادتی شده است در بین مردم که راجع به عیوب دیگران در غیابشان صحبت کنند. به نظر می‌رسد همه مردم نگران عیوب دیگران هستند و چون مرتباً راجع به این عیوب صحبت می‌شود بزرگتر و بزرگتر می‌شوند. حضرت عبدالبهاء از ما می‌خواهند که درست برعکس این رفتار کنیم. اگر ده صفت خوب

در شخصی دیدیم و یک عیب، می‌بایست روی ده صفت خوب او تمرکز کنیم. و اگر ده صفت بد و فقط یک صفت خوب داشت ما باید روی یک صفت خوب او تمرکز کنیم.

امیلیا که با علاقه خاصی به جملات اخیر آنا گوش می‌داد، به یادش آمد که اتفاقاتی اخیراً در مدرسه پیش آمده که غیبت باعث آزردن عده زیادی شد. امیلیا و آنا مدتی راجع به اینکه چگونه غیبت علت از بین رفتن یک دوستی می‌شود صحبت کردند، و سپس آنا در کتابچه‌اش جستجو کرد و این بیان مبارک را خواند:

«ای رفیق عرشی! بد مشنو و بد مبین و خود را ذلیل مکن و عویل بر میار، یعنی بد مگو تا نشنوی، و عیب مردم را بزرگ مدان تا عیب تو بزرگ ننماید، و ذلت نفسی مپسند تا ذلت تو چهره نگشاید. پس با دل پاک و قلب طاهر و صدر مقدس و خاطر منزّه در ایام عمر خود که اقل از آنی محسوبست فارغ باش تا به فراغت از این جسد فانی به فردوس معانی راجع شوی و در ملکوت باقی مقرّیابی»
(۱۶)

سپس آنا ادامه می‌دهد:

با اینکه این مطلب خیلی به سن و سال ما ارتباطی ندارد، خوب است بدانی که حضرت بهاءالله نوشیدن نوشابه‌های الکلی و البته استعمال مواد مخدر را منع فرموده‌اند. نوشیدن نوشابه‌های الکلی واقعاً یکی از بزرگترین بیماریهای اجتماعی است که امروز در عالم وجود دارد. این یکی از رایج‌ترین دلایل خشونت و تخریب سلامت حیات خانواده است. در حقیقت من هیچ وقت نفهمیدم چرا مردم باید چیزی را استفاده کنند که ذهنشان را مختل می‌کند و توانایی تفکر صحیح را از آنها می‌گیرد. نوشیدن نوشابه‌های الکلی مردم را به انجام اعمال شرم‌آور می‌سازد در حالی که در اصل عزیز و شریف آفریده شده‌ایم. من یک بیان زیبایی از حضرت بهاءالله راجع به عزّت و شرافت انسان می‌دانم که برایت می‌خوانم:

«يَا ابْنَ الرُّوحِ خَلَقْتُكَ غَنِيًّا كَيْفَ تَفْتَقِرُ، وَصَنَعْتُكَ عَزِيزًا بِمِ تَسْتَذِلُّ وَمِنْ جَوْهَرِ الْعِلْمِ أَظْهَرْتُكَ لِمَ تَسْتَغْلِمُ عَنْ دُونِي وَمِنْ طِبْنِ الْحُبِّ عَجَنْتُكَ كَيْفَ تَشْتَغِلُ بِغَيْرِي فَأَرْجِعِ الْبَصَرَ إِلَيْكَ لِتَجِدَنِي فِيكَ قَائِمًا قَادِرًا مُقْتَدِرًا قَيُّومًا»
(۱۷)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: ای پسر روح تو را بی نیاز آفریدم، چگونه است که خود را محتاج می‌نمایی. تو را عزیز آفریدم، به چه سبب طلب ذلت می‌کنی. تو را از جوهر علم ظاهر ساختم، چرا از غیر من طلب علم می‌نمایی. تو را از خاک محبت سرشتم، چگونه خود را به غیر من مشغول می‌سازی. پس چشمانت را

بگشایی و خود را بنگر تا مرا در وجود خویش قائم، قادر، مقتدر و قیوم یابی.)
یکی دیگر از احکام حضرت بهاء الله، که مورد علاقه من است، راجع به وظیفه والدین/جامعه در تربیت اطفال است. اینجا، در دفتر یادداشت‌هایم قسمت کوتاهی از بیانات حضرت عبدالبهاء است که این مطلب را خوب شرح می‌دهد:

«بنا بر این یاران الهی و اماء رحمانی باید اطفال خود را با جان و دل تربیت کنند و در مدرسه کمالات تعلیم دهند. نباید در این کار اهمال کنند. با مهارت این کار باید انجام شود. در حقیقت اگر طفل اصلاً زنده نباشد بهتر از آن است که جاهل پرورشابد چون آن طفل بیگناه در ایام آتیه دچار نقایص بیشمار می‌شود، مسؤول و مورد سؤال پروردگار قرار خواهد گرفت، با مردم مواجه می‌شود و از او کناره‌گیری خواهند نمود. چه گناه بزرگی است و چه اهمالی.

اول تکلیف ارباب الهی و اماء رحمانی آن است که بآی وجه کان در تربیت و تعلیم اطفال از ذؤر و اناث کوشند و دختران مانند پسرانند ابداً فرقی نیست. جهل هر دو منموم و نادانی هر دو مبعوض و هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ»^(۱۸) (ترجمه)

(مضمون عبارت آخر به فارسی چنین است: آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند برابرند؟)

پس از تأمل در این بیان مبارک تصمیم گرفتم کاری در این خصوص انجام دهم. بنا بر این من همراه با یکی از دوستانم هر هفته یک کلاس اطفال را اداره می‌کنیم. ماه‌ها شاگرد داریم. دوست دارم تو را دعوت کنم تا به ما در کلاس‌مان کمک کنی. آیا این جمعه بعد از ظهر فرصت داری؟

قسمت هجدهم

برای درک مطالبی که آثرا نه داد، تمرین ذیل را تکمیل کنید.

۱ - آنها در این قسمت از بخانش سعی می‌کند در مورد مطلع ساختن طالب حقیقت از وجود احکامی که در دیانت بهایی باید اطاعت شود از هدایت بیت العدل اعظم پیروی کنند. با کدام یک از جملات ذیل موافق هستید؟

___ در این مرحله، بنابر آنکه ذکر راجع به احکام نکنند. در اجتماع امروز، مردم برای آزادی شخصی خیلی ارزش قائلند و موضوع «احکام دینی» آنها را از دین دور می‌کند.
___ آنها اگر نه همه، بی‌بیشتر احکام بهایی را باید برای امیلیا بیان کند مثل: احکام ارث، ازدواج،

کفن و دفن و حقوق الله والا امیلیا کاملاً مطلع نخواهد شد بهایی بودن یعنی چه.

مهمترین موضوع برای امیلیا فهم این حقیقت است که احکامی در امر بهایی وجود دارد، ایده‌ای راجع به ماهیت این احکام داشته باشد، و بداند اگر بهایی شد باید آنها را اطاعت کند. در این مرحله لازم نیست همه احکام را بداند.

برای هدفی که آنها دارد ارائه یک حکم، مثل حکم نماز کافی است. با بیان چهار حکم، آنها زیاده‌روی می‌کند.

شرحی که آنها در مورد حکم نماز دارد خیلی مؤثر بود. در مقدمه با بیان یکی از احکامی که بر عالم جسمانی حکم می‌کند، آنها توانست معنی «احکام» را شرح دهد و به او کمک کرد که از مسأله «باید» و «نباید» دور شود.

صحبت با طالب حقیقت در باره نهی حضرت بهاء الله از مصرف مشروبات الکلی فکر خوبی نیست، مخصوصاً با شخص جوانی که سعی می‌کند هویت فردی خود را داشته باشد و نشان دهد که بزرگ شده است. طبیعی است که مایل به امتحان مشروبات الکلی است و هر حکمی بر خلاف آن او را از امر دور خواهد نمود.

طریقی که آنها نهی حضرت بهاء الله از نوشیدن مشروبات الکلی را مطرح می‌کند مناسب است. با صحبت در باره تأثیرات الککل در روشنی ذهن انسان، او حکمت این حکم را نشان می‌دهد. و با صحبت از شرافت و عزت انسان این حکم را در موقعیت روحانی بالاتری قرار می‌دهد.

آنها اشتباه می‌کند که محکمتر راجع به اطاعت از احکام حضرت بهاء الله صحبت نمی‌کند. در حقیقت او باید مجازات اداری را مطرح کند، تا امیلیا بداند که نتایج عدم اطاعت چیست.

در حالی که آنها خیلی محکم راجع به اطاعت او امر حضرت بهاء الله بحث نمی‌کند، به امیلیا نشان می‌دهد که اطاعت احکام باید از روی عشق به خدا و نه ترس از مجازات باشد. وقتی امیلیا بهایی شد اطاعت احکام نتیجه طبیعی عشق او به حضرت بهاء الله خواهد بود.

اگر شما شخصی را تبلیغ می‌کنید که مشکل مصرف مشروبات الکلی دارد، خیلی مهم است که حکم نهی از مصرف مشروبات الکلی را برایش توضیح دهید. و البته در این حالت باید به او بگویید که اگر بهایی شد باید بلافاصله مشروب خوردن را ترک نماید.

اگر شما شخصی را تبلیغ می‌کنید که مشکل مصرف مشروبات الکلی دارد، خیلی مهم است که حکم نهی از مصرف الککل را برایش توضیح دهید. ولی با درک مشکل او، می‌توانید برایش توضیح دهید که بعد از بهایی شدن تا وقتی که کسی او را نبیند، مانعی ندارد شراب بخورد.

اگر شما شخصی را تبلیغ می‌کنید که مشکل مصرف مشروبات الکلی دارد، خیلی مهم است که حکم نهی از نوشیدن مشروبات الکلی را در ضمن برخی از احکام برایش توضیح دهید. شما همچنین ذکر خواهید کرد که همیشه پیروی از همه احکام آسان نیست، ما کامل نیستیم و

بعضی اوقات اشتباهاتی می کنیم. ولی وقتی حضرت بهاء الله را قبول می کنیم و دعا می خوانیم او خودش کمک می کند تا به ضعفهایمان غالب شویم و به ماقوت می دهد تا احکامش را اجرا کنیم.

۲ - فرض کنید شخصی را تبلیغ می کنید که باور کردن خدا برایش مشکل است. آیا با وجود این حکم نماز را به او خواهید گفت؟ اگر جواب مثبت است، چطور بیان خواهید کرد؟

قسمت نوزدهم

اولین گفتگوی آنا با بلیا در باره امر بهایی نزدیک به اتمام است. امیلیا شوق زیادی در احیان صحبت نشان داده است و آنا او را به گفتن جزئیات بیشتر تشویق نموده است. اکنون او توضیحات خود را با مطالب زیر به پایان می برد:

مطمئنم که متوجه شده اید که تو را به پیوستن به یک دین و نه فقط به قبول مجموعه ای از آرمانهای زیبا دعوت می کنم. در حقیقت دیانت بهایی دیانتی بسیار سازمان یافته و منسجم است که هدف آن چیزی کمتر از وحدت عالم انسانی نیست. این به تو کمک می کند که بدانی کار بهائیان ساختن یک مدنیت جهانی است. بیت العدل اعظم می فرمایند که در این ساختن سه شرکت کننده وجود دارد و هر کدام نقش بسیار مهمی دارند.

اولین شرکت کننده افراد احباء هستند. وظیفه این افراد این است که در عهد و میثاق ثابت باشند، کوشش کنند که زندگی روزانه خود را در مسیر تعالیم حضرت بهاء الله آورند، به بشریت خدمت کنند و همیشه از این واقعیت که زندگی با مرگ

پایان نمی‌یابد و اینکه رابطه فرد با خدا ابدی است، آگاه باشند. پس از مرگ روحمان آزاد می‌شود و مستمراً به خداوند نزدیکتر می‌شود. زندگی مادر این دنیا مانند حیات جنین در رحم مادر است. به مدت نه ماه جنین قوایی (چشم، گوش، دست و ...) را کسب می‌کند تا در آینده در این دنیا از آنها استفاده کند. به همین ترتیب ما در این دنیا باید قوای روحانی را که برای پیشرفت در سایر عوالم الهی به آن احتیاج داریم پرورش دهیم. البته فقط با تفکر در این باره به این هدف نمی‌رسیم. باید عمل کنیم و به ممنوع خود خدمت کنیم و دانشی را که به دست می‌آوریم با دیگران سهیم شویم. دومین شرکت کننده جامعه است. انسان بدنیا نیامده است که به تنهایی زندگی کند. ما در جامعه زندگی می‌کنیم و باید با هم کار کنیم تا مدنیت جدیدی را بسازیم. نزدیکترین جامعه به ما، جامعه محلی ما است که متشکل از بهائیان شهر و یا قریه ما است. در این جامعه محلی است که یاد می‌گیریم با هم کار کنیم و با هم پیشرفت کنیم و متحد شویم. در عین حالی که عضو جامعه محلی هستیم عضو جامعه ملی و همچنین عضو جامعه جهانی بهایی نیز هستیم که مستمراً این جوامع در حال نمو است و مردمان کثیری را از ادیان و ملیتها و نژادهای مختلف به سوی خود جذب می‌کند.

بیت العدل اعظم الهی می‌فرمایند که مؤسسات امری سومین شرکت کننده در ساختن مدنیت جدید هستند. این مطلبی است که بعداً وقتی راجع به عهد و میثاق بحث می‌کنیم بیشتر راجع به آن صحبت خواهیم کرد. فعلاً همین قدر بگوییم که در باره روش سازمان دهی جامعه مطالب بسیاری از حضرت بهاءالله در دست داریم. در گذشته مظاهر الهی چیز زیادی در باره اینکه چطور پیروانشان می‌بایست جامعه خود را سازمان داده و اداره کنند نفرمودند، و مردم می‌بایست خودشان کشف می‌کردند که چگونه این کار را انجام دهند. اما در امر بهایی، حضرت بهاءالله نظم اداری خویش را آورده‌اند به این معنا که ایشان به ما فرموده‌اند چه مؤسساتی باید تأسیس کنیم، آنها چگونه باید عمل نمایند، و چگونه عالم انسانی باید اداره شود.

قبلاً راجع به عالی ترین مؤسسه امر بهایی یعنی بیت العدل اعظم صحبت کرده‌ایم. سالی یکبار بهائیان در هر کشور محفل ملی و در هر محل محفل محلی را انتخاب می‌کنند. این مؤسسه‌ای است که شما زودتر از همه با آن آشنا خواهید شد. در امر بهایی هیچ کشیش یا روحانی وجود ندارد و این محفل روحانی محلی است که امور را هدایت می‌کند و مواظب صحت روحانی افراد اجتهاء است. محفل روحانی محلی از نه عضو تشکیل می‌شود که در جو روحانی از طریق رأی مخفی و به وسیله

همه افراد بالغ جامعه انتخاب می شوند. محافل روحانی اهمیت فوق العاده ای برای بهائیان دارند. به وسیله آنهاست که در می یابیم چگونه امورمان باید اداره شوند و چگونه نظم جدید در جامعه استقرار می یابد، نظمی که به نظم بدیع جهانی حضرت بهاء الله شهرت می یابد.

می توان تصور کرد که صحبت های بین آنا و امیلیا در اینجا به اتمام می رسد. امیلیا مسلماً علاقه مند است روز دیگر این بحث را ادامه دهد. آنا کتاب مناجات کوچکی از کیفش در می آورد و به امیلیا هدیه می کند، و پیشنهاد می کند قبل از اینکه از یکدیگر جدا شوند یک مناجات از آن تلاوت کنند. امیلیا کتاب مناجات را باز می کند و می خواند:

«هو الله ای خداوند مهربان این دل را از هر تعلقی فارغ نما و این جان را به هر بشارتی شادمانی بخش از قید آشنا و بیگانه آزاد کن و به محبت خویش گرفتار نما تا بکلی شیدای تو گردم و دیوانه تو. جز تو نخواهم و جز تو نجویم و به غیر از راه تو نپویم و بجز راز تو نگویم. مانند مرغ سحر در دام محبت تو گرفتار گردم و شب و روز بنالم و بزارم و بگیریم و بگویم یا بهاء الابهی ع» (۱۹)

با اینکه مکالمه بین آنا و امیلیا واقعی نیست اما بر مبنای تجربیات هزاران بهایی در دنیا تهیه شده است. در خاتمه این داستان با اطمینان می توانیم بگوییم، که پس از چند روز و بعد از یک یا دو گفتگوی دیگر امیلیا به جامعه بهایی خواهد پیوست.

قسمت بیستم

بیاید در مجموع سخنان آنها را در دو تمرین ذیل بررسی کنیم:

۱ - صحبت های آنا بخصوص در آخرین مطالبی که مطرح نمود، بر اساس درک امیلیا از مسؤولیتهایش به عنوان یک فرد مؤمن، از مشارکتش در فعالیتهای جامعه، و از ارتباط آتی او با مؤسسات بهایی شکل گرفت.

تصویری که آنا می خواهد از یک فرد بهایی نشان دهد چیست؟ برخی از خصوصیات این فرد را ذکر کنید.

تصویری که شما می‌خواهید از یک جامعه بهایی نشان دهید چیست؟ برخی از خصوصیات این جامعه را ذکر کنید.

تصویری که شما می‌خواهید از مؤسسات بهایی نشان دهید چیست؟ خصوصیات این مؤسسات امری را ذکر کنید.

۲ - در تمام مدت شما به وضوح می‌گوشت تا به امیلیا در قبول دیانت بهایی کمک کند. کلاً در تمام صحبت‌های شما واضح است که می‌خواهید امیلیا امر بهایی را قبول کند. کدام یک از جملات ذیل منظور او را حاصل می‌کند؟

- _____ بهائیان مردم خوبی هستند و جامعه بهایی متحد است، به این سبب شما باید به ما پیوندی.
- _____ دیانت بهایی شامل پیشرفته‌ترین اصول روحانی و اجتماعی است. وقتی این اصول را قبول کردی، بهایی هستی.
- _____ با توضیحات مقدماتی که ارائه کردم تو نیاز داری که مطالعه کاملی در باره دیانت بهایی داشته باشی و بعد تصمیم‌گیری می‌خواهی بهایی بشوی یا خیر.

بر اساس مطالبی که ذکر شد، و شرح بیشتری که بعداً خواهم داد، شما خواهی دید که حضرت بهاء الله مظهر ظهور خداوند برای امروز هستند و آرزو خواهی کرد یکی از پیروان مخلص آن حضرت باشی.

قسمت بیست و یکم

در بررسی عمل تبلیغ، ما تا اینجا به نقش ابلاغ امر، قابلیت شناسایی نفوس مستعد و خصوصیات چند از محتوای پیامی که باید به طالبان حقیقت منتقل شود، توجه نمودیم. ما می دانیم که باید وظیفه تبلیغی خویش را حداقل از دو جنبه ایفا کنیم: در نقشه های تبلیغی فردی خود و در پروژه هایی که به وسیله مؤسسات امری تهیه و تنظیم می شود. در این مرحله، اجازه دهید که این دو مطلب را با جزئیات بیشتری بررسی نمایم، اول با نقشه های تبلیغی فردی منظم شروع می کنیم. شما با بیان مبارک ذیل که در دوره مطالعاتی قبلی خوانده اید آشنا هستید. ولی الان از شما تقاضا می شود که در معانی آن تأمل بسیار زیادی کنید، چون عناصر اساسی هر نقشه تبلیغی فردی را به ما ارائه می کند.

«أَنْ يَا أَيُّهَا الْمُسَافِرُ إِلَى اللَّهِ خُذْ نَصِيْبَكَ مِنْ هَذَا الْبَحْرِ وَلَا تَحْرِمْ نَفْسَكَ عَمَّا قَدَّرَ فِيهِ وَكُنْ مِنَ الْفَائِزِينَ. وَلَوْ يُزَوِّجَنَّ كُلُّ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِقَطْرَةٍ مِنْهُ لَيَغْنَيْنَّ فِي أَنْفُسِهِمْ بِغْنَاءِ اللَّهِ الْمُقْتَدِرِ الْعَلِيمِ الْحَكِيمِ. خُذْ بِيَدِ الْإِنْقِطَاعِ غُرْفَةً مِنْ هَذَا الْبَحْرِ الْحَيَوَانِ ثُمَّ رَشِّحْ مِنْهَا عَلَى الْكَائِنَاتِ لِيُظَهِّرَهُمْ عَنْ حُدُوثِ الْبَشَرِ وَ يُقَرِّبَهُمْ بِمَنْظَرِ اللَّهِ الْأَكْبَرِ هَذَا الْمَقَرِّ الْمُقَدَّسِ الْمُنِيرِ. وَإِنْ وَجَدْتَ نَفْسَكَ وَحِيداً لَا تَحْزَنْ فَأَكْفِ بِرَبِّكَ ثُمَّ اسْتَأْنِسْ بِهِ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ.

بَلِّغْ أَمْرَ مَوْلَاكَ إِلَى كُلِّ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ. إِنْ وَجَدْتَ مُقْبِلاً فَأَظْهِرْ عَلَيْهِ لِنَالِي حِكْمَةِ اللَّهِ رَبِّكَ فِيمَا أَلْقَاكَ الرُّوحُ وَكُنْ مِنَ الْمُقْبِلِينَ وَإِنْ وَجَدْتَ مُعْرِضاً فَأَعْرِضْ عَنْهُ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ رَبِّكَ وَرَبِّ الْعَالَمِينَ» (۲۰)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: ای مسافر الی الله، نصیب خویش را از این دریا بگیر و خود را از (مواهبی) که خداوند در آن مقدر فرموده، محروم مساز، تا در زمره فائزان در آیی. (و بدان که) اگر تمام اهل ارض و سماء به قطره ای از آن مرزوق شوند، همگی به غنای مطلق می رسند، یعنی در وجود خود غنای خداوند مقتدر علیم حکیم را می یابند. با دست انقطاع غرفه ای از این بحر حیات بردار و سپس آن را بر کائنات مبذول دار تا آنها را از محدودیتهای بشری پاک کنی و به جانب منظر اکبر، این مقام مقدس منیر، نزدیک نمایی.

و (در این مقام) اگر خود را تنها و بی یاور یافتی اندوهگین مگرد، خدا را برای خود کافی بدان و سپس

با او مانوس شو و از این بابت شکر گزار باش.
 امر مولایت را به همه اهل زمین و آسمان برسان. اگر کسی اقبال نمود، دُرهای حکمت و بیان را که از
 روح الهی دریافت نمودی بر او بیفشان و (به او) روی آور و اگر اعراض نمود (بدون تعرض) از او روی
 بگردان و بر پروردگارت و پروردگار عالمیان توکل نما.

۱ - جملات ذیل را تکمیل کنید:

- الف - باید _____ خود را از دریا بگیریم.
 ب - باید با دست _____ کفی از این _____ بگیریم.
 ج - ما باید از این آب زندگی بر _____ بپاشیم تا آنها را از _____ پاک
 کنیم.
 د - ما نباید _____ بشویم اگر خود را _____ یافتیم.
 ه - ما ما باید با خدای خود _____ شویم.
 و - باید از _____ باشیم.
 ز - باید امرالله را به اهل زمین و آسمان _____ نماییم.
 ح - اگر نفسی ابلاغ ما را اجابت نمود باید _____ خدا را به او

 ط - اگر نفسی از ابلاغ ما اعراض نمود باید از او _____ کنیم و _____ به
 خدا کنیم.

۲ - نصیب خود را از بحر بگیریم یعنی چه؟

۳ - بعضی از آنچه که در قعر این دریا پنهان است چیست که اگر کشف شود باعث خواهد شد مبلغ
 مؤثر امرالله شویم؟

۴- یک قطره از دریای رحمت الهی چکار می‌تواند کند؟

۵- چرا با «دست انقطاع» باید از این بحر حیات برداریم؟

۶- با آبی که از این بحر برمی‌داریم چکار باید کنیم؟

۷- پاشیدن این آب حیات چه تأثیری خواهد داشت؟

۸- آیا باید همیشه با کمک بقیه احباء تبلیغ کنیم؟

۹- آیا موقع تبلیغ و ابلاغ کلمه به کسی جز خدا احتیاج داریم؟

۱۰- موقع تبلیغ و ابلاغ کلمه با چه کسی باید مرتبط باشیم؟

۱۱- موقع تبلیغ و ابلاغ کلمه چرا باید شکر گزار باشیم؟

۱۲- به چه کسی باید ابلاغ امر الله کنیم؟

۱۳ - چه کسی را باید تبلیغ کنیم؟

۱۴ - اگر پیام الهی پذیرفته نشد چه باید بکنیم؟

۱۵ - اعراض از کسانی که پیام الهی را قبول نکردند بدین معنی است که دیگر نباید با آنها دوست باشیم؟ یا بدین معنی است که بر صحبت امری با آنها اصرار نکنیم؟

۱۶ - در قسمت ذیل عباراتی چند راجع به تبلیغ ارائه می شود تصمیم بگیرید که کدام یک بیشتر با بیان فوق از حضرت بهاء الله مطابقت دارد، علامت بزنید.

___ من تصمیم گرفتم شخصی را که باید تبلیغ کنم دوست صمیمی من سارا باشد. بنا بر این در پنج سال گذشته کوششهای تبلیغی ام را فقط بر او متمرکز کرده ام. خیلی واکنش نشان نمی دهد، ولی یک روز واکنش خواهد داد. در حقیقت این نقشه تبلیغی فردی من است.

___ فکر می کنم این مسئولیت ما است که امر الله را به مردم اعلان کنیم. دیگر بستگی به خودشان دارد، اگر مایل باشند بیشتر تحقیق می کنند. اگر واقعاً بخواهند برای مطالعه کتاب می گیرند و سپس می توانند تصمیم بگیرند.

___ دیروز ضمن صرف قهوه پیام حضرت بهاء الله را برای یکی از همسایگانم توضیح می دادم. پس از مدتی گفت، در عین حالی که به شوق و ذوق من احترام می گذارد از دیانت خود خیلی خوشحال است. ولیکن طوری مطلب را ادا نمود که باب صحبت راجع به امر را در آینده کاملاً نیست. بنا بر این وقتی که با هم بودیم برایش توضیح خواهم داد که لازم نیست دیانت خود را کنار بگذارد اما همه چیز حتی دین لازم است که تجدید شود.

___ فقط اینکه شخصی بگوید که علاقه ای به شنیدن در باره امر الله ندارد، بدین معنی نیست که ضرورتاً چنین نیست. بنا بر این اصرار خواهم کرد.

___ اگر کسی بداند من بهایی هستم اما سؤالی راجع به امر نکنند بدین معنی است که علاقه مند نیست.

___ سعی می کنم مردم بیشتری را ملاقات نمایم و در موقعیت مناسب، راجع به امر با آنها صحبت کنم. اگر آنها را مستعد یافتم، به تبلیغ خود ادامه می دهم تا نهایتاً آنها را به پیوستن به امر بهایی دعوت کنم.

قسمت بیست و دوم

بیان اخیر حضرت بهاء الله را که مطالعه کردیم خطاب به همه افراد مؤمنین است که قیام نموده، تبلیغ کنند. ولیکن همراه با مطالعه این بیان مراحل انجام این وظیفه مقدس بر ایمان روشن می شود. با در نظر گرفتن این بیان از شما خواسته می شود تا توجه خود را بر طراحي نقشه تبلیغی سیستماتیک فردی خود متمرکز کنید. بعضی از عناصر این نقشه چه می تواند باشد؟ انجام تمرین ذیل به شما کمک خواهد کرد تا عناصر مختلفه نقشه خود را معین کنید. همینطور که این تمرین را انجام می دهید راجع به زندگی خود فکر کنید و بر اساس موقعیت شخصی خود پاسخ دهید.

۱ - روشن است که مهمترین عنصر حیاتی نقشه تبلیغی فردی شما تصمیم قاطع شما است که روزانه سعی بلیغ نمایید تا نفوس مستعده را بیابید و آنان را تبلیغ کنید. هر موقع تصمیم قطعی می گیریم کاری را انجام دهیم، عزم و اراده ما مورد امتحان قرار می گیرد. بدون شک موانعی پیدا خواهد شد. در رابطه با تبلیغ نیز موانعی مانند مخالفت با امرالله و موقعیت کنونی دنیا در راهمان قرار می گیرد. فی المثل ماده پرستی در جامعه همچون بی تفاوتی عموم مردم به امور روحانی می تواند کوششهای ما را برای تبلیغ دشوارتر کند. بعضی از موانعی را که در نتیجه وضعیت کنونی دنیا در راه تبلیغ با آن مواجه می شوید ذکر کنید.

الف) _____

ب) _____

ج) _____

د) _____

ه) _____

و) _____

متأسفانه گاهی کوششهای تبلیغی ما به وسیله دوستانمان به تعویق می افتد، حتی بهائیان که بدون قصد ما را از پیگیری هدفمان ناامید می کنند. مثلاً بدینی بعضی از افراد که به دلائلی در تبلیغ موفق نبودند و دیگر تعصب افراد نسبت به گروه مشخصی از مردم می تواند مانعی در راه ما بشود. موانع دیگر از این نوع را ذکر کنید.

الف) _____

ب) _____

ج) _____

(د)

(ه)

(و)

۲ - پس از تصمیم به قیام و تبلیغ امر باید راجع به موقعیت شخصی و وضع زندگی خود فکر کنید و براساس آن خواهید توانست امکانات تبلیغی که در این موقعیت برای شما پیش می آید را درک کنید. یک پاراگراف کوتاه راجع به موقعیت زندگی خود، مثلاً شغل شما چیست، محل زندگی شما کجاست، با چه افرادی ملاقات می کنید، امکانات شما چیست، و سایر موارد بنویسید:

با در نظر گرفتن این مطالب، امکانات گوناگونی را که در زندگیتان به منظور تبلیغ سیستماتیک وجود دارد، ذکر کنید.

۳ - در بیان مبارکی که قبلاً مطالعه نمودید شما فرا خوانده شده‌اید که امر مبارک را به هر تعداد از مردم که ممکن است اعلان کنید. یعنی - «آب زندگانی» را از اقیانوس موهبت «الهی» بگیریم و بر همه کائنات «بپاشیم» - بنا بر این یکی دیگر از عناصر نقشه تبلیغی فردی شما باید روشهای مختلفی را ایجاد کند تا بتوانید مستمراً با افراد جدیدی در تماس باشید. بعضی از آنان، محققاً نفوس مستعد برای شنیدن پیام حضرت بهاءالله خواهند بود. مثلاً شما می‌توانید عضو مؤسسه‌ای شوید که هدفش با اهداف تعالیم حضرت بهاءالله هماهنگ است. اگر نزدیک یک مرکز آموزشی زندگی می‌کنید می‌توانید در جلساتی که راجع به رشد اخلاقی، و یا ترقی زنان و یا تطابق ادیان است شرکت کنید. این عنصر در نقشه شما خیلی مهم است چون اگر مستمراً با افراد جدید ملاقات نکنید، فقط به چند نفری که سالها می‌شناسید متمرکز خواهید شد. - بیشتر آنان ممکن است اصلاً مستعد نباشند. - برخی از روشهایی را بنویسید که می‌توانید با تعداد بیشتری از افراد در تماس باشید.

۴ - همینطور که با تعداد فزاینده‌ای از مردم در تماس خواهید بود، امر مبارک را مدبرانه و محترمانه به آنها ابلاغ خواهید کرد. بر اساس نظر فوق راجع به افرادی که ملاقات خواهید کرد فکر کنید و تأمل کنید که چطور می‌خواهید آنان را با هدف حضرت بهاءالله آشنا کنید. مطمئناً، فقط می‌توانید بعضی از افکار اولیه خود را بنویسید، زیرا فقط وقتی که در وضعیت واقعی قرار بگیرید می‌توانید با اطمینان بگویید به مردم چه خواهید گفت. گذشته از این، افکار شما با کسب تجربیات جدیدی در حین ابلاغ امر به عده بیشتری از افراد در موقعیتهای مختلف تغییر خواهد یافت.

۵ - در حالی که به ابلاغ امر به عده بیشتری از مردم ادامه می دهید، بگذارید آنها بفهمند که شما هم در عمل و هم در قول بهایی هستید، و جلوه‌ای از زیبایی تعالیم الهی به آنها ارائه می کنید، شروع به تبلیغ نفوسی می کنید که نسبت به شما واکنش نشان می دهند. بر اساس میزان پذیرش آنها تصمیم می گیرید از روش مستقیم و یا غیرمستقیم استفاده کنید. با هر دو روش هدفتان این خواهد بود که به آنها کمک کنید تا اهمیت پیام حضرت بهاءالله را درک کنند و تصمیم بگیرند که به جمع پیروان امر اعظم بپیوندند. با مطالعه بخش سوم کتاب دو «معرفی معتقدات اهل بهاء» شما فهمیدید چطور راجع به مواضع مختلفه امری با روشهای غیرمستقیم صحبت کنید، و قسمتهای اولیه این بخش مثالی از روش مستقیم تبلیغ را به شما نشان می دهد. با در نظر گرفتن افرادی که در فوق معین نموده اید لیستی از کارهایی را بنویسید که می خواهید برای تبلیغ نفوسی که به تلاش شما در ابلاغ کلمه واکنش نشان می دهند، انجام دهید، مثلاً ممکن است شما تصمیم به تشکیل جلسات منظم تبلیغی بگیرید. شما مستمرآ به سوی خدا دعا می کنید و از او در کوششهای تبلیغی تان طلب تأیید می نمایید.

۶ - وقتی که نفسی به جامعه بهایی بیوندد، بدین معنی نیست که او مطالب زیادی در باره امر می داند و می تواند به تنهایی و بدون کمک در مقابل امتحانات و مشکلات استقامت نماید. معمولاً شخصی که بهایی می شود به خاطر این است که در قلبش قویاً احساس می کند که حضرت بهاء الله حقیقتاً مظهر ظهور الهی برای امروز است. مسجّلین جدید باید تربیت گردند تا نور ایمان که در قلبشان روشن شده است با اولین باد مخالف خاموش نشود. لیستی از کاهانی را که می خواهید انجام دهید تا آنهایی که به کمک شما حضرت بهاء الله را شناختند، و باعث می شود تا مؤمنی قوی و متمسک شوند و بتوانند روی پای خود ایستاده و مشتاق شوند تا تمام انرژی خود را صرف تبلیغ دیگران کنند ذکر کنید.

حضرت ولی امرالله در کتاب ظهور عدل الهی، عناصر اساسی نقشه تبلیغی فردی منظم را به وضوح توصیف فرموده‌اند. این بیانات به قسمتهای کوتاهی تقسیم شده است. هر یک از این قسمتها را بدقت بخوانید و جای خالی را پر کنید.

«نفسی که به دلالت وجدان مصمم بر اجابت این ندا و اجراء امر اعزّ اقدس ابهی گردید و به القائنات دوستان و دشمنان که دانسته و ندانسته در مقام ایجاد مشکلات در تحقق این مقصد ارفع علی بودند توجه ننمود باید با قلبی طافح به محبت الله و لسانی ناطق به ذکر الله به جمیع وسایل ممکنه متشبث شود و طرق مختلفه را بکمال دقت مورد مطالعه قرار دهد تا به جلب افکار و حفظ علائق و تحکیم و تقویت ایمان نفوسی که دخولشان را در ظل امرالله طالب و الحاقشان را به جامعه اسم اعظم شایق و آرزومند است توفیق یابد و نیز باید عوامل و امکاناتی را که شؤون و مقتضیات محیط در اختیار وی گذاشته رسیدگی و مزایای آن را بررسی نماید و به مدد فکر و حکمت و تمسک به حبل اتقان و استقامت آن عوامل و امکانات را با انتظام کامل برای نیل به مقصود و هدف مطلوب به کار برد.» (۲۱)

- ۱ - حضرت ولی امرالله به ما می‌فرمایند که باید _____ مصمم بر _____ این ندا و _____ امر اعزّ اقدس ابهی گردیم.
- ۲ - در این صورت نباید بگذاریم القائنات _____ و _____ که _____ و _____ در مقام ایجاد مشکلات در تحقق این مقصد ارفع علی، توجه ما را به خود منعطف سازد.
- ۳ - مطمئن از تصمیم خود، باید با قلبی طافح _____ و لسانی _____ به ذکر الله به جمیع _____ متشبث شویم و _____ مختلفه را بکمال دقت مورد _____ قرار دهیم.
- ۴ - تا در این صورت به جلب _____ و حفظ _____ و تحکیم و تقویت _____ نفوسی که دخولشان را در ظل امرالله طالب و الحاقشان را به جامعه اسم اعظم شایق و آرزومندیم توفیق یابیم.
- ۵ - ما باید _____ و _____ را که شؤون و مقتضیات _____ در اختیارمان گذاشته _____.

- ۶- ما باید مزیای عوامل و امکاناتی را که در اختیار داریم _____ نمایم.
- ۷- بعد از طی این مراحل باید به مدد _____ و _____ و تمسک به حبل اتقان و استقامت آن عوامل و امکانات را با انتظام کامل به صورت وسیله‌ای برای تبلیغ امرالله _____

«همچنین لازم است روشهای اتخاذ نماید که به موجب آن باب معاشرت را با مجالس و مجامع و معارض و محافل مختلفه مفتوح و در جلسات نطق و خطابه که مواضعی ملایم و موافق با اصول تعالیم امریه مانند اعتدال در امور و تعدیل اخلاق و تأمین رفاه و سعادت اجتماع و تحمّل و شکیبایی در مسائل مذهبی و نژادی و تعاون و تعاضد اقتصادی همچنین حقایق مربوط به دیانت اسلام و مقایسه مذاهب و ادیان مورد بحث و تحقیق قرار می‌گیرد مشارکت کند و با انجمنهای علمیه و ادبیه و اجتماعی و امور خیریه و مشروعاتی از این قبیل که در عین محفوظ ماندن شؤون و مقامات امریه طرق و وسائط متنوعه کثیره در برابر دیدگان فرد قائم به خدمت مفتوح نماید مجالست و مصاحبت کند تا بدین وسیله انظار نفوس را به تعالیم الهیه معطوف و آذان را به اصغاء نغمات روحانیه آشنا سازد و بالمال آنان را به ورود در ظلّ شجره ربّانیه و حمایت و پشتیبانی از کلمه جامعه رحمانیه نائل و موفق دارد.» (۲۲)

- ۸- همچنین لازم است روشهایی اتخاذ نمایم که به موجب آن باب معاشرت را با _____ و _____ و _____ و _____ مختلفه مفتوح و در مواضعی که ملایم و موافق با _____ است شرکت کنیم.
- ۹- همچنین با انجمنهای _____ و _____ و _____ و _____ مشروعاتی از این قبیل که در عین _____ شؤون و مقامات امریه طرق و وسائط متنوعه کثیره در برابر دیدگان فرد قائم به خدمت مفتوح نماید مجالست و مصاحبت کنیم.
- ۱۰- تا بدین وسیله _____ نفوس را به تعالیم الهیه _____ و _____ را به اصغاء نغمات روحانیه آشنا سازیم و بالمال آنان را _____ در ظلّ شجره ربّانیه و _____ از کلمه جامعه رحمانیه نائل و موفق داریم.

«حال چون چنین معاشرت و مؤانست به دست آمد و ابواب مؤالفت مفتوح گردید باید پیوسته مصالح عالیه امریه و اصالت شریعت سماویه محفوظ و

عمومیت و جامعیت احکام و مبادی سامیه ربانیه اثبات و منافع کثیره حیاتیه آن خالی از هر گونه خوف و هراس پشتیبانی و حمایت گردد. هر نفسی که قدم در میدان تبلیغ نهد باید میزان ظرفیت و استعداد شخص سامع را در نظر گیرد و با ملاحظه جوانب و اطراف امر تشخیص دهد که ابلاغ کلمه الهی و اشاعه انوار سبحانی به چه نحو شایسته و مؤدی به مقصود است مستقیم و یا غیر مستقیم. تا بدان طریق اهمیت حیاتی پیام یزدانی را بر متحرزی حقیقت مکشوف و با اقامه دلیل و برهان او را مطمئن و متیقن سازد که خویشتن را در ظل کلمه جامعه ربانیه وارد و به جمیع نفوسی که به انتساب به اسم اعظم الهی مفتخر و متباهی اند ملحق و منضم گرداند.» (۲۳)

۱۱ - حال چون چنین معاشرت و مؤانست به دست آمد و ابواب مؤالفت مفتوح گردید باید پیوسته _____ عالیّه امریه و اصالت شریعت سماویه _____ و عمومیت و جامعیت _____ و _____ سامیه ربانیه _____ و _____ کثیره حیاتیه آن خالی از هر گونه خوف و هراس _____ و _____ گردد.

۱۲ - هر نفسی که قدم در میدان تبلیغ نهد باید میزان _____ و _____ شخص سامع را در نظر گیرد و با ملاحظه _____ و _____ امر تشخیص دهد که ابلاغ کلمه الهی و اشاعه انوار سبحانی به چه نحو شایسته و مؤدی به مقصود است _____ و یا _____

۱۳ - تا بدان طریق اهمیت حیاتی پیام یزدانی را بر متحرزی حقیقت _____ و با اقامه _____ و _____ او را _____ و _____ سازیم که خویشتن را در ظل کلمه جامعه ربانیه _____ و به جمیع نفوسی که به انتساب به اسم اعظم الهی مفتخر و متباهی اند ملحق و منضم گرداند.

«در این مقام باید روش و سلوک حضرت عبدالبهاء مرکز عهد و پیمان رحمانی را در مدنظر داشت و نصایح مستمر آن وجود اقدس را همواره نصب العین خویش قرار داد و به فرموده مبارک چنان طالب حقیقت را در بحر محبت و ووداد مستغرق نمود و تعالیم قدسیه را که القاء و ایجاد آن در روح مستمع منظور و مقصود است در اقوال و اعمال و کردار و رفتار مجسم و ظاهر ساخت که شخص شنونده مسحور گردد و به طیب خاطر و انجذاب تام مایل و شایق آن

شود که خود را در ظل امر عظیمی که چنین مکارم اخلاق تعلیم و چنین اصول و مبادی قیمه ترویج نموده وارد و در حلقه پیروان شریعة الله داخل سازد و نیز باید به این امر دقیق توجه کامل مبذول داشت که در آغاز از تأکید و ابرام نسبت به بعضی از سنن و احکام الهیه که احیاناً از لحاظ معتقدات طالب حقیقت که تازه قدم در عرصه تحقیق گذاشته دشوار و غیر قابل تحمل باشد خودداری نمود و با صبر و متانت تام و تصمیم و استقامت تمام او را از ثدی بیانات الهی و مائده روحانی پرورش داد و در مدارج صباوت و شباب مترقی ساخت و اعانت و دلالت نمود تا به سر منزل بلوغ رسد و اطاعت و انقیاد بلا شرط خود را نسبت به آنچه شارع این امر اعظم مقرر و تعلیم فرموده اعلام دارد» (۲۴)

۱۴ - در مجهودات تبلیغی باید _____ حضرت عبدالبهاء مرکز عهد و پیمان رحمانی را در مدنظر داشت و نصایح مستمر آن وجود اقدس را همواره نصب العین خویش قرار داد و به فرموده مبارک چنان طالب حقیقت را در بحر _____ و _____ مستغرق نمود و تعالیم قدسیه را که _____ آن در _____ مستمع منظور و مقصود است در اقوال و اعمال و کردار و رفتار _____ ساخت.

۱۵ - باید در پیروی از حضرت عبدالبهاء چنان هشیار باشیم که شخص شنونده _____ گردد.

۱۶ - و نیز باید به این امر دقیق توجه کامل مبذول داشت که در آغاز از _____ نسبت به بعضی از _____ که احیاناً از لحاظ _____ که تازه قدم در عرصه تحقیق گذاشته _____ باشد خودداری نمود.

۱۷ - باید با صبر و متانت تام و تصمیم و استقامت تمام او را از ثدی بیانات الهی و مائده روحانی _____ داد و _____ و _____ مترقی ساخت و _____ و _____ نمود تا به سر منزل بلوغ رسد و _____ بلا شرط خود را نسبت به آنچه شارع این امر اعظم مقرر و تعلیم فرموده اعلام دارد.

۱۸ - ما باید با _____ و _____ و _____ و _____ او را از ثدی بیانات الهی و مائده روحانی پرورش دهیم و در مدارج صباوت و شباب مترقی سازیم و اعانت و دلالت نماییم تا _____ و اطاعت و انقیاد بلا شرط خود را نسبت به آنچه شارع این امر اعظم مقرر و تعلیم فرموده اعلام دارد.

«پس از حصول این مقام و وصول به سر منزل ایمان و ایقان باید شخص

جدیدالاقبال را به جمعیت یاران معرفی نمود تا در اثر همکاری مستمر و اشتراک مساعی در فعالیت‌های امریه آماده و مستعد آن شود که سهم خویش را در اعتلاء حیات و ایفاء وظایف و تقویت مصالح و تطبیق خدمات جامعه محلیه با مجهودات سایر جوامع بهایی عملاً آدا نماید» (۲۵)

۱۹ - پس از حصول این مقام و وصول به سر منزل ایمان و ایقان باید شخص جدیدالانبال را به جمعیت یاران _____ نمایم.

۲۰ - از جمله قبل نتیجه می‌گیریم که شخص جدیدالاقبال در اثر _____ و _____ از جمله _____ در _____ امریه _____ و _____ آن شود که سهم خویش را در _____ حیات و _____ وظایف و _____ مصالح و _____ خدمات جامعه محلیه با مجهودات سایر جوامع بهایی عملاً آدا نماید.

«نفس ابلاغ کننده کلمه الهی باید راضی و قانع نشود و از پای ننشید تا آنکه روح شوق و اشتیاق در مولود روحانی خویش بدمد و او را چنان مستند و لائق سازد که به نوبت خود قیام نماید و بنفسه در احیاء نفوس و انتشار اصول و بث تعالیمی که به جان و دل قبول نموده سعی بلیغ و جهد جهید به منفه ظهور رساند» (۲۶)

۲۱ - حضرت ولی امر الله به ما می‌فرمایند که نباید راضی و قانع باشیم تا اینکه روح شوق و اشتیاق را در مولود روحانی خویش بدمیم. تا او را چنان _____ و _____ سازیم که به نوبت خود قیام نماید و _____ در احیاء نفوس و انتشار اصول و تعالیم سعی _____ و جهد _____ به منفه ظهور رساند.

قسمت بیست و چهارم

پس از مشخص کردن و تعیین عناصر نقشه تبلیغی فردی، شاید بخواهید نقشه عملی اولیه برای مدت معینی فی المثل چند هفته یا چند ماه طرح کنید. در صورتی برنامه شما مفیدتر خواهد بود که روشن و دقیق باشد، اسامی اشخاصی که می‌شناسید ذکر کنید و کاری که می‌خواهید انجام دهید مشخص و واضح باشد. همچنانکه شما نقشه خود را دنبال می‌کنید فرصت‌های تازه‌ای پیش خواهد آمد و روابطی فراهم می‌آید و بنا بر آن قدم‌های جدیدی بر خواهید داشت.

Blank lined paper with horizontal ruling lines.

قسمت بیست و پنجم

در عین اینکه نقشه‌های تبلیغ فردی ضروری اند، اما به تنهایی به عنوان وسیله‌ای برای تبلیغ توده‌های مردم کافی نیست. بنا بر این همانطور که اغلب اوقات در این واحدها گفته‌ایم؛ چه فردی چه جمعی با تمام وجود در طرح‌های تبلیغی جوامع و تشکیلات خود شرکت می‌کنیم. متأسفانه این حقیقت وجود دارد که گاهی اوقات اجتناب در بعضی از جوامع که در مورد ارجحیت طرح نقشه تبلیغی فردی در مقابل تبلیغ دسته جمعی بحث می‌کنند. و در بعضی از جوامع دیگری به حدی می‌رسند که می‌گویند پروژه‌های تنظیم شده و طرح‌های تبلیغی فشرده بخصوص آنها که برای ورود تعداد زیادی به جامعه طراح می‌شوند نامطلوبند و معتقدند که تبلیغ فردی مناسب تر است. این چنین بحثها مثمر نیست و تبلیغ را فلج می‌کند. بخاطر داشته باشیم که هر دوروش (فردی و جمعی) مکمل یکدیگرند و برای پیشرفت امر لازم و ضروری می‌باشد، پس شما همیشه باید که برای ایجاد وحدت افکار در مورد این موضوع حیاتی در جامعه خود همکاری نمایید.

در بیان ذیل که یکی از توابع حضرت ولی عزیز امرالله است ایشان صراحتاً احتیاج به برنامه‌های تبلیغی سیستماتیک از طریق تشکیلات امری را ذکر کرده‌اند. در اکتبر ۱۹۳۵، زمانی که ساختار نظم اداری بهایی در شمال امریکا کاملاً پیشرفت کرد، حضرت ولی امرالله این پیام را به بهائیان آنجا تلگراف نمودند:

«ساعت جدیدی در تاریخ امر محبوبمان فرا رسیده که مستدعی مجهودات ملی، منظم و مداوم در امر تبلیغ است که نیروها را در مسیری سوق می‌دهد که بر جلال و شکوه امرالله و افتخارات تشکیلات آن بیش از پیش می‌افزاید.» (۲۷)
(ترجمه)

بعد از مدتی در ماه می ۱۹۳۶ باز هم برای همان بهائیان پیامی بدین مضمون ارسال فرمودند:

«نقشه‌ای سیستماتیک، با طراحی دقیق و اساسی محکم، ابداع گردد، با اشتیاقی وافر دنبال شود و مداوماً گسترش یابد.» (۲۸) (ترجمه)

و در مارچ ۱۹۴۵ به آنها فرمودند:

«مهمتر از همه امور این است که پیام جانبخش حضرت بهاءالله باید در آغاز قرن دوم بهایی و توسط نظم اداری که هم اکنون به درستی عمل نموده و در چهار گوشه نیمکره غربی گسترده است، به روشنی و منظم در ساعات حزن و اندوه و آشفتگی مطمح نظر توده‌های مردم قرار گیرد.» (۲۹) (ترجمه)

بیت العدل اعظم الهی اغلب ارتباط بین ابتکارات فردی در تبلیغ و کوششهای جمعی در این زمینه را بیان می‌فرمایند، از جمله پیام نوروز ۱۹۷۹ است که می‌فرمایند:

« امر تبلیغ چه از سوی تشکیلات امر سازمان یافته باشد و چه ثمره ابتکارات فردی باشد باید در نهایت مجاهدت تحقق پذیرد تا عدد مؤمنین هرچه بیشتر شود و سبب ورود تعداد بیشتری از کشورها به مرحله دخول افواج مقبلین گردد و به اقبال دسته جمعی توده‌های مردم تبدیل شود.»^(۳۰) (ترجمه)

همچنین در پیام رضوان ۱۹۹۵ در مورد پویا بودن این ارتباط اشاره نمودند. در این پیام می‌فرمایند که فرد مؤمن همزمان با ابتکارات فردی در تبلیغ بایستی در پروژه‌های تبلیغی جامعه نیز شرکت نماید. از طرف دیگر محافل باید پشتیبان ابتکارات فردی باشند و در ضمن نقشه‌هایی جهت تبلیغ دسته جمعی طرح ریزی نمایند تا مؤمنین بتوانند در آن شرکت نموده و از استعدادات آنها استفاده شود.

« برای اقدام مؤثر در باره مسائلی فوری که جامعه امر با آنها مواجه است حصول شرایط و عوامل اساسی ذیل که مخصوصاً راجع به افراد و محافل روحانی محلی است ضرورت دارد. از طرفی ابتکار فردی در تبلیغ امر الله و حصول فهم و ادراکی عمیق تر از مقاصد و نیاز مندیهای امر لازم است و در حقیقت از وظایف و فرصتهای افراد احباء محسوب می‌شود. ولی به موازات ابتکارات فردی در تبلیغ امر الله افراد احباء باید در اقدامات گروهی یعنی برنامه‌ها و مشروعات مختلف جامعه نیز مشارکت نمایند. از طرف دیگر وظیفه محافل روحانی محلی چنان است که ابتکارات افراد احباء را تا سرحد امکان تشویق و تسهیل نمایند، همچنین از مسؤولیتهای محافل روحانی است که نقشه‌هایی طرح و اجرا نمایند تا استعداد و قابلیت افراد جامعه به کار گرفته شود و افراد را در اقدامات گروهی مانند طرحهای تبلیغی و مشروعات مربوط به توسعه و عمران اجتماعی و تشکیل دادن مؤسسات تبلیغی و سایر فعالیتهای جمعی وارد کنند.»^(۳۱)

در پیام رضوان ۱۹۹۶ با اشاره به اقدامات سال گذشته، بیت العدل اعظم مرقوم فرمودند:

« فعالیتهای دسته جمعی ناشرین نفحات الله که با ترتیبی منظم قیام نمودند و طرحهای تبلیغی دراز مدت که دارای اهداف مشخص و دقیقی بودند نتایج بسیار بار آورد و در تعدادی از ممالک بیسابقه بود.»^(۳۲)

در پرتو هدایات فوق، در چند پاراگراف درک خود را از نیاز به پروژه‌های منظم تبلیغی طراحى شده به وسیله تشکیلات و اهمیت شرکت در آن بنویسید.

قسمت بیست و ششم

هدف این بخش بررسی چگونگی برنامه‌ریزی پروژه‌های تبلیغی نیست، بلکه کمک به شماست تا بر مشارکت خود در نقشه‌ها و پروژه‌های سازماندهی شده توسط تشکیلات تأمل نمایید. با وجود این لازم است در اینجا درنگ کرده و مطالبی را جمع به ماهیت مجهودات سیستماتیک تبلیغ دسته‌جمعی در جوامع خویش طرح نماییم.

برای یک لحظه فرض کنید عضو گروهی می‌باشید که وظیفه سازماندهی پروژه تبلیغی را در منطقه‌ای دارید. جایی که چندین جامعه بزرگی در حال حاضر در آنجا وجود دارند. پس از آنکه مشاورات شما به ثمر نشست، اعضاء گروه شما، احباء این جوامع را به جلسه‌ای دعوت می‌کنند تا پروژه‌ها، ارائه داده و همه را به شرکت در آن، تشویق نمایند. جلسه در فضایی روحانی تشکیل می‌شود، چند سخنرانی مؤثر در اهمیت تبلیغ و نقش فرد ارائه می‌شود و هیجان بسیار پدید می‌آید. پس از پایان سخنرانی‌ها و مشاورات، یکی از اعضای گروه نتایج را اینگونه خلاصه می‌کند: «پروژه تبلیغی که ما امروز آغاز می‌کنیم بسیار روشن و ساده است. هر فرد باید دعا کند که هر روز حداقل یک موفقیت تبلیغی داشته باشد، و هر فرد حداقل در هر روز به یک نفر مبارک را ابلاغ نماید. و هر خانواده حداقل یک بار در هر ۱۹ روز جلسه تبلیغی داشته باشد.»

بدون شک، از آنجا که این گروه فرضی مانند تمام مؤسسات بهایی و نهادها، کوشیده تا با حداکثر توانایی خود به وظایف خویش عمل کند، اگر احتیای منطقه پیشنهادات مطروحه را با شور و اشتیاق به انجام رسانند، می‌توان گفت این جوامع از لحاظ استعداد و تعداد، شاهد پیشرفتهای عمده‌ای خواهند شد، و آنان را برای تعهدات بزرگتر آماده خواهد ساخت. حال برای افزایش درک ما از موضوع خوب است بپرسیم آیا چنین نقشه‌ای با تصور ما از فعالیت جمعی سیستماتیک تناسب دارد؟ آیا دانستن اینکه دیگران هم در یک چنین فعالیتی درگیر هستند بیشتر از تشویق یک فرد برای دنبال کردن تلاشهای فردی تبلیغی، باعث ایجاد شور و شوق نمی‌شود؟ آیا کوشش جمعی نباید طوری

قسمت بیست و هفتم

در دوران زندگی خود به عنوان یک بهایی، در پروژه‌های تبلیغی گوناگون شرکت خواهید کرد. چه آنها که برای اعلان امر طرّاحی شده‌اند و چه آنها که برای تبلیغ و تحکیم نفوسی از اقشار گوناگون اجتماع سازمان یافته‌اند. البته شرح تمام موارد در اینجا ممکن نیست، اما حداقل باید با نمونه‌ای از پروژه‌های تبلیغی آشنا شوید که بر گروه‌های بسیار مستعد متمرکز است و هدف آن تسجیل تعداد زیادی از مؤمنین با سرعتی منطقی است. برای شروع به تشریح ماهیت چنین پروژه‌های تبلیغی بخشی از پیام بیت العدل اعظم را مطالعه می‌کنیم:

«وقتی توده‌های مردم از خواب بیدار شده و امر مبارک را می‌پذیرند حرکتی جدید آغاز می‌شود و تمدنی جدید شروع به رشد می‌کند. ملاحظه در ظهور مسیحیت و اسلام نمایید. این توده‌های مردم غرق در سنن خویش اند، اما در عین حال مستعد استماع کلام الهی هستند، که وقتی واقعاً به ندای الهی پاسخ دهند آنقدر تحت تأثیر قرار می‌گیرند که موجب تقلیب کسانی می‌شوند که با آنان در تماس قرار گیرند.

معیارهای الهی متفاوت از معیارهای بشری است. مطابق معیارهای بشری پذیرش هر امری توسط بزرگان قوم، از مشاهیر و مقامات، قدر و عظمت آن را تعیین می‌کند. اما به فرموده حضرت بهاءالله 'مقصد از دعوت و پیام ما سرزمین و کشور خاصی نبوده، بشریت با تمام قوت و قدرت باید متمسک شود به آنچه از سماء مشیت الهی نازل شده و به آن عنایت گردیده است.' و باز

می فرمایند: هر نفسی قابل معرفت آیات الهی است والا چگونه حجت خویش بر خلائق تمام می فرمود، اگر از آنها باشید که به امر او در دل واقفید، در کشورهایی که تبلیغ توده های مردم موفقیت آمیز بوده احباء همانقدر در روستاها جد و جهد نموده اند که در شهرهای بزرگ و کوچک. نتایج نشان می دهد که تأکید بر بخشی از جمعیت کاملاً خلاف حکمت است. بنا بر این هر محفل ملی باید طوری منابع خود را متعادل و کوششهای خود را هماهنگ سازد که امر الهی نه تنها به افرادی برسد که با سهولت بیشتری در دسترس قرار دارند بلکه بر آن بخشهایی از جامعه برسد که بسیار دور از نظرند.

طبقات ساده و محروم عالم (که اکثریت ساکنان جهان را تشکیل می دهند) همان قدر حق شناسایی امر مبارک را دارند که دیگران. وقتی احبای الهی کلمه الهی را ابلاغ می کنند باید مراقب باشند که آن را به همان سادگی که در تعالیم نازل گردیده ارائه نمایند. در ارتباطات خویش باید محبت الله و نیت خالصه از خود ظاهر سازند. قلوب نفوس از طبقات محروم اجتماع بسیار حساس است، هر نشانه ای از تعصب از طرف مهاجرین یا مبلغین فوراً احساس می شود.

هنگام تبلیغ در میان توده های مردم، احباء باید دقت نمایند که جنبه های انسانی و خدمات اجتماعی امر را وسیله جلب نفوس قرار ندهند. تجربه نشان داده اگر هنگام تبلیغ تسهیلاتی چون مدرسه، درمانگاه، بیمارستان، یا حتی لباس و غذا عرضه شود مشکلات بعدی پیش خواهد آمد. انگیزه اصلی باید پاسخ انسان به پیام الهی و شناسایی پیامبر الهی باشد. آنان که داوطلب عضویت جامعه می شوند باید مجذوب زیبایی تعالیم الهی گردند و محبت حضرت بهاء الله را احساس نمایند. ضرورتی ندارد که این داوطلبان تمام دلائل، تاریخ، احکام و اصول امر مبارک را بدانند، بلکه در جریان عضویت یافتن جامعه بهایی باید علاوه بر اشتعال ایمانی راجع به طلعات مقدسه دیانت بهایی اطلاعات بنیادی داشته باشند، از وجود احکامی که باید پیروی کنند و نظام اداری که باید از آن اطاعت کنند باخبر باشند.

بعد از اظهار ایمان، مؤمنین جدید نباید به خود واگذار شوند. ایشان باید از طریق مکاتبه، اعزام مشوقین، کنفرانسها و دوره های آموزشی در کمال شکیبایی تقویت شوند و در کمال محبت یاری شوند تا به بلوغ رسند. حضرت ولی محبوب امر الله در اشاره به وظایف محافل روحانی در کمک به تازه واردان

جامعه می فرمایند: 'اعضای تمام محافل روحانی باید بکوشند با شکیبایی، محبت، تدبیر، حکمت عضو جدید جامعه را در جهت بلوغ روحانی هدایت کنند و بتدریج به پذیرش بیچون و چرای احکام و تعالیم الهی نائل گردند.'» (۳۳)
(ترجمه)

۱ - مطابق دستخط مبارک فوق وقتی که توده‌های مردم از خواب بیدار شده و به امر مبارک اقبال نمایند، چه اتفاقی می‌افتد؟

۲ - وقتی که توده‌های مردم واقعاً به ندای الهی پاسخ مثبت دهند چه تغییراتی صورت خواهد گرفت؟

۳ - دستخط فوق چگونه یکی از تفاوت‌های بین معیارهای الهی و معیارهای بشری را توضیح می‌فرماید؟

۴ - آیا تمرکز کوششهای تبلیغی بر بخش کوچکی از جامعه را که به آسانی در دسترس ماست، حکیمانه می‌دانید؟

۵ - بیت العدل اعظم راجع به چگونگی ایجاد تعادل بین منابع و همچنین هماهنگی کوششهای محافل ملی چه توصیه‌ای می‌فرمایند؟

۶ - آیا پیام حضرت بهاء‌الله فقط برای شخصی عالم و روشنفکر است؟ آیا روشنفکر بودن در این دنیای مدرن نشان دهنده فهم و درک حقیقی است؟

۷ - «دادن پیام به همان سادگی نازل در تعالیم الهی» چه معنایی دارد؟ آیا این بدان معناست که پیام باید «رقیق شود»؟

۸ - در ارتباطات خویش با اکثریت توده‌های مردم چه چیزی را باید از خود ظاهر سازیم؟

۹ - آیا هنگام تبلیغ باید بر جنبه‌های نیکوکارانه، انسان دوستی دیانت بهایی به عنوان وسیله‌ای برای جلب نفع تأکید کنیم؟ چرا نه؟

۱۰ - انگیزه اصلی آنان که به دیانت بهایی می‌پیوندند چه باید باشد؟

۱۱ - آنان که به جامعه بهایی می‌پیوندند نسبت به حضرت بهاء‌الله و تعالیم ایشان چه احساسی باید داشته باشند؟

۱۲ - علاوه بر اشتغال ایمانی از چه چیزی باید اطلاع یابند؟

۱۳ - مطابق این دستخط مبارک، پس از پیوستن افراد به جامعه بهایی در مناطقی که توسعه امر مبارک سطح وسیعی را شامل می شود، چه کار باید صورت گیرد؟

قسمت بیست و هشتم

از آنچه که تاکنون گفته شده است، می توان نتیجه گرفت هیچ مدل واحد پروژه تبلیغی برای اجرا در سراسر عالم بهایی وجود ندارد. همچنین می دانیم که برای موفقیت، پروژه های تبلیغی باید بر گروه مشخصی از مردم متمرکز شود. بعلاوه وقتی که آنان بسیار مستعد باشند هدف می تواند ورود گروه زیادی از مردم با سرعت نسبتاً زیاد باشد. اما حتی در طرحهایی هم که متمرکز بر گروههای مستعد بین توده های بزرگ انسانی هستند طبق خصوصیات هر گروه و ظرفیت بهائینی که فعالیتها را طراحی و اجرا می کنند می تواند شکل انجام کار متفاوت باشد. در هر حال، اغلب، برای کسانی که درگیر اقدام گروههای فشرده هستند مجموعه ای از فعالیتهای بسیار سازمان یافته گروهی از مبلغان تحت هدایت یک هماهنگ کننده ضرورت می یابد، کسانی که در روستا یا شهر برای یک دوره زمانی خاص می مانند و به تبلیغ می پردازند. آموختن برخی نکات راجع به ماهیت این اقدام برای شما مهم است.

حال فرض کنید که قرار است شما در طرحی شرکت کنید که به دقت توسط یکی از مؤسسات

امری در منطقه شما طراحی شده است. فرض کنیم که این پروژه به گروههای کوچکی مرکب از پنج تا هشت مبلغ نیاز دارد تا در چند شهر اقامت کرده و با هم کار کنند، و مجموعه‌ای از تکالیف را با هدف توسعه و تحکیم امر مبارک در هر محل و روستاهای اطراف آن انجام دهند.

مهمترین ایده‌ای که در سراسر کمپین در ذهن باید داشته باشید این است که توفیق در چنین اقدامی کاملاً بستگی به وحدت گروه دارد. این طرح هر چند که دقیق باشد، مبلغان هر چند که بسیار مجرب باشند، چندان مهم نیست، زیرا اگر در گروه اختلاف وجود داشته باشد، نتایج بسیار محدود خواهد بود.

مسلم است که زندگی و کار نزدیک با دیگران باعث کشمکشهایی می‌شود. علل عدم توافق معمولاً جزئی بوده و بعید است با انگیزه سوء نیت باشد. بسیاری اوقات بی توجهی به احساسات دیگران یا اصرار بر روش شخصی سبب ایجاد این کشمکشها می‌شود. علاج آن علو طبع و توانایی گذشت در مسائل جزئی زندگی، حداقل در دوره انجام طرح است. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

«حال ای احبای الهی وقت کوشش و جوشش است. همت بگمارید و سعی کنید و چون جمال قدم روحی لتراب مقدم احبانه الفداء شب و روز در مشهود فدا بودند ما نیز سعی کنیم و جانی نثار نماییم و وصایا و نصایح الهی را به گوش هوش بشنویم و از هستی محدود خود بگذریم و از خیالات باطله کثرات عالم خلق چشم پوشیم و این مقصد جلیل و مقصود عظیم را خدمت کنیم. این شجری را که دست موهبت الهیه نشانده به اوهمات خود قطع نمائیم و این انوار ساطعه ملکوت ابهی را به غمام تیره اغراض و اوهام مستور نکنیم و امواج بحر کبریا را سد حائل نشویم و نفحات قدس ریاض جمال ابهی را حاجز از انتشار نگردیم. فیضان نیشان فضل را در این یوم وصل قطع ننماییم و شعاع آفتاب حقیقت را زوال نجویم هذا ما وَصَى اللَّهُ بِهِ فِي كِتَابِهِ وَزُبْرِهِ وَالْوَاوِجِ الْمُقَدَّسَةِ النَّاطِقَةِ بِوَصَايَاهُ عَلَى الْعِبَادِ الْمُخْلِصِينَ وَالْبَهَاءِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» (۳۴)

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند:

«توجه به امکانات بسیار، برکات بیشمار و روح تسخیرناپذیر امر مبارک نمائید که در حال پیشرفت و در کوشش و جوشش است و نگذارید منازعات و اختلافات اجتناب ناپذیر کنونی مانع رؤیت شکوه و جلالی شود که آینده امر مبارک برای حامیان ثابت قدم و شجاع آن در گنج زمان دارد.» (۳۵)

احترام به هماهنگ کننده و شنیدن راهنماییهای او به گروه کمک می‌کند تا از عدم وحدت پرهیز کنند. هماهنگ کننده‌های مجرب منتظر نمی‌مانند تا مشکلات بزرگ شوند بعد اقدام کنند. در

واقع آنها با دانستن اهمیت وحدت، برخی از بحثهای عمومی را بر این موضوع حیاتی متمرکز می کنند و به کسی اجازه نمی دهند مستقیم یا غیرمستقیم عضوی از گروه را سرزنش کند. حفظ آثار مبارک که مانند بیان مبارک زیر در آغاز طرح نتایج فوق العاده ای دارد:

«إِنْ ظَهَرَتْ كُدُورَةٌ بَيْنَكُمْ فَانْظُرُونِي أَمَامَ وُجُوهِكُمْ وَغَضُّوا الْبَصَرَ عَمَّا ظَهَرَ خَالِصاً لَوَجْهِهِ وَحُبّاً لِأَمْرِی الْمَشْرِقِ الْمُنِيرِ. إِنَّا نَحِبُّ أَنْ نَرِيكُمْ فِي كُلِّ الْأَحْيَانِ فِي جَنَّةِ رِضَائِي بِالرُّوحِ وَالرِّيحَانِ وَنَجِدَ مِنْكُمْ عَرَفَ الْأَلْفَةِ وَالْوُدَادِ وَالْمَحَبَّةِ وَالْإِتِّحَادِ. كَذَلِكَ يَنْصَحُكُمْ الْعَالِمُ الْأَمِينُ. إِنَّا نَكُونُ بَيْنَكُمْ فِي كُلِّ الْأَوَانِ إِذَا وَجَدْنَا عَرَفَ الْوُدَادِ نَفْرَحُ وَلَا نَحِبُّ أَنْ نَجِدَ سِوَاهُ يَشْهَدُ بِذَلِكَ كُلُّ عَارِفٍ بِصِيرٍ» (۳۶)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: اگر کدورتی بین شماها روی داد، بلادرنگ مراد در جلوی چشمانتان مجسم نمایید و به من بنگرید، به خاطر رضای من و به خاطر محبتی که به امر من دارید، از آنچه روی داده بگذرید و فراموشش نمایید. دوست داریم شماها همیشه با روح و ریحان در بهشت رضا باشید. دوست داریم بوی خوش محبت و وداد و الفت و اتحاد را از شما بیابیم. این چنین نصیحت می کند شما را عالم امین. ما در بین شما خواهیم بود و در تمام لحظات هنگامی که بوی اتحاد را بیابیم شادمان می گردیم و جز این را دوست نداریم. برآستی که هر عارف بصیری گواه این امر است.)

یک هماهنگ کننده مجرب می داند که حفظ وحدت وقتی آسانتر است که همگی از اهمیت کاری که باید انجام شود و از اهداف والایی که باید کسب نمایند باخبر باشند. وقتی چنین تفاهمی وجود داشته باشد، افراد برای گذشتن از علائق خود و از خود گذشتگی برای انجام وظایفی که برعهده دارند، مشکل کمتری خواهند داشت. لحظه ای مکث کنید و بیندیشید. آیا امکان دارد به هیچ یک از دلایل زیر به پروژه تبلیغی که مقدر است شادی حاصل از شناخت حضرت بهاءالله را به دهها نفر از نفوس منتظر آن برساند، صدمه بزنید؟

- به این دلیل که می خواهید طی اجرای نقشه تبلیغی هر روز به موسیقی مورد علاقه خود گوش کنید.

- به این دلیل که غذا مورد علاقه تان نیست.

- به این دلیل که دوست دارید صبحها دیر بیدار شوید.

- به این دلیل که آرامش خود را از هر چیز بالاتر می دانید.

- به این دلیل که احساس می کنید گروه باید مطابق روش تبلیغ مطلوب شما عمل کند.

قسمت بیست و نهم

ایده دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد این است که این پروژه‌های فشرده فرصتی برای استراحت و تفریح نیست. بلکه ساعات طولانی کار سخت و در عین حال شادی آفرین را می‌طلبد. در مورد اینکه تفریح در عالم شامل چه چیزهایی است، تصورات غلطی وجود دارد. بعضی از مردم طوری عمل می‌کنند که گویی هدف اساسی زندگی تفریح است و تفریح را هم در سرگرمیهای سطحی می‌بینند. چنین تفریحی چگونه می‌تواند قابل مقایسه باشد با شادی حاصل از سهیم شدن پیام حضرت بهاءالله با دیگران، یا با مشاهده متعالی شدن آنها به واسطه روح امرالهی و مشاهده رشد روحانی و افزایش تعداد افراد جامعه بهایی. اگر در یک پروژه تبلیغی میل به راحتی و خودخواهی افزایش یابد، با یاد حضرت عبدالبهاء، مثل اعلای دیانت بهایی و کوششهای خستگی ناپذیر آن حضرت در اعلاء امرالله بر این احساس غلبه خواهیم کرد. در این قسمت بعضی از بیانات مبارکه را مطالعه می‌کنیم:

«بر اثر اقدام حضرت عبدالبهاء و در سبیل رضای جمال اقدس ابهی مشی
نمایید و در هر دمی آرزوی انفاق جان کنید. چون شمس بدرخشید و چون دریا
به جوش و خروش آید و مانند سحاب سماوی، بر کوه و صحرا ببارید و بمثابه
نسیم بهاری اشجار هیاکل انسانی را تازگی و طراوت بخشید تا شکفته
گردند.» (۳۷)

«بدین معنی که انسان باید در خدا فانی شود. باید خواهشهای نفسانی خود را
فراموش کند تا به مقام فدا رسد. به درجه‌ای رسد که اگر می‌خواهد، به منظور
لذت نباشد بلکه جسم خود را راحت دهد که بهتر کار کند و بهتر صحبت کند و
زیباتر آیات الهی را شرح دهد، بهتر خدمت بندگان حق کند و حقایق را ثابت
کند. وقتی بیدار است باید هشیار باشد، خدمت به امرالله کند و مقام خود را
فدای حق کند. اگر به این مقام رسید تأییدات روح القدس حتماً شامل حالش
خواهد شد و هر فردی با این قوت می‌تواند مقاومت کل من علی الارض را کند.» (۳۸) (ترجمه)

«امید از فضل ایزد متعال و محیی امم اینکه دقیقه‌ای راحت نجویی بلکه
مستمرأ مانند نبض در هیکل عالم انسانی نباض باشی و روح حیات در نفوس
بدمی و مردم را به اوج ملکوت رسانی.» (۳۹)

«این نفوس شب و روز آرام نگیرند و آرام نبینند و فراغت نجویند، در مضجع راحت نیارمند، آسوده ننشینند، آلوده نگردند، اوقات را صرف نشر نفحات الله کنند و از زمان را وقف اعلاء کلمة الله و جوهشان مستبشر است و قلوبشان منشرح فؤادشان ملهم است و بنیادشان بر اساس اقوم. در ارجاء عالم منتشر گردند و در بین امم متفرق، در هر محفلی در آیند و در هر انجمنی مجمع بیاریند به هر لسانی تکلم نمایند و هر معنی تفهیم کنند اسرار الهی کشف نمایند و آثار رحمانی نشر کنند چون شمع در شبستان هر جمع برافروزند و چون ستاره صبحگاهی بر جمیع آفاق بدرخشند نفحات حدائق قلوبشان چون نسائم سحرگاهی آفاق قلوب را معطر نماید و فیوضات عقولشان چون باران بهاری هر اقلیمی را مخضر کند.» (۴۰)

قسمت سی ام

مسأله مهم دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد این است که هنگام شرکت در یک پروژه تبلیغی به آداب و رسوم مردمی که با آنان ارتباط می یابیم احترام بگذاریم. بعضی از پروژه ها که شرکت می کنید در جوامعی تمرکز خواهد داشت که فرهنگشان مانند فرهنگ شما است. اما باید منتظر فرصت تبلیغ در میان کسانی باشید که فرهنگهای متفاوتی نسبت به شما داشته باشند. در این موارد بسیار مهم است که شما به فرهنگهای مختلف مردمی که به آنها خدمت می کنید احترام خالصانه داشته و آنها را تحسین کنید.

موضوع فرهنگ بسیار پیچیده است و در اینجا نمی توان وارد بحث عمیقی در تحلیل آن شد، برای اهداف این بخش توجه شما را به دو نکته جلب می کنیم:

نکته اول مربوط به چگونگی عکس العمل فرد نسبت به عناصر گوناگون فرهنگ است. هر فرهنگ شامل عناصری قابل تحسین است و همچنین عناصری که بهتر است دور افکنده شوند و جنبه هایی از تمام فرهنگها وجود دارد که نه خوب است و نه بد. این موارد نشان دهنده تنوع روشهایی هستند که می تواند بررسی شود، درک شود، بیان شود و انجام گردد. البته از نظر یک بهایی معیار درستی و نادرستی امور، ظهور مبارک حضرت بهاء الله است. مثلاً اگر بعضی از مردمان زنان را پست تر از مردان بدانند این موضوع برای یک بهایی به عنوان فرهنگ قابل قبول نخواهد بود. این یکی از جنبه های آن فرهنگ خاص است که باید به نور تعالیم حضرت بهاء الله تغییر یابد. از طرف دیگر، در صورتی که فرهنگی بر پرورش روحیه همکاری و احساس وحدت تأکید بسیار دارد، باید تأیید و

تشویق گردد.

بطور کلی، تشخیص عناصری از یک فرهنگ که موافق یا مخالف تعالیم حضرت بهاءالله باشد مشکل نیست. اما مواضع فرهنگی وقتی پیچیده‌تر می‌شوند که عناصر موردنظر به راحتی در یک یا چند مقوله معین قرار نگیرند. مثلاً تنوع موسیقی را در سراسر جهان در نظر بگیرید. از آثار مقدسه بهایی می‌دانیم که موسیقی روح انسان را تعالی می‌بخشد. واضح است آهنگی که باعث برانگیختن طبیعت پست انسانی است مورد قبول نیست و شرکت کنندگان در یک پروژه تبلیغی مطمئناً گوش نخواهند کرد. اما گذشته از اینها انواع گوناگونی از موسیقی در فرهنگهای گوناگون رونق گرفته است و اغلب اوقات افراد مجذوب موسیقی خود هستند. در این مورد معیار واضح برای شما احترام به علائق و عدم علائق کسانی است که در میان آنها مشغول به تبلیغ هستید. مقصد از پروژه تبلیغی رساندن پیام حضرت بهاءالله به آنها است؛ قرار بر این نیست که سلیقه‌های خود را بر آنان تحمیل کنید.

عنصر خاص هر فرهنگی درک افراد از ادب و مؤدب بودن است. وقتی ظرافتهای ادب درک نشود، به آسانی موجب رنجش دیگران شده و گاهی ناخواسته به آنان صدمه می‌زند. شوخ طبعی هم که رابطه نزدیکی با ادب دارد از مواردی است که از حساسیت بسیار برخوردار است. راجع به شوخ طبعی یک نکته اساسی وجود دارد که اگر رعایت شود بسیاری از رنجشها و ناراحتی‌ها پیش نمی‌آید. تمام شوخی‌هایی را که به نوعی افراد یک قوم، نژاد، یا ملیت را تحقیر می‌کنند رها کنید و همه شوخی‌هایی را که عدم تساوی بین زنان و مردان یا تعارض بین آنها را مطرح می‌کند از گفتگوی خود حذف نمایید. واقعاً هیچ چیز خوشایندی در این شوخی‌ها و گفتگوها وجود ندارد؛ بهترین آنها باقیمانده‌های دوران کودکی بشر است که باید به دور انداخته شود.

نکته دوم که هنگام حضور در فرهنگهای دیگر باید در نظر داشت این است که روابط متقابل با فرهنگهای گوناگون بانگش و رفتار درست در حقیقت تجربه بسیار لذت بخشی است. همه ما علاقه‌مند به شنیدن موسیقی سایر ملل و آموختن آداب و سنن ناآشنای آنها هستیم. فرهنگ ملل از طریق تعامل قابل تغییر است؛ آنان اشیاء موزه نیستند که ثابت باقی بمانند و مورد بازدید ناظران کنجکاو قرار گیرند.

بنابر این تعامل فرهنگها پدیده‌ای است که بطور طبیعی صورت می‌گیرد. مشکل وقتی پیش می‌آید که یک گروه، فرهنگ خود را آنقدر برتر می‌داند که تصمیم می‌گیرد با خشونت آن را انتشار دهد و بقیه فرهنگها را محو نماید. وقتی مشغول تبلیغ گروهی از مردم هستیم که فرهنگشان با ما متفاوت است، باید متوجه این خطر باشیم و بدانیم که همه مردمان می‌توانند مستقیم در جهت تعالیم حضرت بهاءالله سیر نمایند، بدون اینکه لازم باشد از فرهنگ ما پیروی کنند. عقاید زیر در این مورد می‌تواند مفید واقع شود.

ملل مختلف عالم را می‌توان چون نقاطی در نظر گرفت که در سطح خارجی یک کره پراکنده‌اند که در مرکز و هسته اصلی آن حضرت بهاء‌الله قرار دارند. نیروهایی در عالم وجود دارند که می‌کوشند همه نقاط را به یک قطب بکشانند و به ادعای خود در فرهنگی جهانی گیردهم آورند. اما وقتی این اتفاق می‌افتد این نقاط از یک جا در سطح کره به جای دیگر حرکت می‌کنند اما فاصله آنها از مرکز یا فاصله‌شان از حضرت بهاء‌الله تغییر نمی‌کند. از سوی دیگر، اگر هر یک از این نقاط، یعنی این ملل و اقوام اجازه یابند مسیر مستقیم خویش را به سوی تعالیم حضرت بهاء‌الله طی کنند، بطور طبیعی به هم نزدیکتر می‌شوند. فرهنگهای آنها تغییر خواهد کرد و همچنانکه در ظهور تمدنی جهانی شرکت می‌کنند غنای تازه‌ای می‌یابند.

قسمت سی و یکم

یکی از راههای بررسی خصوصیات پروژه تبلیغی مورد نظر ما تقسیم آن به چند قسمت زمانی است، که هر کدام به مجموعه خاصی از فعالیتها اختصاص یافته است. طی هر دوره، شرکت کنندگان در پروژه با کمک هماهنگ کننده، از شیوه‌هایی پیروی می‌کنند که توسط تشکیلات مسؤول پروژه تعیین گردیده است. این شیوه‌های عمل الزاماً تنها راه انجام امور نیست، اما یک شرکت کننده بالغ می‌داند که چگونه از سلیقه‌ها و عاداتهای خود بگذرد تا تحرک و پویایی امور گروه بخوبی پیش رود. اولین قسمت زمان ساعات اولیه صبح است. معمولاً مردم می‌توانند شب هر زمان که می‌خواهند بخوابند و صبح هر وقت راحت بودند بیدار شوند. اما بیشتر هماهنگ کننده‌ها از شرکت کنندگان می‌خواهند صبح زود کار را شروع کنند زیرا تجربه نشان داده که به این ترتیب کارایی روزانه به میزان زیادی افزایش می‌یابد. یکی از دلایل این است که معمولاً اکثر افرادی که این پروژه تبلیغی در میان آنها صورت می‌گیرد سحر خیز هستند.

البته حدود یک ساعت اول صبح برای کارهای شخصی است. احترام و ملاحظه‌ای که افراد گروه نسبت به یکدیگر در این مدت مجری می‌دارند تا حدود زیادی روابط متقابل آنها را در طول روز شکل می‌دهد. به غیر از زمانی که باید صرف شستشو و لباس پوشیدن و مرتب کردن وسایل شخصی شود این یکی دو ساعت شامل اوقاتی است که هر کس به خدا توجه نموده و در خلوت با او راز و نیاز می‌نماید. این اوقات مخصوص تعق و تفکر در باره نعمتهای لایهای مستمر الهی و آمادگی برای دریافت سهم روزانه خویش از این نعمات می‌باشد. این زمانی است که باید در گوشه‌ای بنشینیم و به دعا و مناجات و تفکر مشغول شویم و او را با شور و اشتیاق زیاد شکر کنیم و بخواهیم که کوششهای ما را هر چند که جزیی باشد در آستان مقدس خویش بپذیرد، و به تأییدات خود موقت بدارد. چه با ارزش است به یاد آوردن ادعیه صبحگاهی.

«رَبِّ إِنَّ طَيْرًا كَلِيلَ الْجَنَاحِ أَرَادَ أَنْ يَطِيرَ فِي هَذَا الْفَضَاءِ الَّذِي لَا يَتَنَاهَى فَكَيْفَ
يَكُونُ هَذَا إِلَّا بِعَوْنِكَ وَعِنَايَتِكَ وَتَأْيِيدِكَ وَتَوْفِيقِكَ» (٤١)

«أَسْأَلُكَ بِمَصْدَرِ وَحْيِكَ وَمَظْلَعِ آيَاتِكَ بِأَنْ تَجْعَلَ قَلْبِي إِنْاءَ حُبِّكَ وَذِكْرِكَ. ثُمَّ
أَجْعَلْهُ مُتَّصِلًا بِبَحْرِكَ الْأَعْظَمِ لِيَجْرِيَ مِنْهُ فُرَاتُ حِكْمَتِكَ وَأَنْهَارُ ذِكْرِكَ وَ
ثَنَائِكَ» (٤٢)

«أَيُّ رَبِّ قَوْ قُلُوبِ أَحِبَّائِكَ لِئَلَّا تَخَوْفَهُمْ جُنُودُ الَّذِينَ أَعْرَضُوا عَنْكَ لِيَتَّبِعُوكَ فِي
مَا ظَهَرَ مِنْ عِنْدِكَ وَأَيِّدْهُمْ عَلَى ذِكْرِكَ وَثَنَائِكَ وَتَبْلِغِ أَمْرِكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْبَيَانِ،
إِنَّكَ أَنْتَ سَمَّيْتَ نَفْسَكَ بِالرَّحْمَنِ» (٤٣)

«أَيِّدْنَا عَلَى عُبودِيَّةِ عَتَبَةِ قُدْسِكَ وَوَفِّقْنَا عَلَى عِبَادَتِكَ فِي مَشَارِقِ ذِكْرِكَ وَقَدِيرِ
لَنَا نَشْرَ نَفَحَاتِ قُدْسِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ وَأَشْدُدْ أَرْوَرَنَا عَلَى خِدْمَتِكَ بَيْنَ عِبَادِكَ حَتَّى
نَهْدِي الْأَمَمَ إِلَى أَسْمِكَ الْأَعْظَمِ وَنَسُوقَ الْمِلَلَ إِلَى شَاطِئِ بَحْرِ أَحَدِيَّتِكَ
الْأَكْرَمِ» (٤٤)

«إِلَهِي إِلَهِي تَرَى ضَعْفِي وَذُلِّي وَهَوَانِي بَيْنَ خَلْقِكَ مَعَ ذَلِكَ تَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ وَ
قُمْتُ عَلَى تَرْوِيجِ تَعَالِيْمِكَ بَيْنَ عِبَادِكَ الْأَقْوِيَاءِ مُعْتَمِدًا عَلَى حَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ» (٤٥)

«إِلَهِي إِلَهِي تَرَانِي مَعَ ذُلِّي وَعَدَمِ اسْتِعْدَادِي وَأَقْتِدَارِي مُهْتَمًّا بِعِظَائِمِ الْأُمُورِ
قَاصِدًا لِإِعْلَاءِ كَلِمَتِكَ بَيْنَ الْجُمْهُورِ نَادِيًا لِنَشْرِ تَعَالِيْمِكَ بَيْنَ الْعُمُومِ وَأَنِّي أَتَوَفَّقُ
بِهَذَا الْآنَ يُؤَيِّدُنِي نَفَثَاتُ رُوحِ الْقُدْسِ وَيَنْصُرُنِي جُنُودُ مَلَكُوتِكَ الْأَعْلَى وَتُحِيطُ
بِي تَوْفِيقَاتُكَ الَّتِي تَجْعَلُ الذُّبَابَ عُقَابًا وَالْقَطْرَةَ بُحُورًا وَأَنْهَارًا وَالذَّرَاتِ شُمُوسًا
وَأَنْوَارًا» (٤٦)

«رَبِّ إِنِّي ضَعِيفٌ قَوْنِي بِقُدْرَتِكَ وَسُلْطَانِيكَ وَكَلِيلُ الْبَلْسَانِ أَنْطِقْنِي بِذِكْرِكَ وَ
ثَنَائِكَ وَذَلِيلُ عَزِّزْنِي بِالْإِدْخُولِ فِي مَلَكُوتِكَ وَبَعِيدُ قَرْبَنِي بِعَتَبَةِ رَحْمَانِيَّتِكَ» (٤٧)

«رَبِّ لَوْ تَوَيْدُ بِنَفَثَاتِ الرُّوحِ أَعْجَزَ الْوَرَى لَبَلَغَ الْمُنَى وَتَصَرَّفَ كَيْفَ يَشَاءُ» (٤٨)

«رَبِّ أَنْبِثْ فِي بِلَادِكَ نَفُوساً خَاضِعَةً خَاشِعَةً مُنَوَّرَةً أَلُوجُوهُ بِأَنْوَارِ الْهُدَى مُنْقَطِعَةً عَنِ الدُّنْيَا نَاطِقَةً بِالذِّكْرِ وَالْثَنَاءِ نَاشِرَةً لِنَفَحَاتِ قُدْسِكَ بَيْنَ الْوَرَى»
(۴۹)

«إِلَهِي إِلَهِي أُمْنَايَ امْرَأَتِ رَا بَا دَلِي مَمْلُوْازِ مَحَبَّتِ وَ مِهْرِ مَبْعُوثِ فَرَمَا. اَيْنِ بِنْدِگَانِ رَا بَه اَنْتِشَارِ نُوْرِ هِدَايَتِ اَز مَلَاءِ اَعْلَى بَيْنِ اَهْلِ اَرْضِ مَوْفَقِ بَدَارِ.» (۵۰)

«خدایا محبتان کویت تشنه تواند به سرچشمه فضل و عنایت خویش هدایت فرما. خدایا گرسنه اند خوان نعمت خویش بر آنان فرو فرست. خدایا برهنه اند لباس علم و دانش بر آنان بپوشان» (۵۱)

«ای خداوند بیهمتا ای رب الملکوت این نفوس سپاه آسمانی تواند امداد فرما و به جنود ملأ اعلیٰ نصرت کن تا هر یک نظیر اردویی شوند و آن ممالک را به محبت الله و نورانیت تعالیم الهی فتح کنند.» (۵۲)

علاوه بر دعا و مناجات و تفکر انفرادی، هماهنگ کننده جلسات دعا برای کل گروه تشکیل می دهد. و بالطبع برخی از اعضا وظیفه آماده ساختن غذا و پذیرایی برای صبحانه را بر عهده دارند. این کار باید به وسیله اعضا با تمام وجود قبول و با محبت اجرا شود، زیرا محبت الهی با محبت به بندگان او اثبات می شود؛ هر عمل کوچک که با محبت انجام شود تأثیری فوق العاده نموده و قادر به فعال ساختن گروهی از نفوس فداکار است که با شور و شوق زیاد با اتحاد با یکدیگر کار کنند.

قسمت سی و دوم

دومین قسمت، زمان مخصوص تزئید معارف افراد گروه است. این فعالیت حیاتی است و غفلت از آن از تأثیر پروژه می کاهد. مبلغ باید در رابطه با نیروهای روحانی که سبب تقلیب نفوس است، باشد. برای نیل به این حالت لازم است که دل و جان مبلغ با نیروی کلام الهی به ارتعاش آید. یک هماهنگ کننده مجرب پیوسته آماده است تا نظر جمع را به قسمتهایی از آثار مبارکه که در زمینه فعالیت روزانه می باشد، جلب کند. از حفظ نمودن این بیانات مبارکه چون مائده آسمانی برای تغذیه روحانی شرکت کنندگان ضروری است و فضای روحانی پروژه تبلیغی را حفظ می کند. به عنوان یک تمرین، می توانید قسمتهایی از آثار مبارکه را بیابید که مناسب تزئید معارف گروه در یک پروژه فشرده تبلیغی است.

سومین قسمت از زمان، مخصوص فعالیتهای پروژه تبلیغی است. همان طور که مکرراً گفتیم این فعالیتهای مطابق طبیعت هر طرح متفاوت است. به هر حال در تمام پروژههای تبلیغی این مدت زمان، مداوم، متمرکز و قاطع است. معمولاً بعد از قسمت تزئید معارف، گروه با کمک هماهنگ کننده در باره وظایف و چالشهای روزانه مشورت می کنند. این وقتی است که همه اعضا گروه قدرت تأییدات الهی را مشاهده نموده و تمام فکر و عمل خود را وقف انتقال پیام حیاتبخش حضرت بهاءالله به نفوس منتظر نمایند.

باید بخاطر داشت که مقصد از این پروژههای تبلیغی هرگز ثبت نام تعداد زیادی از افراد نیست. در اینجا چند فعالیت مربوط به هم وجود دارد که باید انجام شود. افراد مستعد را باید جستجو نمود. آنها باید مشغول گفتگویی هدفمند شده، کمک شوند تا حضرت بهاءالله را به عنوان مظهر ظهور الهی در این دوران بشناسند و در حصن میثاق الهی وارد شوند. مؤمنین مسجل جدید، مانند سایر اعضای جامعه بهایی محل، باید در منازلشان ملاقات شوند و مباحثی برای تزئید معلومات با آنها در میان گذاشته شود. برای ایجاد شور و حرارت لازم در اعضای جامعه بهایی محل برای تبلیغ و هماهنگ شدن آنها در برنامههای پروژه تبلیغی از هیچ کوششی نباید فروگذار شود. با پیشنهاد کلاسهای روزانه اخلاق برای کودکان باید توجه خاص به آنان معطوف گردد. همچنین رؤسای امور محل باید ملاقات شوند و با اهداف و مقاصد امر مبارک آشنا گردند.

روشهای عملی تبلیغ می توانند در سطوح رسمی متفاوتی قرار گیرند، برای مثال می توان کاملاً برعهده هر یک از مبلغین گذاشت که هر گونه بخواهند مردم را ملاقات کنند. امر مبارک را معرفی نموده و حقایق اساسی را برای آنها شرح دهند. در عین حال در یک پروژه تبلیغی می توان از برنامه رسمی تری استفاده نمود. مثلاً برنامه ریزان یک پروژه تبلیغی با تشکیل کلاسهای چندساعته که پنج روز متوالی برگزار شد شیوه ای رسمی تر برای ثبت نام افراد به کار بردند. موضوعات انتخابی برای این کلاسها عبارتند از: روز اول، طبیعت انسان و حیات روح؛ روز دوم، نیروی دعا و مناجات؛ روز سوم، خدا و مظاهر ظهور؛ روز چهارم، عهد و میثاق حضرت بهاءالله و روز پنجم، جامعه بهایی. روز ششم یک جلسه الفت تشکیل می شود. تا این زمان بسیاری از شرکت کنندگان در کلاس منقلب خواهند شد و اقبال خود را به حضرت بهاءالله اعلان خواهند نمود و به عضویت جامعه در می آیند.

با اینکه فعالیتهای این دوره باید با سرعت و فوریت انجام شود، باید به خاطر داشته باشیم که تبلیغ نفوس مستعد نمی تواند با تعجیل و سطحی صورت گیرد. حتی وقتی که افراد به سرعت امر الهی را می پذیرند باز هم نیازمندند که طی دوره پروژه ملاقات شوند تا مبنای مستحکمی را برای پیشرفتهای آینده شان به عنوان یک بهایی بیابند. از رازهایی که هر مبلغ مجرب یاد گرفته این است که

مؤمنین، چه مستجلبین جدید و چه اعضای قبلی جامعه بهایی همگی وقتی که در تبلیغ دوستان یا اعضای خانواده خود شرکت می کنند تأیید بیشتری شامل حالشان است، آنها ابتدا با کمک مبلغین سیار و سپس بتدریج می توانند مستقلاً اقدام نمایند. به تجربه ثابت شده که اگر از کسانی که تصدیق امر را نموده اند اسامی اعضای دیگر فامیلشان را که ممکن است مشتاق دریافت بشارت ظهور موعود کل اعصار باشند، ببرسیم، تأثیر بسیار زیادی دارد، و بعد با هم برای رفتن به ملاقات آنها برنامه ریزی کنیم.

قسمت سی و چهارم

آخرین قسمت زمان، ساعات عصر است. هر هماهنگ کننده مجرب می داند که اوقات عصر در یک پروژه تبلیغی ثمربخش ترین زمان است و باید کاملاً مورد استفاده قرار گیرد. گاهی اوقات جلسات عمومی بزرگ برای تمام اهل روستا یا شهر در این زمان تشکیل می شود. در این جلسات سخنرانیهایی که از قبل آماده شده ایراد می شود، و موسیقی، قطعات فکاهی و نمایش اجرا می گردد. کوششی متمرکز انجام می شود تا احساس شور و نشاط و وحدت ایجاد شود. در مواردی هم، با جلسات کوچکتر و کلاسهای رسمی تر می توان به همان نتیجه رسید.

این مهم است که شرکت کنندگان در پروژه تبلیغی در برنامه های عصر به صورت فعال شرکت کنند. این زمانی نیست که استراحت کنند یا دور هم جمع شوند. آنها باید هشبار و مهمان نواز باشند و مطمئن باشند که همه افراد از کوچک و بزرگ احساس راحتی و خوشی دارند، تک تکشان مورد توجه قرار گرفته و برای تمام سؤالات پاسخ مناسب داده شده است.

با این اجتماع، کار روزانه به پایان می رسد. اما، قبل از اینکه شرکت کنندگان استراحت کنند یک فعالیت دیگر هم باید انجام شود. ضروری است اعضای گروه یک جلسه نهایی داشته باشند تا تجارب روز را مورد بحث قرار دهند. باید بخاطر داشت که موفقیت مداوم در امر تبلیغ بستگی به وسعت دید ما به آن بانگرش یادگیری دارد. بحثهای این جلسه آخر باید به دور از احساس ضعف و یا غرور باشد. وظیفه این است که دروس آموخته شده در طی روز را با روحیه خضوع با هم در میان بگذاریم.

قسمت سی و پنجم

این توصیف کوتاه از یک نوع پروژه تبلیغی، که معمولاً در جمعیت های بسیار مستعد اجرا می شود، بررسی ما را از عمل تبلیغ، هم به عنوان یک ابتکار شخصی و هم یک کوشش جمعی،

به پایان می‌برد. در تفکر راجع به این دو شما باید بدانید که اصول روحانی حاصل در هر دو یکی است. ولکن فرایند تسجیل چند نفر از دوستان در جامعه بهایی، با قبولاندن امر به هزاران نفر از ساکنین یک منطقه متفاوت است. یک مقایسه ساده به روشن شدن این مطلب کمک می‌کند. اصول حاکم بر رشد گیاهان در یک باغچه و یک مزرعه صدها هکتاری یکی است. اما مراقبت از چند گل و گیاه در یک باغچه خانگی با کشاورزی در یک زمین وسیع، تفاوت زیادی دارد.

وقتی دوستانی دارید که تسجیل شده‌اند، سعی می‌کنید هر کدام را طبق نقشه فردی خود پرورش دهید. برای ایشان صرف وقت می‌کنید، معارف آنها را عمیق می‌کنید تا اینکه حامیان پرشور امر مبارک شده در پیشرفت آن فعال شوند. همینطور وقتی که تشکیلات برای یک گروه مستعد پروژه‌ای تبلیغی سازمان دهی می‌کنند، اگر پیام الهی خوب و با شوق و شور ارائه شود و نقشه‌ها به نحوی تهیه شود که موجب تزئید معارف مؤمنین جدید شوند در صد زیادی از آنان به سرعت امر حضرت بهاءالله را قبول می‌کنند. اما حالا برای تعداد کمی از مبلغین دیگر امکان ندارد که برای تزئید معارف صدها نفر از کسانی که به آنها کمک کرده‌اند تا ایمان بیاورند، اقدام کنند و مؤمنین توانا از میان این افراد باید تعلیم ببینند تا این کار را و همچنین وظایف دیگری که در ارتباط با جوامعی که سریعاً در حال توسعه هستند، انجام دهند. در قلب این نقشه مؤسسات آموزشی قرار دارند. در این مورد بیت العدل اعظم الهی می‌فرماید:

«با رشد تعداد مسجّلین، آشکار شده است که چنین دوره‌های پراکنده آموزشی و فعالیت‌های غیررسمی حیات جامعه، اگرچه اهمیت دارد، اما به عنوان وسیله‌ای برای توسعه منابع انسانی کافی نیست، زیرا فعالیت آنها فقط به گروه نسبتاً کوچکی از حامیان فعال امرالله منتج شده است. این احباء هر قدر که مخلص و خدوم باشند، هر قدر مشتاق ایثار و فداکاری باشند، نمی‌توانند نیازهای صدها جوامع نوپای محلی را رفع نمایند، چه رسد به هزارها جامعه. تشکیلات بهایی به تعلیم تعداد بارزی از احباء و مساعدت آنان در خدمت به امر الهی طبق قابلیت‌ها و استعدادهای خداداده آنها، توجه منظم مبذول داشته‌اند. توسعه منابع انسانی در سطحی وسیع مستلزم آن است که به تأسیس مؤسسات آموزشی توجهی جدید مبذول گردد. در بسیاری از مناطق، ایجاد مؤسسات به عنوان ساختارهای سازمانی مختص آموزش سیستماتیک از الزم امور شده است. هدف از چنین آموزشی عبارت از بهره‌مند ساختن گروه‌های دائم التزاید احباء از بینشهای روحانی، دانش و مهارت‌های مورد لزوم برای اجرای وظایف کثیره توسعه و تحکیم شتاب یافته، از جمله تبلیغ و تزئید معارف تعداد کثیری از نفوس، بزرگسالان، جوانان و اطفال است. بهترین راه

حصول این هدف، برنامه‌های کاملاً سازمان یافته و رسمی متشکل از دوره‌هایی است که به نحوی متناسب برنامه آموزشی در نظر گرفته شده را اجرا نمایند.» (۵۳)

بنا بر این آشکار است که شرکت در دوره‌های مؤسسه، به صورت متعلم یا معلم، دارای اهمیتی اساسی است. بیت العدل اعظم در پیامی خطاب به امریکای لاتین و کارائیب این گونه هدایت می‌فرماید:

«نقشه‌های متمرکز بر این مناطقی که در آن توسعه وسیعی صورت می‌گیرد الزاماً در پی بسیج تعداد قابل توجهی از مؤمنان در هر جمعیت است که نه تنها در جوامع خود با جدیت به فعالیت تبلیغی مشغولند، بلکه مهاجران کوتاه مدت و بلند مدت و مبلغان سیار در جاهای دیگر را هم در بر می‌گیرد. برنامه‌های آموزشی، که با بسیاری از آنها جوامع شما تجربه قابل توجهی دارند، قویترین وسیله برای اجرای چنین بسیج همگانی هستند. بنا بر این ما از شما می‌خواهیم تا فعالیت مؤسسات آموزشی را در کشورهایتان حمایت نمایید، که افراد مجرب تر در بین شما در کمال سخاوت وقت خود را به عنوان تعلیم صرف نمایند تا در سه‌جا در سطحی گسترده و بطور مداوم عرضه شود. همچنانکه از طریق این برنامه‌ها دانش و مهارت بیشتر کسب می‌کنید، شما قادر خواهید شد مستمر این تجارب را با شور و شوق در عمل به کار برید و برای به عهده گرفتن مسئولیتهای گوناگونی قیام کنید که توسعه سریع و استحکام امر مبارک را می‌طلبد.» (۵۴)

شرکت در دوره‌های مؤسسه آموزشی مطمئناً موجب سرور بسیار شما خواهد بود زیرا می‌دانید که به ندای بیت العدل اعظم پاسخ داده‌اید. همچنین خوشحال خواهید شد بدانید که کتاب بعدی مؤسسه روحی برای آموزش راهنماهای شش کتاب اول طراحی شده است. بعد از مطالعه آن قابلیت شما در تشکیل گروههای مطالعه نه فقط در روستا یا شهر خود بلکه در مناطق مجاور نیز زیاده‌تر خواهد شد. اما اکنون وظیفه فعلی شما به کار بردن آن چیزی است که در این کتاب آموخته‌اید، که با داوطلب شدن و شرکت در پروژه‌های تبلیغی در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی و با اجرای نقشه تبلیغی فردی خودتان ممکن می‌گردد.

منابع

- ۱ - از پیام نوروز ۱۹۷۴ بیت العدل اعظم الهی در مجموعه «تبلیغ دیانت بهایی» تهیه شده از طرف دارالانشاء بیت العدل اعظم. مطبوعات امری استرالیا، ۱۹۹۵، شماره ۳۱۲، ص ۱۶۰
- ۲ - حضرت ولی امرالله - کتاب ظهور عدل الهی (مطبوعات امری ویلمت، ۱۹۹۰)، صص ۱۰۱ و ۱۰۲
- ۳ - حضرت بهاءالله - کتاب اقدس، ص ۳
- ۴ - پیامهای بیت العدل اعظم، **Wellspring of Guidance** ۱۹۶۸ - ۱۹۶۳ (مطبوعات امری ویلمت، ۱۹۷۶)، ص ۳۲
- ۵ - منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله (مطبوعات امری ویلمت، ۱۹۸۳)، شماره ۱۲۰
- ۶ - حضرت بهاءالله (مطبوعات امری ویلمت، ۱۹۹۰) کلمات مکتونه عربی، فقره ۴
- ۷ - منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۴
- ۸ - کتاب باگوات گیتا ۴: ۸ - ۷
- ۹ - خطابات حضرت عبدالبهاء در پاریس ۱۹۱۲ - ۱۹۱۱ (مطبوعات امری لندن، ۱۹۹۵)، ص ۵۴
- ۱۰ - حضرت بهاءالله - لوح احمد
- ۱۱ - منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۴۵
- ۱۲ - حضرت باب - مجموعه مناجات، ص ۲۸
- ۱۳ - حضرت باب - مجموعه مناجات، ص ۲۹
- ۱۴ - حضرت بهاءالله - کتاب اقدس، ص ۳
- ۱۵ - حضرت بهاءالله - صلات صغیر
- ۱۶ - کلمات مکتونه فارسی، فقره ۴۴
- ۱۷ - کلمات مکتونه عربی، فقره ۱۳
- ۱۸ - الواح حضرت عبدالبهاء (لجنه مطبوعات امری شیکاگو، ۱۹۳۰)، جلد ۳، صص ۵۸۰ - ۵۷۹
- ۱۹ - حضرت عبدالبهاء - مجموعه مناجاتها (چاپ لانگنهاین، ۱۴۸ بدیع)، ص ۳۹
- ۲۰ - منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۱۲۹، ص ۱۷۹
- ۲۱ - حضرت ولی امرالله - کتاب ظهور عدل الهی، ص ۱۰۷
- ۲۲ - حضرت ولی امرالله - کتاب ظهور عدل الهی، صص ۱۰۸ - ۱۰۹
- ۲۳ - حضرت ولی امرالله - کتاب ظهور عدل الهی، ص ۱۰۹
- ۲۴ - حضرت ولی امرالله - کتاب ظهور عدل الهی، صص ۱۱۰ - ۱۰۹
- ۲۵ - حضرت ولی امرالله - کتاب ظهور عدل الهی، ص ۱۱۰

- ۲۶ - حضرت ولی امرالله - کتاب ظهور عدل الهی، صص ۱۱۱ - ۱۱۰
- ۲۷ - حضرت ولی امرالله - توابع منتخبه به احتیای شمال امریکا ۱۹۴۶ - ۱۹۳۲ (لجنه مطبوعات امری ویلمت، ۱۹۴۷)، صص ۵ - ۶
- ۲۸ - حضرت ولی امرالله - توابع منتخبه به احتیای شمال امریکا ۱۹۴۶ - ۱۹۳۲ (لجنه مطبوعات امری ویلمت، ۱۹۴۷)، ص ۷
- ۲۹ - حضرت ولی امرالله - توابع منتخبه با احتیای شمال امریکا ۱۹۴۶ - ۱۹۳۲ (لجنه مطبوعات امری ویلمت، ۱۹۴۷)، ص ۷۹
- ۳۰ - پیام نوروز بیت العدل اعظم الهی به بهائیان عالم، در مجموعه یدخلون فی دین الله افواجا، شماره ۳۲، ص ۳۴
- ۳۱ - پیام رضوان ۱۹۹۵ بیت العدل اعظم الهی خطاب به بهائیان عالم
- ۳۲ - پیام رضوان ۱۹۹۶ بیت العدل اعظم الهی خطاب به بهائیان عالم. در جزوه نقشه چهار ساله (مجموعه پیامهای بیت العدل اعظم) چاپ شده است، ص ۲۵
- ۳۳ - پیامهای بیت العدل اعظم، **Wellspring of Guidance** ۱۹۶۸ - ۱۹۶۳ (مطبوعات امری ویلمت، ۱۹۷۶)، صص ۳۱ - ۳۳
- ۳۴ - منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء (مطبوعات امری ویلمت، ۱۹۹۷)، شماره ۲۰۷
- ۳۵ - توقیعی که از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احتباء صادر شده است مورخ ۹ می ۱۹۳۳. چاپ نشده است.
- ۳۶ - منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۱۴۶
- ۳۷ - منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شماره ۲۰۰
- ۳۸ - الواح حضرت عبدالبهاء (مطبوعات امری شیکاگو، ۱۹۳۰)، جلد ۲، ص ۴۶۰
- ۳۹ - الواح حضرت عبدالبهاء، جلد ۳، ص ۷۲۷
- ۴۰ - منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شماره ۲۰۴
- ۴۱ - مناجات حضرت عبدالبهاء، فرامین تبلیغی، ص ۴۰
- ۴۲ - حضرت بهاءالله - کتاب مناجات، شماره ۴۰
- ۴۳ - حضرت بهاءالله - کتاب مناجات، شماره ۳۱
- ۴۴ - مناجات حضرت عبدالبهاء، ص ۶۱
- ۴۵ - مناجات حضرت عبدالبهاء، فرامین تبلیغی، ص ۹۱
- ۴۶ - مناجات حضرت عبدالبهاء، ص ۶۶
- ۴۷ - مناجات حضرت عبدالبهاء، فرامین تبلیغی، ص ۷۷
- ۴۸ - مناجات حضرت عبدالبهاء، فرامین تبلیغی، ص ۹۲

۴۹ - مجموعه مناجاتهای حضرت عبدالبهاء، شماره ۵۶

۵۰ - مناجات حضرت عبدالبهاء

۵۱ - مناجات حضرت عبدالبهاء

۵۲ - مجموعه مناجاتهای حضرت عبدالبهاء، شماره ۷۱

۵۳ - پیام ۲۶ دسامبر ۱۹۹۶ بیت العدل اعظم الهی خطاب به کنفرانس هیأت مشاورین قاره‌ای. در

جزوه نقشه چهار ساله (مجموعه پیامهای بیت العدل اعظم) چاپ شده است، ص ۷

۵۴ - پیام رضوان ۱۹۹۶ بیت العدل اعظم الهی خطاب به بهائیان جنوب امریکا و جزایر کارائیب. در

جزوه نقشه چهار ساله (مجموعه پیامهای بیت العدل اعظم) چاپ شده است، صص ۶۲ - ۶۳

